

AWARD

Cases Nos. A15 (IV) and A24  
Full Tribunal

پرونده های شماره الف-۱۵ (چهار) و الف-۲۴

هیئت عمومی دیوان

حکم شماره: هیئت عمومی-الف/۲۴/الف-۱۵ (چهار)-۶۰۲

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	
دیوان داوری دعاوی ایران ایالات متحده	
CASE NO:	A15 (IV) پرونده شماره:
FILING DATE:	- 2 JUL 2014
DOCUMENT NO:	2155
	تاریخ ثبت: ۱۳۹۳/۴/۱۱
	شماره سند:

جمهوری اسلامی ایران،  
خواهان،

و  
ایالات متحده آمریکا،  
خوانده.

حکم

حاضران

برای خواهان:

دکتر سیامک کرمزاده،  
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،  
دکتر م. جعفرزاده،  
رئیس مرکز امور حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران،  
آقای دیوید م. لیندزی،  
وکیل جمهوری اسلامی ایران،  
آقای جیمز هاسکینگ،  
وکیل جمهوری اسلامی ایران،  
خانم جنیفر گورسکی،  
وکیل جمهوری اسلامی ایران،  
آقای جرمی نیل،  
وکیل جمهوری اسلامی ایران،  
آقای محمدحسین زاهدین لباف،  
مشاور حقوقی نماینده رابط،  
آقای سیف الله محمدی،  
مشاور حقوقی نماینده رابط،  
آقای علی مخبرالصفاء،  
مشاور حقوقی نماینده رابط،  
آقای ح. ب. مهدوی،  
ناظر،  
آقای ا. خزائی،

ناظر،  
 آقای ا. فهیم دانش،  
 ناظر،

برای خواننده:

آقای جان جی. کیم،  
 نماینده رابط ایالات متحده آمریکا،  
 آقای پال اس. وایدنهايمر،  
 معاون نماینده رابط ایالات متحده آمریکا،  
 آقای هارولد هونگجو کو،  
 مشاور حقوقی، وزارت امور خارجه ایالات متحده،  
 خانم لیسا جی. گروش،  
 دستیار مشاور حقوقی، وزارت امور خارجه ایالات متحده،  
 آقای دیوید م. بیگی،  
 مشاور- وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،  
 خانم نیکل سی. ثورنتون،  
 مشاور- وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،  
 خانم سوزان ک. اولمن،  
 وکیل ارشد، بخش مدنی، شعبه برنامه‌های فدرال  
 وزارت دادگستری ایالات متحده،  
 آقای جفری سی. هنزرد، جونیور،  
 وکیل ایالات متحده،  
 آقای بروس ر. مکیر،  
 وکیل ایالات متحده،  
 خانم کاترین مورفی،  
 وزارت امور خارجه ایالات متحده،  
 آقای تئودور کیل،  
 مشاور- وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،  
 ناظر،  
 آقای دیوید پی. سالی،  
 مشاور- وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،  
 ناظر،  
 خانم ماری هنری لی،  
 ناظر  
 خانم تانیا سوخیجا  
 ناظر.

## فهرست مندرجات

بند	
۱	یک - مقدمه
۵	دو - مرحله نخست رسیدگی
۱۰	الف - پرونده شماره الف-۱۵ (چهار)
۱۰	۱- ادعای (الف)
۱۶	۲- ادعای (د)
۱۸	۳- ادعای (ز)
۲۰	۴- ادعای (ح)
۲۲	ب - پرونده شماره الف-۲۴
۲۴	سه - مرحله دوم رسیدگی
۲۴	الف - گردش کار
۳۱	ب - ماهیت
۳۲	۱- دامنه شمول تعهدات ایالات متحده مطابق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی
۳۳	الف) اظهارات طرفین
۳۵	ب) تصمیم دیوان
۳۶	۲- مفهوم "احتمالاً در صلاحیت دیوان [قرار دارد]"
۳۷	الف) اظهارات طرفین
۴۰	ب) تصمیم دیوان
۴۸	(۱) امیر کارپت کورپوریشن علیه ایران ایر و دیگران
۴۹	(۲) سید ام. راجی و دیگران علیه بانک سپه ایران و دیگران
۵۵	(۳) مک دائل دو گلاس کورپوریشن، علیه ایران و دیگران
۵۸	۳- نقض تعهد
۶۰	الف) ادعای (الف)
۶۳	(۱) "الزام معقول به دفاع محتاطانه از منافع"
۶۳	الف) اظهارات طرفین
۷۴	ب) تصمیم دیوان
۸۰	(۲) "حضور" یا "ثبت مدارک" در "هر دعوائی"
۸۰	الف) اظهارات طرفین
۸۲	ب) تصمیم دیوان
۸۵	(۳) نتیجه گیری کلی دیوان
۹۵	ب) ادعای (د)
۹۶	(۱) اظهارات طرفین
۹۸	(۲) تصمیم دیوان
۱۰۷	پ) ادعای (ز)
۱۰۸	(۱) مواضع طرفین
۱۱۱	(۲) تصمیم دیوان
۱۱۴	الف) گلف پورتر کریتینگ کامپنی علیه وزارت راه و ترابری
۱۱۶	ب) آتلانتیک ریچفیلد کامپنی و دیگران علیه شرکت نفت لاوان
۱۱۸	د) ادعای (ح)
۱۱۹	(۱) اظهارات طرفین
۱۲۱	(۲) تصمیم دیوان

- ۱۲۶ ..... (الف) دیمزاند مور علیه سازمان انرژی اتمی ایران و دیگران
- ۱۲۸ ..... (یک) اظهارات طرفین
- ۱۳۰ ..... (دو) تصمیم دیوان
- ..... (ب) ماریوت کورپوریشن و دیگران علیه راجرزاند ولز علیه
- ۱۳۲ ..... بنیاد پهلوی ایران و بنیاد علوی ایران
- ۱۳۶ ..... (یک) اظهارات طرفین
- ۱۳۷ ..... (دو) تصمیم دیوان
- ۱۴۱ ..... (ث) پرونده الف-۲۴
- ۱۴۳ ..... ۴- مخارج قابل جبران
- ۱۴۳ ..... الف) مخارج مطالبه شده ایران
- ۱۴۴ ..... ب) ادله: موضوعات کلی
- ۱۴۵ ..... (۱) بار اثبات ادعا و ضابطه ادله
- ۱۴۵ ..... الف) اظهارات طرفین
- ۱۴۷ ..... ب) تصمیم دیوان
- ۱۴۹ ..... (۲) ادله مربوط به شک اند کیمبال
- ۱۴۹ ..... الف) اظهارات طرفین
- ۱۵۳ ..... ب) تصمیم دیوان
- ۱۵۷ ..... پ) مستثنیات هزینه‌های قابل جبران به ادعای ایالات متحده
- ۱۵۸ ..... (۱) ادعاهایی که "احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار نداشت"
- ..... (۲) ادعاهای مربوط به قابلیت اجرای قید انتخاب مرجع رسیدگی
- ۱۶۰ ..... ادعای (ب) در پرونده الف-۱۵ (چهار))
- ۱۶۴ ..... الف) مک دائل دو گلاس کورپ. علیه ایران و دیگران
- ۱۶۵ ..... ب) وستینگهاوس الکترونیک کورپ. علیه ایران و دیگران
- ۱۶۷ ..... پ) ای سیستمز، اینک. علیه ایران و دیگران
- ..... (د) دیمزاند مور علیه سازمان انرژی اتمی ایران و دیگران ("پرونده دیمزاند مور")
- ..... تی.سی.اس.بی، اینک. علیه ایران و دیگران ("پرونده تی.سی.اس.بی")
- ۱۶۹ ..... تکنولوژی انترپرایز، اینک. علیه ایران ("پرونده تکنولوژی انترپرایز")
- ۱۷۱ ..... (۳) دعوای مصالحه شده توسط ایالات متحده و ایران به عنوان بخشی از ادعای (ج)
- ۱۷۳ ..... الف) اظهارات طرفین
- ۱۷۵ ..... ب) تصمیم دیوان
- ..... (۴) هزینه‌های متحمل در دادرسی دادگاه‌های ایالات متحده طی دوره شش ماهه
- ۱۷۷ ..... بعد از امضای بیانیه‌های الجزایر
- ..... (۵) هزینه‌های متحمل در دادرسی دادگاه ایالات متحده مربوط به اعتبار
- ۱۷۹ ..... بیانیه‌های الجزایر یا مطابقت آن با قانون اساسی وفق حقوق ایالات متحده
- ۱۸۰ ..... الف) اظهارات طرفین
- ۱۸۱ ..... ب) تصمیم دیوان
- ۱۸۲ ..... ت) ادعاهای تشریح شده در بند ۱۱ بیانیه عمومی
- ۱۸۴ ..... (۱) "احتمالاً در صلاحیت دیوان قرار" ندارد
- ۱۸۶ ..... (۲) ادعای مبتنی بر بند ۱۱
- ۱۹۰ ..... (ث) هزینه‌های ویژه دادرسی
- ۱۹۴ ..... (۱) ادعای (الف)
- ۱۹۶ ..... (۲) ادعای (د)

۲۰۲	..... (۳) ادعای (ز)
۲۰۳	..... (۴) ادعای (ح)
۲۰۵	..... (۵) هزینه‌های ویژه دادرسی مربوط به شک اند کیمبال
۲۰۹	..... (ج) هزینه‌های کلی دادرسی
۲۱۲	..... (۱) مخارج دادرسی های غیر قابل انتساب
۲۱۴	..... (۲) هزینه‌های نظارت
۲۱۵	..... (الف) قابلیت اصولی جبران خسارت
۲۱۵	..... (یک) اظهارات طرفین
۲۲۰	..... (دو) تصمیم دیوان
۲۲۴	..... (ب) ادله اثبات هزینه‌های نظارت
۲۲۷	..... (یک) شک اند کیمبال
۲۳۸	..... (دو) هفت مؤسسه حقوقی دیگر در ایالات متحده
۲۴۰	..... (سه) فعالیت‌های نظارتی دیگر
۲۴۲	..... (۳) هزینه‌های دفتر خدمات حقوقی بین المللی (B.I.L.S.)
۲۴۷	..... (ح) نکات پایانی
۲۵۵	..... ۵- سایر خسارات
۲۵۶	..... الف) بهرینگ اینترنشنال، اینک، علیه ایران و دیگران
۲۶۳	..... (۱) اظهارات طرفین
۲۶۵	..... (۲) تصمیم دیوان
۲۷۰	..... ب) ماریوت کورپ و دیگران علیه راجرز اند ولز علیه بنیاد پهلوی ایران و بنیاد علوی ایران
۲۷۱	..... (۱) اظهارات طرفین
۲۷۳	..... (۲) تصمیم دیوان
۲۸۲	..... <b>چهار - بهره</b>
۲۸۳	..... الف - نرخ بهره
۲۸۹	..... ب - محاسبه نرخ بهره پیش از صدور حکم
۲۸۹	..... ۱ - هزینه‌های ویژه دادرسی
۲۹۰	..... ۲ - هزینه‌های نظارت
۲۹۱	..... ۳ - ماریوت "سایر خسارتها"
۲۹۲	..... ۴ - جمع بهره تا زمان صدور حکم
۲۹۳	..... <b>پنج - کل مبلغ حکم</b>
۲۹۴	..... <b>شش - حکم</b>

## یک - مقدمه

- ۱- موضوع رسیدگی در پرونده‌های ادغام شده حاضر، تعهد ایالات متحده وفق بیانیه‌های الجزایر<sup>۱</sup> به خاتمه دادن به دعاوی اتباع ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران ("ایران") در دادگاه‌های ایالات متحده است. این پرونده‌ها بر محور اصل کلی ب بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ("بیانیه عمومی") و بند ۲ ماده هفت بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر درباره حل و فصل ادعاها توسط دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران ("بیانیه حل و فصل")، متمرکز است.
- ۲- اصل کلی ب بیانیه عمومی ("اصل کلی ب") ایالات متحده را ملزم می‌کند از طریق ترتیبات مقرر در بیانیه حل و فصل،

به تمام اقدامات حقوقی در دادگاه‌های ایالات متحده که متضمن دعاوی اتباع و مؤسسات امریکائی علیه ایران و مؤسسات دولتی آنست خاتمه داده، کلیه احکام توقیف و احکام قضایی صادره را لغو، سایر دعاوی بر اساس چنین ادعاهائی را ممنوع و موجبات خاتمه دادن به چنین ادعاهائی را، از طریق داوری لازم الاجراء فراهم نماید.<sup>۲</sup>

- ۳- بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل، در بخش ذیربط، مقرر میدارد که "ادعاهائی که به هیئت داوری ارجاع می‌شود، از تاریخ طرح ادعا نزد هیئت داوری، خارج از صلاحیت قضائی دادگاه‌های ایران و ایالات متحده یا هر دادگاه دیگر خواهد بود."<sup>۳</sup>

- ۴- پیشینه موضوعی این پرونده‌ها، در حکم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره دیوان عمومی-الف/۲۴/الف-۱۵ (چهار)-۵۹۰ (هفتم دیماه ۱۳۷۷ [۲۸ دسامبر ۱۹۹۸]) ("حکم جزئی شماره ۵۹۰") که دیوان در مرحله نخست رسیدگی خود صادر کرد<sup>۴</sup>، آمده است.

## دو - مرحله نخست رسیدگی

- ۵- در سوم آبانماه ۱۳۶۱ [۲۵ اکتبر ۱۹۸۲] ایران دادخواست خود را در پرونده شماره الف-۱۵ (چهار) تقدیم کرد، و در ۱۴ مرداد ماه ۱۳۶۷ [پنجم اوت ۱۹۸۸] دادخواست خود را در پرونده الف-۲۴ ثبت نمود.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر (بیانیه عمومی) مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، جلد ۱ گزارش آراء دیوان داوری، ص ۳، و بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر در خصوص حل و فصل دعاوی دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران (بیانیه حل و فصل دعاوی)، مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۹ (مجموعاً "بیانیه های الجزایر")

<sup>۲</sup> بیانیه عمومی، اصل کلی ب، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۳.

<sup>۳</sup> بیانیه حل و فصل دعاوی، ماده هفت (۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۱۱.

<sup>۴</sup> جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۵۹۰-الف/۲۴/الف-۱۵ (چهار)-هیئت عمومی، بندهای ۸۴-۲۱ (هفت دیماه ۱۳۷۷ [۲۸ دسامبر ۱۹۹۸]) چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۲۳-۱۱۳.

۶- در پرونده الف-۱۵ (چهار)، ایران ادعا کرد که دستور اجرائی شماره ۱۲۲۹۴، صادره توسط رئیس جمهور ایالات متحده در پنجم اسفند ماه ۱۳۵۹ [۲۴ فوریه ۱۹۸۱] ("دستور اجرائی ۱۲۲۹۴")، و برخی از مقررات خزانه داری که ایالات متحده در اجرای تعهد خود برای خاتمه دادن دعاوی پس از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تصویب کرد، تعهدات ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر را نقض کرد. ایران هشت ادعا بر مبنای هشت نقض ادعائی تعهد مزبور توسط ایالات متحده<sup>۶</sup> مطرح کرد که آنها را به عنوان ادعاهای (الف) الی (ح) مشخص کرده بود.

۷- دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ در قسمت ذریبط مقرر میدارد:

ماده ۱ - کلیه ادعاهای قابل ارجاع به دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده طبق شرایط ماده دو [بیانیه حل و فصل دعاوی] و کلیه درخواست‌های صدور دستورات مبتنی بر انصاف یا قانون در ارتباط با ادعاهای مزبور بدینوسیله معلق می‌شوند الا اینکه بتوان آنها را در دیوان مطرح نمود. طی دوره این تعلیق، کلیه ادعاهای مزبور در هیچ دعوایی که اکنون در هر دادگاهی در ایالات متحده، از جمله محاکم هر یک از ایالات یا مناطق آن یا ناحیه کلمبیا و یا پورتوریکو در جریان است و یا پس از تاریخ رسمیت این دستور آغاز شود، هیچ اثر حقوقی نخواهد داشت. هیچ لفظی در این ماده مانع شروع دعوایی بعد از تاریخ رسمیت این دستور به منظور تعلیق مرور زمان برای شروع چنین دعوایی نخواهد شد.

[...]

ماده ۳ - تعلیق ادعا یا بخشی از آن به موجب دستور حاضر، که برای رسیدگی به دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده ارجاع شده باشد، به مجرد صدور تصمیم دیوان دایر بر عدم صلاحیت نسبت به چنین ادعا یا همان بخش از ادعا خاتمه خواهد یافت.

ماده ۴ - اتخاذ تصمیم ماهوی دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده مبنی بر اینکه خواهانی استحقاق نسبت به ادعایی ندارد، از کلیه جهات به منزله فیصله و ختم قطعی ادعا خواهد بود. تصمیم دیوان مبنی بر اینکه خواهانی استحقاق نسبت به ادعایی به مبلغ مشخصی خواهد داشت، با پرداخت کل مبلغ حکم به خواهان از جمله بهره اعطایی توسط دیوان، به منزله فیصله و ختم قطعی ادعا از کلیه جهات خواهد بود.

[...]

<sup>۵</sup> در ۲۷ آبان ماه ۱۳۷۰ [۱۸ نوامبر ۱۹۹۱] دیوان پرونده‌های شماره الف/۱۵ (چهار) و الف/۲۴ را به منظور رسیدگی و صدور حکم یکجا، ادغام کرد.

<sup>۶</sup> ادعای (ج) طی حکم بر اساس شرایط مرضی الطرفین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۵۶۸-الف، ۱۳-الف (ادعاهای شماره یک و چهار:ج)، و الف/۲۶ (ادعاهای شماره یک، دو و سه)-هیئت عمومی (مورخ سوم اسفند ۱۳۷۴ [۲۲ فوریه ۱۹۹۶])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۲، ص ۲۰۷.

ماده ۶ - هیچ لفظی در این دستور، مانع از اقامه ادعای متقابل یا تهاتر توسط یک تبعه ایالات متحده در هر گونه رسیدگی قضایی فعلی یا مطروح در آینده توسط دولت ایران، هر یک از تقسیمات فرعی سیاسی ایران یا هر یک از مؤسسات، دستگاه‌ها یا واحدهای تحت کنترل دولت ایران یا هر یک از تقسیمات فرعی سیاسی آن نخواهد شد.

۸- در پرونده شماره الف-۲۴، ایران ادعا کرد که ایالات متحده اجازه داد که پرونده‌ای که دیوان در مورد آن تصمیم گرفته بود، یعنی فورموست تهران<sup>۷</sup> ("فورموست")<sup>۷</sup>، تحت عنوان فورموست-مک کسون، اینک. علیه جمهوری اسلامی ایران<sup>۸</sup> در دادگاه ایالات متحده احیا شود و به جریان افتد، و با این کار، تعهد خود در بیانیه‌های الجزایر مبنی بر منع رسیدگی مجدد ادعاهائی که دیوان در مورد آن تصمیم گرفته است، را نقض کرده است.

۹- در هفتم دیماه ۱۳۷۷ [۲۸ دسامبر ۱۹۹۸]، دیوان حکم جزئی شماره ۵۹۰<sup>۹</sup> را صادر کرد، که طی آن ادعاهای (ب)،<sup>۱۰</sup> (ه)،<sup>۱۱</sup> و (و)<sup>۱۲</sup> و بخشی از ادعای (ز)<sup>۱۳</sup> در پرونده الف-۱۵ (چهار) را رد کرد، و در خصوص موضوعات مربوط به مسئولیت ایالات متحده آمریکا در ادعاهای (الف)، (د)، (ز) و (ح) در پرونده شماره الف-۱۵ (چهار) و ادعای ایران در پرونده شماره الف-۲۴ تصمیم‌گیری نمود.

الف - پرونده شماره الف-۱۵ (چهار)

۱- ادعای (الف)

۱۰- ایران در ادعای (الف)، ادعا کرد که ایالات متحده با قصور در خاتمه دادن قطعی به کلیه دعاوی اتباع ایالات متحده علیه ایران که قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در دادگاه‌های ایالات متحده طرح شده بود، اصل کلی ب را نقض کرد. ایران [همچنین] ادعا کرد که ایالات متحده بجای مختومه نمودن جریان آن دعاوی، با دستور اجرائی ۱۲۲۹۴، فقط برخی از آنها را به حال تعلیق درآورد. به علاوه، ایران قائل بود که ایالات متحده با تجویز احیای پرونده‌هائی در دادگاه‌های ایالات متحده، که دیوان به دلیل فقد صلاحیت رد کرده بود، و نیز تجویز طرح ادعای متقابل یا تهاتر توسط اتباع ایالات متحده در قبال ادعاهای مطروحه توسط ایران در دادگاه‌های ایالات متحده، اصل کلی ب را نقض کرده است.

<sup>۷</sup> فورموست تهران و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۱-۳۷/۲۳۱-۲۲۰ (۲۲ فروردینماه ۱۳۶۵ [۱۱ آوریل ۱۹۸۶])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۰، ص ۲۲۸، مختومه شد.

<sup>۸</sup> Foremost-McKesson, Inc. v. Islamic Republic of Iran, Civ. No. 82-0220-TAF (D.D.C.)

<sup>۹</sup> بنگرید به بند ۴، بالا.

<sup>۱۰</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۲۱۴ الف (ج) گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۷.

<sup>۱۱</sup> همانجا. بند ۲۱۴ الف (ه)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۷.

<sup>۱۲</sup> همانجا. بند ۲۱۴ الف (و)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۷.

<sup>۱۳</sup> همانجا. بند ۲۱۴ الف (ز)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸-۱۶۷.



۱۱- دیوان متذکر می‌شود که اصل کلی ب، بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، و حکم جزئی شماره ۵۹۰ را میتوان بمانند آبخار پلکانی دانست که سرشت و محتوای تعهدات ایالات متحده را از کلی به جزئی تر و [سرانجام] به سطح کاربردی توسعه میدهد.

۱۲- اصل کلی ب مقرر میدارد:

قصد هر دو طرف، در چارچوب و پیرو شرایط دو بیانیه دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر این است که کلیه دعاوی بین هر دولت با اتباع دولت دیگر را لغو و موجبات حل و فصل و ابطال کلیه این دعاوی را از طریق یک داوری لازم الاجرا فراهم نمایند. از طریق ترتیبات مندرج در بیانیه مربوط به حل و فصل ادعاها، ایالات متحده موافقت می‌نماید که به تمام اقدامات حقوقی در دادگاههای ایالات متحده که متضمن دعاوی اتباع و مؤسسات امریکائی علیه ایران و مؤسسات دولتی آن است خاتمه داده، کلیه احکام توقیف و احکام قضائی صادره را لغو، سایر دعاوی بر اساس چنین ادعاهائی را ممنوع و موجبات خاتمه دادن به چنین ادعاهائی را، از طریق داوری لازم الاجرا فراهم نماید.<sup>۱۴</sup>

۱۳- بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی مشخص می‌کند که: "ادعاهائی که به هیئت داوری ارجاع می‌شود، از تاریخ طرح ادعا نزد هیئت داوری، خارج از صلاحیت قضائی دادگاههای ایران و ایالات متحده یا هر دادگاه دیگر خواهد بود."<sup>۱۵</sup>

۱۴- دیوان در ادعای (الف) حکم جزئی شماره ۵۹۰ موارد آتی را مقرر کرد:

(الف) در مورد ادعای (الف):

(۱) اصل کلی (ب) ایالات متحده را مکلف می‌نماید که تنها آن دسته از ادعاهای اتباع آن کشور علیه ایران در دادگاههای ایالات متحده را خاتمه دهد که در حیطه صلاحیت دیوان قرار می‌گیرند. این تعهد به ختم ادعاها از هنگامی ایجاد می‌شود که دیوان درباره ادعایی در ماهیت تصمیم اتخاذ کرده باشد.

(۲) بیانیه‌های الجزایر ایالات متحده را مکلف می‌نمایند که تمام اقدامات حقوقی اتباع آن کشور در دادگاههای ایالات متحده را که متضمن ادعاهایی است که احتمالاً در صلاحیت دیوان قرار دارند مختومه نمایند. تعهد ایالات متحده به ختم اقدامات حقوقی در تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱]، یعنی شش ماه بعد از تاریخ امضای بیانیه‌های الجزایر، ایجاد شد؛ تعهد مزبور در مورد اقدامات حقوقی متضمن ادعاهایی که به علت فقد صلاحیت توسط دیوان مردود گردیده ساقط می‌شود. ادعاهایی که دیوان آن را در صلاحیت خود تشخیص داده هیچگاه نمی‌تواند در دادگاههای داخلی احیاء گردد.

(۳) مکانیزم تعلیق مندرج در دستور اجرایی شماره ۱۲۲۹۴، تعهدات ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر در رابطه با ختم دعاوی را تنها در صورتی ایفا می‌نماید که در عمل منجر به ختم

<sup>۱۴</sup> بیانیه عمومی، اصل کلی ب، گزارش آراء دیوان داوری جلد ۱، ص ۳ (تأکید افزوده شده است).

<sup>۱۵</sup> بیانیه حل و فصل دعاوی، ماده هفت (۲)، گزارش آراء دیوان داوری جلد ۱، ص ۱۱.

دعاوی، به شرح مقرر در بیانیه‌های مذکور گردد. دیوان در مرحله دوم رسیدگی‌های حاضر، واقعیات مربوط به این موضوع را بررسی خواهد کرد. در صورتی که در نتیجه بررسی مزبور، دیوان نتیجه گیرد که ایران بعد از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] برای دفاع معقول از منافع خود منطقاً ناچار به حضور در جلسات یا ثبت مدارکی در دادگاههای ایالات متحده در رابطه با هر گونه دعاوی مربوط به ادعاهای مشروح در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی یا در رابطه با ادعاهای ثبت شده در دیوان تا زمان رد آنها از طرف دیوان به علت فقد صلاحیت گردیده است، در آنصورت دیوان نظر خواهد داد که ایالات متحده طبق تعهدات خود به شرح مندرج در اصل کلی (ب) بیانیه عمومی و ماده یک و بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی عمل نکرده است. در چنین حالتی، ایالات متحده ملزم خواهد بود هر گونه هزینه‌ای را که موجب شده است ایران در نتیجه حضور یا ثبت مدارک در دادگاههای ایالات متحده بعد از تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] در هر دعاوی مربوط به ادعاهای موصوف در بالا متحمل گردد جبران نماید.

(۴) دیوان از ایران انتظار دارد که در مرحله دوم رسیدگی‌های حاضر نشان دهد که در ارتباط با هر پرونده خاصی متحمل چه هزینه‌هایی شده و توجیه خاص برای مبالغ مشخصی که پرداخته چه بوده است. از ایران انتظار می‌رود که ادله موضوعی زیانهای متحملة خود در نتیجه حضور یا ثبت مدارک در دادگاههای ایالات متحده بعد از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] به منظور دفاع معقول از منافع خود در مقابله ادعاهای موصوف در بند (۳) بالا را ارائه نماید. دیوان همچنین از ایران انتظار دارد که ادله موضوعی مربوط به زیان‌هایی را که در نتیجه نظارت بر ادعاهای تعلیق یافته متحمل گردیده ارائه نماید و از هر دو طرف دعوت می‌نماید که این مسأله را مورد بررسی قرار دهند که آیا بابت آن زیان‌ها باید به ایران غرامت پرداخت گردد یا خیر.

(۵) دیوان هیچگونه خسارتی در رابطه با، یا ناشی از، شرکت ایران در دعاوی مطروح در دادگاه‌های ایالات متحده در طول دوره شش ماهه بعد از امضای بیانیه‌های الجزایر اعطا نخواهد کرد. همچنین دیوان هیچگونه خسارتی در رابطه با، یا ناشی از، شرکت ایران در پرونده‌های مربوط به اعتبار یا مطابقت بیانیه‌های الجزایر با قانون اساسی ایالات متحده طبق قوانین آن کشور، اعطا نخواهد نمود.

(ب) در مورد ادعای (الف):

(۱) ایالات متحده با دادن اجازه به اتباع آن کشور در ماده ۶ دستور اجرایی شماره ۱۲۲۹۴ مبنی بر اقامه ادعاهای متقابل و ادعاهای تهاثر علیه ایران در رسیدگی‌های محاکم ایالات متحده، حتی در صورتی که ادعاهای متقابل و ادعاهای تهاثر مذکور در حیطه صلاحیت دیوان باشند، در ایفای تعهدات خود در اصل کلی (ب) و ماده یک بیانیه حل و فصل دعاوی قصور کرد.

(۲) در مرحله دوم رسیدگی‌های حاضر، دیوان ماهیت و میزان خساراتی را که ایران احیاناً در دفاع در برابر ادعاهای متقابل و ادعاهای تهاثر مطروح بر خلاف بیانیه‌های الجزایر در رسیدگی‌های محاکم ایالات متحده متحمل گردیده، تعیین خواهد نمود.<sup>۱۶</sup>

<sup>۱۶</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۲۱۴ الف (الف)-(ب)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۷-۱۶۵.

۱۵- در خصوص دامنه تعهدی که بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل<sup>۱۷</sup> به ایالات متحده تحمیل می‌کند، دیوان در حکم جزئی شماره ۵۹۰ مقرر داشت که:

بند ۲ ماده هفت با قید این مطلب که کلیه ادعاهای ثبت شده بعد از ارجاع به دیوان، از صلاحیت دادگاه‌ها خارج محسوب می‌شوند، تلویحاً می‌پذیرد که ادعاهای مزبور می‌توانند همزمان نزد دادگاه‌های دیگر مطرح باشند، و در عین حال با حصول اطمینان از اینکه آن ادعاها مادام که دیوان رأی به عدم صلاحیت خود نسبت به آنها نداده تعقیب نخواهد شد، طرفین را صراحتاً مکلف می‌کند که ادعاهای مزبور را مشمول صلاحیت آن دادگاه‌های دیگر محسوب نکنند. در نتیجه، مادام که دیوان راجع به صلاحیت خود نسبت به یک ادعای ارجاعی به دیوان تصمیم نگرفته باشد، مقررات بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل ایالات متحده را متعهد می‌سازد که رسیدگی‌های دادگاه‌های خود را نسبت به آن ادعا متوقف نماید.<sup>۱۸</sup>

#### ۲- ادعای (د)

۱۶- در ادعای (د)، ایران ادعا کرد که پس از بیانیه‌های الجزایر، ایالات متحده با تجویز ثبت دعاوی اتباع آن کشور علیه ایران در دادگاه‌های ایالات متحده، اصل کلی ب را نقض کرد. دعاوی مورد بحث وفق ماده ۱ دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ مطرح شد، که طرح دعوا به منظور تعلیق مرور زمان قابل اعمال در قوانین ایالات متحده در مدت زمانی که دیوان درباره صلاحیت خود برای رسیدگی به ادعاهای ذریبط تصمیم‌گیری می‌کند را مجاز می‌شمارد.

۱۷- دیوان، در حکم جزئی شماره ۵۹۰ در ادعای (د) مقرر داشت که:

(۱) از آنجا که ایالات متحده در ماده ۱ دستور اجرایی شماره ۱۲۲۹۴ اجازه داده است که دعاوی بعد از تاریخ بیانیه‌های الجزایر، ولو به منظور محدود تعلیق مرور زمان قابل اعمال، ثبت گردد، طبق تعهدات خود در اصل کلی (ب) عمل نکرده است.

(۲) دیوان در مرحله دوم رسیدگی‌های حاضر، ماهیت و میزان خساراتی را که ایران احیاناً در نتیجه اقدام ایالات متحده به دادن اجازه ثبت دعاوی تعلیق مرور زمان متحمل گردیده تعیین خواهد نمود. از ایران انتظار می‌رود که ادله موضوعی مربوط به زیان‌هایی را ارائه نماید که در نتیجه حضور یا ثبت مدارک در دادگاه‌های ایالات متحده بعد از تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به منظور دفاع معقول از منافع خود در خصوص دعاوی تعلیق مرور زمان تسلیمی بعد از ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حاوی ادعاهای موصوف در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی یا حاوی ادعاهای تسلیمی به دیوان تا تاریخ رد آن‌ها توسط دیوان به علت فقد صلاحیت، متحمل شده است. دیوان همچنین از ایران انتظار دارد که ادله موضوعی مربوط به زیان‌هایی را که در نتیجه نظارت بر دعاوی تعلیق مرور زمان متحمل گردیده ارائه نماید و از

<sup>۱۷</sup> در بند ۳ بالا نقل گردید.

<sup>۱۸</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۸۳، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ص ۱۳۳-۱۳۲.

هر دو طرف دعوت می‌کند که این مسأله را مورد بررسی قرار دهند که آیا بابت آن زیان‌ها باید به ایران غرامت پرداخت گردد یا خیر.<sup>۱۹</sup>

### ۳- ادعای (ز)

۱۸- در ادعای (ز) ایران مدعی بود که ایالات متحده، با قصور در ایجاد ساز و کاری برای حصول اطمینان از ابطال فوری قرارهای توقیف اخذ شده از دادگاه‌های ایالات متحده توسط اتباع آن کشور علیه ایران، اصل کلی ب را نقض کرد.

۱۹- در حکم جزئی شماره ۵۹۰ دیوان در خصوص ادعای (ز) مقرر داشت که:

(۱) ادعای ایران مبنی بر اینکه ایالات متحده نقش بقدر کافی فعالی ایفا ننموده تا قرارهای توقیف اموال ایران را که اتباع ایالات متحده بعد از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] در دادگاه‌های آن کشور تحصیل کرده‌اند لغو نماید رد می‌شود.

(۲) اگر هر قرار توقیف صادره بعد از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] هنوز بعد از تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] پابرجا مانده و در عمل موجب محدودیت اموال ایران در ایالات متحده و بنابراین، موجب تحدید انتقال آزادانه آن اموال توسط ایران شده باشد، در آنصورت این موضوع تخلف ایالات متحده از تعهد خود مبنی بر لغو به موقع قرارهای توقیف صادره پس از تاریخ انسداد محسوب می‌شود. دیوان در رسیدگی‌های بعدی تعیین خواهد کرد که آیا هیچ قرار توقیفی از این گونه در آن تاریخ پابرجا بوده یا نه، و اگر بوده، ماهیت و میزان خساراتی که ایران احیاناً در نتیجه آن قرار توقیف متحمل گردیده، چه بوده است.<sup>۲۰</sup>

### ۴- ادعای (ح)

۲۰- در ادعای (ح) ایران قائل بر این بود که ایالات متحده، با قصور در ابطال احکام صادره علیه ایران از دادگاه‌های آن کشور پیش از بیانیه‌های الجزایر که اتباع ایالات متحده تحصیل کردند، بیانیه‌ها را نقض کرده است.

۲۱- دیوان در حکم جزئی شماره ۵۹۰ در خصوص ادعای (ح) مقرر داشته است که:

(۱) ایالات متحده مکلف است تنها آن دسته از احکام قضایی تحصیل شده از دادگاه‌های ایالات متحده توسط اتباع آن کشور علیه ایران را لغو نماید که مبتنی بر ادعاهای واقع در حیطه صلاحیت دیوان باشند. این تعهد در تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] ایجاد شد.

(۲) در صورتی که ایران بطور معقول متحمل هزینه‌های حقوقی در رابطه با اینگونه احکام قضایی شده باشد که بعد از ۲۸ تیر ماه ۱۹۸۱ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] هنوز موجود بوده، در آنصورت ایالات متحده تعهد خود طبق بیانیه‌های الجزایر مبنی بر لغو احکام قضایی صادره علیه ایران را نقض

<sup>۱۹</sup> همانجا. بند ۲۱۴ الف (د)، جلد ۳۴ گزارش آراء دیوان، ص ۱۶۷.

<sup>۲۰</sup> همانجا. بند ۲۱۴ الف (ز)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ص ۱۶۸-۱۶۷.

کرده است. دیوان در مرحله دوم رسیدگیهای حاضر تعیین خواهد کرد که آیا هیچیک از این نوع احکام قضایی در آن تاریخ پابرجا بوده یا خیر، و اگر بوده، ماهیت و میزان خساراتی که ایران احیاناً در نتیجه آن احکام قضایی متحمل گردیده چه بوده است.<sup>۲۱</sup>

#### ب) پرونده شماره الف-۲۴

۲۲- ایران در ادعای خود در پرونده الف-۲۴ استدلال کرده است که ایالات متحده با دادن اجازه به خواهانهای پرونده فورموست-مک کسون و اورسیز پرایوت اینوستمنت کامپنی (اوپیک) برای اقامه دعوی در دادگاه فدرال ایالات متحده در ناحیه کلمبیا ("دعوی فورموست/اوپیک") همسان با دادخواستی که در پرونده فورموست به این دیوان تقدیم شد، و با تجویز احیا و ادامه رسیدگی همان دعوا در دادگاه فدرال در سال ۱۹۸۸، تعهدات خود در بیانیه‌های الجزایر را نقض کرده است.<sup>۲۲</sup>

۲۳- دیوان در حکم جزئی شماره ۵۹۰ در خصوص پرونده شماره الف-۲۴ مقرر داشت که:

(۱) ایالات متحده با عدم اقدام در حذف دعوی فورموست/اوپیک از فهرست دعوی دادگاه ناحیه‌ای برای ناحیه کلمبیا ظرف مدت معقولی پس از تاریخ ۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۵ [۱۱ آوریل ۱۹۸۶]، یعنی تاریخی که دیوان حکم خود را در پرونده فورموست صادر کرد، از تعهد خود در بیانیه‌های الجزایر مبنی بر ختم دعوی مطروح در دادگاه‌های ایالات متحده در ارتباط با ادعاهایی که توسط دیوان در ماهیت فیصله یافته تخلف کرده است.

(۲) در نتیجه ترک فعل ایالات متحده، ایران، تا حدودی که در دفاع معقول از منافع خود ناچار شد در رابطه با دعوی فورموست/اوپیک از ۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۵ تا ۱۲ فروردین ماه ۱۳۶۷ [۱۱ آوریل ۱۹۸۶ تا اول آوریل ۱۹۸۸] در دادگاه حضور یابد یا ثبت مدارک نماید، استحقاق دریافت خسارت دارد، تا حدی که هزینه‌های مزبور را ایران از پیش در پرونده شماره الف-۱۵ (چهار) مطالبه نکرده باشد. دیوان در مرحله دوم رسیدگیهای حاضر، ماهیت و مبلغ خسارت احتمالی ایران را تعیین خواهد کرد.

(۳) ادعای ایران در این پرونده، تا آنجا که مربوط به پیگیری دعوی فورموست/اوپیک از ۱۲ فروردین ماه ۱۳۶۷ [اول آوریل ۱۹۸۸] به بعد می‌گردد، رد می‌شود.<sup>۲۳</sup>

#### سه- مرحله دوم رسیدگی

##### الف- گردش کار

۲۴- طی دستور مؤرخ سوم اردیبهشت ماه ۱۳۷۸ [۲۳ آوریل ۱۹۹۹]، دیوان جدول زمانی ثبت لویح و مدارک بیشتر در پرونده‌های حاضر را مقرر کرد.

<sup>۲۱</sup> همانجا. بند ۲۱۴ (الف)(ح)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸.

<sup>۲۲</sup> بنگرید به بند ۸، بالا.

<sup>۲۳</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۲۱۴ (ب)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸.

۲۵- در ۲۵ اسفند ۱۳۷۹ [۱۵ مارس ۲۰۰۱]، ایران لایحه و مدارک توجیهی خواهان درباره کلیه موضوعات باقیمانده را تسلیم کرد.

۲۶- در ۲۵ فروردین ماه ۱۳۸۲ [۱۴ آوریل ۲۰۰۳]، ایالات متحده لایحه و ادله خود مربوط به کلیه موضوعات باقیمانده را تسلیم نمود.

۲۷- در ۲۹ تیر ماه ۱۳۸۳ [۱۹ ژوئیه ۲۰۰۴]، ایران لایحه و واقعیات مؤید خسارات قابل جبران خود را ثبت کرد.

۲۸- در ۱۳ دیماه ۱۳۸۵ [سوم ژانویه ۲۰۰۷] ایالات متحده نسخه انگلیسی لایحه معارض خود در قبال لایحه و واقعیات مؤید ایران بابت خسارات قابل جبران را تسلیم نمود. ایالات متحده ترجمه فارسی لایحه معارض خود را در ۱۳ فروردین و ۱۱ تیر ماه ۱۳۸۶ [دوم آوریل و دوم ژوئیه ۲۰۰۷] تسلیم کرد.

۲۹- جلسه استماع مرحله دوم رسیدگی پرونده‌های حاضر در سوم الی ششم مهر ماه ۱۳۹۱ [۲۴ الی ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۲] در شماره ۱۳ خیابان پارک و خ، لاهه، منعقد شد. ایران آقای توماس جی. شک جونیور، را به عنوان شاهد معرفی کرد.

۳۰- لوایح پس از جلسه استماع در نهم آبان ماه ۱۳۹۱ [۳۰ اکتبر ۲۰۱۲] به ثبت رسید.

#### ب- ماهیت

۳۱- اکنون دیوان به ماهیت پرونده‌ها می‌پردازد. دیوان نخست به موضوعات مربوط به دامنه شمول خواهد پرداخت: دامنه شمول مسئولیت‌های ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر که مربوط به ادعای<sup>۲۴</sup> ایران میشود؛ و [نیز] دامنه شمول مسئولیت‌های گفته شده براساس یافته‌های دیوان در حکم جزئی شماره ۵۹۰.<sup>۲۵</sup> تصمیمات دیوان درباره دامنه شمول، چارچوب وظایف آتی دیوان را در ارتباط با نقض و غرامت، مشخص خواهد کرد. دیوان سپس به بررسی این موضوع خواهد پرداخت که آیا ایالات متحده تعهدات خود در اصل کلی ب بیانیه‌های الجزایر را نقض کرده است یا خیر، و به ترتیب، ضوابط مقرر برای ادعاهای (الف)، (د)، (ز)، و (ح) در حکم جزئی شماره ۵۹۰ و نیز پرونده شماره الف-۲۴، را بررسی خواهد کرد. سرانجام، دیوان به موضوع جبران خسارت می‌پردازد، و موضوعات مربوط به ادله، طبقات مختلف خسارات مطالبه شده و نیز مستثنیات جبران خسارت که ایالات متحده مدعی آن می‌باشد، را مطرح خواهد کرد. ضمن

<sup>۲۴</sup> بنگرید به بندهای ۳۵-۳۲، زیر.

<sup>۲۵</sup> بنگرید به بندهای ۵۷-۳۶، زیر.

پرداختن به این موارد، دیوان هر جا که مناسب تشخیص دهد به موضوعات مطروح در نظرات جداگانه که ضمیمه حکم حاضر است، خواهد پرداخت.<sup>۲۶</sup>

۱- دامنه شمول تعهدات ایالات متحده مطابق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی

۳۲- بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل ("بند ۲ ماده هفت") مقرر میدارد که: "ادعاهائی که به هیئت داوری ارجاع می‌شود، از تاریخ طرح ادعا نزد هیئت داوری، خارج از صلاحیت قضائی دادگاههای ایران و ایالات متحده یا هر دادگاه دیگر خواهد بود."<sup>۲۷</sup> همانگونه که توجه داده شده، در حکم جزئی شماره ۵۹۰، دیوان در خصوص دامنه شمول بند ۲ ماده هفت، بشرح زیر، مقرر داشت:

بند ۲ ماده هفت با قید این مطلب که کلیه ادعاهای ثبت شده بعد از ارجاع به دیوان، از صلاحیت دادگاهها خارج محسوب می‌شوند، تلویحاً می‌پذیرد که ادعاهای مزبور می‌توانند همزمان نزد دادگاههای دیگر مطرح باشند، و در عین حال با حصول اطمینان از اینکه آن ادعاها مادام که دیوان رأی به عدم صلاحیت خود نسبت به آنها نداده تعقیب نخواهد شد، طرفین را صراحتاً مکلف می‌کند که ادعاهای مزبور را مشمول صلاحیت آن دادگاههای دیگر محسوب نکنند. در نتیجه مادام که دیوان راجع به صلاحیت خود نسبت به یک ادعای ارجاعی به دیوان تصمیم نگرفته باشد، مقررات بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل ایالات متحده را متعهد می‌سازد که رسیدگی‌های دادگاههای خود را نسبت به آن ادعا متوقف نماید.<sup>۲۸</sup>

#### الف) اظهارات طرفین

۳۳- ایران مدعیست که بند ۲ ماده هفت، تکلیف خاتمه دادن به کلیه دعوی مطروح در دادگاههای ایالات متحده، که نزد دیوان نیز مطرح شده بود، را بر ایالات متحده بار می‌کند. مطابق نظر ایران، چنین تکلیفی برای اقدام به خاتمه دادن، به محض ثبت ادعای مربوطه نزد دیوان بوجود می‌آید، و با رد دعوا توسط دیوان به دلیل فقد صلاحیت، مرتفع میشود.

۳۴- ایالات متحده ادعا می‌کند که بند ۲ ماده هفت، آن دولت را تا زمان رد آن ادعاها به دلیل فقد صلاحیت توسط دیوان فقط ملزم به تعلیق جریان رسیدگی ادعاهائی می‌کرد که در دیوان به ثبت رسیده بود. در ارتباط با دامنه شمول این بند، ایالات متحده مدعیست که بند یاد شده صرفاً ایالات متحده را مکلف

<sup>۲۶</sup> نظر جداگانه مشترک قاضی حسین عابدیان، قاضی حمیدرضا نیکبخت فینی و قاضی جمال سیفی؛ نظر موافق و مخالف قاضی چارلز ان. براوتر؛ نظر جداگانه قاضی گابریل کرک مک دانلد، موافق در بخشی و مخالف در بخش دیگر؛ و نظر جداگانه قاضی او. توماس جانسون موافق در بخشی و مخالف در بخش دیگر. محتوای نظر جداگانه قاضی جانسون در تاریخی که به نظر دیوان رسیده، سوم تیر ماه ۱۳۹۳ [۲۴ ژوئن ۲۰۱۴] لحاظ شده است.

<sup>۲۷</sup> بنگرید به بند ۳، بالا.

<sup>۲۸</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰ بند ۸۳، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۳۳-۱۳۲ (بنگرید به بند ۱۵، بالا).

می‌کرد که معذور پرونده‌هایی که در حوزه صلاحیت دیوان قرار نداشت، اما نزد دیوان ثبت شده و متعاقباً به دلایل صلاحیتی رد شده بود، را بحالت تعلیق درآورد.

### ب) تصمیم دیوان

۳۵- همسو با یافته حکم جزئی شماره ۵۹۰،<sup>۲۹</sup> دیوان نتیجه می‌گیرد که بند ۲ ماده هفت، ایالات متحده را مکلف می‌کند که جریان رسیدگی قضائی در کلیه دعاوی ثبت شده در دیوان را از روز ثبت، در دادگاههای آن کشور، صرفنظر از اینکه آن دعا در محدوده صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد یا احتمال دارد<sup>۳۰</sup> قرار بگیرد، متوقف کند. هدف بند ۲ ماده هفت احتراز از رسیدگی موازی در دادگاههای داخلی و دیوان است.<sup>۳۱</sup>

### ۲- مفهوم "احتمالاً در صلاحیت دیوان [قرار دارد]"

۳۶- در حکم جزئی شماره ۵۹۰، در چارچوب ادعای (الف)، دیوان مقرر داشت که بیانیه‌های الجزایر ایالات متحده را مکلف می‌کند "که تمام اقدامات حقوقی اتباع آن کشور در دادگاههای ایالات متحده را که متضمن ادعاهایی است که احتمالاً در صلاحیت دیوان قرار دارند مختومه نماید"<sup>۳۲</sup>. دیوان در حکم جزئی شماره ۵۹۰، معنی عبارت "ادعاهائی که احتمالاً در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرند" را روشن نکرد، و طرفین در خصوص این موضوع نظرات متفاوتی دارند. این کار دیوان - فی الواقع وظیفه‌اش - است در مواردی که یافته‌های دیوان نیازمند روشنگری است، بار معنایی و هدفمندی به یافته‌های حکم جزئی ۵۹۰ بیفزاید، مانند مورد حاضر که یافته‌ها نیازمند توضیح است. سرشت یک حکم جزئی چنین است که تمام موضوعاتی که در زمان صدور آن به دیوان عرضه شده را پوشش نمی‌دهد، زیرا که داوران آگاهند که حکم دیگری در کار خواهد بود و بنابراین بحث و رسیدگی به جزئیات را به آینده موکول می‌کنند. بی‌شک، خلاف بصیرت است که واژه‌هایی چون "اصولاً" "عموماً"، "احتمالاً" و همانند آن در حکم جزئی تعریف شود، چرا که غرض اصلی از کاربرد چنین کلمات کلی فراهم آوردن امکان تأمل بیشتر بر آنها، قبل از کاربرد واقعی آنها است.

### الف) اظهارات طرفین

۳۷- ایران اظهار میدارد گروه ادعاهای زیر احتمالاً در صلاحیت دیوان قرار دارد: (یک) کلیه دعاوی که نزد دیوان به ثبت رسیده است، صرفنظر از این که نهایتاً دیوان آن را بدلیل فقد صلاحیت

<sup>۲۹</sup> بنگرید به بند ۳۲، بالا.

<sup>۳۰</sup> بنگرید به بندهای ۴۷-۳۶ زیر.

<sup>۳۱</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۸۸ گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ص ۱۳۵-۱۳۴.

<sup>۳۲</sup> همانجا. بند ۲۱۴ الف(الف)(۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ص ۱۶۶-۱۶۵.



رد می‌کند یا خیر؛ (دو) کلیه دعاوی‌ای که ایالات متحده در ارتباط با آنها خواه در تذکاریه ذینفع (statement of interest) یا به نحو دیگر، این موضع را اتخاذ کرده است که آن ادعاها در صلاحیت دیوان قرار دارد؛ و (سه) سایر ادعاهائی که احتمالاً مشمول صلاحیت دیوان قرار داشت صرفنظر از اینکه نزد دیوان ثبت شده بود یا خیر. ایران همچنین استدلال می‌کند که اصولاً اگر در زمانهای ذیربط تردیدی در خصوص اینکه ادعائی در صلاحیت دیوان قرار دارد یا خیر وجود می‌داشت، ایالات متحده باید احتمال میداد که ادعای مورد نظر در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد و جریان حقوقی رسیدگی را در دادگاه‌هایش خاتمه می‌بخشید.

۳۸- ایالات متحده به اینکه، صرف ثبت یک ادعا در دیوان بخودی خود باعث شود ادعای مربوطه که در دادگاه‌های ایالات متحده هم مطرح است، بطور احتمالی در صلاحیت دیوان قرار گیرد، معترض است. دولت یاد شده در عوض استدلال می‌کند که، آنچه ادعائی را در صلاحیت احتمالی دیوان قرار می‌دهد، برداشت خود دیوان از استحکام ادعای صلاحیت در آن دعوا می‌باشد.

۳۹- به نظر ایالات متحده منظور حکم جزئی شماره ۵۹۰ از کاربرد واژه "احتمالاً" اشاره به "پرونده‌های انگشت شماری است که خارج از صلاحیت دیوان بوده اما با این وجود نزد دیوان به ثبت رسیده و به دلایل صلاحیتی رد شده است." بنابراین، ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که اصطلاح "احتمالاً" به تعهد ایالات متحده در بند ۲ ماده هفت برای متوقف کردن جریان رسیدگی پرونده‌هائی که در دیوان ثبت شد محدود میشود، آنهم تا زمانی که دیوان آن را به دلیل فقد صلاحیت رد کند.

#### ب) تصمیم دیوان

۴۰- به عنوان یک موضوع آغازین، ثبت یک ادعا نزد دیوان تعهد ایالات متحده در بند ۲ ماده هفت برای متوقف کردن جریان رسیدگی موازی در دادگاه‌های آن کشور را فعال می‌کند.<sup>۳۳</sup> بدینقرار، در چنین مواردی پرداختن به اینکه آیا ادعای مطروح در دادگاه‌های ایالات متحده احتمالاً یا واقعاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد یا خیر، بی‌ثمر است.

۴۱- در تصمیمی که حداقل پنج بار در حکم جزئی شماره ۵۹۰، تکرار شده است،<sup>۳۴</sup> بند ۲۱۴ الف (الف)(۲) از بخش اجرایی حکم، در چارچوب ادعای (الف) مقرر می‌دارد که بیانیه‌های الجزایر ایالات متحده را مکلف می‌کند "تمام اقدامات حقوقی اتباع آن کشور در دادگاه‌های ایالات متحده را که متضمن ادعاهایی است که احتمالاً در صلاحیت دیوان قرار دارند مختومه نماید"<sup>۳۵</sup>. این یافته که اهمیتش بین و

<sup>۳۳</sup> بنگرید به بند ۳۵، بالا.

<sup>۳۴</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰ بندهای ۸۹، ۹۴، ۱۰۷، ۱۱۷، و ۲۱۴ الف (الف)(۲)، گزارش آراء دیوان داوری،

جلد ۳۴ ص ص ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۶۶-۱۶۵.

<sup>۳۵</sup> همانجا، بند ۲۱۴ الف (الف)(۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ص ۱۶۶-۱۶۵ (تأکید افزوده شده است).

روشن است، رهنمودی برای درک، و مکمل یافته دیگر دیوان در بند ۲۱۴ الف (الف)(۳) حکم جزئی شماره ۵۹۰ است.<sup>۳۶</sup> دیوان هیچیک از این دو یافته را نه نادیده می‌گیرد و نه می‌تواند نادیده بگیرد؛ بلکه آنها را توأمان قرائت می‌کند.<sup>۳۷</sup> واژه "احتمالاً" در بند ۲۱۴ الف (الف)(۲) بخش اجرائی حکم جزئی شماره ۵۹۰ که یکی از اعضای دیوان در نظر جداگانه‌اش به عنوان "غیر ضروری و تأسف بار" خود را ملزم به کنار گذاشتن آن می‌داند، گویای تفسیری الزام‌آور از بیانیه‌های الجزایر توسط دیوان در حکم جزئی شماره ۵۹۰ است، و اعتبار امر مختوم را دارد.

۴۲- اصطلاح "احتمالاً" عنصر اساسی یافته دیوان در تصمیم مربوط به ادعای (الف) است، و این واقعیت را بازتاب می‌دهد که (یک) فقط دیوان اقتدار تعیین صلاحیت خود بر یک ادعا را دارد؛ و (دو) ایالات متحده، در زمان اجرای تعهد خود در خاتمه بخشیدن به جریان رسیدگی دعوا، نمیتوانست پیشاپیش دعاوی‌ای که نهایتاً دیوان برای آن احراز صلاحیت می‌کرد را شناسائی کند. قابل درک است که در تلاش برای ایفای تعهدات معاهداتی خود، ایالات متحده در نهایت احتیاط عبارات اصل کلی ب را تفسیر کرد و دیوان در حکم جزئی ۵۹۰ بر نحوه تفسیر ایالات متحده از محتوای تعهداتش، صحه گذاشت: بدین‌قرار کنار گذاشتن واژه "احتمالاً" از چارچوب حکم جزئی شماره ۵۹۰ غیرمنطقی خواهد بود، چرا که ایالات متحده قادر نبود تعیین کند آیا دعوائی واقعاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد یا خیر.<sup>۳۸</sup> در تذکاریه دینفعی که در فوریه ۱۹۸۱ در دعاوی علیه ایران در دادگاههای ایالات متحده به ثبت رسید، ایالات متحده خود با کاربرد ضابطه مشابه برای "احتمالاً" برچنین وضعیتی صحه گذاشت: آن دولت از دادگاه خواست در تمام ادعاهائی که "احتمالاً" در صلاحیت دیوان قرار داشت، دادرسی را متوقف کند.<sup>۳۹</sup> دادگاه‌ها در شماری از موارد به درخواست ایالات متحده گردن نهادند، و این نشانگر آنست که ضابطه "احتمالاً" واجد کاربرد عملی بود، و این "یک استدلال پس از واقعه که اکثریت برای توجیه گزینش یکی از دو تفسیر

<sup>۳۶</sup> دیوان در بند ۲۱۴ الف (الف)(۳) حکم جزئی شماره ۵۹۰ مقرر داشته است که ایالات متحده به تعهدات خود در بیانیه‌های الجزایر گردن نهاده است اگر "ایران بعد از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] برای دفاع معقول از منافع خود منطقاً ناچار به حضور در جلسات یا ثبت مدارکی در دادگاههای ایالات متحده در رابطه با هر گونه دعوی مربوط به ادعاهای مشروح در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی یا در رابطه با ادعاهای ثبت شده در دیوان تا زمان رد آنها از طرف دیوان به علت فقد صلاحیت گردیده است...." همان. بند ۲۱۴ الف (الف)(۳)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۶.

<sup>۳۷</sup> بدین‌قرار، این واقعیت که بند ۲۱۴ الف (الف)(۳) حکم جزئی شماره ۵۹۰ ذکری از عبارت "ادعاهائی که احتمالاً در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد" به عمل نمی‌آورد، بر خلاف استدلال یکی از اعضای دیوان در نظر جداگانه‌اش، به این معنی نیست که تعهد خاتمه دادن ایالات متحده محدود به اختلافاتی بوده که دیوان فی‌الواقع بر آنها صلاحیت داشت. تعیین اینکه دیوان فی‌الواقع نسبت به کدام ادعاها صلاحیت داشت، برای ایالات متحده امکان‌پذیر نبود.

<sup>۳۸</sup> بنگرید به بند ۳۷، بالا.

<sup>۳۹</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۳۰، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۱۸-۱۱۷.

محتمل حکم جزئی شماره ۵۹۰ جعل کرده باشد" به گونه‌ای که یکی از اعضا در نظر جداگانه‌اش گفته، نمی‌باشد.<sup>۴۰</sup>

۴۳- در پرتو آنچه مذکور افتاد، دیوان نتیجه می‌گیرد که، مطابق حکم جزئی شماره ۵۹۰ اگر ایران برای دفاع محتاطانه از منافعش بطور معقول ناگزیر بود، پس از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ در دادرسی ادعاهائی که احتمالاً در حیطه صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت، یا دعوی‌ای که نزد دیوان ثبت شده بود، تا زمان رد چنین ادعاهائی به دلیل فقد صلاحیت دیوان، در دادگاههای ایالات متحده حضور یابد یا مدرک به ثبت رساند، ایالات متحده به تعهدات خود در بیانیه‌های الجزایر عمل نکرده است.

۴۴- حکم جزئی شماره ۵۹۰ مقرر داشته است که، با اتخاذ ساز و کار تعلیق که در دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ آمده، فقط در صورتی ایالات متحده مطابق بیانیه‌های الجزایر پایبند به تعهداتش محسوب می‌شود که مطابق الزامات بیانیه‌ها، نتیجه ساز و کار یاد شده، در عمل، خاتمه یافتن دادرسی باشد.<sup>۴۱</sup> بدینقرار، مطابق حکم جزئی شماره ۵۹۰ تعلیق ادعاها در پی دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ فقط در صورتی ایفای تعهدات ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر تلقی میشود، که ایران برای دفاع محتاطانه از منافعش بطور معقول ناگزیر نبوده باشد پس از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ در دادرسی ادعاهائی که احتمالاً در صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت، یا دعوی‌ای که نزد دیوان ثبت شده بود، تا زمان رد چنین ادعاهائی به دلیل فقد صلاحیت دیوان، در دادگاههای ایالات متحده حضور یابد یا مدرکی ثبت کند.<sup>۴۲</sup>

۴۵- برای اخذ تصمیم در خصوص اینکه آیا ادعائی احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار داشت یا خیر، دیوان بر واپس نگری تکیه نخواهد داشت و بنابراین، آن بخش از رویه دیوان که در دوره‌ای پس از ایجاد تعهد ایالات متحده به خاتمه دادن به دعاوی متبلور شده است را راهنمای خود نخواهد شمرد. با مدنظر داشتن این ضابطه، دیوان مقرر میدارد، چنانچه، در زمان ایجاد تعهد ختم دعاوی،<sup>۴۳</sup> مطابق توصیف

<sup>۴۰</sup> دیوان از توصیف ضابطه "احتمالاً" به عنوان تفسیر "محتمل" حکم جزئی شماره ۵۹۰ در نظر جداگانه استقبال می‌کند.

<sup>۴۱</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۲۱۴ الف (الف)(۳)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳، ص ۱۶۶.

<sup>۴۲</sup> بنگرید به بند ۴۳، بالا.

<sup>۴۳</sup> در ادعای (الف)، دیوان مقرر داشت که تعهد ایالات متحده دائر بر خاتمه بخشیدن به دعاوی اتباع آن کشور علیه ایران در دادگاههای ایالات متحده شش ماه پس از امضای بیانیه‌های الجزایر یعنی در ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] بوجود آمد (بنگرید حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۱۱۰ و ۲۱۴ الف (الف)(۵)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۴۰، ۱۶۶).

در ادعای (د)، تاریخ ذریبط برای تعیین اینکه آیا ادعا احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار داشته یا خیر، تاریخی است که ادعا در دادگاه ایالات متحده به ثبت رسیده است (بنگرید، همان، بند ۲۱۴ الف (د)(۱)، گزارش آراء دیوان داوری، ص ۱۶۷ (که طی آن نتیجه گرفته است که ایالات متحده اصل کلی ب را با تجویز ثبت دعوا [در دادگاههای امریکا] پس از امضای بیانیه‌های الجزایر نقض کرد)).

بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، هر گونه احتمالی برای قرار گرفتن ادعا در صلاحیت دیوان وجود میداشت، ایالات متحده باید به رسیدگی قضائی در دادگاههای آن کشور پایان می‌بخشید (به حالت تعلیق<sup>۴۴</sup> در می‌آورد). موضعی که ایالات متحده در آن زمان اتخاذ کرد (برای مثال در تذکاریه ذینفع) عاملی، اگر نه تعیین کننده، ولی [حداقل] ذریبیط برای ارزیابی اینست که آیا دعوا احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت، یا خیر. دیوان می‌پذیرد که معیار "هر امکانی" به نظر نسبتاً موسع می‌رسد. اما، دیوان آنرا از نظر کاربردی معیاری ذریبیط می‌یابد، و بگونه‌ای که در تذکاریه ذینفع ایالات متحده بازتاب یافته، سازگار با قصد طرفین بیانیه‌های الجزایر، بدین معنی که دادگاههای ایالات متحده در تصمیم اینکه خود صلاحیت دارند یا دیوان، می‌بایست نهایت احتیاط را بکار می‌گرفتند.

۴۶- دیوان، اتخاذ تصمیم در خصوص اینکه دعوائی احتمالاً در حوزه صلاحیت قرار می‌گرفته یا خیر را به دعاوی ای محدود خواهد کرد که نزد دیوان به ثبت نرسید. زیرا مطابق یافته دیوان، بند ۲ ماده هفت، در خصوص تعهدات ایالات متحده در ارتباط با دادرسی دعاوی ای که نزد دیوان ثبت شده بود تعیین تکلیف کرده است.<sup>۴۵</sup>

۴۷- مطابق ادله ارائه شده توسط ایران، دیوان جز ۲۴ مورد، در سایر پرونده‌های مطروح در دادگاههای ایالات متحده که ایران بابت آن ادعای هزینه دادرسی مطرح کرده است، نزد [این] دیوان پرونده‌های مشابه یافته است.<sup>۴۶</sup> ضمن اینکه برخی از این پرونده‌ها حاوی ادعاهائی است که کاملاً داخل یا بروشنی خارج از چارچوب توصیف بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی قرار می‌گیرد، بقیه متضمن رویدادهای پیچیده‌تری است و طرفین مفصلاً در لوائح و در جلسه استماع به آن پرداخته‌اند. بر پایه ملاحظاتی که فوقاً در بندهای ۴۰ الی ۴۶ مطرح شد و ادله ارائه شده، دیوان نتیجه می‌گیرد که از میان آن ۲۴ پرونده، فقط ۱۱ پرونده حاوی ادعاهائی است، که "احتمالاً" در حوزه صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت و در نتیجه تعهد

<sup>۴۴</sup> بنگرید به بند ۴۴، بالا.

<sup>۴۵</sup> بنگرید به بند ۳۵، بالا.

<sup>۴۶</sup> *Brown & Williamson Tobacco Co. v. Iranian Tobacco Co. et al.*, 81-0283 (S.D.N.Y.); *Int'l*

*Harvester v. Iran et al.*, 80-1714 (D.N.J.); *Itek Corp. v. Iran et al.*, 79-1492 (N.D. Tex.); *Itek Corp. v. Iran et al.*, 79-2382-MA (D. Mass.); *Itek Corp. v. Iran*, 79-6468 (S.D.N.Y.); *Pullman Swindell et al. v. National Iranian Steel Co.*, 81-0081 (S.D.N.Y.); *R.L. Pritchard & Co. v. Oregon Rainbow et al.*, 81-0886 (S.D.N.Y.); *U.S. Filter Corp. v. Iran et al.*, 79-3449, (D.D.C.); *William A. Gallegos v. Iran et al.*, 81-5482 (C.D. Cal.); *Alan B. Golacinski et al. v. Iran et al.*, 81-5109 (C.D. Cal.); *Charles Jones Jr. v. Iran et al.*, 81-5274 (C.D. Cal.); *Steven M. Lauterbach et al. v. Iran et al.*, 81-0350 (D.D.C.); *John D. McKeel Jr. et al. v. Iran et al.*, 81-0931 (C.D. Cal.); *Gregory Allen Persinger et al. v. Iran*, 81-0230 (D.D.C.); *Susan Roeder v. Iran et al.*, 81-5410 (C.D. Cal.); *Elizabeth Kelly Scott v. Iran et al.*, 81-5108 (C.D. Cal.); *Westly Williams et al. v. Iran et al.*, 79-3295 (D.D.C.); *Margot Berkovitz v. Iran*, 80-0097 (N.D. Cal.); *Wendel T. Reed v. Iran et al.*, 79-006 (D. Tex.); *Seyed M. Raji et al. v. Bank Sepah Iran et al.*, 20658/80 (Sup. Ct. N.Y.); *David R. Webb Co. v. Bank Sepah Iran*, 81-6433 (S.D.N.Y.); *Amir Carpet Corp. v. Iran Air et al.*, 81-2080 (Sup. Ct. N.Y.); *Marriott Corp. et al. v. Rogers & Wells v. Pahlavi Foundation of Iran & Alavi Foundation of Iran*, 79-21884 (Sup. Ct. N.Y.); *McDonnell Douglas Corp. v. Iran et al.*, 82-2096 (E.D. Miss.).

خاتمه بخشیدن ایالات متحده وفق اصل کلی ب را موجد می‌شد.<sup>۴۷</sup> برای نمونه، دیوان ذیلاً به بحث در خصوص برخی از پرونده‌هایی که رویدادهای پیچیده‌تری دارد می‌پردازد.

(۱) امیر کارپت کورپوریشن علیه ایران ایر و دیگران

۴۸- در پرونده امیر کارپت کورپوریشن علیه ایران ایر و دیگران،<sup>۴۸</sup> ایر فرانس - یک شرکت فرانسوی - در کنار ایران ایر خوانده بود. ایالات متحده از جمله، اظهار داشت که چون ایر فرانس نمیتوانست در پیشگاه دیوان خوانده باشد و پرونده قابل تفکیک نبود، ادعا احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار نمی‌گرفت. بیانیه حل و فصل دعاوی رهنمودی در خصوص مسائل مطروح ارائه نمیدهد اما در عین حال منتفی هم نمی‌داند که وضعیتی مشابه بتواند به ادعائی منتج شود که در صلاحیت دیوان قرار گیرد. بنابراین، فقط دیوان میتواند تصمیم بگیرد که در صورت وجود خواننده‌ای که دیوان بر وی صلاحیت ندارد در کنار خواننده اصلی، آیا دیوان از اعمال صلاحیت بر کل ادعا محروم می‌شد یا اینکه دعوا می‌توانست تفکیک شود. بدینقرار، دیوان مقرر میدارد که ادعای امیر کارپت کورپوریشن علیه ایران ایر احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت.

(۲) سید ام. راجی و دیگران علیه بانک سپه ایران و دیگران

۴۹- در پرونده سید ام. راجی و دیگران علیه بانک سپه ایران و دیگران،<sup>۴۹</sup> خواهانها آقایان سید راجی و خانم مریلین راجی همسرش، دعوائی در دادگاه بدوی ایالت نیویورک ("پرونده راجی") در اول آبان ۱۳۵۹ [۲۳ اکتبر ۱۹۸۰]، از جمله، علیه بانک سپه ایران مطرح کردند. ادعا مبتنی بود بر (یک) نقض ادعائی قرارداد استخدامی آقای راجی توسط بانک سپه، (دو) ادعای خانم راجی به عنوان ذینفع ثالث در حقوق بازنشستگی قرارداد شوهرش ("ادعای خانم راجی بابت منافع بازنشستگی")؛ و (سه) ادعاهائی مبتنی بر شبه جرم. ایران ادعا می‌کند که ایالات متحده مکلف به خاتمه بخشیدن به ادعای خانم راجی بابت منافع بازنشستگی بوده است. ایالات متحده همچنین در تذکاریه ذینفع مورخ ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ [۱۹ مه

۴۷

*Brown & Williamson Tobacco Co. v. Iranian Tobacco Co. et al.*, 81-0283 (S.D.N.Y.); *Int'l Harvester v. Iran et al.*, 80-1714 (D.N.J.); *Itek Corp. v. Iran et al.*, 79-1492 (N.D. Tex.); *Itek Corp. v. Iran et al.*, 79-2382-MA (D. Mass.); *Itek Corp. v. Iran*, 79-6468 (S.D.N.Y.); *Pullman Swindell et al. v. National Iranian Steel Co.*, 81-0081 (S.D.N.Y.); *R.L. Pritchard & Co. v. Oregon Rainbow et al.*, 81-0886 (S.D.N.Y.); *U.S. Filter Corp. v. Iran et al.*, 79-3449, (D.D.C.); *Seyed M. Raji et al. v. Bank Sepah Iran et al.*, 20658/80 (Sup. Ct. N.Y.); *Amir Carpet Corp. v. Iran Air et al.*, 81-2081 (Sup. Ct. N.Y.); *Marriott Corp. et al. v. Rogers & Wells v. Pahlavi Foundation of Iran & Alavi Foundation of Iran*, 79-21884 (Sup. Ct. N.Y.).

(دیوان ذیلاً در بند ۱۳۹ نتیجه گرفته است که ادعای شالوده این پرونده تا حدی که مربوط به بنیاد پهلوی/علوی به عنوان خواننده می‌شد فی الواقع در صلاحیت دیوان قرار داشت).

*Amir Carpet Corp. v. Iran Air et al.*, 81-2080 (Sup. Ct. N.Y.)<sup>۴۸</sup>

*Seyed M. Raji et al. v. Bank Sepah Iran et al.*, 20658/80 (Sup. Ct. N.Y.)<sup>۴۹</sup>

۱۹۸۳]، اظهار داشت که ادعای خانم راجی بابت منافع بازنشستگی تابع تعهد خاتمه بخشیدن است. دادگاه بدوی نیویورک ("دادگاه بدوی") در تصمیمی به تاریخ ۲۱ تیر ماه ۱۳۶۲ [۱۲ ژوئیه ۱۹۸۳] در عین اینکه با موضع ابرازی ایالات متحده موافقت کرد، و ادعای خانم راجی بابت منافع بازنشستگی را رد کرد، اما آقای راجی را مجاز شمرد که آن [ادعا] را در زمره حقوق خود مطرح کند. در ۲۸ شهریور ماه ۱۳۶۲ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۳]، خواهانها شکوائیه خود را اصلاح کردند تا نظر دادگاه بدوی در آن انعکاس یابد، و آقای راجی ادعای همسرش بابت منافع بازنشستگی را از جانب خود مطرح کرد.

۵۰- دیوان مقرر میدارد که ادعای خانم راجی بابت منافع بازنشستگی احتمالاً در صلاحیت دیوان قرار داشت. با این حساب ایالات متحده مطابق اصل کلی ب مکلف بود دادرسی‌های حقوقی مربوط به ادعا را تا ۲۸ تیر ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] مختومه (معلق<sup>۵۰</sup>) کند؛ با قصور از انجام چنین امری، ایالات متحده از اقدام در راستای تعهداتش مطابق بیانیه‌های الجزایر سرباز زد. ادعای ایالات متحده مبنی بر اینکه مطابق قوانین آن کشور طرح ادعای خانم راجی توسط آقای راجی صحیح و مجاز بوده است، و در نتیجه ادعا دقیقاً ادعای یکی از اتباع ایران محسوب میشود و تحت حاکمیت اصل کلی ب قرار نمی‌گیرد، نظر دیوان را تغییر نمی‌دهد.<sup>۵۱</sup>

۵۱- یکی از نظرات جداگانه مسئله‌ای را عنوان میکند که به تحلیل سببیت خسارت وارده به ایران در نتیجه نقض تعهد ایالات متحده در مختومه کردن فوری پرونده خانم راجی مربوط میشود. وی اظهار میدارد که اکثریت دیوان از پرداختن به تحلیل این گزاره قصور ورزیده که، اگر ایالات متحده دادرسی خانم راجی را مختومه کرده بود، وی همچنان میتواند ادعای خود را به شوهرش انتقال دهد و در اینصورت دادرسی ادامه می‌یافت. به علاوه، نظر یاد شده مدعیست که اکثریت با تلقی "دادرسی بعدی راجی‌ها بر مبنای اصلاح ادعا" به مانند "سناریوئی دیگر و فرضی"؛ راه خطا پیموده است؛ در این ارتباط نظر جداگانه اظهار میدارد که "بررسی ضروری احتمال مخالف" باید چنین باشد: اگر در سال ۱۹۸۱ ایالات متحده مانع از جریان یافتن پرونده راجی‌ها به گونه‌ای که از ابتدا ثبت شده بود، می‌شد، آنها چه می‌کردند؟ مطابق نظر جداگانه، وی [خانم راجی] می‌توانست ادعایش را به شوهرش انتقال دهد و او نیز دادخواستش را اصلاح میکرد، یعنی همان اتفاقی که در سال ۱۹۸۳، زمانی که وی [خانم راجی] دیگر اجازه نداشت ادعایش را در دادگاه ایالات متحده طرح کند، افتاد.

۵۲- هیچ یک از سناریوهای فرضی مطروحه به ضرورت تحلیل اولیه دائر بر اینکه نقض تعهد ایالات متحده "در واقع" باعث ورود زیان (یعنی مخارج مربوط به حق الزحمه و هزینه‌ها) شد، و اینکه خسارت

<sup>۵۰</sup> بنگرید به بند ۴۴، بالا.

<sup>۵۱</sup> ایالات متحده ادعا می‌کند که، وفق قوانین ایالات متحده، که بر قرارداد استخدامی آقای راجی با بانک سپه ایران حاکم است، متعهد له قرارداد همانند خود ذینفع ثالث حق طرح دعوای ناشی از نقض تعهد در قبال ذینفع شخص ثالث را، واجد است.

نتیجه "مستقیم" نقض توسط ایالات متحده بود، ایرادی وارد نمی‌کند. به علاوه، یک "بررسی احتمال مخالف"<sup>۵۲</sup> یا تحلیل مبتنی بر "علت ثانوی فرضی" - که تا حدودی همان نظریست که در سیستم حقوق نوشته شناخته شده و در حقوق تطبیقی مورد استفاده است<sup>۵۳</sup> - مستلزم تفکیک بین عملکرد تخییری خواننده از یکسو، و شخص ثالث، از سوی دیگر است. فقط در صورتیکه کسی طالب رسیدن به این نتیجه باشد که فعل زیانبار (یا نقض تعهد) و فعلی که زیانبار نیست (ایفای تعهد) فرد واحد، به نتیجه یکسان منتج بشود، باید به این مسئله هم توجه داشته باشد که فعل زیانبار (یا نقض تعهد) شرط لازم (condicio sine qua non) خسارتی بوده که خواهان در پی جبران آن است. بر عکس، اگر فعل شخص ثالث (در اینجا جریان رسیدگی بعدی دعوای خانواده راجی بر اساس دادخواست اصلاح شده) در یک سناریوی فرضی دیگر باعث شده بود که ایران همان هزینه‌ها را متحمل شود، داستان متفاوتی مطرح میشد که از لحاظ زمانی، شکل و شیوه، جزئیات رویدادها، و مهم‌تر از همه، فاعل امر (مورد نظر) متفاوت می‌بود.<sup>۵۴</sup> همانگونه که گزارشگر تبیین و تحلیل قوانین (restatement) برای ارائه یک مثال عینی عنوان می‌کند وقتی شکارچی الف، با بی‌مبالاتی تیری از تفنگ رها می‌کند که باعث مرگ کوهنوردی میشود، و شلیک شکارچی ب هم اگر قتل زودتر اتفاق نیفتاده بود، میتواند مرگ کوهنورد را پی داشته باشد. "فعل یا ترک فعل نمیتواند علت موضوعی نتیجه‌ای باشد که قبلاً حاصل شده است."<sup>۵۵</sup> دادگاههای انگلیس<sup>۵۶</sup> و آلمان (کشور اخیر در یک رشته از آراء یکسان که طی دوره‌ای نزدیک به یک سده صدور یافته است) آرائی صادر کردند مبنی بر اینکه "علت ثانوی" فرضی و پس از واقعه نباید مورد توجه قرار گیرد. مورد نمونه، وضعیت خواننده‌ای است که با بی‌مبالاتی به اتومبیل خواهان خسارت وارد کرده است و شب بعد از حادثه، گاراژی که اتومبیل عادتاً در آن پارک میشد دچار حریق شده تخریب می‌شود و هرگاه اتومبیل در آن پارک می‌شد مسلماً از بین می‌رفت. خواننده از مسئولیت معاف نخواهد شد.<sup>۵۷</sup> اگر این مثال را به مثال تبیین قوانین انطباق دهیم، حتی اگر جنگلی که کوهنورد در مسیر راهپیمایی‌اش قصد گذر از آن را داشته در اثر آتش سوزی نابود شود، شکارچی الف نمیتواند از مسئولیت اقدام خود بگریزد. دیوان مثال موردی را می‌افزاید که در مسیر فرودگاه برای سوار شدن به هواپیما، الف در حادثه‌ای که عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی

<sup>۵۲</sup> بنگرید RESTATEMENT (THIRD) OF TORTS, Ch. 5, §26 (2010)

<sup>۵۳</sup> برای جامعترین بررسی تطبیقی بنگرید

A.M. Honoré, *Causation and Remoteness of Damage*, in 11 INTERNATIONAL ENCYCLOPEDIA OF COMPARATIVE LAW, TORTS, ch. 7, ¶ 126 et seq. (André Tunc ed., Tübingen/The Hague/Boston/London, 1969)

<sup>۵۴</sup> بنگرید به Honoré, *supra* note 53, at ¶ 126

<sup>۵۵</sup> بنگرید به RESTATEMENT (THIRD) OF TORTS, *supra* note 52, Ch. 5, §26 cmt. K

<sup>۵۶</sup> بنگرید به Baker v. Willoughby [1970] AC 467

<sup>۵۷</sup> برای ملاحظه این مورد آراء صادره از دادگاه عالی آلمان، بنگرید به

WOLFGANG FIKENTSCHER & ANDREAS HEINEMANN, SCHULDRECHT Nos. 697-701 (10<sup>th</sup> ed., 2010). Accord, for Swiss law, BGE 135 III 397, 401-5; 1 ANDREAS VON TUHR & HANS PETER, ALLGEMEINER TEIL DES SCHWEIZERISCHEN OBLIGATIONENRECHTS 92 (1979);

برای رویکردی گسترده تر و چشم انداز تطبیقی بنگرید ¶ 135 Honoré, *supra* note 53, at

توسط ب باعث آنست، کشته میشود، هواپیما پس از برخاستن سقوط می کند و هیچیک از مسافران آن زنده نمی ماند. ب نمیتواند به این استدلال که الف بهر حال در سقوط هواپیما کشته میشود، از مسئولیت بگریزد. یا، باز و به منظور افزودن مثالی بر پایه تعهد قراردادی، فرض کنید که، در چهارم دیماه ۱۳۹۲ [۲۵ دسامبر ۲۰۱۳] شرکت مادر تخصصی الف (از کشور الف) در قبال شرکت ب (از کشور ب) متعهد میشود که اطمینان حاصل کند که تمام پیام های بازرگانی افتراآلود خود و کلیه شعب فرعی اش فوراً متوقف خواهد شد. در ۱۵ دیماه ۱۳۹۲ [پنج ژانویه ۲۰۱۴] شبکه تلویزیونی ایکس، پیام بازرگانی شرکت الف-۱۰۰ با مسئولیت محدود، از شعب فرعی شرکت مادر تخصصی الف را با همان محتوای افتراآلود پخش می کند. در نتیجه پ، تنها مشتری شرکت ب در کشور الف، روابط بازرگانی خود را با شرکت ب قطع می کند. شرکت ب در ۲۰ دیماه ۱۳۹۲ [۱۰ ژانویه ۲۰۱۴] وکلانی را برای تحصیل یک قرار توقف از دادگاه کشور الف علیه الف-۱۰۰ به کار می گمارد. در ۳۰ دیماه ۱۳۹۲ [۲۰ ژانویه ۲۰۱۴] شرکت با مسئولیت محدود ت پیام بازرگانی خود را، با همان سرشت و محتوای پیام بازرگانی شرکت الف-۱۰۰، در شبکه تلویزیونی ایکس پخش می کند. تردیدی نیست که پ تحت تأثیر پیام بازرگانی ت، رابطه بازرگانی خود را با شرکت ب قطع میکرد، و در نتیجه شرکت ب متحمل همان هزینه های حقوقی ای می شد که در پیگیری اعمال حق خود علیه شرکت الف-۱۰۰ متحمل شد. اما شرکت مادر تخصصی الف نمیتواند از مسئولیت ناشی از نقض تعهد خود و خسارات وارده به شرکت ب در ۱۵ الی ۲۰ دیماه [پنج الی ۱۰ ژانویه] بگریزد. [اثر] پیام بازرگانی ت، یعنی علت ثانوی، مورد توجه قرار نخواهد گرفت. همانگونه که در این مورد و موارد مشابه ملاحظه شده است، آزمون "مگر اینکه" [سبب منحصر]، قابل اعمال نیست.<sup>۵۸</sup>

۵۳- یکی از نظرات جداگانه در تلاش برای اثبات خطاهای دیوان روی چهار نکته تأکید ورزیده است. نخست، این نظر ادعا دارد که، در سناریوی واقعی و تخیلی ("احتمال مخالف"، "فرضی") "ایفاگر نقش" یکی بود، آن هم راجی ها. این نظر به خطاست. در سناریوی واقعی ایفاگر نقش ایالات متحده بود، و راجی ها ایفاگر نقش سناریوی تخیلی بعدی، بودند. ایالات متحده با چشم پوشی از ادامه جریان پرونده خانم راجی فراتر از ژوئیه ۱۹۸۱، مرتکب نقض تعهدات معاهداتی شد. اقدام راجی ها فراهم آورنده موجبات زیان به ایران بود، اما آنها در قبال ایران تعهدی نداشتند. دوم، نظر جداگانه اظهار میدارد که نقض تعهد ایالات متحده، از مقوله ترک فعل است، نه فعل. این نظر درست است، اما با مقاصد تحلیل ما مرتبط نیست. سوم، نظر جداگانه تأکید می ورزد که مثالهای نمونه "علت ثانوی" که توسط تبیین و تحلیل قوانین و نویسندگانی در سرتاسر جهان بحث شده (و دیوان به آنها ارجاع داده است)<sup>۵۹</sup> نشانگر آن است که چرا باید بین سناریوهایی که مخارج "مضاعف" و سناریوهای دیگر که مخارج "اضافی" حاصل می کنند، قایل به تمیز شد. شاید این تفکیک در مواردی که متخلف اول مثلاً زیانهای شماره ۱ الی ۵ را باعث میشود و

<sup>۵۸</sup> Honoré, *supra* note 53, at ¶ 131; SIMON DEAKIN, ANGUS JOHNSTON & BASIL MARKESINIS,

MARKESINIS AND DEAKIN'S TORT LAW 235 (7<sup>th</sup> ed., 2013)

<sup>۵۹</sup> بنگرید به بند ۵۲، بالا.



متخلف دوم زیان‌دیده را با/فزودن زیانهای ۶ الی ۱۰، وخیم‌تر می‌کند، خالی از منطبق نباشد. برخی دادگاه‌ها و نویسندگان به مسئله از این باب نظر می‌کنند که سهم هر خطا کار در مجموع خسارت با تعیین سهم نسبی هر یک از متخلفان متعاقب باید تعیین شود. اما، راه‌های دیگری هم برای رسیدگی به موارد "تعدد اسباب" پیشنهاد شده است. معهدا دیوان قویاً معتقد است که هیچ دادگاه یا دیوانی، متخلف اول (واقعی) را با این فرض که متخلف دیگری می‌توانسته (به فرض) موجب همان زیان در همان زمان شده باشد، از مسئولیت مبرا نمی‌شناسد، آنهم فقط بخاطر اینکه متخلف بعدی سالها بعد باعث ورود زیان شده است. چهارم، نظر جداگانه، در ارائه دادن مثال یک ساختمان - مثلاً دادگستری - با دو درب ("درب ۱۹۸۱" و "درب ۱۹۸۳")، اظهار میدارد که ایالات متحده مکلف به قفل کردن یکی از درب‌ها بود، و هیچ تعهدی به قفل کردن درب دیگر نداشت. دیوان ناتوان از درک اینست که چگونه [این مثال] بر پایه تفسیر بی‌ابهام اصل کلی ب می‌تواند استوار گردد.

۵۴- دیوان باید به بررسی رخدادهائی که به پیشگاهش عرضه شده پردازد. ادعای خانم راجی بابت منافع بازنشستگی توسط نامبرده که یک تبعه ایالات متحده بود آغاز شد و ادعا در تاریخ بیانیه‌های الجزایر پا بر جا، و پرونده دعوا در ۲۸ تیر ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] هنوز مفتوح بود. چنین جریان دادرسی‌ای مشمول تعهد ایالات متحده برای خاتمه دادن به دعوا بود. چنانچه پرونده تا آن تاریخ مختومه میشد، (یا بحالت تعلیق در می‌آمد<sup>۶۰</sup>)، در ۱۹۸۳ دادگاه بدوی نمیتوانست دعوای خانم راجی را بابت منافع بازنشستگی رد کند و به آقای راجی اجازه دهد که آنرا به نام خود پیگیری کند.<sup>۶۱</sup>

### (۳) مک داندل دوگلاس کورپوریشن، علیه ایران و دیگران

۵۵- مک داندل دوگلاس کورپوریشن ("مک داندل دوگلاس") در ۲۶ آذر ماه ۱۳۶۱ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۲] دعوایی علیه ایران در دادگاه فدرال ایالات متحده، ناحیه شرقی میسوری ("پرونده مک داندل دوگلاس")<sup>۶۲</sup> طرح کرد. شکوائیه، در پاسخ به دعوای ایران که در ماه مارس ۱۹۸۲ علیه مک داندل دوگلاس در یکی از دادگاه‌های ایران طرح شده بود، به ثبت رسید. هر دو دعوا بر قرارداد ۱۹۷۵ بین مک داندل دوگلاس و نیروی هوایی شاهنشاهی ایران ("قرارداد ۱۹۷۵")، مبتنی بود. قرارداد ۱۹۷۵ حاوی ماده‌ای برای تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به نفع دادگاه‌های ایران بود. مک داندل دوگلاس در دادخواست خود، از دادگاه فدرال تقاضای صدور حکم اعلامی را کرد، از جمله دائر بر این که (یک) تعهداتش را وفق

<sup>۶۰</sup> بنگرید بند ۴۴ بالا.

<sup>۶۱</sup> یافته دیوان اینست که ایران در ارتباط با آن بخش از پرونده راجی که به ادعای قراردادی خانم راجی مربوط می‌شده خسارت قابل جبران هزینه‌های دادرسی خاص بمبلغ ۱۵،۵۰۹/۸۰ دلار آمریکا متحمل شده است. این مبلغ در مجموع مبلغ حکم لحاظ شده است، بند ۱۹۵ زیر.

<sup>۶۲</sup> *McDonnell Douglas Corp. v. Iran et al.*, 82-2096 (E.D. Miss.)

قرار داد ۱۹۷۵ ایفا کرده است؛ و (دو) قرارداد تابع قوانین ایالات متحده است نه قوانین ایران و هر حکم احتمالی صادره از دادگاههای ایران کان لم یکن خواهد بود.

۵۶- از دیدگاه فنی، تا ۲۹ دی ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲]<sup>۶۳</sup> مک دائل دو گلاس میتواند ادعای خود علیه ایران را در پیشگاه دیوان بخواسته صدور حکم اعلامی مبنی بر اینکه قرارداد ۱۹۷۵ را اجرا کرده است و نیز غیر قابل اجرا بودن ماده قراردادی شرط صلاحیت، مطرح کند. از آنجا که اختلافی بر مبنای قرارداد ۱۹۷۵ بین طرفین تا آن تاریخ بروز نکرده بود، مک دائل دو گلاس دلیلی نداشت، و در نتیجه از وی عقلاً انتظار نمی‌رفت که در این راستا اقدام کند.<sup>۶۴</sup> مک دائل دو گلاس شکوائیه خود را فقط پس از آنکه ایران اجرای قرارداد را در ماه مارس ۱۹۸۲ در دادگاه‌های داخلی خود به چالش کشید، در دادگاه فدرال ایالات متحده طرح دعوا کرد.

۵۷- در پرتو این اوضاع و احوال، دیوان حاضر نیست بپذیرد که ادعای مک دائل دو گلاس احتمالاً در حوزه صلاحیتش بود.

### ۳- نقض تعهد

۵۸- در مرحله نخستین رسیدگی‌های حاضر، دیوان ضابطه تعیین نقض تعهد مندرج در اصل کلی ب توسط ایالات متحده را مقرر کرد. بدین‌قرار کار دیوان در مرحله دوم [یعنی مرحله فعلی]، عمدتاً تفسیر و اعمال آن ضوابط است.

۵۹- همانگونه که در بالا نقل شد،<sup>۶۵</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰ برای نقض در ارتباط با ادعای (الف)، ادعای (ز)، و ادعای (ح)، ضوابط مختلفی را تعیین کرده است و دیوان ذیلاً به ترتیب به بررسی آنها می‌پردازد.<sup>۶۶</sup> در این بخش به ادعای (د) نیز محض کامل شدن بررسی‌ها، پرداخته میشود، اگرچه یافته حکم

<sup>۶۳</sup> ۲۹ دی ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] ضرب الاجل ثبت ادعاهای مندرج در بند ۴ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی بود.

<sup>۶۴</sup> وجود اختلاف، "مستلزم وجود میزانی از ارتباط بین طرفین است؛" موضوع باید با طرف مقابل طرح شده باشد و

طرف مقابل باید با موضع خواهان مخالفت کرده باشد، هر چند غیر مستقیم."

South West Africa (Liber. v. S. Afr.), Preliminary Objections, Judgment, 1962 I.C.J. 319, 328 (21 Dec.)

<sup>۶۵</sup> بنگرید به بندهای ۱۴، ۱۹ و ۲۱، بالا.

<sup>۶۶</sup> دیوان در سازش دادن بین این معیارها با دشواری‌های روبرو بوده است، که به نظر میرسد گاه تلاش می‌کرده برخی اصطلاحات را از طریق ارجاع دادن در متن ادغام کند. مثلاً حکم جزئی شماره ۵۹۰ برای ادعای (ح) ذکر کرده است که در "صورتی که ایران بطور معقول متحمل هزینه‌های حقوقی در ارتباط با آن دسته از احکام قضایی شده باشد که بعد از ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] هنوز موجودیت داشتند، در آن صورت ایالات متحده تعهد خود در بیانیه‌های الجزایر را مبنی بر لغو احکام قضایی صادره علیه ایران نقض کرده است." (حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۱۸۸، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۵۹-۱۵۸، تأکید افزوده شده). در پایان همان بندی که عبارت فوق در آن آمده، ارجاعی با عبارت مقدماتی "بنگرید به بالا" وجود دارد که (از جمله) به بند ۱۰۱ حکم جزئی شماره ۵۹۰ اشاره دارد. بند ۱۰۱

جزئی شماره ۵۹۰ اینست که با تجویز ثبت ادعا بعد از تاریخ بیانیه‌های الجزایر، ایالات متحده اصل کلی ب را نقض کرده است.<sup>۶۷</sup>

#### الف) ادعای (الف)

۶۰- نقض ادعائی تعهد خاتمه دادن به دعاوی توسط ایالات متحده مطابق اصل کلی ب (موضوع ادعای (الف)) کانون توجه طرفین در جلسه استماع و لوایح کتبی پیش از جلسه بوده است. این برخورد، با نقش محوری تعهد خاتمه بخشیدن وفق اصل کلی ب همسوئی دارد.

۶۱- ادعای (الف)، از جمله، شامل نقض ادعائی اصل کلی ب توسط ایالات متحده، با قصور در خاتمه دادن (تعلیق<sup>۶۸</sup>) آن دسته از دعاوی مطروح در دادگاههای آن کشور که شامل ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران میشود که قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، بوجود آمده بود.

۶۲- این مسأله که آیا "ایران بعد از تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱]، به منظور دفاع معقول از منافع خود ... تا حد معقولی ناچار به حضور در جلسات استماع یا ثبت مدارکی در دادگاههای ایالات متحده شده است"<sup>۶۹</sup> ("ضابطه الزام معقول") محور ادعای (الف) است و بنابراین در صدر بررسی‌های دیوان قرار گرفته است. دیوان اکنون عناصر این ضابطه را واکاوی می‌کند و سپس نتیجه‌گیری همه جانبه خود را در پی آن می‌آورد.

#### (۱) "الزام معقول به دفاع محتاطانه از منافع"

#### الف) اظهارات طرفین

۶۳- ایران اظهار میدارد، نظر به مجموع اوضاع و احوال موجود، وضعیت نامشخص، و ادامه یافتن دعوا در دادگاه‌ها، برای آن دولت کاملاً معقول بود که در جریان رسیدگی‌های قضائی علیه خود شرکت داشته باشد. بدین‌قرار، ضابطه الزام معقول، نباید بگونه‌ای بیش از حد، مضیق بکار بسته شود. ایالات متحده پاسخ

ضابطه دیگری را برای ارزیابی هزینه‌های حقوقی ایران مقرر می‌کند "به منظور دفاع معقول از منافع خود ... تا حد معقولی ناچار"؛ حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۱۰۱، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۳۸. کتاب The Harvard Blue Book [واژه] "بنگرید" را در زمره "علامت‌های مقدماتی حاکی از تأیید" برشمرده است (THE BLUEBOOK: A UNIFORM SYSTEM OF CITATION 54 (Columbia Law Review Ass'n et al. eds., 19<sup>th</sup> ed. 2010)) منظور از ارجاع "بنگرید به بالا" در بند ۱۸۸ و چگونه در نظر بوده "به طور معقول متحمل" در بند ۱۸۸ با معیار مندرج در بند ۱۰۱، "به منظور دفاع معقول از منافع خود ... تا حد معقولی ناچار" بر روی هم تأثیر و تأثر داشته باشد، برای دیوان روشن نیست. بنابراین دیوان نص بند ۱۸۸ را واجد تفوق تلقی کرده است. (بنگرید به بند ۱۲۳، زیر).

<sup>۶۷</sup> بنگرید به بند ۱۷، بالا.

<sup>۶۸</sup> بنگرید به بند ۴۴، بالا.

<sup>۶۹</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۱۰۱، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۳۸ (تأکید افزوده شده است).

میدهد که ساز و کار مؤثر و جامعی متشکل از چهار عنصر که در تلفیق با هم فعال بود را برای مطابقت از بیانیه‌های الجزایر بنا نهاده بود: (۱) دستور اجرائی ۱۲۲۹۴؛ (۲) دعوای *دیمز اند مور علیه ریگان* در دیوان عالی ایالات متحده،<sup>۷۰</sup> جهت تأیید مشروعیت داخلی آن دستور؛ (۳) برنامه مداخله در دعوای داخلی از طریق ثبت تذکاریه ذینفع توسط وزارت دادگستری ایالات متحده در همه دعوای مطروح علیه ایران در دادگاه‌های ایالات متحده که از آن آگاه بود؛ (۴) فیصله دادن به دعوای از طریق داوری الزام آور در پیشگاه دیوان. ایران باید با عنایت به این ساز و کار اطمینان حاصل می‌کرد و از مشارکت در رسیدگی دادگاه‌های ایالات متحده خودداری می‌نمود. ایران با خطر احکام غیابی در دادگاه‌های ایالات متحده مواجه نبود<sup>۷۱</sup> که باعث نگرانی آن دولت باشد و عقلاً ناگزیر از ادامه مشارکت در دعوای ای باشد که بحال تعلیق در آمده بود.

۶۴- ایران استدلال می‌کند که، بهر تقدیر، اقدامات وی در دادگاه‌های ایالات متحده معقول و از باب احتیاط بوده است. ساز و کار تعلیق که توسط ایالات متحده تدبیر شد، تا ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] منجر به خاتمه یافتن تمام دعوای حقوقی علیه ایران نشد، و بدینقرار، برای ایران معقول بود بر این باور باشد که باید در دوره بعد از آن تاریخ در جریان رسیدگی دعوای مشارکت داشته باشد. ایران به ایرادات متعددی در ساز و کار تعلیق که وی را به باور پیشگفته رساند، اشاره می‌کند.

۶۵- نخست، ایران اظهار میدارد که مطابق قوانین ایالات متحده، روشن نبود که دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ بتواند دعوای مطروح در دادگاه‌های ایالات متحده علیه ایران را خاتمه بخشد. در واقع، دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ فقط حکایت از آن داشت که دعوای را بحالت تعلیق در می‌آورد.

۶۶- ایالات متحده در پاسخ استدلال می‌کند که دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ دگرگونی اساسی در قوانین ماهوی ایالات متحده ایجاد کرد [بدین معنی] که در طول مفتوح بودن پرونده نزد دیوان، مانع اجرای احکام (از جمله احکام غیابی) علیه ایران شد.

۶۷- دوم، ایران اظهار میدارد، اگرچه حکم مورخ ۱۱ تیر ماه ۱۳۶۰ [دوم ژوئیه ۱۹۸۱] دیوان عالی ایالات متحده در پرونده *دیمز اند مور علیه ریگان* ("دیمز اند مور")<sup>۷۲</sup> که مطابقت دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ با قانون اساسی را تأیید کرد، تا حدودی به ایران آرامش خاطر داد، اما باعث خاتمه یافتن دعوای به گونه‌ای که اقتضای بیانیه‌های الجزایر بود، نشد. نه دستور اجرائی و نه *دیمز اند مور* تکلیف دفاع در دعوای دادگاه‌های ایالات متحده را از دوش ایران برداشت. اثر *دیمز اند مور* بر دعوای مفتوح، خودکار نبود، و

<sup>۷۰</sup> *Dames & Moore v. Regan et al.*, 453 U.S. 654, 101 S.Ct. 2972

<sup>۷۱</sup> ایران استدلال کرده است که احکام غیابی یکی از نتایج بالقوه منفی بود که وی را به تصمیم معقول شرکت در

دادرسی‌های حقوقی رهنمون شد.

<sup>۷۲</sup> *Dames & Moore v. Regan et al.*, 453 U.S. 654, 101 S.Ct. 2972

طرفین آزاد بودند که در هر پرونده در خصوص غیرقابل اعمال بودن یا تفسیر خلاف تصمیم یاد شده، استدلال کنند. به علاوه در جلسه استماع ایران تأکید کرد که *دیمز اند مور* دعوائی بود که [یک] طرف خصوصی آنرا مطرح کرده بود، نه ایالات متحده. بدینقرار، اقدامی نیست که ایالات متحده بتواند آنرا به عنوان بخشی از تلاشهای خود در مطاوعت از بیانه‌های الجزایر مطرح کند.

۶۸- ایالات متحده ادعا می‌کند که تصمیم دیوان عالی ایالات متحده در پرونده *دیمز اند مور*، بر اختیار رئیس جمهور در صدور دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ صحه گذاشت و ساز و کار تعلیق را کامل کرد. پس از *دیمز اند مور*، ایران دیگر نبایست عقلاً نگران می‌بود که در پرونده‌هایی که احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت حکم مؤثری در دوره تعلیق صادر شود.

۶۹- سوم، ایران اظهار میدارد که تذکاريه‌های ذینفع که وزارت دادگستری ایالات متحده ثبت میکرد، در خاتمه یافتن دعاوی مؤثر نبود. دادگاههای ایالات متحده ملزم به تبعیت از تذکاريه ذینفع که قوه مجریه به ثبت میرساند نبودند. علیرغم ثبت تذکاريه‌های ذینفع توسط وزارت دادگستری، خواهانها به ثبت لوایح ادامه دادند و در مواردی، خود دادگاهها رأساً امر به تبادل لوایح دادند. بعلاوه، خواسته تذکاريه‌ها اغلب فقط تعلیق دعوا بود. بهر روی، ایالات متحده حتی از همه دعاوی در دادگاه‌های آن کشور علیه ایران مطلع نبود و در مواردی به اطلاعاتی که وکلای آمریکائی ایران در اختیارش می‌گذاشتند، متکی بود تا بداند کجا تذکاريه ذینفع را ثبت کند. همه این عوامل دال بر این بود که ایران نمی‌توانست از ثبت تذکاريه‌های ذینفع آرامش خاطر احساس کند.

۷۰- ایالات متحده اظهار میدارد که تذکاريه‌های ذینفع جامع بود و به فوریت به ثبت رسید. به علاوه، صرفنظر از اینکه این تذکاريه‌ها قانوناً الزام آور بود یا خیر، مؤثر بود و باعث صدور دستورهای توقف توسط دادگاهها تقریباً در تمام ادعاهائی شد که احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت. ایالات متحده متذکر میشود که فقط در معدودی از پرونده‌ها دادگاههای آن کشور از صدور دستور توقف رسمی دعوا سرباز زد، و بهر حال در آن پرونده‌ها فعالیت اساسی وجود نداشت. کلیه دعاوی تعلیقی که در حوزه صلاحیت دیوان قرار داشت، سرانجام و در پی تصمیم‌گیری دیوان در ماهیت آنها [در دادگاههای ایالات متحده] مختومه شد.

۷۱- ایالات متحده ادعا می‌کند که در این اوضاع و احوال، در دعاوی تعلیق شده بعد از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] انجام هر گونه فعالیتی که ایران آنرا از وکیل خود خواسته، دل‌خواسته بوده و غیر ضروری؛ بنابراین برای ایران نه الزام معقول وجود داشت و نه دفاع محتاطانه از منافع چنین اقتضا میکرد است.

۷۲- به علاوه ایالات متحده ادعا می‌کند که، بهر تقدیر، حتی اگر ساز و کار تعلیق در هر مقطعی ناکام می‌ماند، ساز و کارهای آئین دادرسی مطابق آئین دادرسی مدنی فدرال ایالات متحده و قانون مصونیت دولت‌های خارجی، ایران را در قبال خطر احکام غیابی بموقع آگاه می‌نمود و حمایت می‌کرد.

۷۳- ایران ادعا می‌کند که اتکا به ایالات متحده برای حمایت از منافعش مقرون به حزم و احتیاط نمیتوانست باشد. در شرایط کاملاً بی‌سابقه‌ای که ایران در آن زمان خود را احساس می‌کرد، در رویارویی با صدها پرونده در سرتاسر ایالات متحده، ایران بحق به مشورت و کلای آمریکائی خود اعتماد کرد. ایران استدلال می‌کند که بر عهده دیوان نیست که امروزه در خصوص تصمیماتی که ایران در آن زمان گرفته، واپس‌نگویی کند، یا از امتیاز واپس‌نگری بهره‌گیرد. اقدامات ایران باید در پرتو شرایط حاکم در زمان اختلافات قضاوت شود.

#### (ب) تصمیم دیوان

۷۴- در بدو امر دیوان متذکر می‌شود که پیداست ایالات متحده اقدامات گسترده‌ای در تلاش برای ایفای تعهد خاتمه دادن دعاوی مطابق اصل کلی ب به عمل آورد. اما، یافته دیوان اینست که، در عین حال که این اقدامات می‌توانسته جامع و توأم با پشتکار باشد، سرانجام نتیجه آن، این بود که ایران (با واقعیاتی که به دیوان عرضه کرده، به گونه‌ای قابل توجیه) این استنباط را داشت که ملزم بوده در دعاوی مطروح علیه وی در دادگاههای ایالات متحده شرکت کند. این استنباط در پرتو شرایط حاکم در آن زمان و ناکارآمدی‌های سازوکار تعلیق که ایالات متحده بکار بسته بود، معقول بود.

۷۵- لویجی که ایالات متحده به دیوان ارائه کرد بر عدم صدور احکام غیابی علیه ایران تأکید دارد. لذا، اگر این سناریوی "بدترین حالت" اتفاق نیفتاد، سازوکار تعلیق مؤثر بود و باید به ایران اطمینان کافی می‌بخشید. دیوان این استدلال را مجاب‌کننده نمی‌یابد. نظر دوختن به اینکه احکام غیابی علیه ایران صادر شد یا نه، در چارچوب حاضر مناسب نیست چرا که مستلزم ارزیابی توأم با واپس‌نگری است. بیشتر شرایط آنزمان و چشم‌انداز معقول ایران از آن شرایط در زمان نقض ادعائی است که میتواند ذریبط تلقی شود.

۷۶- این مسئله که آیا ایران "بعد از تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱]"، به منظور دفاع معقول از منافع خود ناچار به حضور در جلسات استماع یا ثبت مدارکی در دادگاههای ایالات متحده شده است، نباید فقط با استناد به دادرسی‌های حقوقی معین در پرونده‌های مورد بررسی حاضر، تعیین شود. حکم جزئی شماره ۵۹۰ مستلزم چنین امری نیست. سرشت ضابطه "الزام معقول" مستلزم داشتن دید وسیعتر به قضیه است. توجه به اوضاع و احوال در تعیین تکلیف قضیه نقشی کلیدی ایفا می‌کند.

۷۷- بنابراین، دیوان اوضاع و احوال حاکم آتی را ذریبط می‌شناسد:

(الف) قطع رابطه سیاسی بین ایران و ایالات متحده و این واقعیت که رابطه دو کشور عموماً وخیم بود؛

(ب) وجود میزانی از احساسات ضد ایرانی و ضد آمریکائی؛

(پ) این واقعیت که دستور اجرائی ۱۲۲۹۴، که وسیله اجرای سازوکار تعلیق بود، با عبارت بیانیه‌های الجزایر همسو نبود؛

(ت) ساز و کار تعلیق ایالات متحده، براحتی قابل فهم یا ارزیابی قطعی نبود؛

(ث) عدم آشنائی ایران با قانون اساسی ایالات متحده و سیستم حقوقی و دادرسی در دادگاههای آن کشور؛

(ج) عدم تکافوی ارتباطات دیپلماتیک ایالات متحده با ایران که اطمینان مثبت و کافی برای ضروری نبودن مشارکت در دادرسی در دادگاههای ایالات متحده و دفاع از منافع خود را [به آن کشور] بدهد؛  
و

(چ) این واقعیت که، در مواردی چند، وزارت دادگستری ایالات متحده به اطلاعات ارائه شده توسط وکلای آمریکائی ایران برای آگاهی از دعاوی مطروح متکی بود؛ و

(ح) این واقعیت که دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ ثبت دعاوی جدید را تجویز میکرد.

۷۸- اما، مهم‌تر از همه، دیوان به عنوان یک موضوع کلی نمی‌تواند نتیجه‌گیری کند که احساس الزام هر کسی به عنوان خواننده در پرونده‌ای که در پی دستوری همانند دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ بحالت تعلیق درآمده، برای پاسخگوئی به لوایحی که خواهانها ثبت میکردند، پاسخ به استعلام دادگاه برای تأمین اطلاعات، و در مواردی، از سرگیری اقدامات در پرونده‌ای که بحالت تعلیق درآمده بود، نامعقول بوده است.

۷۹- بنابراین دیوان متقاعد شده است که در موارد بسیاری ایران الزام معقول داشت در مسیر دفاع محتاطانه از منافع خود پس از ۲۸ تیرماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] در دادگاههای ایالات متحده حضور یابد یا مدارکی به ثبت رساند.

(۲) "حضور" یا "ثبت مدارک" در "هردعوائی"

الف) اظهارات طرفین

۸۰- ایران اظهار میدارد که عبارت "حضور یا ثبت مدارک در دادگاههای ایالات متحده ... در هر دعوا" نباید بطور مضیق تفسیر شود. بلکه، عبارت باید بگونه‌ای تفسیر شود که بسادگی معنی آن "دعوا" باشد. تعریف دعوا، دامنه گسترده‌تری دارد تا حضور در دادگاه یا ثبت مدارک. ایران استدلال می‌کند، برای تعیین گستره "حضور و ثبت" نگاه کردن به دفتر ثبت دادگاه کفایت نمی‌کند. برخی از اقدامات

مربوط به دعوا که توسط وکلای آمریکائی ایران انجام شد، در دفتر ثبت دادگاه انعکاس یافته - برای نمونه، ثبت گزارش وضعیت پرونده، شرکت در جلسات هماهنگی نحوه رسیدگی پرونده (status conference)، یا جایگزین کردن وکیل. اما، مجموعه اقدامات وکلای آمریکائی ایران، هر چند مستقیماً به پرونده مربوط بوده، در دفتر ثبت انعکاس نیافته است، به عنوان مثال، تحقیقات حقوقی، آماده کردن لوایح کتبی یا آماده شدن برای حضور در جلسات دادگاه؛ یا مکاتبه و تماس با ایران، یا با وکلای همکار یا وکلای طرف مقابل. هزینه‌های دادرسی که ایران در ارتباط با این فعالیت‌ها متحمل شد نیز، در محدوده معنی حضور در دادگاه و ثبت مدارک بگونه‌ای که در حکم جزئی شماره ۵۹۰ بکار برده شده، می‌گنجد.

۸۱- ایالات متحده اظهار میدارد که حکم جزئی شماره ۵۹۰ دامنه اقدامات منجر به نقض را به اقداماتی با برد کمتر از "دعوا" محدود کرده است. به نظر ایالات متحده، "حضور" و "ثبت" در دادگاههای ایالات متحده مستلزم دامنه محدودتری از نیابت رسمی وکیل خواه در دادگاه یا برای ثبت مدارک کتبی است. در نتیجه، هزینه‌های غیر رسمی یا خارج از دادگاه دعوا، همانند هزینه‌های مربوط به موضوعات صرفاً اداری - مثلاً، مدیریت داخلی پرونده توسط دستیاران حقوقی؛ مکاتبات داخلی بین وکلای ایران و دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی؛ تذکریه‌های مربوط به پرونده که وکلای ایران تهیه کرده‌اند؛ و مکاتبات غیررسمی با وکلای طرف مقابل، از مصادیق تعریف مزبور نیست. مطلبی که در دفتر ثبت دادگاه منعکس نشده باشد، نه "حضور در دادگاه" تلقی میشود و نه "ثبت لایحه". ایالات متحده همچنین اظهار میدارد که، در چارچوب تعهد آن دولت به ختم دعاوی، تنها آن دسته از اقدامات شکلی که ادعا را به سمت تعیین تکلیف قطعی در ماهیت سوق دهد "دعوا" محسوب می‌شود.

(ب) تصمیم دیوان

۸۲- بدو دیوان مقرر میدارد که از اصطلاح "دعوا" بگونه‌ای که در حکم جزئی شماره ۵۹۰ بکار برده شده، معنای متعارف آن به مفهوم "پرونده حقوقی" یا "اقدام حقوقی" مستفاد است که شامل کلیه مراحل مربوط به رسیدگی میباشد.<sup>۳۳</sup> بنابراین دیوان تعریف ایالات متحده را از "دعوا"، که آن را محدود به اقداماتی حقوقی می‌داند که ادعا را به سوی تعیین تکلیف ماهوی پیش می‌برد، نمی‌پذیرد. مبنائی در بیانیه‌های الجزایر یا در حکم جزئی ۵۹۰ که چنین معنای خاصی را به اصطلاح "دعوا" بدهد، وجود ندارد.

۸۳- در ارتباط با عبارات "حضور یافتن" و "ثبت مدارک"، دیوان مقرر میدارد که مطابق معانی عرفی، این عبارات شامل حضور فیزیکی و نیز ثبت مدارک در دادگاه است. بدین‌قرار، شامل اقداماتی است که در

<sup>۳۳</sup> واژه نامه Black's Law Dictionary "دعوا" را اینگونه تعریف می‌کند: (۱) پیشبرد جریان یک پرونده" و (۲)

"[یک] پرونده [قضائی]" BLACK'S LAW DICTIONARY (9th ed. 2009). ("یک پرونده. دعوای حقوقی، شامل کلیه مراحل رسیدگی آن").



دادگاه صورت می‌گیرد<sup>۷۴</sup> مانند: شرکت در جلسات استماع و جلسات مربوط به توافق در نحوه رسیدگی به پرونده؛ ثبت لوایح مکتوب (برای مثال، پاسخ به شکوائیه‌ها، درخواست‌ها، مخالفت و پاسخ به درخواستهای ثبت شده توسط طرف مقابل، پژوهشخواهی، پاسخ به پژوهشخواهی طرف مقابل)؛ ثبت گزارش وضعیت پرونده؛ ثبت مشترک با طرف مقابل یا توافقنامه (مانند، گزارش مشترک وضعیت پرونده، توافق مشترک برای تقاضای تمدید وقت یا تقاضای مختومه کردن پرونده)؛ و درخواست بر اساس تراضی طرفین.

۸۴- بنابراین، مطابق بند ۱۰۱ حکم جزئی شماره ۵۹۰، در پرونده‌هایی که ایران بعد از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] الزام معقول به دفاع محتاطانه از منافع خود را داشته، و ناگزیر از انجام این قبیل اقدامات یا اقدامات مشابه، در دعاوی ای بوده که احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار می‌گرفته، یا نزد دیوان به ثبت رسیده بود، عدم پایبندی ایالات متحده به تعهد خاتمه دادن دعاوی وفق اصلی کلی ب و بند ۲ ماده هفت محرز خواهد بود.<sup>۷۵</sup>

### (۳) نتیجه‌گیری کلی دیوان

۸۵- یافته دیوان اینست که ایالات متحده تعهد خاتمه بخشیدن به دعاوی حقوقی مندرج در اصل ب ناظر بر دعاوی مطروح در دادگاههای ایالات متحده را که در پیوست الف آمده، نقض کرده است. دیوان

<sup>۷۴</sup> واژه نامه Black's Law "حضور یا شرکت" [appearance] را اینگونه تعریف می‌کند: "حضور در دادگاه به عنوان یکی از اصحاب [دعوا] یا شخص ذینفع، یا به عنوان وکیل به نیابت یکی از طرفین یا شخص ذینفع؛ بویژه، اقدام خواننده به شرکت در پرونده، خواه با حضور یافتن رسمی یا با ارسال پاسخ، ایراد یا درخواست یا به عمل آوردن اقداماتی در پرونده پس از صدور حکم خواه در دادگاه صادر کننده حکم یا دادگاه پژوهش". BLACK'S LAW DICTIONARY (9th ed. 2009). واژه نامه Black's Law "ثبت [filing]" را به عنوان یک "مدرک خاص (مانند یک لایحه) در پرونده نزد منشی دادگاه یا مسئول حفظ سوابق" تعریف می‌کند. همانجا.

<sup>۷۵</sup> بنگرید به بند ۴۳ بالا. در مواردی که حضور [در دادگاه] یا ثبت [مدارک] صورت پذیرفته، و نیز مواردی که خساراتی در نتیجه حضور یا ثبت تحمیل شده است، ایالات متحده مسئول جبران خسارات ایران بابت هزینه‌های متحمل در ارتباط با اقدامات فوق خواهد بود (بنگرید به بندهای ۱۹۰ و بندهای بعد، زیر). "در نتیجه" باید به کفایت در معنای موسع آن درک شود تا در راستای اصول حقوق بین الملل قرار گیرد (بنگرید به بند ۱۹۱ زیر). به منظوری که مدنظر است، برای مثال کارهای انجام شده جهت آمادگی ثبت [مدرک] که سرانجام به دلیل اوضاع و احوال قرین توفیق نبوده میتواند کماکان "در نتیجه" محسوب شود. (بنگرید، به عنوان مثال، به Westinghouse Electric Corp. v. Iran et al., 83-3837 (D. Md.)). کنش‌های زیر نیز نمونه اقداماتی است که "در نتیجه" حضور در دادگاه و ثبت مدرک تلقی میشود: مطالعه درخواست ثبت شده توسط طرف مقابل برای تهیه پاسخ؛ مطالعه تصمیم دادگاه برای تهیه پژوهشخواهی؛ مکاتبه و تماس با موکل، با وکیل هم پرونده، قضات، یا وکیل طرف مقابل جهت آماده شدن برای حضور در دادگاه یا ثبت؛ جلسات داخلی جهت آمادگی برای حضور در دادگاه یا ثبت، مذاکرات اصلاحی اگر مصالحه به کفایت با دادرسی پرونده‌ای که در جریان است مرتبط باشد، و تحقیق حقوقی جهت آمادگی برای حضور در دادگاه یا ثبت مدارک. بر عکس، فعالیتی همانند خواندن پرونده توسط وکیل جدید، کاری نیست که "در نتیجه" حضور یا ثبت، تلقی شود، بنابراین هزینه‌ها و مخارج مربوط به آن قابل جبران نیست.

پس از بررسی کلیه ادله و مدارک، مجاب شد که ایران در این دعاوی، پس از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱]، به مفهومی که در حکم حاضر بحث شد، حضور یافت یا مدارکی را به ثبت رساند، و الزام معقول به انجام چنین اقداماتی را داشت. به این مسئله که آیا این حضور یافتن‌ها یا ثبت مدارک باعث ورود خسارات قابل جبران شد یا خیر ذیلاً رسیدگی می‌شود.<sup>۷۶</sup>

۸۶- بمنظور روشن‌نگری، دیوان به بحث در خصوص یکی از پرونده‌های دادگاه‌های ایالات متحده، یعنی Hoffman Export Corp. v. Iran (80-0524 (C.D. Cal.) 81-5432 (9th Cir.) ("پرونده هوفمن") می‌پردازد.

۸۷- هوفمن اکسپورت کورپوریشن ("هوفمن") در ۲۴ بهمن ۱۳۵۸ [۱۳ فوریه ۱۹۸۰] دادخواستی علیه ایران در دادگاه فدرال ایالات متحده، ناحیه مرکزی کالیفرنیا ("دادگاه فدرال") به ثبت رساند. دادخواست بر نقض ادعائی قرارداد ماه مه ۱۹۷۵ بین هوفمن و وزارت دفاع ایران جهت تأمین تجهیزات مخابراتی رادیویی ("قرارداد رادیو") استوار بود. دادگاه در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ [۳۰ آوریل ۱۹۸۱] قرار توقیف موجود را رفع و پرونده را بدون اسقاط حق طرح مجدد رد کرد، اما دستور خود را تا ۱۸ تیر ۱۳۶۰ [نهم ژوئیه ۱۹۸۱] بحالت تعلیق درآورد. در ۲۴ تیر ۱۳۶۰ [۱۵ ژوئیه ۱۹۸۱]، هوفمن از دستور دادگاه فدرال پژوهشخواهی کرد، و فعالیت‌هایی متعاقب آن در دادگاه صورت گرفت. پژوهشخواهی در ششم شهریور ۱۳۶۰ [۲۸ اوت ۱۹۸۱] در پی درخواست مشترک طرفین برای رد دعوا، مردود اعلام شد.

۸۸- در ۲۷ آبان ۱۳۶۰ [۱۸ نوامبر ۱۹۸۱]، گولد مارکتینگ، اینک. ("گولد")، جانشین هوفمن، بر شالوده قرارداد رادیو، ادعائی به دیوان عرضه کرد. در پنجم مرداد ۱۳۶۲ [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳]، دیوان طی یک قرار اعدادی صلاحیت خود را بر پاره‌ای از ادعاها احراز کرد و نتیجه گرفت که قرارداد رادیو به دلیل سترون شدن در میانه سال ۱۹۷۹ فسخ شد، و مقرر داشت که برخی ادعاها مبتنی بر قرارداد رادیو مرتبط به پرداخت‌های حال شده از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، در صلاحیتش نمی‌گنجد.<sup>۷۷</sup>

۸۹- در ششم آذر ۱۳۶۹ [۲۷ نوامبر ۱۹۹۰] هوفمن/گولد درخواستی در دادگاه فدرال مبنی بر بازگشائی پرونده اصلی شماره ۸۰-۰۵۲۴ به ثبت رساند و اجازه خواست تا شکوائیه اصلی را که در ۲۴ بهمن ۱۳۵۸ [۱۳ فوریه ۱۹۸۰] ثبت شده بود اصلاح کند، "تا متضمن تحولات مرتبط با اصحاب دعوا که از زمان ثبت دادخواست اصلی رخ نموده باشد، و نیز نقض مستمر قرارداد رادیو توسط ایران را که از زمان ثبت دعوی اصلی ادامه داشته، دربرگیرد". در این درخواست هوفمن/گولد ادعای پرداخت‌هایی را بر اساس قرارداد

<sup>۷۶</sup> بنگرید به بندهای ۱۹۵-۱۹۰ زیر.

<sup>۷۷</sup> گولد مارکتینگ، اینک. و وزارت دفاع ملی ایران، قرار اعدادی شماره ۲-۴۹-۲۴-آی تی ال (پنجم مرداد ماه ۱۳۶۲ [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳، ص ۱۴۷. دیوان حکم نهائی خود را در این پرونده در هشتم تیر ماه ۱۳۶۳ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۴] صادر کرد. بنگرید به گولد مارکتینگ، اینک. و وزارت دفاع ملی ایران، حکم شماره ۲-۴۹/۵۰-۱۳۶ (هشتم تیر ماه ۱۳۶۳ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۴])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۶، ص ۲۷۲.

راديو می کرد که تکلیف پرداخت آن پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بوجود آمده بود. درخواست هوفمن/گولد، فعالیت‌هائی مرتبط با [پرونده در] دادگاه را در پی داشت. در ۱۴ اسفند ۱۳۶۹ [پنجم مارس ۱۹۹۱] هوفمن/گولد درخواست خود را مسترد نمود.

۹۰- دیوان می‌پذیرد که دادگاه فدرال در رد پرونده هوفمن، بدون اسقاط حق طرح مجدد در سال ۱۹۸۱ و موکول به تصمیم دیوان، همسو با تعهدات بین‌المللی ایالات متحده عمل کرد. اما، ایالات متحده تعهدات بین‌المللی خود را با خودداری از فراهم آوردن موجبات رد پرونده هوفمن "با" اسقاط حق [طرح مجدد]، پس از صدور تصمیم پنجم مرداد ماه ۱۳۶۲ [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳]، نقض کرد. دیوان مطابق نتیجه‌گیری خود در حکم شماره ۵۹۰، مقرر می‌دارد که ایالات متحده با قصور از اقدام برای مخومه کردن پرونده هوفمن در مهلتی معقول پس از پنجم مرداد ۱۳۶۲ [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳]، یعنی تاریخی که دیوان طی قرار اعدادی گولد مارکتینگ<sup>۷۸</sup> نسبت به پاره‌ای از ادعاها احراز صلاحیت کرد، تعهد خود مبنی بر خاتمه دادن به دادرسی دادگاه‌های ایالات متحده در ارتباط با ادعاهائی که دیوان ماهیتاً آنرا حل و فصل کرده بود، را نقض کرد.<sup>۷۹</sup> ادعائی که شالوده پرونده اصلی هوفمن در دادگاه فدرال را تشکیل می‌داد، و در ۲۴ بهمن ۱۳۵۸ [۱۳ فوریه ۱۹۸۰] به ثبت رسید (که به تأیید خود هوفمن در درخواست اصلاح شکوائیه اصلی، "نقض مستمر قرارداد راديو از زمان ثبت شکوائیه اصلی را توسط ایران بازتاب" نمی‌داد)<sup>۸۰</sup>، فراگیر ادعاهای بوجود آمده پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نبود و نمیتوانست باشد، چرا که آن ادعاها هنوز تحقق نیافته بود؛<sup>۸۱</sup> بدین‌قرار دعوی مطروح نزد دادگاه فدرال در آن زمان کلاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار داشت و باید بطور کامل مخومه می‌شد.

۹۱- چنانچه دادگاه فدرال در سال ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] پرونده ۱۳۵۹ [۱۹۸۰] هوفمن را با اسقاط حق طرح مجدد رد کرده بود، هوفمن/گولد نمی‌توانست در نوامبر ۱۹۹۰ پرونده را مجدداً فعال کند. محققاً، هوفمن/گولد میتواند در دادگاه فدرال در ارتباط با پرداختهای پس از ۱۹۸۱ قرارداد راديو که در

<sup>۷۸</sup> بنگرید به بند ۸۸، بالا.

<sup>۷۹</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۲۱۴ ب (۱)، گزارش آراء دیوان داوری جلد ۳۴، ص ۱۶۸ ("ایالات متحده با عدم اقدام در حذف دعوی فورموست/اوپیک از فهرست دعوی دادگاه فدرال برای ناحیه کلمبیا ظرف مدت معقولی پس از تاریخ ۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۵ [۱۱ آوریل ۱۹۸۶]، یعنی تاریخی که دیوان حکم خود را در پرونده فورموست صادر کرد، از تعهد خود در بیانیه‌های الجزایر مبنی بر ختم دعوی مطروح در دادگاه‌های ایالات متحده در ارتباط با ادعاهایی که توسط دیوان در ماهیت فیصله یافته تخلف کرده است.")

<sup>۸۰</sup> بنگرید به بند ۸۹، بالا.

<sup>۸۱</sup> افزودن ادعاهای مرتبط با پرداختهای پس از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹، در سال ۱۹۹۰، بند ۸۹ بالا، مؤید اینست که این ادعاها در سال ۱۹۸۳ در دادگاه فدرال مطرح نبود.

صلاحیت دیوان نبود، ادعای جدیدی طرح کند.<sup>۸۲</sup> معهدا، دیوان در تصمیم‌گیری خود باید بجای سناریوهای فرضی نامربوط رخدادهای واقعی را مد نظر قرار دهد.

۹۲- یکی از نظرات جداگانه بر رویکرد اکثریت و از جمله به سوء برداشت ادعائی "موضوعات مربوط به سببیت" خرده می‌گیرد. بگونه‌ای که بحث در پرونده راجی آشکار می‌کند،<sup>۸۳</sup> اکثریت هم منظور و هم محدوده، آنچه می‌توانست رخ دهد را در حقوق مسئولیت مدنی ایالات متحده و معادل‌های عملی آن، مانند تحلیل رابطه سببیت "فرضی" یا "شق دیگر" در سایر سیستم‌های حقوقی را بررسی کرده است. اما تفاوت نظر اکثریت و نظر جداگانه عدم توافق در این مطلب است که کدام رخدادهای واقعی گذشته با کدام رخداد فرضی باید مقایسه شود. بگونه‌ای که تأکید شد، چارچوب مسأله نباید بیش از اندازه فراخ باشد، زیرا نکته نهفته در بررسی آنچه می‌توانست رخ دهد (counterfactual inquiry)، کشف نزدیکترین سناریو به رخدادهای واقعی نیست، بلکه "تعیین اثر سببیت در جنبه مسئولیت‌آور رفتار خواننده است".<sup>۸۴</sup> به نظر نمی‌رسد تردیدی در این باشد که اگر ایالات متحده پس از پنجم مرداد ۱۳۶۲ [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳] موجبات رد با اسقاط حق طرح مجدد، پرونده هوفمن را فراهم می‌آورد، هوفمن/گولد نمی‌توانست دادخواست اصلی خود را در سال ۱۳۷۹ [۱۹۹۰] اصلاح کند، و در نتیجه پرونده مجدداً احیا نمی‌شد و باعث تحمیل هزینه دفاع از خود به ایران نمی‌گردید.

۹۳- موضوع مورد بحث اینست که آیا ایالات متحده تعهد بین‌المللی خود را نقض کرده است یا خیر، نه اینکه آیا هوفمن/گولد ادعای موجود خود را اصلاح کرد یا می‌توانست دعوی جدیدی را آغاز کند. اگر هوفمن/گولد ادعای جدیدی مطرح کرده بود، آن پرونده - همانند پرونده راجی<sup>۸۵</sup> - در قالب مثالهای پیشگفته جا می‌گرفت (آتش گرفتن گاراژ، سقوط هواپیما، آتش در بیشه و نابودی جنگل که مسیر عبور کوهنورد بوده، نقض تعهد متوقف کردن پیام بازرگانی) یعنی همان نتیجه از عمل فاقد مسئولیت مدنی یا رفتار توأم با مطاوعت از تعهد عاید می‌شد. همانگونه که مفسرین صاحب‌نظر تأکید کرده‌اند، این مثالها را میتوان در مقوله روشنگریهائی طبقه بندی کرد که بیانگر عدم اعمال فرمول، "شرط لازم" است. معهدا دلایل اساسی تفکیک بین علت "موضوعی" و "حکمی"، خسارات "قریب [مستقیم]" یا "بعید" و گسترش نظریه "کفایت" حکایت از آن دارد که دادگاهها و نظریه‌های حقوقی در تلاشند تا از اعمال مکانیکی آزمونهای ذیربط به نفع رویکردهای هنجاری، احتراز کنند.<sup>۸۶</sup> بدین دلیل است که تمرکز بر خواننده و

<sup>۸۲</sup> به عنوان یک مطلب جانبی، دیوان خاطرنشان می‌سازد که در چنین دعوائی، تصمیم دیوان مبنی بر اینکه قرارداد رادیو سترون شده بود، دادگاه فدرال را مقید می‌کرد.

<sup>۸۳</sup> بندهای ۴۹-۵۴ بالا.

<sup>۸۴</sup> Robert N. Strassfeld, *If...: Counterfactuals in the Law*, 60 Geo. Wash. L. Rev. 339, 398 (1992).

.See also Richard W. Wright, *Causation in Tort Law*, 73 Cal. L. Rev. 1735, 1759 (1985).

<sup>۸۵</sup> بندهای ۴۹-۵۴ بالا.

<sup>۸۶</sup> بنگرید به Honoré, supra note 53, at ¶¶ 7 et seq., 31 et seq., 67 et seq., 80 et seq.

پابندیش به تعهد، در مقابل رفتار حاکی از عدم پابندی وی اساسی تر است. هوفمن گولد (همانند خانم راجی در پرونده راجی) شخص ثالث است. اما، موضوع مورد نظر در اینجا، قصور ایالات متحده در قبال تدابیر و چاره اندیشی‌های هوفمن/گولد (یا در پرونده راجی، خانم راجی) است. در ارتباط با مثالی در نظر جداگانه: آنچه ذریبط است، این نیست که آیا ساختمان دادگستری دو درب دارد، بلکه اینست که آیا ایالات متحده با مجاز شمردن (باز گذاشتن) درب یعنی "شکوائیه اصلاح شده"، تعهدات بین‌المللی خود را نقض کرد یا خیر. اینکه هوفمن می‌توانست ادعای جدیدی ثبت کند، بدین معنی نیست که مطمئناً وی چنین می‌کرد. سناریوی اخیر، صرفنظر از اینکه کسی چه میزان قویاً معتقد باشد که این اقدام احتمالاً صورت می‌پذیرفت، حدس و گمانی بیش نیست. چنانچه ایالات متحده موجبات رد پرونده هوفمن را با اسقاط حق طرح مجدد فراهم می‌آورد، هوفمن/گولد در عین حال امکان داشت به سادگی تصمیم بگیرد موضوع را بیشتر از آن پیگیری نکند.

۹۴- بنابراین، در پرتو آنچه پیشتر گفته شد، دیوان مقرر میدارد در محدوده‌ای که ایران پس از ۲۸ تیر ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] در دفاع محتاطانه از منافع خود در پرونده هوفمن حضور یافت یا مدرک ثبت نمود، ایالات متحده متعهد است هزینه‌های ناشی از دادرسی را جبران کند.<sup>۸۷</sup>

#### ب) ادعای (د)

۹۵- در حکم جزئی شماره ۵۹۰، دیوان نتیجه گرفته است که ایالات متحده با اعطای اجازه ثبت دعوا علیه ایران در دادگاههای آن کشور به شهروندان خود پس از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حتی بمنظور محدود تعلیق جریان مرور زمان قانونی، اصل کلی ب را نقض کرده است.<sup>۸۸</sup>

#### (۱) اظهارات طرفین

۹۶- مطابق ادعای ایران، ۴۲ فقره از دعاوی مطروح در دادگاههای ایالات متحده در چارچوب ادعای (د) قرار می‌گیرد.<sup>۸۹</sup>

۹۷- ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران نتوانسته است اثبات کند که تمام دعاوی تعیین شده به عنوان ادعای (د)، پرونده‌های مربوط به قطع مرور زمان است (که ایالات متحده آنرا یک پیش شرطی ضروری به حساب می‌آورد). مضافاً به نظر ایالات متحده، دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ تضمین می‌کرد که این

<sup>۸۷</sup> دیوان نتیجه گرفته است که ایران هزینه‌های قابل جبران بالغ بر ۴۲۰/۳۹، ۱۰ دلار آمریکا بابت هزینه‌های ویژه دادرسی متحمل شد. این رقم در مبلغ حکم منظور شده است. بند ۱۹۵، زیر.

<sup>۸۸</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۱۳۲ و ۲۱۴ الف (د) (۱)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ص ۱۴۶، ۱۶۷ (بنگرید به بند ۱۷، بالا).

<sup>۸۹</sup> از میان این ۴۲ پرونده ۱۲ پرونده به عنوان پرونده هائی که در آن ایران هزینه دادرسی‌های مشخص را مطالبه می‌کند، قابل تمیز است (در مقابل مطالبه فقط هزینه دادرسی‌های کلی).

جریانات رسیدگی آثار حقوقی ندارد؛ بنابراین ایران باید اطمینان حاصل می‌کند که مشارکتش ضروری نبود. بدین‌قرار، ایالات متحده استدلال می‌کند که اقداماتی که ایران در آن دادرسی‌ها معمول داشت غیرضروری بود و با این اوصاف دفاع محتاطانه از منافعش بحساب نمی‌آید.

## (۲) تصمیم دیوان

۹۸- نتیجه‌گیری حکم جزئی شماره ۵۹۰ اینست که، با تجویز تشکیل پرونده قضائی علیه ایران در دادگاههای ایالات متحده پس از ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در دعاوی‌ای که احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار داشت، یا در دیوان به ثبت رسیده بود، حتی بمنظور محدود قطع مرور زمان قانونی، ایالات متحده اصل کلی ب را نقض کرده است. پس از بررسی کلیه دلایل، دیوان نتیجه می‌گیرد که ۳۱ پرونده از پرونده‌های تشکیل یافته، پس از تاریخ فوق ثبت شد.<sup>۹۰</sup> این پرونده‌ها در پیوست ب فهرست شده است. اکنون کار دیوان اینست که، وفق معیارهای تعیین شده در حکم جزئی شماره ۵۹۰<sup>۹۱</sup> مشخص کند، چنانچه مصداق یابد، ایالات متحده چه غرامتی را به ایران مدیون است. نتیجه چنین کاری ذیلاً ارائه میشود.<sup>۹۲</sup>

۹۹- بمنظور روشن‌گری، دیوان به بحث در خصوص جریان رسیدگی یکی از دادرسی‌های دادگاه ایالات متحده یعنی کیانوش جعفری و دیگران علیه جمهوری اسلامی ایران ((N.D. III. 81-4043)) می‌پردازد.

۱۰۰- دیوان در آغاز خاطرنشان می‌سازد که در این پرونده‌ها، ایران ادعای خود در مورد کیانوش جعفری و دیگران علیه جمهوری اسلامی ایران ((N.D. III. 81-4043)) ("پرونده جعفری") را مشخصاً در گروه دعاوی مطرح کرده است.

۱۰۱- کیانوش جعفری که تابعیت ایران را با تولد کسب کرده بود، و سه تن از خویشاوندان ایرانی‌اش که تبعه ایالات متحده نبودند در ۲۹ تیر ۱۳۶۰ [۲۰ ژوئیه ۱۹۸۱] دعوائی علیه ایران در دادگاه فدرال ایالات متحده، ناحیه شمالی ایلینویز ("دادگاه فدرال") طرح کردند. آقای جعفری در دادخواست خود اظهار داشت که در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ [۱۷ مارس ۱۹۸۱] تبعه ایالات متحده شده است. خواهانها همچنین در ۲۹ تیر و ۲۰ مرداد ۱۳۶۰ [۲۰ ژوئیه و ۱۱ اوت ۱۹۸۱] قرارهای توقیفی علیه اموال غیر منقول و سایر دارائی‌های ایران اخذ کردند. ایران در هشتم آبان ۱۳۶۰ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۱] درخواست رد پرونده را ثبت کرد که در سوم

<sup>۹۰</sup> از ۴۲ پرونده ای که ایران شناسائی کرده، ۱۱ پرونده مشمول صلاحیت احتمالی دیوان نیست و در نتیجه موضوع تعهد خاتمه دادن مندرج در اصل کلی ب نمی‌باشد.

<sup>۹۱</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۱۳۳ و ۲۱۴ الف(د)(۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳، ص ۱۴۶، ۱۶۷.

<sup>۹۲</sup> بنگرید به بند ۱۹۶، زیر.

اردیبهشت ۱۳۶۱ [۲۳ آوریل ۱۹۸۲] مورد اجابت دادگاه فدرال قرار گرفت.<sup>۹۳</sup> در سوم تیر ۱۳۶۱ [۲۴ ژوئن ۱۹۸۲] دادگاه فدرال درخواست خواهانها برای تجدیدنظر در قرار رد دعوا را نپذیرفت.

۱۰۲- وفق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، دیوان برای رسیدگی به "دعای اتباع" یک دولت علیه دولت دیگر صلاحیت دارد.<sup>۹۴</sup> بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی به نوبه خود "دعای اتباع" ایران یا ایالات متحده را، بسته به مورد، "ادعاهائی" می‌داند "که از تاریخ بروز تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مستمراً در مالکیت اتباع آن دولت" باشد. همانگونه که خاطر نشان شد، کیانوش جعفری بطور مسلم در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تبعه ایالات متحده نبود. بنابراین ادعائی که شالوده پرونده جعفری بود مشخصاً خارج از صلاحیت دیوان قرار داشت. در نتیجه، ایالات متحده مطابق اصل کلی ب هیچ تعهدی برای مختومه کردن (تعلیق<sup>۹۵</sup>) دادرسی آن ادعا در دادگاه ایالات متحده را نداشت. اما این نتیجه گیری پایان ماجرا نیست.

۱۰۳- در ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] کیانوش جعفری به گونه‌ای که ایالات متحده هم در لوائح کتبی خود متذکر آن شد، ادعائی بر مبنای پرونده جعفری [مطروح در دادگاه ایالات متحده] به دیوان تسلیم کرد. وفق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، ایالات متحده مکلف بود که از آن تاریخ کلیه دادرسی‌های پرونده جعفری را متوقف کند.<sup>۹۶</sup> همانگونه که اشاره شد، دادگاه فدرال، سه ماه بعد یعنی در سوم اردیبهشت ۱۳۶۱ [۲۳ آوریل ۱۹۸۲] پرونده جعفری را رد کرد؛ متعاقباً در سوم مهر ۱۳۶۱ [۲۴ ژوئن ۱۹۸۲]، دادگاه فدرال درخواست خواهانها مبنی بر اصلاح قرار را رد کرد.<sup>۹۷</sup> یکی از اعضای دیوان در نظر جداگانه‌اش این سؤال را مطرح کرده که آیا با مختومه کردن پرونده جعفری ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم ادعا بر همان شالوده به دیوان، ایالات متحده به هر گونه تعهدی که میتواند مطابق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل داشته باشد، عمل کرده است، یا خیر. اما این استدلالی نیست که ایالات متحده ارائه کرده باشد، و نه خود مشهود است که اگر چنین شده بود، دیوان متقاعد می‌شد که اضافه بر مهلت اعطائی که

<sup>۹۳</sup> در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ [۱۹ مه ۱۹۸۲]، دادگاه فدرال قرار توقیف را لغو کرد.

<sup>۹۴</sup> بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی در بخش زیربط مقرر میدارد: "[دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده] بمنظور اتخاذ تصمیم درباره ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران و ادعاهای اتباع ایران علیه ایالات متحده ...". بیانیه حل و فصل دعاوی، ماده دو (۱). گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۹.

<sup>۹۵</sup> بنگرید به بند ۴۴، بالا.

<sup>۹۶</sup> بنگرید به بند ۳۵، بالا.

<sup>۹۷</sup> در ۱۰ اسفند ۱۳۶۶ [۲۹ فوریه ۱۹۸۸] دیوان شالوده ادعای پرونده جعفری را به دلیل فقد صلاحیت رد کرد. بنگرید کیانوش جعفری و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۴۲۰-۳۴۹ (۱۰ اسفند ۱۳۶۶ [۲۹ فوریه ۱۹۸۸]) چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۸، ص ۹۰.

پیشینان ما [در این دیوان] قائل شدند،<sup>۹۸</sup> انعطاف بیشتری در اعطای مهلت زمانی بیشتر بصورت موردی می‌توانست مقدور باشد.

۱۰۴- بدینقرار، دیوان مقرر میدارد که ایالات متحده مکلف است، خسارات ایران را بابت هزینه‌های حقوقی ایران در پرونده جعفری بین ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] که دعوا در دیوان ثبت شد و ۲۴ ژوئن ۱۹۸۲، یعنی تاریخ مردود شناختن درخواست اصلاح قرار رد دعوا توسط دادگاه فدرال، جبران کند.<sup>۹۹</sup>

۱۰۵- در ارتباط با موضوعات مطروح توسط یکی از اعضا در نظر جداگانه‌اش، اکثریت بر این باور است که به عنوان یک موضوع آغازین باید به "خط مشی‌های" ترافیعی، یعنی، اقدامات به عمل آمده و استدلال‌های ارائه شده توسط آقای جعفری از یکسو، و ایران از سوی دیگر جداگانه نظر کرد. ثبت دعوا علیه ایران در ۲۹ تیر ماه ۱۳۶۰ [۲۰ ژوئیه ۱۹۸۱] توسط آقای جعفری، اقدام معقول یک تبعه ایالات متحده بود، که با توافقات بین دو دولت در بیانیه‌های الجزایر که در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] یعنی شش ماه قبل لازم الاجرا شده بود، آشنائی نداشت. اقدام ایران در ثبت درخواست رد دعوا در هشتم آبان ماه ۱۳۶۰ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۱] یعنی نه ماه پس از لازم الاجرا شدن بیانیه‌ها و در پاسخ به پرونده‌ای که در دادگاه‌های ایالات متحده و توسط یکی از اتباع آن کشور علیه‌اش طرح شده بود، نیز معقول بود. در دفاعیات صلاحیتی خود در دادگاه فدرال، موضع ایران این بود که آقای جعفری باید ادعایش را در پیشگاه دیوان طرح کند؛ این موضع‌گیری مشروع بود، هر چند از نظر حقوقی درست نبود زیرا که بر تفسیر اشتباه‌آمیز از بندهای ۱ و ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل، مبتنی بود. توان آقای جعفری در انتخاب سیاست ترافیعی تحت تأثیر استدلال صلاحیتی ایران نبود؛ او حق انتخاب داشت که، یا خط مشی اولیه خود در پی‌گیری اخذ حکم از دادگاه فدرال را بدون طرح دعوا در دیوان برگزیند (با خطر بازماندن بدون مرجع صالح برای رسیدگی در صورت رد دعوا توسط دادگاه فدرال توأم بود)؛ یا طرح دعوا در پیشگاه دیوان (که این خطر را دربرداشت که دادگاه فدرال وفق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی عمل کرده، و دیوان به دلیل فقد صلاحیت دعوا را رد کند).<sup>۱۰۰</sup> آقای جعفری راهکار دوم و مخاطرات توأم با آن را برگزید. در این اوضاع و احوال

<sup>۹۸</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۱۰۳، ۱۷۶، ۱۸۸، ۲۱۴ الف (الف) (۵)، ۲۱۴ (ز) (۲)، ۲۱۴ (ح) (۲)،

گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ص ۱۳۸، ۱۵۶، ۱۵۹-۱۵۸، ۱۶۶ و ۱۶۸.

<sup>۹۹</sup> بنگرید به بند ۳۵، بالا. دیوان به این نتیجه رسیده است که ایران در ارتباط با پرونده جعفری هزینه‌های قابل جبران دادرسی خاص بالغ بر ۱۳،۲۶۷/۲۵ دلار آمریکا، متحمل شده است. این رقم در مبلغ حکم منظور شده است، بند ۱۹۶ زیر.

<sup>۱۰۰</sup> بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی در جمله دوم مقرر میدارد که: "ادعاهائی که به هیئت داوری ارجاع می‌شود، از تاریخ طرح ادعا نزد هیئت داوری، خارج از صلاحیت قضائی دادگاه‌های ایران و ایالات متحده یا هر دادگاه دیگر خواهد بود." بنگرید به بند ۳۲، بالا.



استدلال مطروح در نظر جداگانه مبنی بر اینکه ایران با اقداماتش، "تعهدی را که قبلاً وجود نداشت به ایالات متحده تحمیل کرد" قانع کننده نیست.

۱۰۶- نتیجه مشخصاً ناگوار است، اما در دادرسی مدنی بین‌المللی غیر عادی نیست. در چارچوب سیستم محلی آئین دادرسی، دو راه برای برخورد با چنین پرونده‌هایی وجود دارد. در مواردی که دادخواه دعوایش را در دو دادگاه در همان کشور طرح می‌کند، و دادگاه نخست بر مبنای مدارک ارائه شده طرفین، به شایستگی دادگاه دیگری خود را صالح تشخیص نمی‌دهد، مرجع دوم یا با ملاحظات اعتبار امر مختومه مقید میشود یا سیستم [حقوقی] دارای مقرراتی است که دادگاه دوم که پرونده به آن ارجاع شده را مقید می‌کند. در عرصه بین‌المللی چنین قواعدی وجود ندارد. دادگاه کشور الف و دادگاه کشور ب هر دو باید با اعمال قوانین دولتی خود و مسائل موضوعی که پیش رو دارند و با لحاظ استدلال‌ات طرفین حکم خود را صادر کنند. در مورد آقای جعفری، بیانیه‌های الجزایر، قانون شکلی ذیربط تلقی می‌شد که، نخست توسط دادگاه فدرال و سپس توسط دیوان، اعمال شد. این سؤال باقی می‌ماند که آیا اصحاب دعوا باید از اتخاذ "مواضع متناقض" منع شوند یا خیر. در سیستم‌های حقوقی بسیاری اصل "استاپل قضائی" یا معادل عملی آن وجود دارد. دیوان باید تعیین می‌کرد که آیا بمنظور رسیدگی به وضعیت موجود در پرونده در دست رسیدگی، اصلی که رفتار ناهمساز را منع کند (وارونه اقدام مطابق حسن نیست) یعنی اصلی که در حقوق قراردادهای و شمار (بسیار محدودی) از زمینه‌های دیگر حقوق خصوصی شناخته شده است، وجود دارد یا خیر. صرف این که قوانین آئین دادرسی مدنی اغلب به عنوان حقوق عمومی توصیف میشود، نقشی برای استقلال اراده اصحاب دعوا باقی نمی‌گذارد، که از نظر دادرسی آزادی کنار گذاشتن صلاحیت دادگاهی (اعراض) [derogation] به نفع دادگاه دیگر (قبول پرونده ارجاعی) [prorogation]، [را داشته باشند] - و این بیان آشکار که قاعده [a minore ad maius] (دانی به عالی) بر رابطه دادگاه محلی و این دیوان حاکم است - [جملگی] حاکی از آنست که طرفین نقشی در اعمال قانون در دادگاه فدرال و در دیوان نداشته و نمیتوانسته‌اند داشته باشند. گفتار و کردار آنها نمی‌توانسته ذیربط باشد. با رویکرد به حقوق بین‌الملل عمومی و در نبود معاهده، دیوان باید برای تأیید شکل‌گیری نظریه استاپل قضائی (یا معادل آن) در حقوق بین‌الملل عرفی، به مراجعی دست یابد. در این خصوص دیوان مرجعی نیافت.

#### پ) ادعای (ز)

۱۰۷- ادعای (ز) مربوط میشود به نقض ادعائی اصل کلی ب توسط ایالات متحده در اثر قصور آن دولت در لغو و ابطال دستور توقیف‌هایی که اتباع ایالات متحده از دادگاههای آن کشور علیه ایران گرفته بودند.<sup>۱۰۱</sup>

<sup>۱۰۱</sup> بنگرید به بند ۱۹-۱۸ بالا. هفت پرونده در ادعای (ز) قابل شناسائی است:

*Gulf Ports Crating Co. v. Ministry of Roads and Transportation*, 80-375 (S.D. Tex.), 81-2298 (5<sup>th</sup> Cir.); *Atlantic Richfield Co. et al. v. Lavan Petroleum Co.*, 79-6714 (S.D.N.Y.); *Philadelphia National Bank, et al. v. E-Systems*, 79-105 (N.D. Tex.); *American Motors Corp. & Jeep Corp. v. Iran*, 80-2140

## (۱) مواضع طرفین

۱۰۸- اقدامات قضائی که موضوع ادعای (ز) می‌باشد در زمره ادعای (الف) نیز گنجانده شده است، و ایران در خصوص ادعای (ز) استدلالهای محدودی ارائه کرده است. ایران شناسه‌های پرونده<sup>۱۰۲</sup> را که شامل ادله توقیف‌های ادعائی می‌باشد ارائه کرده است. تعداد بسیار محدودی از شناسه‌ها دربرگیرنده لوایح مربوط به باقی بودن توقیف‌های مربوطه می‌باشد. به عنوان مثال، ایران به بحث در خصوص ضوابط مقرر در حکم جزئی ۵۹۰ برای تشخیص اینکه آیا توقیف‌ها "پابرجا مانده" و "در عمل موجب محدودیت اموال ایران" بود، نپرداخته است.<sup>۱۰۳</sup>

۱۰۹- ایالات متحده تأکید دارد که ایران اثبات نکرده است که اموالش با دستور توقیف‌هایی که پس از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] پابرجا بود "در عمل محدود شد"، و در مواردی حتی از عهده اثبات مالکیت خود بر اموال برنیامده است.

۱۱۰- مضافاً، ایالات متحده در جلسه استماع استدلال کرد که شرط الزام معقول ایران به حضور و ثبت مدرک در دادگاههای ایالات متحده (معیار الزام معقول<sup>۱۰۴</sup>) بر ادعای (ز) نیز قابل اعمال است. بدینقرار، برای اثبات نقض اصل کلی ب توسط ایالات متحده، ایران نه تنها باید از عهده اثبات وجود محدودیت در اموال برآید، بلکه باید ثابت کند اقداماتی که در قبال آن معمول داشت، آن ضابطه را برآورده می‌کرد.

## (۲) تصمیم دیوان

۱۱۱- دیوان در بدو امر خاطر نشان می‌شود که رسیدگی به ادعای (ز) مستقل از ادعای (الف) دشوار است. کلیه جریانات رسیدگی در دادگاههای ایالات متحده که ایران در ادعای (ز) آورده، در ادعای (الف)<sup>۱۰۵</sup> نیز مطرح کرده است، و همانگونه که گفته شد، ایران استدلالات مشخص محدودی را در ارتباط با ادعای (ز) ارائه کرده است. معهداً، دیوان باید به بحث در خصوص ضوابط مشخص نقض که در حکم جزئی شماره ۵۹۰ برای ادعای (ز) مقرر شده و اینکه آیا این ضوابط برآورده شده است، یا خیر، بپردازد.

(D.N.J.); *McCullough & Co. v. Iran*, 80-0021 (W.D. Wash.); *National Air Motive Corp. v. Iran*, 80-0711 (D.D.C); and *National Air Motive Corp. v. Iran*, 79-3920 (N.D. Cal.).

<sup>۱۰۲</sup> شناسه‌های پرونده، اظهاریه‌های جداگانه ایست که ایران به منظور ارائه به داوری حاضر در تأیید ادعاهای هزینه‌های

دادرسی تهیه کرده است. شناسه‌های پرونده نوعاً، فهرستی است از جمله حاوی صورتحسابهای ذریبط مرتبط با پرونده خاص و مدرک پرداخت و نیز شامل مدارکی است که قبلاً ارائه شده است به اضافه مدارک دیگر از جمله اوراق دفتر

ثبت دادگاه در ارتباط با پرونده‌های ذریبط در دادگاههای ایالات متحده، صورتحسابهای صادره توسط مؤسسات

حقوقی ایالات متحده که وکالت ایران را داشتند، و مدارکی که مؤید پرداخت صورتحسابهاست.

<sup>۱۰۳</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰. بند ۲۱۴ الف(ز)(۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸.

<sup>۱۰۴</sup> بنگرید به همانجا، بند ۱۰۱، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۳۸. بنگرید به بند ۶۲، بالا.

<sup>۱۰۵</sup> برای مثال، شناسه پرونده تقدیمی ایران حاوی برجسب "(شناسه‌های) ادعاهای (الف) و (ز)"

۱۱۲- دیوان مقرر میدارد، به گونه‌ای که در بخش اجرایی حکم جزئی شماره ۵۹۰ آمده، بمنظور اثبات نقض [تعهد] در ارتباط با ادعای (ز) توسط ایالات متحده، ایران فقط باید اثبات کند که "هر قرار توقیف صادره بعد از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] هنوز بعد از تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] پابرجا مانده و در عمل موجب محدودیت اموال ایران در ایالات متحده" شده است.<sup>۱۰۶</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰ در ارتباط با ادعای (ز) الزام معقول برای حضور یا ثبت مدارک در دادگاه‌های ایالات متحده، برای ایران (ضابطه الزام معقول<sup>۱۰۷</sup>) را لازم نمیداند.

۱۱۳- بنابراین، پس از بررسی کلیه ادله موجود، دیوان نتیجه می‌گیرد که شش قرار توقیف مربوط به دوره بعد از ۲۳ آبانماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] پس از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] کماکان معتبر بود و در واقع برای اموال ایران محدودیت ایجاد کرد، و این نقض تعهدات ایالات متحده در اصل کلی ب<sup>۱۰۸</sup> محسوب میشود. بمنظور روشن‌گری، دیوان دو نمونه را ذیلاً واری می‌کند.

#### (الف) گلف پورترز کریتینگ کامپنی علیه وزارت راه و ترابری

۱۱۴- در سوم اسفند ماه ۱۳۵۸ [۲۲ فوریه ۱۹۸۰] گلف پورترز کریتینگ کامپنی ("گلف پورترز") دعوائی علیه وزارت راه و ترابری در دادگاه فدرال ایالات متحده در ناحیه جنوبی تگزاس طرح کرد.<sup>۱۰۹</sup> گلف پورترز همچنین ادعائی در ۲۵ دیماه ۱۳۶۰ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۲] در پیشگاه دیوان به ثبت رساند.<sup>۱۱۰</sup> دادگاه ایالات متحده در تگزاس در ۱۰ اسفند ماه ۱۳۵۸ [۲۹ فوریه ۱۹۸۰] قرار تأمین خواسته، علیه اموال ایران صادر کرد. در ۱۶ تیر ماه ۱۳۶۰ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۱] دادگاه فدرال ایالات متحده در ناحیه جنوبی تگزاس دستور توقف دعوا را تأیید و قرار تأمین خواسته را نقض کرد، و ایالات متحده به این اقدام استناد می‌کند. اما، گلف پورترز از دستور توقف رسیدگی و نقض قرار تأمین پژوهشخواهی کرد. ادله مضبوط در پرونده حاکی از آنست که تا قبل از نهم فروردین ماه ۱۳۶۱ [۲۹ مارس ۱۹۸۲] دادگاه استیناف ایالات متحده در بخش پنجم، دستور لغو توقیف‌های صادر شده توسط دادگاه بدوی در ۱۶ تیر ماه ۱۳۶۰ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۱] را تأیید نکرد.

<sup>۱۰۶</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰ بند ۲۱۴ الف (ز)(۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸.

<sup>۱۰۷</sup> بنگرید به بند ۶۲، بالا.

<sup>۱۰۸</sup> قرارهای توقیف در پرونده‌های زیر موضوعیت داشت:

*Gulf Ports Crating Co. v. Ministry of Roads and Transportation*, 80-375 (S.D. Tex.), 81-2298 (5<sup>th</sup> Cir.); *Atlantic Richfield Co. et al. v. Lavan Petroleum Co.*, 79-6714 (S.D.N.Y.); *Philadelphia National Bank et al. v. E-Systems*, 79-105 (N.D. Tex.); *American Motors Corp. & Jeep Corp. v. Iran*, 80-2140 (D.N.J.); *McCullough & Co. v. Iran*, 80-0021 (W.D. Wash.); *National Air Motive Corp. v. Iran*, 80-0711 (D.D.C).

<sup>۱۰۹</sup> پرونده *Gulf Ports Crating Co. v. Ministry of Roads and Transportation* 80-375 (S.D. Tex.), 81-2298 (5<sup>th</sup> Cir.)

<sup>۱۱۰</sup> بنگرید به گلف پورترز کریتینگ کو. و وزارت راه و ترابری جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۳۰۷-۲۸ (۱۸)

اسفند ماه ۱۳۶۱ [نهم مارس ۱۹۸۳]، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲، ص ۱۲۶.

۱۱۵- بدینقرار، دیوان مقرر میدارد که در اثر نقض تعهدات ایالات متحده وفق اصل کلی ب، دستور توقیف در این پرونده از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] تا نهم فروردین ماه ۱۳۶۱ [۲۹ مارس ۱۹۸۲] پابرجا ماند و در عمل برای اموال ایران در ایالات متحده محدودیت ایجاد کرد.

(ب) آتلانتیک ریچفیلد کامپنی و دیگران علیه شرکت نفت لاوان

۱۱۶- آتلانتیک ریچفیلد کامپنی ("آتلانتیک ریچفیلد") در ۲۰ آذر ماه ۱۳۵۸ [۱۱ دسامبر ۱۹۷۹] ادعائی علیه شرکت نفتی لاوان ("لاوان") در دادگاه فدرال ایالات متحده در ناحیه جنوبی نیویورک طرح کرد.<sup>۱۱۱</sup> آتلانتیک ریچفیلد همچنین ادعایش را در ۲۸ دیماه ۱۳۶۰ [۱۸ ژانویه ۱۹۸۲] نزد دیوان به ثبت رساند.<sup>۱۱۲</sup> دادگاه فدرال در ۲۱ آذر ماه ۱۳۵۸ [۱۲ دسامبر ۱۹۷۹] علیه لاوان قرار توقیف صادر کرد. جریان رسیدگی دادگاه ایالات متحده در ۲۵ خرداد ماه ۱۳۶۰ [۱۵ ژوئن ۱۹۸۱] به دفتر تعلیق انتقال یافت اما دلیلی در سوابق ملاحظه نمیشود که نشان دهد این اقدام منجر به رفع توقیف شد. در هشتم دیماه ۱۳۶۱ [۲۹ دسامبر ۱۹۸۲] پرونده از آمار دادگاه ایالات متحده کسر شد.

۱۱۷- ایران استدلال می کند که قرار توقیف مربوطه تا حل و فصل نهائی دعوا توسط دیوان در سال ۱۹۹۲، همچنان برقرار بوده است. دیوان ادله کافی برای تأیید این نتیجه گیری نمی یابد. اما، ادله موجود این یافته را تأیید می کند که توقیف حداقل تا هشتم دیماه ۱۳۶۱ [۲۹ دسامبر ۱۹۸۲] برقرار بوده است. بنابراین، به هر حال در اثر نقض تعهدات ایالات متحده وفق اصل کلی ب، قرار توقیف در این دعوا پابرجا بوده و در عمل برای اموال ایران در ایالات متحده محدودیت ایجاد کرد.

(د) ادعای (ح)

۱۱۸- در ادعای (ح)، ایران ادعا می کند که ایالات متحده با قصور در ابطال آراء تحصیل شده توسط اتباع آن کشور علیه ایران بر مبنای ادعاهائی که در صلاحیت دیوان قرار دارد، اصل کلی ب را نقض کرده است.<sup>۱۱۳</sup>

<sup>۱۱۱</sup> در پرونده *Atlantic Richfield Co. et al. v. Lavan Petroleum Co.*, 79-6714 (S.D.N.Y.) ادعا شد که

اکثریت سهام لاوان متعلق به ایران است.

<sup>۱۱۲</sup> بنگرید به *آتلانتیک ریچفیلد کامپنی و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، قرار اعدادی شماره ۱-۳۹۶-۵۰-ای-تی -

ام (۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۴ [هشتم مه ۱۹۸۵])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۸، ص ۱۷۹؛ *آتلانتیک*

*ریچفیلد کامپنی و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱-۳۹۶-۵۳۸-۲۸ مهر ماه ۱۳۷۱ [۱۹ اکتبر ۱۹۹۲]،

چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۸، ص ۴۰۱.

<sup>۱۱۳</sup> بنگرید به بندهای ۲۱-۲۰، بالا.

## (۱) اظهارات طرفین

۱۱۹- در جلسه استماع، ایالات متحده به عبارتی در حکم جزئی شماره ۵۹۰ اشاره کرد مبنی بر اینکه "تصمیم‌گیری راجع به ادعای (ح) مشابه تصمیم‌گیری در مورد ادعای (الف) می‌باشد زیرا احکام قضایی موضوع ادعای (ح) هیچگونه موجودیتی مستقل از ادعاهای موضوع ادعای (الف) ندارد."<sup>۱۱۴</sup> با اتکا بر این عبارت در حکم جزئی، ایالات متحده استدلال کرد که شرط الزام معقول ایران به حضور و یا ثبت مدارک در دادگاههای ایالات متحده (معیار الزام معقول<sup>۱۱۵</sup>) در ادعای (ح) نیز قابل اعمال است.

۱۲۰- همانند ادعای (ز)، ایران در ادعای (ح) هم بجای طرح استدلال کلی، مدارک مربوط به رویدادها تسلیم کرده است. چهار پرونده در ادعای (ح) مطرح است.<sup>۱۱۶</sup>

## (۲) تصمیم دیوان

۱۲۱- در ادعای (ح)، حکم جزئی شماره ۵۹۰ مقرر داشته است که ایالات متحده مکلف است که "تنها آن دسته از احکام قضایی تحصیل شده از دادگاههای ایالات متحده توسط اتباع آن کشور علیه ایران را لغو نماید که مبتنی بر ادعاهای واقع در حیطه صلاحیت دیوان باشند."<sup>۱۱۷</sup> حکم جزئی ۵۹۰ خاطر نشان می‌کند که رسیدگی به ادعای (ح) همانند ادعای (الف) است "زیرا احکام قضایی موضوع ادعای (ح) هیچگونه موجودیتی مستقل از ادعاهای موضوع ادعای (الف) ندارند"<sup>۱۱۸</sup>؛ دیوان در ادامه مقرر داشت که "طبق نتایج حاصله دیوان در ادعای (الف)،<sup>۱۱۹</sup> ایالات متحده مکلف است تنها آن دسته از احکام قضایی را لغو نماید که مبتنی بر ادعاهایی است که دیوان در ماهیت آنها اتخاذ تصمیم می‌کند."<sup>۱۲۰</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰ مضافاً مقرر کرده است که تعهد ایالات متحده برای ابطال آراء در تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] محقق شد.<sup>۱۲۱</sup>

<sup>۱۱۴</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰ بند ۱۸۷، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۵۸.

<sup>۱۱۵</sup> بنگرید به بند ۶۲، بالا.

<sup>۱۱۶</sup> از میان این چهار پرونده، دو پرونده به عنوان پرونده‌هایی که ایران درخواست هزینه‌های دادرسی مشخصی کرده (در مقابل فقط درخواست هزینه‌های دادرسی کلی) قابل تمیز است.

<sup>۱۱۷</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۲۱۴ الف (ح) (۱)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸.

<sup>۱۱۸</sup> همانجا، بند ۱۸۷، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۵۸.

<sup>۱۱۹</sup> در ادعای (الف)، در ارتباط با تعهد مختومه کردن ادعاها، حکم جزئی شماره ۵۹۰ مقرر داشته است:

"اصل کلی (ب) ایالات متحده را مکلف می‌نماید که تنها آن دسته از ادعاهای اتباع آن کشور علیه ایران در

دادگاههای ایالات متحده را خاتمه دهد که در حیطه صلاحیت دیوان قرار می‌گیرند. این تعهد به ختم ادعاها

از هنگامی ایجاد می‌شود که دیوان درباره ادعایی در ماهیت تصمیم اتخاذ کرده باشد."

همانجا، بند ۲۱۴ الف (الف) (۱)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۵.

<sup>۱۲۰</sup> همانجا، بند ۱۸۷، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۵۸.

<sup>۱۲۱</sup> بنگرید به همانجا، بند ۲۱۴ الف (ح) (۱)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸.

۱۲۲- دیوان در حکم جزئی شماره ۵۹۰ فرض را بر این گذاشت که قصور در ابطال آراء تا آن تاریخ، به تنهایی، موجبات نقض تعهدات ایالات متحده در اصل کلی ب را فراهم نمی آورد. ظاهراً دیوان ضمن طرح این سؤال که آیا ایران "بطور معقول متحمل هزینه‌های حقوقی در رابطه با اینگونه احکام قضایی شده" <sup>۱۲۲</sup> یا خیر مناسب تشخیص داد که عنصر خسارت را نیز به عنوان شرطی لازم برای احراز وقوع نقض، تحمیل کند. در این مرحله از رسیدگی، دیوان مکلف به پایبندی به این یافته است.

۱۲۳- بدینقرار، حکم جزئی شماره ۵۹۰ مشخصاً لازم میدانند که برای محقق شدن وقوع نقض در ادعای (ح)، ایران باید در ارتباط با احکام ذیربط "بطور معقول متحمل هزینه‌های حقوقی" شده باشد ("معیار متحمل شدن هزینه‌های معقول"). ایالات متحده استدلال کرده است که برای تعیین تحقق نقض توسط ایالات متحده، بجای ضابطه هزینه‌های متحمل معقول، ضابطه الزام معقول باید بکار بسته شود. دیوان زبان بکار برده در حکم جزئی شماره ۵۹۰ که ضابطه آن تحمل هزینه‌های معقول است را، کنار نخواهد گذاشت. <sup>۱۲۳</sup>

۱۲۴- اما این پایان ماجرا نیست. به نظر دیوان، ملزم دانستن ایالات متحده به ابطال احکام بر پایه ادعاهائی که مشخص نبود ایا دیوان سرانجام در مورد آنها احراز صلاحیت خواهد کرد، یا خیر، نمی تواند عاقلانه باشد. از سوی دیگر، دیوان تصدیق می کند که احکام دادگاه‌ها بر اساس ادعاهائی که در صلاحیت دیوان قرار داشت، در صورت قابل اجرا بودن آنها پس از ۲۸ تیر ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱]، میتوانست تهدیدی مستمر علیه منافع ایران باشد و با هدف تعهدات ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر در خصوص ابطال احکام - یعنی، مصون داشتن ایران از اجرای احکام دادگاه‌های ایالات متحده در دعاوی ای که دیوان براسستی صلاحیت انحصاری داشت - ناسازگار بود. همانگونه که حکم جزئی شماره ۵۹۰ خاطرنشان شده است، ایالات متحده ترجیح داد تعهداتش، از جمله در بند ۲ ماده هفت بیانیه‌های الجزایر، <sup>۱۲۴</sup> "را از طریق دستور اجرایی شماره ۱۲۲۹۴ اجرا نماید - یعنی با معلق کردن احکام قضایی و اعلام اینکه احکام مزبور در طول مدت تعلیق هیچگونه اثر حقوقی ندارند". <sup>۱۲۵</sup> دیوان می‌پذیرد که در اوضاع و احوال موجود، این [روش] ساز و کار مناسبی بود. بدینقرار دیوان مقرر میدارد که تعلیق احکام صادره علیه ایران توسط ایالات

<sup>۱۲۲</sup> همانجا. بند ۲۱۴ الف (ح) (۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸.

<sup>۱۲۳</sup> همانگونه که اشاره شد (بنگرید به زیونویس ۶۶، بالا)، دیوان در خصوص ادعای (ح) زبان بند ۱۸۸ حکم جزئی شماره ۵۹۰ را در قیاس با بند ۱۰۱ حکم جزئی شماره ۵۹۰، که به نحوی تا حدی ابهام آلود در بند ۱۸۸ به آن ارجاع می‌شود، بویژه تعیین کننده می‌یابد.

<sup>۱۲۴</sup> در حکم جزئی شماره ۵۹۰ دیوان مقرر داشت که "مادام که دیوان راجع به صلاحیت خود نسبت به یک ادعای ارجاعی به دیوان تصمیم نگرفته باشد، مقررات بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل ایالات متحده را متعهد می‌سازد که رسیدگی‌های دادگاه‌های خود را نسبت به آن ادعا متوقف نماید." حکم جزئی شماره ۵۹۰ بند ۸۳، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۳۳-۱۳۲ (بنگرید به بندهای ۱۵ و ۳۲، بالا).

<sup>۱۲۵</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۱۸۷، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۵۸.

متحده، تا زمان رد ادعائی که شالوده دعوا بوده توسط دیوان به دلیل فقد صلاحیت یا تصمیم‌گیری در ماهیت، با بیانیه‌های الجزایر سازگار بود؛<sup>۱۲۶</sup> اما، چنانچه ایران بعد از ۲۸ تیر ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] در ارتباط با این احکام تعلیقی "هزینه حقوقی معقول متحمل شده باشد"،<sup>۱۲۷</sup> باید نتیجه گرفت ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه‌های الجزایر را نقض کرده است (معیار متحمل شدن هزینه‌های معقول).

۱۲۵- دیوان چهار پرونده‌ای را که ایران در ادعای (ح)<sup>۱۲۸</sup> مشخص کرده و نیز استدلال‌های طرفین در ارتباط با آنها (تا حدی که با استدلال‌های ارائه شده در ادعای (الف) متفاوت است) را بررسی کرده است. یافته دیوان این است که دو پرونده از چهار پرونده مطروح در ادعای (ح)، احکام ابطال نشده را در پی داشت که پس از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] موجود بود، و در ارتباط با آنها ایران "بطور معقول متحمل هزینه‌های حقوقی" شد و ذیلاً دیوان به ترتیب به بررسی آن دو پرونده خواهد پرداخت.<sup>۱۲۹</sup>

#### (الف) دیمز اند مور علیه سازمان انرژی اتمی ایران و دیگران

۱۲۶- در ۲۹ آذر ۱۳۵۸ [۱۹ دسامبر ۱۹۷۹] دیمز اند مور دعوائی علیه سازمان انرژی اتمی ایران ("سازمان")، ایران، و برخی از ارگانهای وابسته به ایران در دادگاه فدرال ایالات متحده در ناحیه مرکزی کالیفرنیا طرح کرد.<sup>۱۳۰</sup> ادعای دیمز اند مور علیه سازمان ("پرونده دیمز اند مور") برقراردادی با سازمان در سال ۱۹۷۷ مبتنی بود.<sup>۱۳۱</sup> در ۲۱ خردادماه ۱۳۶۰ [۱۱ ژوئن ۱۹۸۱]، دیوان عالی ایالات متحده قرار پذیرش اعتراض مربوط به مطابقت اقدامات رئیس جمهور ایالات متحده با قانون اساسی و اعتبار آن اقدامات در اجرای بیانیه‌های الجزایر را صادر کرد. نتیجه این اقدام جریان رسیدگی پرونده دیمز اند مور علیه ریگان بود که در آن، دیوان عالی در ۱۱ تیر ماه ۱۳۶۰ [دوم ژوئیه ۱۹۸۱] حکمی مبنی بر تأیید اقدامات رئیس جمهور ایالات متحده صادر کرد.<sup>۱۳۲</sup>

<sup>۱۲۶</sup> تصمیم دیوان در ماهیت یک ادعا، موجد تعهد ایالات متحده برای ابطال حکم ذریبط [دادگاه‌های ایالات متحده]

علیه ایران است. بنگرید به بند ۱۲۱، بالا.

<sup>۱۲۷</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۲۱۴ الف (ح) (۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸.

<sup>۱۲۸</sup> پرونده های *Dames & Moore v. Atomic Energy Organization of Iran et al.*, 79-4918 (C.D. Cal.);

*Marriott Corp. et al. v. Rogers & Wells v. Pahlavi Foundation of Iran & Alavi Foundation of Iran*, 79-21884 (Sup. Ct. N.Y.); *American Int'l Group et al. v. Iran*, 79-6696 (S.D.N.Y.); *Commonwealth of Puerto Rico et al. v. Star Lines of Iran et al.*, 77-1093 (D.P.R.)

<sup>۱۲۹</sup> دیوان خاطر نشان میشود که در مقابل پرونده‌هایی که خواسته اش هزینه‌های دادرسی کلی است این دو پرونده در زمره پرونده‌هایی بود که بابت آن هزینه‌های دادرسی مشخص درخواست شد (بنگرید به زیرنویس ۱۱۶، بالا). دیوان از اعمال مؤثر معیار متحمل شدن هزینه‌های معقول، بگونه‌ای که مفید فایده باشد، بر این دو پرونده ای که در آن هزینه های دادرسی کلی درخواست شده است ناتوان بوده است، زیرا که جزئیات اقدامات به عمل آمده مشخص نشده بود.

<sup>۱۳۰</sup> پرونده *Dames & Moore v. Atomic Energy Organization of Iran et al.*, 79-4918 (C.D. Cal.)

<sup>۱۳۱</sup> بنگرید به زیرنویس ۱۷۳، زیر.

<sup>۱۳۲</sup> بنگرید به *Dames & Moore v. Regan et al.* 453 U.S. 654 (1981)

۱۲۷- دیمز اند مور ادعائی علیه سازمان انرژی اتمی ایران به دیوان تسلیم کرد که شالوده آن پرونده دیمز اند مور [در ایالات متحده] بود.

### (یک) اظهارات طرفین

۱۲۸- ایران ادعا می کند که دادگاه فدرال در ۲۹ بهمن ۱۳۵۹ [۱۸ فوریه ۱۹۸۱] در پرونده دیمز اند مور علیه وی حکم اختصاری ای به مبلغ ۳،۷۸۸،۹۳۰ دلار آمریکا صادر کرد و حکم یاد شده با نقض اصل کلی ب همچنان پابرجا ماند. ایالات متحده استدلال می کند که هزینه های حقوقی مورد مطالبه ایران در ارتباط با این پرونده "هزینه های متحمل معقول در ارتباط با" حکم ۲۹ بهمن ماه ۱۳۶۰ [۱۸ فوریه ۱۹۸۱] دادگاه فدرال نبوده است، بلکه بیشتر به جریان رسیدگی دیوان عالی ایالات متحده (که در نتیجه مطابق حکم جزئی شماره ۵۹۰ قابل جبران نیست<sup>۱۳۳</sup>)، یا امور دیگری مانند داوری دعاوی موازی در دیوان بر مبنای همان ادعا می باشد.<sup>۱۳۴</sup> ایران در باز دفاع اظهار میدارد که دفتر ثبت دادگاه به روشنی نشانگر آنست که در پرونده دیمز اند مور، رسیدگی در دادگاه فدرال جریان داشت نه در دیوان عالی ایالات متحده.

۱۲۹- ایالات متحده مدعیست که فقط یک فقره از مشارکت ایران میتواند "بطور معقول مربوط باشد" به حکم ۲۹ بهمن ماه ۱۳۶۰ [۱۸ فوریه ۱۹۸۱] دادگاه فدرال، اما آن اقدام هم غیرضروری بود. امضافاً، [ایران] هزینه های ادعائی را "بطور معقول متحمل" نشده زیرا حکم عملاً با دستور مورخ هفتم خرداد ماه ۱۳۶۰ [۲۸ مه ۱۹۸۱] به حالت تعلیق درآمد.

### (دو) تصمیم دیوان

۱۳۰- بر پایه ادله ارائه شده، بویژه دفتر ثبت دادگاه ایالات متحده، دیوان به این نتیجه میرسد که اجرای حکم صادره در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۹ [۱۸ فوریه ۱۹۸۱] در پرونده دیمز اند مور با دستور مورخ هفتم خرداد ماه ۱۳۶۰ [۲۸ مه ۱۹۸۱] متوقف شده بود. در چنین شرایطی نمیتوان بگونه ای که معیار مندرج در حکم جزئی شماره ۵۹۰ مقرر داشته است، حکم را "موجود" ندانست.

۱۳۱- اما، برای احراز وقوع نقض در ادعای (ح)، ایران باید همچنین نشان میداد که در ارتباط با حکم "هزینه های حقوقی معقول متحمل" شده است. به همان دلایلی که در تعیین الزام معقول<sup>۱۳۵</sup> (ضابطه الزام

<sup>۱۳۳</sup> مطابق حکم جزئی شماره ۵۹۰، دیوان خساراتی ناشی از شرکت ایران در پرونده های مربوط به اعتبار و مطابقت بیانیه های الجزایر با قانون اساسی وفق قوانین ایالات متحده، به نفع ایران حکم نخواهد داد. بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۱۰۳، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۴، ص ۲۱۲.

<sup>۱۳۴</sup> بنگرید به دیمز اند مور و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۳-۵۴-۹۷ (۲۹ آذر ماه ۱۳۶۲ [۲۰ دسامبر ۱۹۸۳])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۴، ص ۲۱۲.

<sup>۱۳۵</sup> بنگرید به بندهای ۷۹-۷۴، بالا.



معقول<sup>۱۳۶</sup>) به حضور یا ثبت مدارک در دادگاههای ایالات متحده عنوان شد، دیوان نتیجه می‌گیرد که ایران در ارتباط با حکم ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۹ [۱۸ فوریه ۱۹۸۱] در پرونده دیمز اند مور، هزینه‌های حقوقی معقول متحمل شده است.

(ب) ماریوت کورپوریشن و دیگران علیه راجرز اند ولز علیه بنیاد پهلوی ایران و بنیاد علوی ایران

۱۳۲- رویدادهای [پرونده] ماریوت کورپ و دیگران علیه راجرز اند ولز علیه بنیاد پهلوی ایران و بنیاد علوی ایران<sup>۱۳۷</sup> ("پرونده ماریوت") نسبتاً پیچیده است. در نوامبر ۱۹۷۹، ماریوت کورپوریشن ("ماریوت") دعوائی در دادگاه بدوی ایالت نیویورک ("دادگاه بدوی") علیه مؤسسه حقوقی راجرز اند ولز مطرح کرد، مبنی بر قصور در آزاد کردن مبلغ ۵۰,۰۰۰ دلار به نفع ماریوت که مؤسسه یاد شده به عنوان امین و در پی قرارداد امانی ششم دی ۱۳۵۶ [۲۷ دسامبر ۱۹۷۷] بین ماریوت، بنیاد پهلوی ایران (که بنیاد علوی ایران جانشین آن شد) (مجموعاً "بنیاد") و راجرز اند ولز ("قرارداد امانی") در اختیار داشت. در قرارداد امانی ماریوت و بنیاد به راجرز اند ولز اختیار داده بودند که وفق موافقتنامه ۲۲ آذر ۱۳۵۶ [۱۳ دسامبر ۱۹۷۷] بین ماریوت و بنیاد (موافقتنامه ۱۳ دسامبر ۱۹۷۷) "از جانب ماریوت، مبلغ ۵۰,۰۰۰ دلاری را که بنیاد متعهد بود مطابق قرارداد پردازد دریافت کند". راجرز اند ولز باید ۵۰,۰۰۰ دلار را با دریافت ابلاغ از ماریوت و بنیاد، در صورت اجرای پاره‌ای تعهدات توسط ماریوت وفق موافقتنامه ۱۳ دسامبر ۱۹۷۷<sup>۱۳۸</sup>، به نفع ماریوت آزاد میکرد. در پرونده ماریوت، ماریوت ادعا کرد که کلیه شرایط مندرج در موافقتنامه ۱۳ دسامبر ۱۹۷۷ را برآورده است و استحقاق دریافت مبلغ را دارد.

<sup>۱۳۶</sup> بنگرید به بند ۶۲، بالا.

<sup>۱۳۷</sup> Marriott Corp. et al. v. Rogers & Wells v. Pahlavi Foundation of Iran & Alavi Foundation of Iran, 79-21884 (Sup. Ct. N.Y).

<sup>۱۳۸</sup> در ۲۲ آذر ماه ۱۳۵۶ [۱۳ دسامبر ۱۹۷۷] بنیاد پهلوی ایران موافقتنامه‌ای با ماریوت منعقد کرد که مطابق آن، ماریوت متعهد شد خدماتی را در ارتباط با ساخت یک هتل در ایران ارائه کند. بنیاد، به نوبه خود متعهد شد ۱,۲۰۰,۰۰۰ دلار آمریکا در قبال انجام کار به ماریوت پردازد، که ۱,۱۵۰,۰۰۰ آن با امضای قرارداد در ۲۲ آذر ماه ۱۳۵۶ [۱۳ دسامبر ۱۹۷۷] پرداخت شد و ۵۰,۰۰۰ دلار باید در حساب امانی گذاشته میشد تا در صورت انجام قابل قبول تعهدات ماریوت وفق بند ۶ موافقتنامه ۲۲ آذر ماه ۱۳۵۶ [۱۳ دسامبر ۱۹۷۷] پرداخت شود. بند ۶ موافقتنامه یاد شده مقرر میدارد:

ماریوت بدون تحمیل هزینه اضافی به [بنیاد] هر گونه اشتباه یا کسری در نقشه‌ها و مشخصات فنی تهیه شده در پی موافقتنامه طراحی، که به [بنیاد] تحویل داده شده، یا هر فقره از قلم افتاده ضروری ... مطابق موافقتنامه طراحی را... در صورتی که اخطار کتبی چنین اشتباهات و کسری‌هایی را [بنیاد] طرف ۱۵۰ روز از تاریخ این موافقتنامه به ماریوت بدهد، اصلاح خواهد کرد یا موجبات اصلاح آنرا فراهم خواهد آورد.

وفق موافقتنامه امانی ششم دیماه ۱۳۵۶ [۲۷ دسامبر ۱۹۷۷]، راجرز اند ولز باید به محض دریافت اطلاعیه ماریوت و بنیاد، موکول به اجرای تعهدات توسط ماریوت مطابق بند ۶ موافقتنامه ۲۲ آذر ماه ۱۳۵۶ [۱۳ دسامبر ۱۹۷۷]، مبلغ ۵۰,۰۰۰ دلار امانی را به نفع ماریوت آزاد میکرد.

۱۳۳- در ۳۰ آبان ۱۳۵۸ [۲۱ نوامبر ۱۹۷۹]، خواننده راجرز اند ولز از دادگاه بدوی درخواست کرد که اجازه جلب بنیاد به دعوا را به عنوان خواننده بدهد. زیرا راجرز اند ولز بر این باور بود که بنیاد یک واحد تابع ایران است، و در نتیجه وفق دستور اجرائی ۱۲۱۷۰ مورخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹]<sup>۱۳۹</sup>، راجرز اند ولز از آزاد کردن مبلغ ۵۰،۰۰۰ امانی به نفع ماریوت یا بنیاد، منع شده است، راجرز اند ولز از دادگاه تقاضا کرد اجازه دهد مبلغ یاد شده را به "صندوق دادگاه" بسپارد. در ۱۳ آذر ۱۳۵۸ [چهارم دسامبر ۱۹۷۹] ماریوت به نوبه خود، تقاضای صدور حکم رسیدگی اختصاری علیه راجرز اند ولز را کرد. در ۲۴ بهمن ۱۳۵۸ [۱۳ فوریه ۱۹۸۰] دادگاه بدوی (یک) مقرر داشت که مسائل موضوعی در این خصوص که آیا مطابق قرارداد امانی شرایط آزاد کردن مبلغ امانی به نفع ماریوت حاصل شده یا خیر، وجود دارد؛ (دو) در نتیجه تقاضای ماریوت برای صدور حکم در پی رسیدگی اختصاری را رد کرد، و؛ (سه) درخواست راجرز اند ولز دائر بر ابلاغ شکوائیه به بنیاد و سپردن مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار در حساب مسدود را اجابت کرد. مبلغ [یاد شده] متعاقباً به یک حساب امانی در یک بانک امریکائی سپرده شد. ماریوت بی آنکه توفیقی داشته باشد از دادگاه خواست که در تصمیم خود تجدیدنظر کند. سوابق روشن نمی‌کند که آیا ابلاغ به بنیاد صحیحاً انجام شد یا خیر.

۱۳۴- سپس ماریوت از تصمیم ۲۴ بهمن ۱۳۵۸ [۱۳ فوریه ۱۹۸۰] دادگاه بدوی پژوهشخواهی کرد. در ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱] ایالات متحده تدارک‌دهنده ذینفع به ثبت رساند و تقاضا کرد که دادگاه پژوهش، رسیدگی دادگاه ایالتی را متوقف کند. در هشتم اردیبهشت ۱۳۶۰ [۲۸ آوریل ۱۹۸۱] دادگاه پژوهش تصمیم ۲۴ بهمن ۱۳۵۹ [۱۳ فوریه ۱۹۸۰] دادگاه بدوی را شکست. با این اقدام دادگاه ضمن رد تقاضای ایالات متحده مبنی بر توقف کلیه دادرسی‌ها مربوط به دولت، تصمیم گرفت که ماریوت استحقاق دریافت مبلغ امانی ۵۰،۰۰۰ را دارد، و دستور پرداخت آنرا به ماریوت داد ("دستور پنج مه ۱۹۸۱") و راجرز اند ولز در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] این دستور را اجابت کرد. سپس بنیاد از دادگاه بدوی تقاضا کرد قرار مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] خود را مرتفع کند و در ۱۷ تیر ۱۳۶۰ [هشتم ژوئیه ۱۹۸۱] ایالات متحده تدارک‌دهنده ذینفع دوم خود را در حمایت از درخواست بنیاد به ثبت رساند. دادگاه بدوی درخواست لغو قرار بنیاد را در ۲۶ آذر ۱۳۶۰ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۱] رد کرد. بنیاد پژوهشخواهی کرد. دادگاه تمیز ایالت نیویورک یعنی بالاترین دادگاه آن ایالت، درخواست پژوهش بنیاد را در دسامبر ۱۹۸۳ رد کرد.

<sup>۱۳۹</sup> دستور اجرائی شماره ۱۲۱۷۰ صادره در ۲۳ آبانماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] توسط ریاست جمهوری ایالات متحده "کلیه اموال و حقوق مالی دولت ایران، دستگاهها و واحدهای تحت کنترل آن و بانک مرکزی ایران که مشمول حوزه قضائی ایالات متحده بوده یا می‌شد و یا به تصرف یا تحت کنترل اشخاص مشمول حوزه قضائی ایالات متحده درمی‌آمد" را مسدود کرد.

۱۳۵- ماریوت بر اساس موافقتنامه ۲۲ آذر ماه [۱۳ دسامبر ۱۹۷۷] دعوائی علیه بنیاد در پیشگاه دیوان طرح نکرد.

#### (یک) اظهارات طرفین

۱۳۶- ایران استدلال می‌کند که دستور صادره در ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] در پرونده ماریوت اصل کلی ب را نقض کرد. ایالات متحده استدلال می‌کند که در چارچوب اصل کلی ب نه این دستور "علیه ایران" بود و نه عموماً جریان رسیدگی، زیرا ایران به دلیل طرح دعوی طاری درگیر پرونده شد، و حکم مورد نظر در واقع علیه راجرز اند ولز بود. ایالات متحده اظهار میدارد که بدینقرار، مطابق اصل کلی ب، الزامی برای ابطال حکم ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] وجود نداشت. ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که روشن نبود که بنیاد پهلوی ایران یا بنیاد علوی ایران، بنیادهای تحت پوشش دولت می‌باشند یا خیر، که این خود دلیل دیگری است که [خصلت] "علیه ایران" بودن حکم را بیشتر زیر سؤال می‌برد.

#### (دو) تصمیم دیوان

۱۳۷- دستور ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] دادگاه بدوی بیشتر علیه راجرز اند ولز بود، تا ایران. اما، دادگاه بدوی به راجرز اند ولز اجازه داده بود تا احضاریه دعوی طاری و شکوائیه علیه بنیاد تسلیم کند و بنیاد به این ترتیب جزو اصحاب دعوا شد. بنیاد به حکم قانون دادرسی حاکم، جزو اصحاب دعوا شد، و نتیجه رسیدگی در وضعیت آن تأثیر داشت، چنانکه گوئی از ابتدا خواننده پرونده بوده است (که در واقع، عملاً هدف دعوی طاری و نهادهای مشابه دادرسی، منطقی کردن امکانات سیستم قضائی است). بنیاد متعاقباً از دادگاه بدوی درخواست ابطال قرار ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] را کرد، پس از آنکه درخواست یاد شده را دادگاه بدوی رد کرد، بنیاد در دادگاه پژوهش ایالت نیویورک، پژوهشخواهی کرد. ایالات متحده در تذکاریه ذینفع که در حمایت از پژوهشخواهی بنیاد به ثبت رساند، از جمله اظهار داشت که ایران در مبلغ ۵۰,۰۰۰ ذینفع است و از دادگاه خواست که قرار را ابطال کند و به ماریوت دستور دهد که مبلغ یاد شده را به حساب امانی راجرز اند ولز بازگرداند.

۱۳۸- موضوعی که دیوان پیش رو دارد اینست که آیا قرار ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] که تا پس از ۲۸ تیر ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] پا بر جا ماند، جزو احکامی است که ایالات متحده وفق اصل کلی ب تکلیف ابطال - یا حداقل تعلیق - آن را داشت یا خیر. همانگونه که خاطر نشان شد،<sup>۱۴۰</sup> اصل کلی ب ایالات متحده را مکلف می‌کند "تنها آن دسته از احکام قضایی تحصیل شده از دادگاههای ایالات متحده توسط اتباع آن کشور علیه ایران را لغو نماید که مبتنی بر ادعاهای واقع در حیطه صلاحیت دیوان باشند"<sup>۱۴۱</sup>.

<sup>۱۴۰</sup> بنگرید به بند ۱۲۱، بالا.

<sup>۱۴۱</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۲۱۴ الف(ح)(۱)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸.

حالا مسئله به این صورت طرح میشود که آیا ادعائی که شالوده پرونده ماریوت را تشکیل می‌داد، در محدوده‌ای که به بنیاد به عنوان خواننده مربوط می‌شد، در صلاحیت دیوان قرار داشت یا خیر. چون ماریوت دعوا را در پیشگاه دیوان مطرح نکرد، دیوان در موقعیتی نیست که مشخص کند دعوا در حوزه صلاحیتش قرار می‌گرفت، یا خیر. بنابراین در چارچوب رسیدگی حاضر دیوان این مورد را مشخص خواهد کرد.

۱۳۹- پس از بررسی ادله، دیوان نتیجه می‌گیرد که ادعائی که شالوده پرونده ماریوت را تشکیل می‌داد، در محدوده‌ای که به بنیاد به عنوان خواننده مرتبط می‌شد، ادعائی بود که در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعوی توصیف شده است،<sup>۱۴۲</sup> چرا که "ادعای تبعهٔ [ایالات متحده علیه ایران]"<sup>۱۴۳</sup> و در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] "پابرجا" و ناشی "از ... قرارداد" یعنی موافقتنامه ۱۳ دسامبر ۱۹۷۷ بین ماریوت و بنیاد بود.<sup>۱۴۴</sup> بدین‌قرار، قرار مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنج‌م مه ۱۹۸۱] مبتنی بر ادعائی بود که در صلاحیت دیوان قرار داشت. در نتیجه، ایالات متحده مطابق اصل کلی ب تا ۲۸ تیر ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] مکلف به ابطال - یا، حداقل تعلیق - آن قرار بود.

۱۴۰- در این رابطه که آیا ایران توانسته اثبات کند هزینه‌های حقوقی مرتبط با قرار را "بطور معقول متحمل" شد یا خیر، نتیجه‌گیری‌های پیشگفته دیوان در دیمز اند مور علیه سازمان انرژی اتمی ایران عیناً در

<sup>۱۴۲</sup> بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعوی در بخش ذیربط مقرر میدارد:

[دیوان داوری دعوی ایران-ایالات متحده] بمنظور اتخاذ تصمیم دربارهٔ ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران و ادعاهای اتباع ایران علیه ایالات متحده ... در صورتی که این گونه ادعاها و ادعاهای متقابل در تاریخ این بیانیه پابرجا بوده، اعم از اینکه در دادگاهی مطرح شده یا مطرح نشده باشد، و ناشی از دیوان، قراردادهای ... ضبط اموال و یا هر اقدام دیگری که مؤثر در حقوق مالیکت باشد ...

بیانیه حل و فصل، ماده دو (۱)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۹.

<sup>۱۴۳</sup> بنیاد پهلوی ایران (بنیاد پهلوی) از بدو تأسیس، توسط شاه سابق و با یاری اعضای دولتش کنترل می‌شد. بنگرید *هیات اینترنشنال کورپوریشن و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، قرار ادعادی ۱-۱۳۴-آی تی ال ۵۴ (۲۶ شهریور ۱۳۶۴ [۱۷ سامبر ۱۹۸۵]) چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری جلد ۹، ص ۷۲، ۹۵. پیرو فرمانی که امام خمینی در نهم اسفند ماه ۱۳۵۷ [۲۸ فوریه ۱۹۷۹] صادر کرد: کلیه اموال منقول و غیر منقول خاندان پهلوی ... "تمام اموال منقول و غیر منقول سلسله پهلوی و شاخه‌ها و عمال و مربوطین به این سلسله" توسط دولت جدید مصادره شد. بنیاد پهلوی و اموال متعلق به آن در قلمرو این فرمان قرار گرفت؛ در این زمان بود که نام بنیاد پهلوی به بنیاد علوی ایران (بنیاد علوی) تغییر یافت. بنگرید همانجا. گزارش آراء دیوان داوری جلد ۹، ص ۹۵. دیوان مقرر داشته است که بنیاد علوی حداقل از زمان صدور فرمان امام در نهم اسفند ماه ۱۳۵۷ [۲۸ فوریه ۱۹۷۹] واحد تحت کنترل دولت ایران می‌باشد. بنگرید گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۹، ص ۹۶. در پرتو مطالب پیشگفته، در کلیه زمانهای ذیربط، بنیاد پهلوی و بنیاد علوی، در قالب تعریف "ایران" که در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل آمده می‌گنجد.

<sup>۱۴۴</sup> بنگرید به زیرنویس ۱۳۸، بالا.

مورد حاضر نیز مصداق دارد.<sup>۱۴۵</sup> بدینقرار، دیوان نتیجه می‌گیرد که ایالات متحده اصل کلی ب بیانیه عمومی را در خصوص ابطال قرار ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [پنج مه ۱۹۸۱] نقض کرد.<sup>۱۴۶</sup>

#### ث) پرونده الف-۲۴

۱۴۱- در این مرحله از رسیدگی، ایران در لوایح کتبی یا در جلسه استماع، مطلبی در ارتباط با پرونده شماره الف-۲۴ طرح نکرد. ایالات متحده ادعا می‌کند که ایران از ادعای خود در پرونده الف-۲۴ اعراض کرده است.

۱۴۲- به نظر میرسد ایران هزینه‌های مربوط به دادرسی فورموست/اوپیک (که مبنای پرونده شماره الف-۲۴ است) را به عنوان خساراتی که جزو ادعای (د) می‌باشد مطالبه کرده است. بنابراین دیوان به همان قرار به آنها رسیدگی کرده است.

#### ۴- مخارج قابل جبران

##### الف) مخارج مطالبه شده ایران

۱۴۳- در این پرونده‌ها ایران مجموعاً مبلغ ۱،۷۳۱،۲۱۰/۲۴ دلار آمریکا مطالبه می‌کند. این مبلغ شامل (۱) ۶۲۰،۳۵۲/۹۱ دلار آمریکا بابت کل مخارجی که ایران ادعا می‌کند در دادرسی‌های مشخص در پرونده‌های مطروح در ایالات متحده متحمل شده است ("مخارج دادرسی‌های مشخص")؛ و (۲) ۱،۱۱۰،۸۵۷/۳۳ دلار آمریکا برای "مخارج کلی دادرسی‌ها" که به توصیف ایران مخارج پرداخت شده به وکلای آمریکائی است که نمیتوان آن را به پرونده خاصی مرتبط دانست. "مخارج کلی دادرسی‌های" ایران فراگیر (یک) "هزینه‌های حضور در دادگاه ایالات متحده"؛ (دو) مخارج ادعائی ایران که صرف نظارت بر دعاوی مطروح در دادگاه‌های ایالات متحده شده است "مخارج نظارت"؛ و (سه) ۲۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا که ادعا میشود بابت "مخارج وکلای درون سازمانی و هزینه‌های امور دفتری آنها" که دفتر خدمات حقوق بین‌المللی ایران ("دفتر خدمات") در نظارت بر کار وکلای آمریکائی ایران متحمل شده است.

##### ب) ادله: موضوعات کلی

۱۴۴- دیوان اختصاراً به برخی از موضوعات کلی مربوط به ادله می‌پردازد. دیوان خاطر نشان می‌سازد که به نظر میرسد طرفین بر روی شماری از موضوعات مربوط به ادله توافق دارند. برای نمونه هم ایران و هم

<sup>۱۴۵</sup> بنگرید به بند ۱۳۱، بالا.

<sup>۱۴۶</sup> دیوان به این نتیجه رسیده است که ایران در ارتباط با دعوای ماریوت هزینه‌های قابل جبران دادرسی خاص به مبلغ ۶،۹۱۲/۹۴ دلار آمریکا متحمل شده است؛ این رقم در مبلغ حکم به نفع ایران، مذکور در بند ۲۰۴ زیر، گنجانده شده است. دیوان همچنین نتیجه گرفته است که ایران در اثر "فعالیت‌های نظارتی بیشتر" کلاً بمیزان ۱،۰۸۷/۸۷ دلار آمریکا متحمل هزینه شده است، (بنگرید به بند ۲۴۰، زیر) این رقم در مبلغ حکم منظور شده است، بند ۲۴۱ زیر.

ایالات متحده می‌پذیرند که حکم جزئی شماره ۵۹۰، ضابطه ادله اثباتی را در عبارات مختلف خود در ارتباط با نوع ادله‌ای که از ایران انتظار می‌رود ارائه کند، بر شمرده است.<sup>۱۴۷</sup> همچنین به نظر می‌رسد که طرفین قابلیت اجرای ضابطه "دلیل اقوی"<sup>۱۴۸</sup> و "احتمال اقوی" را پذیرفته باشند. در نتیجه دیوان فقط به دو محل اختلاف باقیمانده می‌پردازد.

### (۱) بار اثبات ادعا و ضابطه ادله

#### (الف) اظهارات طرفین

۱۴۵- ایران اظهار می‌دارد که دیوان باید ضابطه ادله حقوقی بین‌الملل را به کار بندد، و سوابق حاکی از آنست که، دیوان در رویکرد با ضابطه ادله و بار اثبات ادعا، انعطاف پیشه کرده است.<sup>۱۴۹</sup> ایران می‌گوید، این انعطاف شامل انتقال بار اثبات دعوا به خواننده هم می‌تواند باشد، مشروط بر اینکه خواهان ادعای خود را مطابق ضابطه دلیل ظاهر (prima facie) به اثبات رسانده باشد.

۱۴۶- ایالات متحده تأکید دارد که ایران باید بار اثبات ادعا را عهده‌دار شود. ایالات متحده متعرض این ادعاست که در این پرونده‌ها، ضابطه دلیل ظاهر، یا هر گونه استاندارد منعطف ادله، قابل اعمال باشد. دیوان ضابطه دلیل ظاهر را در پرونده‌هایی به کار بسته که خواهان در ارائه ادله با "دشواری شدیدی" روبرو بوده، که این دشواری در پرونده‌های حاضر وجود ندارد.<sup>۱۵۰</sup> آرائی که ایران به آن استناد جسته اعمال ضابطه دلیل ظاهر را تأیید نمی‌کند. به نظر ایالات متحده، ضابطه ادله مناسب برای تعیین خسارات، ضابطه حقوق بین‌الملل است.

#### (ب) تصمیم دیوان

۱۴۷- حکم جزئی شماره ۵۹۰ در این خصوص که بار اثبات ادعا در این مرحله به دوش ایران می‌باشد کاملاً روشن است. دیوان توجیهی برای انتقال بار اثبات ادعا نمی‌یابد.<sup>۱۵۱</sup>

<sup>۱۴۷</sup> بنگرید، برای مثال، حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۱۰۲، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۳۸.

<sup>۱۴۸</sup> دیوان خاطر نشان می‌شود که ایالات متحده همچنین ادعا کرد که برای ارزیابی خسارت، در مواردی دیوان معیاری بالاتر از معیار "دلیل اقوی" را بکار بسته است.

<sup>۱۴۹</sup> ایران، از جمله، اشاره دارد به *یوترویک کورپ و دیگران، و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱- ۳۸۱-۳۷۵ [۱۵ تیر ماه ۱۳۶۷ [ششم ژوئیه ۱۹۸۸]]، چاپ شده در گزارش آراء دیوان، جلد ۱۹، ص ۱۰۷.

<sup>۱۵۰</sup> در این باره، ایالات متحده، از جمله، به *راکول اینترنشنال سیستمز، اینک. و جمهوری اسلامی ایران*، اشاره می‌کند حکم شماره ۱- ۴۳۰-۴۳۸ (۱۴ شهریور ۱۳۶۸ [پنجم سپتامبر ۱۹۸۹]) چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۳، ص ۱۵۰.

<sup>۱۵۱</sup> هیچیک از شرایطی که در پرونده‌های پیشین دیوان باعث انتقال بار اثبات دعوا شده بود، در مورد حاضر وجود ندارد (بنگرید، برای نمونه به *راکول اینترنشنال سیستمز، اینک. و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۱- ۴۳۰-۴۳۸، بند

۱۴۸- بر شماری ضابطه ادله اثبات ادعا در حکم جزئی شماره ۵۹۰<sup>۱۵۲</sup> عمدتاً نیاز بررسی ضوابط کلی تر مربوط به ادله را از میان برمی‌دارد، اگرچه، همانطور که اشاره شد، به نظر می‌رسد طرفین تا حدودی ضابطه دلیل اقوی را پذیرفته باشند.<sup>۱۵۳</sup>

## (۲) ادله مربوط به شک اند کیمبال

### (الف) اظهارات طرفین

۱۴۹- بخش عمده‌ای از ادعای ایران در این پرونده‌ها بابت هزینه‌های دادرسی مربوط به خدمات ارائه شده توسط مؤسسه حقوقی شک اند کیمبال<sup>۱۵۴</sup> است، که به عنوان وکیل اصلی ایران از فوریه ۱۹۷۹ تا اوایل ۱۹۸۳ در ایالات متحده فعال بود، و مبتنی بر ادله ایست که شک اند کیمبال یا رئیس آن، آقای توماس شک، ارائه کرده است. ادله کلیدی در این راستا عبارت است از:

(الف) موافقتنامه حل و فصل مورخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۱ [۱۵ مه ۱۹۹۲] بین توماس شک و شک اند کیمبال از یکسو و ایران، وزارت اقتصاد و دارائی جمهوری اسلامی ایران و سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران (شعبه وزارتخانه پیشگفته)، از سوی دیگر ("موافقتنامه حل و فصل")، در ارتباط با دعواهایی که ایران علیه شک و کیمبال "برای نقض قرارداد و عدم رعایت تکلیف حفظ امانت و محاسبه و بازگرداندن حق الزحمه‌های حقوقی پرداخت شده در ارتباط با راهبری برخی از دعاوی". به نظر می‌رسد که به دلیل عدم پرداخت حق الوکاله، آقای شک بخشی از خسارت مورد حکم به نفع ایران در پرونده‌ای که در آن به وکالت از ایران عمل می‌کرده را نزد خود نگهداشت، و دعوا علیه شک در پی آن بوجود آمده است. یکی از پیوست‌های مصالحه نامه که به عنوان "پیوست پ" مشخص شده فراگیر فهرستی می‌باشد از "حق الوکاله‌ها و هزینه‌هایی که از [ایران] بابت خدمات حقوقی ارائه شده توسط [شک اند کیمبال و آقای شک] به دولت و سازمان‌های آن طی دوره‌ای از ژوئن ۱۹۸۲ تا مارس ۱۹۸۳ قابل پرداخت بود،" که از مبلغ

۱۰۹ (۱۴ شهریور ۱۳۶۸ [پنجم سپتامبر ۱۹۸۹])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داور، جلد ۲۳، ص ص ۱۵۰، ۱۷۸؛ آر. جی. رینولدز توبیکو کو. و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۳-۳۵-۱۴۵ (۱۵ مرداد ماه ۱۳۶۳ [ششم اوت ۱۹۸۴])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داور، جلد ۷، ص ص ۱۸۱، ۱۹۱-۱۹۰).

<sup>۱۵۲</sup> بنگرید، برای نمونه، حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۱۰۲، گزارش آراء دیوان داور، جلد ۳۴، ص ۱۳۸.

<sup>۱۵۳</sup> دیوان در این راستا خاطر نشان می‌شود که اصل ۲-۲۱ مؤسسه حقوقی امریکا (ALI) مؤسسه بین‌المللی برای متحد الشکل کردن حقوق خصوصی (UNIDROIT) اصول آئین دادرسی مدنی فراملی مقرر می‌دارد که

"هنگامیکه دادگاه عقلاً نسبت به واقعیت رویدادها مجاب شود، [آن رویدادها] اثبات شده، محسوب می‌شود."

ALI/UNIDROIT Principles of International Civil Procedure, Principle 21.2, adopted by the ALI and UNIDROIT, May 2004/Apr. 2004, reprinted in ALI/UNIDROIT Principles of International Civil Procedure (with Commentary) 16, 42 (Cambridge University Press 2006).

ضابطه "تقاعد عقلی" "اصولاً در اغلب سیستم‌های حقوقی اعمال می‌شود [۴] ضابطه در ایالات متحده و پاره ای دیگر از

کشورها، دلیل اقوی، می‌باشد اما از نظر کاربردی و عملی، اساساً همان است." همان. شرح مندرج در برگه ۲۱-ب.

<sup>۱۵۴</sup> بخش مزبور بالغ بر ۹۳۵،۷۷۶/۸۰ دلار از کل خواسته ایران در این پرونده‌ها، ۱،۷۳۱،۲۱۰/۲۴ (با بهره)، می‌شود.

دریافتی در دعوی فوق الذکر کسر و نگهداری شده است، و (دو) اظهاریه‌های منفردی که شک اند کیمبال و آقای شک طی بخش ۳ مصالحه نامه حل و فصل بر ارائه آن توافق کردند.

(ب) نامه‌ای از آقای شک به تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۷۹ [۱۸ اوت ۲۰۰۰] حاوی فهرست صورتحسابهای شک اند کیمبال از ژوئیه ۱۹۸۱ الی ماه مه ۱۹۸۲ همراه تأییدیه‌ای مبنی بر پرداخت کامل این مبالغ (که جمعاً ۱،۰۳۹،۹۴۵/۴۳ دلار آمریکا می‌باشد).

(پ) نامه‌ای از آقای شک به تاریخ دوم اسفند ۱۳۷۹ [۲۰ فوریه ۲۰۰۱] حاوی این عبارت که "از مبلغ کل ۱،۰۳۹،۹۴۵/۴۰ دلار، ۷۰٪ یعنی ۷۲۷،۹۶۱/۸۰ دلار به موضوعات مرتبط با 'دادرسی تعلیق شده' مربوط می‌شد."

(ت) نامه‌ای از آقای شک به تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۸۲ [۱۰ دسامبر ۲۰۰۳] حاوی فهرست صورتحسابهای شک اند کیمبال از ژوئیه ۱۹۸۱ الی مه ۱۹۸۲ و اظهاریه دریافت مبلغ صورتحساب به میزان ۱،۰۳۹،۹۴۵/۴۳ دلار؛ و

(ث) یک شهادتنامه به تاریخ ۱۴ فروردین ۱۳۸۳ [دوم آوریل ۲۰۰۴] (شهادتنامه ۲۰۰۴ شک)، که طی آن شک، از جمله، اظهار داشته است که

"نظر من اینست که کل مخارج ایران در دوره بین ژوئیه ۱۹۸۱ تا ماه مه ۱۹۸۲ با لحاظ ۳۰٪ تخفیف اعمال شده با تخمین قریب به یقین بالغ بر ۷۲۷،۹۶۲ دلار بابت پرونده‌های مربوط به ادعاهای (الف)، (د)، (ز) و (ح) می‌باشد. در این محاسبه من مخارج مربوط به ادعاهائی که دیوان طی احکام جزئی رد کرده یا طرفین آنرا مصالحه کرده‌اند، را در نظر نگرفته‌ام."

(مجموعاً "ادله شک اند کیمبال").

۱۵۰- ایالات متحده استدلال می‌کند که این مدارک به شماری از دلایل قابل اتکا نیست، از جمله:

(الف) فاقد مدارک مؤید مانند صورتحسابها یا سوابق حسابداری است.<sup>۱۵۵</sup> شهادتنامه ۲۰۰۴ شک حاکی از آنست که وی به "سوابق حسابداری" متکی بوده، اما هیچیک از این مدارک را ارائه نکرده است. سوابق همزمان ثبت دادگاه که ایران ارائه کرده نمیتواند جایگزین مدارک صورتحسابهای همزمان باشد؛ و

<sup>۱۵۵</sup> این استدلال بر موافقتنامه حل و فصل (که حاوی شرطی است که آقای شک را ملزم می‌کند "کلیه اسناد مالی را که در اختیار او مانده" ارائه دهد) و همچنین سایر ادله شک اند کیمبال قابل تسری است.



(ب) اعتبار آقای شک به دلیل اختلاف و دعوا بین ایران و آقای شک و مصالحه حل و فصل پایانی آن، زیر سؤال است.<sup>۱۵۶</sup>

۱۵۱- ایران استدلال می کند ادله شک اند کیمبال با سوابق همزمان دفتر ثبت دادگاه که آن مؤسسه ارائه کرده است تأیید میشود، و حاکی از انجام کار به میزان معتناهی می باشد. ایران اظهار میدارد، اعتبار آقای شک نمی تواند مورد تردید باشد، و ابهامات موجود در شهادت و ادله وی ناشی از گذر زمان است.

۱۵۲- در جلسه استماع، وکیل ایران اظهار داشت که صورتحسابهای شک اند کیمبال و سوابق حسابداری که در اختیار ایران بوده پس از ارسال آن از سفارت پاکستان در واشنگتن به وزارت خارجه در تهران یعنی جائی که قرار بوده در انبار نگهداری شود، "بطور غیر عمدی از میان رفته" است.

#### (ب) تصمیم دیوان

۱۵۳- دیوان فقدان مدارک اصلی، مانند سوابق حسابداری و سوابق تهیه صورتحساب در تأیید ادله شک اند کیمبال (بویژه مصالحه نامه حل و فصل) را مشکل زا می یابد.

۱۵۴- بحثی نیست که در مقطع زمانی خاص صورتحسابها و مدارک مربوط به آن در اختیار یا حداقل در دسترس ایران بوده است. اما در جلسه استماع آقای شک اظهار داشت که او هرگز کلیه اظهاریه های مربوط به "صورتحسابها" را به ایران نداد زیرا "از ما درخواست نشد که چنین کنیم".

۱۵۵- آقای شک در شهادتنامه ۲۰۰۴ خود، اظهار میدارد که وی در محاسبه هزینه های حقوقی از سوابق حسابداری استفاده کرده است. نه آقای شک و نه ایران این سوابق را به دیوان تسلیم نکرده اند.

۱۵۶- ایران درخواست خود در پرونده شماره الف-۱۵ (چهار) را در سوم آبان ۱۳۶۱ [۲۵ اکتبر ۱۹۸۲] به ثبت رساند. بنابراین، ایران حداقل در سال ۱۳۶۱ واقف بود که برای اثبات ادعایش در این پرونده ها نیاز به مدرک دارد. بنابراین ایران می بایست صورتحسابهای ذیربط و سوابق مربوط به آن را تأمین میکرد و در اختیار قرار می داد تا خواننده و دیوان در شرایط بهتری بتوانند صحت اظهارات آقای شک را واریسی کنند. ضمن اینکه دیوان می تواند دشواری تهیه ادله را در نظر گیرد، در این مورد، ایران مسئول امحاء (یا از میان رفتن) صورتحسابها و سوابق تهیه صورتحسابها است. مضافاً، آقای شک، شاهد ایران، سوابق ذیربط تهیه صورتحساب و حسابداری را در اختیار دارد (یا تا همین اواخر در اختیار داشته است). ایران توضیح نداده است چرا هرگز از آقای شک نخواست که این مدارک را تحویل دهد تا بتواند آنرا در دیوان به ثبت برساند. در این راستا باید خاطرنشان شد که بخش ۳ موافقتنامه حل و فصل ۱۹۹۲ مقرر میدارد که، "با رد دعوا، [شک اند کیمبال] و [توماس شک] کلیه مدارک حسابداری باقیمانده را که در اختیار دارند و مبنای

<sup>۱۵۶</sup> بنگرید به بند ۱۴۹، بالا.

هر یک از اظهاریه‌های مالی [هزینه‌های شک اند کیمبال بابت خدمات حقوقی ارائه شده] است، از جمله مدارک چاپ شده از رایانه، مجموعه صفحه گسترده [سپردشیت] و خلاصه تحلیل‌ها را در اختیار قرار خواهد داد." دیوان هر جا مناسب تشخیص دهد، در تعیین خسارتی که باید بابت خدمات ارائه شده توسط شک اند کیمبال به نفع ایران حکم دهد، این اوضاع و احوال را در نظر خواهد گرفت.

(پ) مستثنیات هزینه‌های قابل جبران به ادعای ایالات متحده

۱۵۷- ایالات متحده ادعا می‌کند که حکم جزئی شماره ۵۹۰ شماری از دعاوی مطروح در دادگاههای آن کشور را از قلمرو مختومه کردن دعاوی در بیانیه‌های الجزایر مستثنا کرده است - یعنی: (۱) ادعاهائی که "احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان" قرار نداشت؛<sup>۱۵۷</sup> (۲) ادعاهای مربوط به قابلیت اجرای قیده‌های انتخاب مرجع رسیدگی ایران؛ (۳) ادعاهائی که بین ایران و ایالات متحده در قالب بخشی از دعاوی دیگر مصالحه شده است؛ و (۴) دعاوی مطروح در دادگاههای ایالات متحده طی شش ماهه اول امضای بیانیه‌های الجزایر یا مربوط به اعتبار و مطابقت بیانیه‌های الجزایر با قانون اساسی مطابق حقوق ایالات متحده. به نظر ایالات متحده، بدینقرار مطابق حکم جزئی شماره ۵۹۰ ایران استحقاق جبران هزینه‌های دادرسی متحمل در چنین دعواهایی را ندارد. دیوان به ترتیب این چهار فقره از مستثنیات ادعائی جبران هزینه‌های متحمل را عنوان خواهد کرد.

(۱) ادعاهایی که "احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار نداشت"

۱۵۸- ایران خسارت ناشی از هزینه‌های متحمل در ارتباط با دادرسی ۱۷۹ ادعا در دادگاههای ایالات متحده را مطالبه می‌کند. ۱۵۵ ادعا از میان آنها نزد دیوان نیز به ثبت رسیده بود. بنابراین، همانگونه که دیوان مقرر داشت، وفق بند ۲ ماده هفت، ایالات متحده مکلف بود جریان رسیدگی ۱۵۵ ادعا نزد دادگاههای آن کشور را تا رد آن به دلیل فقد صلاحیت توسط دیوان، در هر ادعای خاص، متوقف کند.<sup>۱۵۸</sup>

۱۵۹- از میان ۲۴ دعاوی مفتوح در دادگاههای ایالات متحده که در دیوان به ثبت نرسیده بود، دیوان مقرر داشت که ۱۳ دعوا احتمالاً در حوزه صلاحیتش قرار نمی‌گرفت.<sup>۱۵۹</sup> نتیجتاً، ایالات متحده تکلیفی به خاتمه دادن (تعلیق<sup>۱۶۰</sup>) جریان دادرسی این ۱۳ دعوا نداشت.

<sup>۱۵۷</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰ بند ۸۹ و ۲۱۴-الف-الف(۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۳۵، ۱۶۶-۱۶۵.

<sup>۱۵۸</sup> بنگرید به بند ۳۵، بالا.

<sup>۱۵۹</sup> این دعاوی عبارتند از:

*William A. Gallegos v. Iran et al.*, 81-5482 (C.D. Cal.); *Alan B. Golacinski et al. v. Iran et al.*, 81-5109 (C.D. Cal.); *Charles Jones Jr. v. Iran et al.*, 81-5274 (C.D. Cal.); *Steven M. Lauterbach et al. v. Iran et al.*, 81-0350 (D.D.C.); *John D. McKeel Jr. et al. v. Iran et al.*, 81-0931 (C.D. Cal.); *Gregory Allen Persinger et al. v. Iran*, 81-0230 (D.D.C.); *Susan Roeder v. Iran et al.*, 81-5410 (C.D. Cal.); *Elizabeth Kelly Scott v. Iran et al.*, 81-5108 (C.D. Cal.); *Westly Williams et al. v. Iran et al.*, 79-3295 (D.D.C.); *Margot Berkovitz v. Iran*, 80-0097 (N.D. Cal.) *Wendel T. Reed v. Iran et al.*, 79-006 (D. Tex.); *David R.*

(۲) ادعاهای مربوط به قابلیت اجرای قید انتخاب مرجع رسیدگی (ادعای (ب) در پرونده

الف-۱۵ (چهار))

۱۶۰- بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی ("بند ۱ ماده دو") "ادعاهای ناشی از قراردادهای تعهدآور فیما بین که در آن قراردادهای مشخصا رسیدگی به دعاوی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالحه ایران باشد" را از صلاحیت دیوان مستثنی می‌کند.<sup>۱۶۱</sup>

۱۶۱- در بخش ب دادخواست ادعای (الف)-۱۵ (چهار) ("ادعای (ب)"), ایران مدعیست که ایالات متحده با تعلیق ادعاهای ناشی از قراردادهای حاوی شرط صلاحیت دادگاههای ایران، بجای مختومه نمودن آنها، بیانیه الجزایر را نقض کرده بود. در حکم جزئی شماره ۵۹۰، دیوان ادعای (ب) ایران را رد کرد و اظهار داشت:

دیوان صلاحیت اتخاذ تصمیم راجع به قابلیت اجرای قیود انتخاب مرجع رسیدگی ندارد. تصمیم درباره آن موضوع باید توسط دادگاههای داخلی اتخاذ شود، نه توسط دیوان. در نتیجه، دیوان نمی‌تواند حکم دهد که قصور ایالات متحده در ختم دعاوی متضمن ادعاهایی که دیوان به علت وجود قید استثنای مرجع، مندرج در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، رد کرده، تخلف از هیچگونه تعهدی است که بیانیه‌های الجزایر بر دوش ایالات متحده نهاده است.<sup>۱۶۲</sup>

بدین‌قرار یافته دیوان در خصوص ادعای (ب) روشن کرد که بیانیه‌های الجزایر دادگاههای ایالات متحده را از رسیدگی به قابلیت اجرای قید انتخاب مرجع رسیدگی ایرانی، پس از رد ادعای مربوطه توسط دیوان به دلیل وجود استثناء مربوط به قید انتخاب مرجع رسیدگی مندرج در بند ۱ ماده دو، منع نکرده است.<sup>۱۶۳</sup>

*Webb Co. v. Bank Sepah Iran*, 81-6433 (S.D.N.Y.); *McDonnell Douglas Corp. v. Iran et al.*, 82-2096 (E.D. Miss.). بنگرید به بند ۴۷، بالا.

<sup>۱۶۰</sup> بنگرید به بند ۴۴، بالا.

<sup>۱۶۱</sup> بیانیه حل و فصل دعاوی، ماده دو (۱)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۹.

<sup>۱۶۲</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۱۲۵، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۴۴. دیوان مسئله مورد بررسی در

ادعای (ب) را با بیان زیر تشریح کرده است:

موضوعی که باقی می‌ماند این است که آیا ایالات متحده با دادن این اجازه که پرونده‌هایی که به دلیل داشتن نوع قید انتخاب مرجع رسیدگی مندرج در استثنای بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی خارج از صلاحیت دیوان تشخیص داده شده بودند، پس از رد دعوا توسط دیوان به دلیل فقد صلاحیت، در دادگاههای ایالات متحده احیاء شوند، بیانیه‌های الجزایر را نقض کرده است یا خیر.

همانجا، بند ۱۱۷، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۴۲.

<sup>۱۶۳</sup> پیوسته روشن نبود که آیا ماده مربوط به گزینش مرجع رسیدگی که صلاحیت دادگاههای ایران را پیش بینی کرده بود، تحت حاکمیت استثنای مربوط به قید انتخاب مرجع رسیدگی، مندرج در بند ۱ ماده دو قرار می‌گیرد ("استثنای قید مرجع رسیدگی ماده دو") و باعث محرومیت دیوان از اعمال صلاحیت بر دعاوی ناشی از آن قراردادهای میشود یا خیر.

۱۶۲- اما، یافته فوق بدین معنا نیست که ایالات متحده از تعهد متوقف کردن جریان رسیدگی دعوایی که قرارداد مبنای ادعا حاوی قید انتخاب مرجع رسیدگی ایرانی است، مبرا شده باشد. بلکه، ایالات متحده ملزم بود که چنین دعوایی را مانند سایر دعاوی ثبت شده نزد دیوان تلقی کند: ایالات متحده وفق بند ۲ ماده هفت مکلف بود که، جریان رسیدگی به چنین ادعاها در دادگاههای آن کشور را تا زمان تعیین تکلیف آنها توسط دیوان دائر بر اینکه خارج از حوزه صلاحیت دیوان قرارداد، متوقف کند.<sup>۱۶۴</sup>

۱۶۳- ایالات متحده ادعا می‌کند که شش پرونده در دادگاههای ایالات متحده مفتوح بود که آن دولت نباید آنها را مختومه میکرد زیرا در محدوده ادعای (ب) قرار می‌گرفت. دیوان ذیلاً آن دعاوی را بررسی می‌کند.

---

بدینقرار، برای خواهانهای ایالات متحده غیر معقول نبود که علیرغم وجود چنین موادی در قرارداد، علیه ایران دعوای قراردادی طرح کنند. در واقع، در سال ۱۹۸۲ هیئت عمومی دیوان طی نه قرار اعدادی تأیید کرد که همه گونه های مختلف شروط مربوط به انتخاب مرجع رسیدگی مشمول استثنای پیش بینی شده در ماده دو نمی‌شود. بنگرید به گیزانند هیل اینک. و شرکت تولید و انتقال نیروی ایران (توانیر) وابسته به وزارت نیروی دولت ایران و دیگران، قرار اعدادی شماره آی.تی.ال. ۱-۶-هیئت عمومی دیوان (۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۲۳۶؛ هالیبرتون کوو و دیگران و دورین/ایمکو و دیگران، قرار اعدادی شماره آی.تی.ال. ۲-۵۱-هیئت عمومی دیوان (۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۲۴۲؛ هوارد، نیدلز، تامن اند برگندوف (HNTB) و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، قرار اعدادی آی.تی.ال. ۳-۶۸-هیئت عمومی دیوان (۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲]) چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۲۴۸؛ جرج و. دراکر، جونیر و فارین ترانزاکشن کوو و دیگران، قرار اعدادی شماره آی.تی.ال. ۴-۱۲۱-هیئت عمومی دیوان (۱۴ آبانماه ۱۳۶۳ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۲۵۲؛ تی.اس.سی.بی، اینک. و جمهوری اسلامی ایران، قرار اعدادی شماره آی.تی.ال. ۵-۱۴۰-هیئت عمومی دیوان (۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۲۶۱؛ فورد آنرو اسپیس اند کامیونیکیشن کورپ. و دیگران و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و دیگران؛ قرار اعدادی شماره آی.تی.ال. ۶-۱۵۹-هیئت عمومی دیوان (۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۲۶۸؛ زوکور ایترنشنال اینک و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، قرار اعدادی شماره آی.تی.ال. ۷-۲۵۴-هیئت عمومی دیوان، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۲۷۱؛ استون اند ویستر اورسینز گروپ اینک. و شرکت ملی پتروشیمی و دیگران، قرار اعدادی شماره آی.تی.ال. ۲۹۳-هیئت عمومی دیوان (۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۲۷۴؛ درسرا اینداستریز، اینک و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، قرار اعدادی شماره آی.تی.ال. ۹-۴۶۶-هیئت عمومی دیوان (۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۲۸۰.

(الف) مک دانل دوگلاس کورپ. علیه ایران و دیگران

۱۶۴- مک دانل دوگلاس کورپوریشن در ۲۶ آذر ماه ۱۳۶۱ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۲] دعوائی علیه ایران در دادگاه فدرال ایالات متحده در ناحیه شرقی میسوری، طرح کرد ("پرونده مک دانل دوگلاس").<sup>۱۶۵</sup> ادعای پرونده مک دانل دوگلاس هرگز در دیوان به ثبت نرسید و در نتیجه در محدوده ادعای (ب) قرار نمی‌گیرد.

(ب) وستینگهاوس الکترونیک کورپ. علیه ایران و دیگران

۱۶۵- وستینگهاوس الکترونیک کورپوریشن ("وستینگهاوس") در ژانویه ۱۹۸۲ دعوائی علیه ایران و نیروی هوایی ایران بر مبنای چهار قرارداد با نیروی هوایی ایران ("قراردادهای ادعاها")<sup>۱۶۶</sup> نزد دیوان به ثبت رساند. در نوامبر ۱۹۸۳، وستینگهاوس دعوائی علیه ایران و نیروی هوایی ایران در دادگاه فدرال ایالات متحده در ناحیه مریلند به خواسته حکم اعلامی مبنی بر شناسائی اجرای کامل سه قرارداد با نیروی هوایی ایران، جدا از قراردادهای ادعاها، طرح کرد ("پرونده وستینگهاوس").<sup>۱۶۷</sup> خواهان این پرونده را در مقابل پرونده‌ای که ایران علیه وی نزد دادگاههای ایران و بر مبنای آن سه قرارداد عنوان کرده بود، مطرح کرد.<sup>۱۶۸</sup> در جریان دادرسی نزد دیوان نیروی هوایی ایران ادعاهای متقابلی در قبال وستینگهاوس بر مبنای، از جمله، همان سه قرارداد طرح نمود.<sup>۱۶۹</sup> متعاقب آن وستینگهاوس سه ادعای متقابل بر مبنای همان سه قرارداد در پاسخ به ادعاهای متقابل نیروی هوایی طرح کرد ("ادعاهای متقابل وستینگهاوس در قبال دعوی تقابل"). دیوان در حکم نهائی خود ادعاهای متقابل ایران، و ادعاهای متقابل وستینگهاوس در قبال دعوی تقابل، را در ماهیت رد کرد.<sup>۱۷۰</sup>

۱۶۶- بدینقرار، ادعائی که مبنای پرونده وستینگهاوس نزد دادگاه فدرال بود، توسط دیوان مورد رسیدگی ماهوی قرار گرفت - به دیگر سخن، یافته دیوان این بود که ادعا در حوزه صلاحیتش قرار دارد.

<sup>۱۶۵</sup> *McDonnell Douglas Corp. v. Iran et al.*, 82-2096 (E.D.M.)

<sup>۱۶۶</sup> بنگرید به وستینگهاوس الکترونیک کورپ. و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۳۸۹-۵۷۹ (ششم فروردینماه ۱۳۷۶ [۲۶ مارس ۱۹۹۷])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۳، ص ۶۰.

<sup>۱۶۷</sup> *Westinghouse Electric Corp. v. Iran et al.*, 83-3837 (D. Md.)

<sup>۱۶۸</sup> هر دو جریان دادرسی داخلی پیرو دستورات دیوان متوقف شد. بنگرید به وستینگهاوس الکترونیک کورپ. و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، قرار اعدادی شماره آی.تی.ال. ۶۷-۳۸۹-۲، بند ۴ (۲۳ بهمن ماه ۱۳۶۵ [۱۲ فوریه ۱۹۸۷])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۴، ص ۱۰۴، ۱۰۷.

<sup>۱۶۹</sup> در یکی از تصمیمات صلاحیتی اوایل کار، دیوان صلاحیت خود را بر ادعاهای متقابل ایران، به دلیل منبعث شدن آنها از معامله‌ای که به ادعا مربوط است، محرز دانست. بنگرید به وستینگهاوس الکترونیک کورپ، قرار اعدادی، بند ۱۱، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۴، ص ۱۱۰-۱۰۹.

<sup>۱۷۰</sup> وستینگهاوس الکترونیک کورپ. و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۳۸۹-۵۷۹-۳۶۹ (ششم فروردین ۱۳۷۶ [۲۶ مارس ۱۹۹۷])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۳، ص ۶۰، ۱۷۲.

در نتیجه، حکم جزئی ۵۹۰ فی نفسه ایران را از دریافت هزینه‌های دادرسی که در ارتباط با پرونده وستینگهاوس متحمل شد محروم نمی‌کند.

(پ) ای سیستمز، اینک. علیه ایران و دیگران

۱۶۷- ای سیستمز، اینک. ("ای-سیستمز") در ۱۴ آذر ماه ۱۳۵۸ [پنجم دسامبر ۱۹۷۹] دعوائی در دادگاه فدرال ایالات متحده در ناحیه شمال تگزاس علیه بانک ملی طرح کرد ("پرونده ای-سیستمز").<sup>۱۷۱</sup> در ۲۲ دیماه ۱۳۶۰ [۱۲ ژانویه ۱۹۸۲]، دادگاه فدرال جریان رسیدگی آتی پرونده را به حالت تعلیق درآورد، زیرا صلاحیت خود را بر پرونده محرز نمیدانست.

۱۶۸- در ۲۸ دیماه ۱۳۶۰ [۱۸ ژانویه ۱۹۸۲]، ای-سیستمز ادعایش را بر مبنای دعوی پرونده ای-سیستمز نزد دیوان طرح کرد، و دیوان در ۲۸ آذر ماه ۱۳۶۲ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۳] با صدور حکم بر اساس شرایط مرضی الطرفین پیرو مصالحه طرفین آنرا مختومه کرد.<sup>۱۷۲</sup> در نتیجه، آن ادعا در حیطه ادعای (ب) قرار نمی‌گیرد. بنابراین، حکم جزئی شماره ۵۹۰ فی نفسه ایران را از مطالبه هزینه‌های متحمله دادرسی در ارتباط با پرونده ای-سیستمز، باز نمی‌دارد.

(د) دیمز اند مور علیه سازمان انرژی اتمی ایران و دیگران ("پرونده دیمز اند مور")

تی.سی.اس.بی، اینک. علیه ایران و دیگران ("پرونده تی.سی.اس.بی.")

تکنولوژی انترپرایز، اینک. علیه ایران ("پرونده تکنولوژی انترپرایز")

۱۶۹- از آنجا که ادعای مربوط به هر سه این پرونده‌ها نزد دیوان مطرح شد، مبنای نتیجه‌گیری دیوان در ارتباط با هر سه آنها یکسان است؛ بنابراین، دیوان در این بخش آنها را با هم مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱۷۰- دیوان مقرر میدارد که ایالات متحده به حکم بند ۲ ماده هفت مکلف بود پرونده‌های دیمز اند مور،<sup>۱۷۳</sup> تی.سی.اس.بی،<sup>۱۷۴</sup> و تکنولوژی انترپرایز<sup>۱۷۵</sup> را تا زمان تعیین تکلیف دیوان در خصوص احراز فقد

<sup>۱۷۱</sup> *E-Systems, Inc. v. Iran et al.*, 3-79-1487 (N.D. Tex.)

<sup>۱۷۲</sup> ای-سیستمز، اینک. و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۹۴-۳۸۸-۱ (۲۸ آبانماه ۱۳۶۲ [۱۹ نوامبر ۱۹۸۳]).

<sup>۱۷۳</sup> در ۲۸ آذر ماه ۱۳۵۸ [۱۹ دسامبر ۱۹۷۹] دیمز اند مور دعوائی علیه سازمان انرژی اتمی ایران، ایران، و برخی شخصیت‌های حقوقی وابسته به ایران، در دادگاه فدرال ایالات متحده در ناحیه مرکزی کالیفرنیا، طرح کرد. (*Dames & Moore v. Atomic Energy Organization of Iran et al.*, 79-4918 (C.D. Cal.)) در ۲۶ آبانماه ۱۳۶۰ [۱۷ نوامبر ۱۹۸۱] دیمز اند مور ادعای خود را که مبنای ادعای پرونده دیمز اند مور [در ایالات متحده] علیه سازمان انرژی اتمی ایران بود، به دیوان تسلیم کرد (بنگرید به *دیمز اند مور و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۹۷-۵۴-۳ (۲۹ آذر ۱۳۶۲ [۲۰ دسامبر ۱۹۸۳])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۴، ص ۲۱۲). در ۲۹ آذر ماه ۱۳۶۲ [۲۰ دسامبر ۱۹۸۳] دیوان بدلیل فقد صلاحیت ادعای دیمز اند مور علیه سازمان انرژی اتمی ایران را رد کرد،

صلاحیت بر دعاوی ادعاهائی که مبنای آن پرونده‌ها بود متوقف کند. در نتیجه، حکم جزئی شماره ۵۹۰ فی نفسه ایران را از مطالبه هزینه‌های متحمله دادرسی این سه پرونده باز نمی‌دارد.

(۳) دعاوی مصالحه شده توسط ایالات متحده و ایران به عنوان بخشی از ادعای (ج)

۱۷۱- ایران در بخش ج دادخواست خود در پرونده الف-۱۵ (چهار) ("ادعای (ج)") اظهار میدارد که ایالات متحده "با قصور در خاتمه دادن و منع کلیه محاکمات قضائی بر اساس دعاوی اتباع ایالات متحده

زیرا قرارداد مبنای ادعا، حاوی قید انتخاب مرجع رسیدگی دایر بر صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران بود (بنگرید به دیمن اند مور، حکم شماره ۹۷-۵۴-۳، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۴، ص ص ۲۲۰-۲۱۹). بدینقرار تعهد ایالات متحده ذیل بند ۲ ماده هفت برای متوقف کردن پرونده دیمن اند مور، حداقل از ۲۶ آبانماه ۱۳۶۰ [۱۷ نوامبر ۱۹۸۱] ایجاد شد که دیمن اند مور ادعای خود علیه ایران را به دیوان تسلیم کرد و در ۲۹ آذر ماه ۱۳۶۲ [۲۰ دسامبر ۱۹۸۳] که دیوان ادعا را به دلیل فقد صلاحیت رد کرد، متوقف شد.

<sup>۱۷۴</sup> در ۲۴ دیماه ۱۳۵۸ [۱۴ ژانویه ۱۹۸۰] تی. سی. اس. بی.، اینک. ("تی. سی. اس. بی.") ادعای چندگانه علیه ایران و برخی از اشخاص وابسته به ایران در دادگاه فدرال ایالات متحده واقع در ناحیه مرکزی کالیفرنیا ( *T.C.S.B., Inc. v. Iran et al.*, 80-0101 (N.D. Cal.) مطرح کرد. ادعای تی. سی. اس. بی. شامل ادعای قراردادی مربوط به اجرای پروژه مرکز تحقیقاتی ("ادعای قرارداد BHRC") میشد. در ۲۸ آبانماه ۱۳۶۰ [۱۹ نوامبر ۱۹۸۱] تی. سی. اس. بی. ادعای قرارداد BHRC همراه با ادعاهائی که شالوده پرونده تی. سی. اس. بی. [در ایالات متحده] بود را نیز نزد دیوان به ثبت رساند. در ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲] دیوان ادعای BHRC را به دلیل فقد صلاحیت رد کرد، زیرا قرارداد حاوی شرط صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران بود (بنگرید به تی. سی. اس. بی. اینک. و جمهوری اسلامی ایران، قرار اعدادی آی. تی. ال. ۵-۱۴۰-هیئت عمومی دیوان [۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲]] چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ص ۲۶۱، ۲۶۷-۲۶۳). بدینقرار تعهد ایالات متحده وفق بند ۲ ماده هفت برای متوقف کردن دادرسی ادعای قرارداد BHRC در پرونده تی. سی. اس. بی.، حداقل در ۲۸ آبانماه ۱۳۶۰ [۱۹ نوامبر ۱۹۸۱] یعنی زمانی که تی. سی. اس. بی. ادعای مربوطه علیه ایران را نزد دیوان به ثبت رساند، بوجود آمد، و در ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲] که ادعا بدلیل فقد صلاحیت رد شد، پایان یافت.

<sup>۱۷۵</sup> تکنولوژی اینترپرایز اینک. ("تکنولوژی اینترپرایز") در دادگاه ناحیه‌ای ایالات متحده در ناحیه شمالی کالیفرنیا، در سوم آذر ماه ۱۳۵۹ [۲۴ نوامبر ۱۹۸۰] دعوائی علیه ایران و برخی از شخصیت‌های وابسته به ایران طرح کرد ( *Technology Enterprises, Inc. v. Iran*, 80-4275 (N.D. Cal.)). در ۱۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [نهم ژوئیه ۱۹۸۱]، دادگاه فدرال دعوا را متوقف و قرارهای توقیف موجود را مرتفع نمود. در ۲۵ دیماه ۱۳۶۰ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۲]، تکنولوژی اینترپرایز ادعائی در دیوان بر شالوده ادعای پرونده تکنولوژی اینترپرایز [در دادگاه ایالات متحده] به ثبت رساند. در ۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۲ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۴] دیوان ادعای تکنولوژی اینترپرایز را به دلیل فقد صلاحیت رد کرد، زیرا قراردادی که اساس ادعا را تشکیل میداد حاوی ماده‌ای بود دایر بر صلاحیت انحصاری دادگاه‌های صالح ایرانی (بنگرید به تکنولوژی اینترپرایز، اینک. و شرکت معاملات خارجی، حکم شماره ۱۰۹-۳۲۸-۲ (۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۲ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۴])، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۵، ص ۱۱۸). بدینقرار تعهد ایالات متحده مبنی بر متوقف کردن پرونده تکنولوژی اینترپرایز حداقل در ۲۵ دیماه ۱۳۶۰ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۲] یعنی زمانی که تکنولوژی اینترپرایز ادعای قراردادی مربوطه را به دیوان تسلیم کرد بوجود آمد و در ۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۲ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۴] یعنی زمانی که ادعا به دلیل فقد صلاحیت رد شد، پایان یافت.

راجع به پرداخت به موجب اعتبارنامه و ضمانتنامه و تضمین حسن اجراء یا اسناد مشابه دیگر " تعهدات مندرج در اصل کلی ب و بند ۲ ماده هفت را نقض کرد. به عبارتی مشخص تر در ادعای (ج) خواسته ایران ابطال قراردادهای منع اخذ شده توسط اتباع ایالات متحده از دادگاههای آن کشور بود که بانکهای ایالات متحده را از اجابت درخواستهای ایران در ارتباط با پاره‌ای اعتبارات اسنادی اتکائی، ضمانتنامه‌های حسن انجام کار، و اسناد مشابهی که در قراردادهای خواهانهای آمریکائی و ایران موضوعیت داشت، منع می‌کرد.

۱۷۲- در سوم اسفند ماه ۱۳۷۴ [۲۲ فوریه ۱۹۹۶] دیوان طی صدور حکم جزئی که بر اساس شرایط مرضی الطرفین صادر کرد از جمله به ادعای (ج) نیز خاتمه داد.<sup>۱۷۶</sup> حکم جزئی بر اساس شرایط مرضی الطرفین، از جمله، در پی موافقتنامه مورخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۷۴ [نهم فوریه ۱۹۹۶] بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا تحت عنوان "موافقتنامه مربوط به پاره‌ای دعاوی نزد دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده" ("موافقتنامه حل و فصل دیوان")، صادر شد. در موافقتنامه حل و فصل دیوان، طرفین بشرح زیر توافق کردند:

۱- برای حل و فصل نهایی و کامل کلیه اختلافات، ادعاها و ادعاهای متقابل مستقیم و غیرمستقیم ناشیه و یا محتمل الحدوث از و یا مربوط به ... دعاوی الف ۱۵ (چهارج)...

[...]

۴- بمحض صدور رأی دیوان بر اساس شرایط مرضی الطرفین، ایران اصالتاً و یا نیابتاً، در هیچ زمانی پس از آن، به طرح و یا تعقیب هیچگونه دعاوی داوری و یا قضایی و یا ادعای متقابل علیه ایالات متحده و مؤسسات وابسته و فرعی، نمایندگان، نمایندگان، سازمانهای تابعه، اسلاف، جانشینان، منتقل‌الهییم و دستگاههای تحت کنترل آن، فدرال رزرو بانک نیویورک، بانک انگلیس، بانک مرکزی الجزایر، بانکها و یا طرفهای حساب ابراء شده، بواسطه و یا در ارتباط با دعاوی دیوان، [به انضمام ادعای (ج) در پرونده الف-۱۵ (چهارج)] حساب دلاری شماره ۲ و ترتیبات فنی اقدام و مبادرت نخواهد نمود.

۵- بمحض صدور رأی بر اساس شرایط مرضی الطرفین، ایران و ایالات متحده از کلیه ادعاهای مربوط به هزینه‌های دادرسی، از جمله حق الوکاله‌های ناشی از و یا مرتبط با رسیدگی داوری، تعقیب و یا دفاع از هر گونه دعاوی متقابل مطروحه نزد هر مرجعی، از جمله دیوان، در ارتباط

<sup>۱۷۶</sup> بنگرید جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۵۶۸-الف/۱۳، الف/۱۵ (یک) و

چهارج/الف/۲۶ (یک، دو، و سه)-هیئت عمومی دیوان (سوم اسفند ماه ۱۳۷۴ [۲۲ فوریه ۱۹۹۶])، چاپ شده در

گزارش آراء دیوان، جلد ۳۲، ص ۲۰۷.



با و بواسطه دعاوی دیوان [به انضمام ادعای (ج) در پرونده الف-۱۵ (چهار)]، حساب دلاری شماره ۲ و ترتیبات فنی، چشم پوشی و اعراض خواهند کرد.<sup>۱۷۷</sup>

#### (الف) اظهارات طرفین

۱۷۳- ایالات متحده اظهار میدارد که موضوعات مرتبط با ادعای (ج) در موافقتنامه حل و فصل دیوان، به سازش انجامید. به نظر ایالات متحده، ۱۳ پرونده‌ای که ایران هزینه دادرسی آنرا در جریان رسیدگی فعلی مطالبه می‌کند تحت پوشش آن مصالحه نامه قرار دارد؛<sup>۱۷۸</sup> زیرا ایران در آن مصالحه نامه از کلیه ادعاهای خود بابت هزینه‌ها، از جمله حق الزحمه و کلا در ارتباط با کلیه این پرونده‌ها اعراض کرد، هزینه‌های حقوقی که ایران در ارتباط با آن پرونده‌ها مطالبه می‌کند باید مردود اعلام شود.

۱۷۴- ایران به این ادعا که موافقتنامه حل و فصل دیوان، مانع درخواست جبران خسارت بابت هزینه‌های دادرسی ۱۳ پرونده مورد بحث باشد، اعتراض دارد. چرا که در ارتباط با آن پرونده‌ها در پی جبران هزینه‌های وکلای خود برای اقداماتی غیر از دادرسی مربوط به اعتبارات اسنادی و ضمانتنامه‌های بانکی می‌باشد. به نظر ایران، موافقتنامه حل و فصل دیوان، در حق مطالبه هزینه‌های دادرسی مرتبط با قراردادهایی که شالوده آن اعتبارات اسنادی و ضمانتنامه‌های بانکی بوده، تأثیری ندارد.

#### (ب) تصمیم دیوان

۱۷۵- عبارت موافقتنامه مورخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۷۴ [نهم فوریه ۱۹۹۶] حل و فصل دیوان جامع و بی‌ابهام است. ایران طی آن، اضافه بر سایر موارد، موافقت کرد که به محض صدور حکم مرضی‌الطرفین دیوان (یک) "در هیچ زمانی پس از آن ... به ... هیچگونه دعاوی داوری ... علیه ایالات متحده ... به واسطه یا در ارتباط با [ادعای (ج) در پرونده الف-۱۵ (چهار)] ... مبادرت نخواهد نمود"؛ و (دو) "از کلیه ادعاهای مربوط به هزینه‌های دادرسی، از جمله حق‌الوکاله‌های ناشی از و یا مرتبط با رسیدگی داوری، تعقیب و یا

<sup>۱۷۷</sup> جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۵۶۸-الف-۱۳/الف-۱۵ (یک و چهار:ج)/الف-۲۶ (یک، دو، و سه)-هیئت عمومی دیوان، "موافقتنامه‌های حل و فصل برخی از ادعاهای مطروح نزد دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده"، بندهای ۱، ۴-۵، ۲۰ بهمن ۱۳۷۴ [نهم فوریه ۱۹۹۶]، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۲، ص ۲۱۷ و ۲۱۹.

<sup>۱۷۸</sup> این پرونده‌ها عبارتند از:

*Aeronutronic Overseas Services, Inc. et al. v. Islamic Republic of Iran et al.*, 80-2098 (N.D. Cal.); *Aeronutronic Overseas Services, Inc. et al. v. Telecommunication Co. of Iran*, C-82-6910 (N.D. Cal.); *Allen v. Iran*, 79-5263 ((N.D. Ill.); *E-Systems, Inc. v. Iran et al.*, 3-79-1487 (N.D. Tex.); *Granger Associates v. Iran*, 80-0169 (N.D. Cal.); *Harris Corp. v. Iran*, 80-0023 (M.D. Fla.); *Itek Corp. v. Iran et al.*, 79-2383-MA (D. Mass.); *Pan American World Airways Inc. v. Bank Melli Iran*, 79-1190 (S.D.N.Y.); *Sylvania Technical Systems Inc. v. Iran*, 80-2192 (N.D. Cal.); *TAI, Inc. v. Iran*, 3-79-1500-D (N.D. Tex.); *T.C.S.B., Inc. v. Iran et al.*, 80-0101 (N.D. Cal.); *John Carl Warnecke & Associates v. Bank of America N.T. & SA, Foreign Trade Bank of Iran*, 80-2035 (Sup. Ct. Cal.); *Watkins Johnson Co. v. Iran*, 79-3963 (N.D. Cal.)

دفاع از هر گونه دعوای متقابل مطروحه نزد هر مرجعی، از جمله دیوان، در ارتباط با و بواسطه [ادعای (ج) در پرونده الف-۱۵ (چهار)] ... چشم پوشی و اعراض [خواهد] کرد.

۱۷۶- دیوان مقرر میدارد که این عبارت محدود کننده، گستره کافی دارد که نه تنها فراگیر ادعاهای ایران بابت هزینه و کلا برای دادرسی اختلافات صرف اعتبارات اسنادی و ضمانتنامه‌های بانکی باشد، بلکه هزینه متحمل آنها در ارتباط با قراردادهایی که شالوده اسناد یاد شده بودند را نیز پوشش دهد. بدینقرار، ادعاهای مربوط به هر دو گونه از هزینه‌ها تحت پوشش ادعاهای ناشی از و یا مرتبط با دادرسی ادعای (ج)، بمفهومی که در موافقتنامه حل و فصل دیوان منظور بوده، قرار می‌گیرد، و ایران صراحتاً از چنین ادعاهایی اعراض کرده است. در نتیجه، ادعاهای ایران در ارتباط با ۱۳ پرونده فوق الذکر باید رد شود.

(۴) هزینه‌های متحمل در دادرسی دادگاه‌های ایالات متحده طی دوره شش ماهه بعد از امضای

#### بیانیه‌های الجزایر

۱۷۷- در حکم جزئی شماره ۵۹۰، دیوان اظهار داشت که نسبت به "هیچگونه خسارتی در رابطه با، یا ناشی از، شرکت ایران در دعوای مطروح در دادگاه‌های ایالات متحده در طول دوره شش ماهه بعد از امضای بیانیه‌های الجزایر" حکم نخواهد داد.<sup>۱۷۹</sup> به نظر ایالات متحده، شماری از ادعاهایی که ایران مطرح می‌کند جزء این گروه [دعوی] که بازیافت خسارات آن مستثنی شده است، قرار می‌گیرد.

۱۷۸- دامنه استثنای مندرج در حکم جزئی شماره ۵۹۰ برای بازیافت خسارات ایران در ارتباط با مشارکت در دادرسی دادگاه‌های ایالات متحده پیش از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] فاقد ابهام است. دیوان با توجه به شرایط خاص هر پرونده قابلیت اعمال این استثنا را تعیین خواهد کرد.

(۵) هزینه‌های متحمل در دادرسی دادگاه ایالات متحده مربوط به اعتبار بیانیه‌های الجزایر یا

#### مطابقت آن با قانون اساسی وفق حقوق ایالات متحده

۱۷۹- در حکم جزئی شماره ۵۹۰، دیوان همچنین اظهار داشت که "هیچگونه خسارتی در رابطه با، یا ناشی از، شرکت ایران در پرونده‌های مربوط به اعتبار یا مطابقت بیانیه‌های الجزایر با قانون اساسی ایالات متحده طبق قوانین آن کشور" اعطا نخواهد نمود.<sup>۱۸۰</sup>

<sup>۱۷۹</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۱۰۳ و ۲۱۴-الف(الف)(۵)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۳۸،

۱۶۶-۱۶۷.

<sup>۱۸۰</sup> همانجا.

## (الف) اظهارات طرفین

۱۸۰- به نظر ایالات متحده شماری از ادعاهائی که ایران مطرح می‌کند در گروه مستثنی شده خسارات قرار می‌گیرد. ایران در پاسخ اظهار میدارد که این واقعیت که پرونده‌ای ممکن است متضمن ملاحظات مربوط به اعتبار بیانه‌های الجزایر باشد مانع مطالبه هزینه‌های حقوقی متحمله برای سایر جنبه‌های آن پرونده نیست.

## (ب) تصمیم دیوان

۱۸۱- عبارت "اعتبار یا مطابقت بیانه‌های الجزایر با قانون اساسی ایالات متحده طبق قوانین آن کشور"<sup>۱۸۱</sup> مطابق معنی مشهود آن فراگیر چیزی جز همان دو مورد نیست؛ بدین معنی که قابلیت اعمال بیانه‌های الجزایر بر پرونده خاص را پوشش نمی‌دهد. در نتیجه، دیوان فی‌نفسه از صدور حکم به هزینه‌های دادرسی به نفع ایران در ارتباط با مشارکت آن [دولت] در دادرسی‌های دادگاه ایالات متحده درباره این مسئله که آیا بیانه‌های الجزایر بر پرونده تحت رسیدگی قابل اعمال بوده یا خیر، منع نشده است. دیوان با این واقعیت موافق است که پرونده‌ای ممکن است فراگیر تحلیل‌هایی در خصوص اعتبار یا مطابقت بیانه‌های الجزایر با قانون اساسی باشد، و این فی‌نفسه دیوان را از صدور حکم به هزینه‌های دادرسی که ایران در سایر جنبه‌های پرونده متحمل شده منع نمی‌کند. در واریسی ادعاهای ایران، ملاحظات فوق راهنمای دیوان خواهد بود.

## (ت) ادعاهای تشریح شده در بند ۱۱ بیانه عمومی

۱۸۲- در بند ۱۱ بیانه عمومی ("بند ۱۱") ایالات متحده متعهد شد که "مانع اقامه دعوا علیه ایران" [خواهد شد]

در مورد هر گونه ادعای حال یا آینده توسط ایالات متحده و یا اتباع ایالات متحده علیه ایران ناشی از حوادث قبل از تاریخ این بیانه، در رابطه با: الف) عمل دستگیری ۵۲ نفر اتباع ایالات متحده در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹)، ب) توقیف دستگیر شدگان، ج) خسارات وارده به اموال ایالات متحده و یا اموال اتباع ایالات متحده در داخل محوطه سفارت امریکا در تهران بعد از ۱۲ آبان ۱۳۵۸ (۳ نوامبر ۱۹۷۹)، د) صدمات وارده به اتباع ایالات متحده و یا اموال آنها در نتیجه جنبشهای مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران که ناشی از عمل دولت ایران نبوده است، جلوگیری خواهد نمود.<sup>۱۸۲</sup>

<sup>۱۸۱</sup> همانجا.<sup>۱۸۲</sup> بیانه عمومی، بند ۱۱، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۱۳۸، در ۶-۷.

۱۸۳- بند ۱ ماده دو صراحتاً دعاوی مندرج در بند ۱۱ ("موارد مندرج در بند ۱۱") را از صلاحیت دیوان مستثنی می‌کند.<sup>۱۸۳</sup>

(۱) "احتمالاً در صلاحیت دیوان قرار ندارد"

۱۸۴- در رسیدگی حاضر، ایران هزینه مربوط به دادرسی‌هایی را مطالبه می‌کند که مربوط می‌شود به (یک) ۱۰ دعاوی مطالبه خسارت مطروح در دادگاههای ایالات متحده توسط اتباع آن کشور که در ۱۳ آبانماه ۱۳۵۸ [چهارم نوامبر ۱۹۷۹] دستگیر و متعاقب آن در ایران نگهداشته شدند،<sup>۱۸۴</sup> و (دو) دو ادعا در دادگاههای ایالات متحده بابت مجروح شدن دو تن از اتباع ایالات متحده در جریان انقلاب اسلامی ایران.<sup>۱۸۵</sup> چنین ادعاهائی به ترتیب مشخصاً ناشی از (یک) "عمل دستگیری ۵۲ نفر اتباع ایالات متحده در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹) و "توقیف دستگیر شدگان" و (دو) "صدمات وارده به اتباع ایالات متحده و یا اموال آنها در نتیجه جنبش‌های مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران که ناشی از عمل دولت ایران نبوده است" در محدوده معنی بند ۱۱ است. بنابراین، این [ادعاها] به درستی در زمره مستثنیات صلاحیتی مندرج در بند ۱ ماده دو قرار می‌گیرند.

۱۸۵- در نتیجه، دیوان مقرر میدارد که ایالات متحده مطابق اصل کلی ب هیچ تکلیفی به مختومه کردن (تعليق)<sup>۱۸۶</sup> دادرسی دادگاه ایالات متحده در خصوص آن ۱۲ ادعا را نداشت. در خصوص ۱۱ فقره از آن ادعاها نیز ایالات متحده وفق بند ۲ ماده هفت تکلیفی برای متوقف کردن جریان رسیدگی نداشت زیرا این دعاوی نزد دیوان ثبت نشده بود.<sup>۱۸۷</sup>

(۲) ادعای مبتنی بر بند ۱۱

۱۸۶- ایران در جلسه استماع استدلال کرد، در مواردی که ایالات متحده از مختومه کردن دعاوی در محدوده بند ۱۱ خودداری کرده باشد، "ایران مستحق دریافت خسارات ناشی از نقض مزبور است". بدین‌قرار به نظر میرسد اینجا مطالبه خسارت ایران مبتنی بر نقض ادعائی بند ۱۱ توسط ایالات متحده است.

<sup>۱۸۳</sup> بیانیه حل و فصل دعاوی، ماده دو(۱)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۹.

<sup>۱۸۴</sup>

*Gallegos v. Iran*, 81-5482 (C.D. Cal.); *Golacinski v. Iran*, 81-5109 (C.D. Cal.); *Jones v. Iran*, 81-5274 (C.D. Cal.); *Lauterbach v. Iran*, 81-0350 (D.D.C.); *Ledgerwood v. Iran*, 81-0554 (D.D.C.); *McKeel v. Iran et al.*, 81-0931 (C.D. Cal.); *Persinger v. Iran*, 81-0230 (D.D.C.); *Roeder v. Iran*, 81-5410 (C.D. Cal.); *Scott v. Iran*, 81-5108 (C.D. Cal.); *Williams v. Iran*, 79-3295 (D.D.C.)

<sup>۱۸۵</sup> *Margot Berkovitz v. Iran*, 80-0097 (N.D. Cal.); *Wendel T. Reed v. Iran et al.*, 79-006 (D. Tex.)

<sup>۱۸۶</sup> بنگرید به بند ۴۴، بالا.

<sup>۱۸۷</sup> در ۲۰ دیماه ۱۳۶۰ [۱۰ ژانویه ۱۹۸۲] ریموند لجرود دادخواستی به دیوان تقدیم کرد ولی دفتر دیوان در ۲۰ بهمن

ماه ۱۳۶۰ [نهم فوریه ۱۹۸۲] از قبول آن سر باز زد، زیرا با بند ۱ ماده دو مطابقت نداشت. چنین موردی تحت پوشش تعهد مختومه کردن اصلی کلی ب قرار نمی‌گرفت.

۱۸۷- ایران در دادخواست خود در پرونده الف-۱۵ که در سوم آبانماه ۱۳۶۱ [۲۵ اکتبر ۱۹۸۲] به ثبت رسید، ادعائی بر مبنای نقض بند ۱۱ توسط ایالات متحده مطرح نکرده است. فی الواقع، در طی جریان داوری حاضر، ایران همواره ادعای خود بابت هزینه‌های دادرسی متحمله دعاوی تشریح شده در بند ۱۱ را به عنوان دعاوی گروه د یا گروه الف که بر پایه نقض تعهدات مندرج در اصل کلی ب توسط ایالات متحده است، استوار کرد. استناد هر از گاهی و ساده ایران به بند ۱۱ در لوایح کتبی خود این واقعیت اساسی را تغییر نمی‌دهد. در نتیجه، ایالات متحده این دعاوی را در پرتو اصل کلی ب تحلیل کرده (و پاسخ داده است).

۱۸۸- مضافاً، و مهم این که، چون هیچ دعوائی بر مبنای نقض بند ۱۱ نزد دیوان [مطرح] نبود، حکم جزئی شماره ۵۹۰، که چارچوب مطالبی که طرفین باید در مرحله دوم رسیدگی به آن پردازند را تعیین کرد، در خصوص موضوعاتی که شالوده چنین دعوائی باشد تصمیمی نگرفته است.

۱۸۹- در پرتو مطالب پیشگفته، دیوان نمی‌پذیرد که در جریان رسیدگی حاضر به ادعای خسارات مبتنی بر بند ۱۱ رسیدگی کند.

#### (ث) هزینه‌های ویژه دادرسی

۱۹۰- در مواردی که دیوان به این نتیجه برسد که ایالات متحده مطابق اصل کلی ب و بند ۲ ماده هفت از تعهداتش سر باز زده است، ایالات متحده ملزم خواهد بود هر گونه خسارتی که ایران در نتیجه این نقض تعهد متحمل شده است را جبران کند.

۱۹۱- در حکم جزئی شماره ۵۹۰، دیوان نحوه اثبات خسارات ایران را مشخص کرده است.<sup>۱۸۸</sup> دیوان آن الزامات را با مد نظر قرار دادن اصول کلی حقوق حاکم بر آثار حقوقی اقدام زیانبار یک دولت، یعنی اصولی که دیوان بحکم ماده پنج بیانیه حل و فصل مجاز به کار بست آنست، اعمال خواهد کرد.<sup>۱۸۹</sup> حقوق بین‌الملل، دولتی را که از نظر بین‌المللی مسئول است ملزم میداند "زیانهای ناشی از اقدام زیانبار بین‌المللی

<sup>۱۸۸</sup> در ارتباط با ادعای (الف)، بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۱۰۲ و ۲۱۴ الف (الف)(۴)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۳۸، ۱۶۶ (بند ۱۴ بالا)؛ در ارتباط با ادعای (د)، بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۱۳۳ و ۲۱۴ الف (د)(۲)، گزارش آراء دیوان، جلد ۳۴، ص ۱۴۷-۱۴۶، ۱۶۷ (بند ۱۷ بالا). همچنین بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۱۷۷ و ۲۱۴ الف (ز)(۲) (ادعای (ز)) و بند ۱۸۸ و ۲۱۴ الف (ح)(۲) (ادعای (ح))، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۵۶، ۱۵۹-۱۵۸، ۱۶۸ (بندهای ۱۹ و ۲۱ بالا).

<sup>۱۸۹</sup> ماده پنج بیانیه حل و فصل ادعاها دیوان را ملزم می‌کند که "در تمام موارد بر اساس رعایت قوانین اتخاذ تصمیم کند،" و از جمله "اصول... حقوق بین‌الملل [را] که دیوان قابل اعمال تشخیص می‌دهد رعایت نماید." بیانیه حل و فصل ادعاها ماده ۵، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۱۱.

را بطور کامل جبران کند"؛<sup>۱۹۰</sup> چنین اقدام زیانباری مطابق درک عمومی، "شامل خسارات ناشی از آن اقدام"<sup>۱۹۱</sup> است، که اگر "بیش از حد بعید" یا "غیرمستقیم" نباشد قابل جبران خواهد بود.<sup>۱۹۲</sup>

۱۹۲- برای اثبات هزینه‌های ویژه دادرسی، ایران دسته‌هایی از مدارک را به ثبت رساند، از جمله:

(الف) صورتحساب و سایر مدارک صادره توسط مؤسسات حقوقی که ایران به خدمت گرفته بود تا به نیابت در دادرسی دعاوی ذیربط در دادگاههای ایالات متحده حضور یابند؛

(ب) مدارک مؤید پرداخت، مانند چک‌ها، نامه‌های ارسال چک، مکاتبات تأیید وصول پرداخت، دستور پرداختها به بانک، و اظهاریه‌های بانکی؛

(پ) اظهاریه‌های جداگانه‌ای که ایران در ارتباط با هر یک از پرونده‌های مطروح در دادگاههای ایالات متحده به منظور ارائه به داوری حاضر تهیه کرده است (شناسه‌های پرونده)؛<sup>۱۹۳</sup>

(ت) بخش‌هایی از مصالحه نامه سال ۱۹۹۲ بین ایران و شک اند کیمبال<sup>۱۹۴</sup> جهت اثبات هزینه‌های دادرسی بمیزان ۱۲۸،۰۷۱ دلار بابت خدمات ادعائی ارائه شده توسط شک اند کیمبال در هفت پرونده مشخص در دادگاههای ایالات متحده بین ماه ژوئن ۱۹۸۲ الی ماه مارس ۱۹۸۳.

۱۹۳- دیوان پس از بررسی مجموع ادله، در ارتباط با قابلیت جبران هزینه‌های دادرسی درخواستی ایران بشرح زیر مقرر میدارد.

---

<sup>۱۹۰</sup> تعهد کلی دولتی که مسئولیت بین‌المللی دارد برای ترمیم کامل زیانها، در ماده ۳۱ از مواد مسئولیت دولت در قبال اقدامات زیانبار بین‌المللی، کمیسیون حقوق بین‌الملل آمده است، که مقرر میدارد:  
جبران خسارت

- ۱- دولت مسئول متعهد است که زیانهای ناشی از اقدام خلاف بین‌المللی را، بطور کامل جبران کند.
- ۲- زیان شامل هر گونه خسارت، خواه مادی یا معنوی، است که در نتیجه اقدام خلاف بین‌المللی دولت بوجود آید.

Int'l Law Comm'n, *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*, with Commentaries. Rep. of the Int'l Law Comm'n, 53rd sess, 23 Apr.-1 June, 2 July-10 Aug. 2001, art. 31, U.N. Doc. A/56/10; GAOR, 56th Sess., Supp. No 10 (2001).

تعهدی که ماده ۳۱ بر دولت مسئول بار می‌کند "جبران کامل خسارت"، به مفهوم کارخانه خورژوف است [به عبارت دیگر، دولت مسئول باید تلاش کند، تا اکیله آثار عمل نامشروع را محو و وضعیتی را ایجاد کند، که به احتمال قوی در

صورت عدم ارتکاب عمل میتوانست وجود داشته باشد..."<sup>۱۹۱</sup> *Id.* art. 31, cmt. 3, quoting *Factory at Chorzów* (Ger. v. Pol.), Judgment (Merits), 1928 P.C.I.J. (ser. A) No. 17, at 47 (13 Sept.)

Rep. of the Int'l Law Comm'n, 53rd sess, 23 Apr.-1 June, 2 July-10 Aug. 2001, art. 31, cmt. 5,<sup>۱۹۱</sup>

U.N. Doc. A/56/10; GAOR, 56th Sess., Supp. No 10 (2001)

*Id.* art. 31, cmt. 10<sup>۱۹۲</sup>

<sup>۱۹۳</sup> بنگرید به زیرنویس ۱۰۲، بالا.

<sup>۱۹۴</sup> بنگرید به بندهای ۱۵۶-۱۴۹، بالا.

## (۱) ادعای (الف)

۱۹۴- دیوان نتیجه گرفته است که ایران پس از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] در دفاع محتاطانه از منافع خود در ۸۴ پرونده که احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت و یا در دیوان به ثبت رسیده بود الزام معقول به شرکت کردن و ثبت مدارک در دادگاههای ایالات متحده داشت.<sup>۱۹۵</sup>

۱۹۵- دیوان مقرر میدارد که ایران الزامات مربوط به اثبات خساراتش را بگونه‌ای که در بند ۱۰۲ حکم جزئی شماره ۵۹۰ مقرر شده در ۴۴ فقره از این پرونده‌ها<sup>۱۹۶</sup> برآورده کرده و همچنین اثبات نموده است در ارتباط با این پرونده‌ها متحمل هزینه دادرسی مشخص بمیزان ۷۰،۱۴۴/۳۹ دلار آمریکا شده است. بنابراین، دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

## (۲) ادعای (د)

۱۹۶- دیوان مقرر میدارد که ایران اثبات کرده است که پس از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در نتیجه حضور و ثبت مدارک در دادگاههای ایالات متحده در دفاع محتاطانه از منافع خود در پرونده‌های ثبت شده پس از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] که احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت یا در دیوان به ثبت رسیده بود، متحمل ۵۶،۰۷۰/۳۲ دلار آمریکا هزینه‌های دادرسی مشخص شده است.<sup>۱۹۷</sup> بنابراین دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

۱۹۷- به منظور روشننگری دیوان به بحث در خصوص یکی از دادرسی‌های دادگاه ایالات متحده یعنی جیمز سقیع و دیگران علیه جمهوری اسلامی ایران و دیگران (D.D.C.) 83-2165 می‌پردازد.

۱۹۸- جیمز سقیع و دو تن از پسرانش مایکل و آلن سقیع، در ششم مرداد ۱۳۶۲ [۲۸ ژوئیه ۱۹۸۳] شکوائیه‌ای علیه ایران و برخی شخصیت‌های حقوقی ایرانی نزد دادگاه فدرال ایالات متحده، ناحیه کلمبیا ("دادگاه فدرال") به ثبت رساندند و ادعا کردند که ایران منافع مالکانه آنها در دو شرکت ایرانی را مصادره

<sup>۱۹۵</sup> بنگرید به بند ۸۵ بالا و پیوست الف.

<sup>۱۹۶</sup> بنگرید به ضمیمه ج.

<sup>۱۹۷</sup> این پرونده‌ها عبارتند از:

*Aeronutronic Overseas Services, Inc. et al. v. Telecommunication Co. of Iran*, C-82-6910 (N.D. Cal.); *American Hospital Supply Co. v. Iran et al.*, 81-1489 (N.D. Ill.); *Gillette Co. et al. v. Iran*, 81-3196 (D.D.C.); *Kianoosh Jafari et al. v. Islamic Republic of Iran*, 81-4043 ((N.D. Ill.); *Otis Elevator Co. v. Islamic Republic of Iran et al.*, 82-3523 (D.D.C.); *Phillips Petroleum Co. v. Iran*, 82-2226 (D.D.C.); *Raygo Wagner, Inc. v. Iran Express Terminal Corp. et al.*, 81-7241 (Hillsborough Count Cir. Ct. Fla.); *James Saghii et al. v. Islamic Republic of Iran et al.*, 83-2165 ((D.D.C.); *Westinghouse Electric Corp. v. Iran et al.*, 83-3837 (D. Md.).

کرده است ("پرونده سقیع"). جیمز و مایکل سقیع تبعه ایالات متحده بودند و آلن سقیع دو تابعیتی ایرانی-آمریکائی بود. آنها در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۶۱ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۲] ادعای خود را به دیوان تسلیم کرده بودند.<sup>۱۹۸</sup>

۱۹۹- ایران در ۲۸ آذر ۱۳۶۲ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۳] در پرونده سقیع نزد دادگاه فدرال درخواست رد دعوا را به ثبت رساند و از جمله استدلال کرد که دادگاه فدرال نمی‌تواند دعوا را استماع کند چرا که پرونده‌ای با ادعای مشابه همان خواهانها در دیوان مفتوح است. متعاقباً در ۲۷ بهمن ۱۳۶۲ [۱۶ فوریه ۱۹۸۴] ایالات متحده تذکاریهٔ دینفع در دادگاه فدرال به ثبت رساند و تقاضا کرد که رسیدگی پرونده سقیع تا تعیین تکلیف پرونده مشابه آنها در دیوان متوقف گردد. ایران در ۲۲ اسفند ۱۳۶۲ [۱۲ مارس ۱۹۸۴] درخواست دوم خود برای رد دعوا را در دادگاه فدرال ثبت کرد، و اظهار داشت که مطابق قانون مصونیت دولتهای خارجی ایالات متحده، دادگاه فاقد صلاحیت است. تبادل لویح بین طرفین صورت گرفت که طی آن خواهانها با درخواست ایران برای رد دعوا مخالفت کردند، و ایران به مخالفت خواهانها پاسخ داد. دادگاه فدرال در ۲۲ مرداد ۱۳۶۳ [۱۳ اوت ۱۹۸۴] درخواست رد دعوی ایران را رد کرد و دادرسی را تا تعیین تکلیف صلاحیتی دیوان داوری در دعوی قرینه نزد دیوان متوقف کرد.

۲۰۰- ایالات متحده استدلال می‌کند که اقدامات ایران در دادگاه در پاسخ به دعوی سقیعها که بمنظور قطع مرور زمان طرح شده بود، "دفاع محتاطانه از منافعش" محسوب نمیشود. ایالات متحده، از جمله، ادعا می‌کند که ایران با تجربه‌ای که از دعاوی طرح شده به منظور قطع مرور زمان داشت، باید میدانست که مکلف به اقدامی برای دفاع از منافعش در پرونده سقیعها نمی‌باشد. طبق اظهار ایالات متحده، ایران باید میدانست که ۱۱ مورد از ۱۳ پرونده قطع مرور زمان که قبل از پرونده سقیع ثبت شد بلافاصله پس از ثبت بدون مشارکت یا با مشارکت جزئی ایران مختومه یا متوقف شد (در چهار پرونده، ایران هیچگونه اقدامی به عمل نیاورد). ایالات متحده استدلال می‌کند که، معهدا، در پرونده سقیع وکیل ایران، واکنش تهاجمی از خود نشان داد، و بجای یک درخواست، دو درخواست رد دعوا به ثبت رساند.

۲۰۱- به نظر دیوان، اینکه اقدام ایران در پرونده سقیع قاطعیت بیشتری نسبت به سایر پرونده‌های قطع مرور زمان داشت فی‌نفسه نشانگر اقدام غیر محتاطانه در دفاع از منافعش نمی‌تواند باشد. ایران وکلای مختلفی را در پرونده‌های گوناگون به کار گمارد، و عجیب نیست که آنها دقیقاً همگون عمل نکرده باشند. بیشتر اوضاع و احوال حاشیه‌ای اقدامات ایران واجد اهمیت است. با نگاه در پرتو این واقعیت که ساز و کار تعلیق که دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ تدارک دیده بود، حکایت از آن نداشت که آنچه بیانیه‌های الجزایر لازم

<sup>۱۹۸</sup> دیوان در دوم بهمن ماه ۱۳۷۱ [۲۲ ژانویه ۱۹۹۳] در ماهیت دعوا تصمیم‌گیری کرد. بنگرید جیمز م. سقی و دیگران و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۲۹۸-۵۴۴ (دوم بهمن ماه ۱۳۷۱ [۲۲ ژانویه ۱۹۹۳]) چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۹، ص ۲۰.



شمرده بود را عملی کند - "خاتمه" دادرسی - اقدامات ایران به منظور رد پرونده سقیع غیرمحتاطانه تلقی نمی‌شود.<sup>۱۹۹</sup>

(۳) ادعای (ز)

۲۰۲- دیوان مقرر داشته است که شش قرار توقیف اخذ شده بعد از ۲۳ آبانماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] همچنان پس از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] پابرجا بود و در واقع برای اموال ایران محدودیت ایجاد کرد.<sup>۲۰۰</sup> مطابق حکم جزئی شماره ۵۹۰، ایالات متحده مسئول جبران خساراتی است که ایران در اثر آن قرارهای توقیف متحمل شد.<sup>۲۰۱</sup> هزینه‌هایی که ایران برای مرتفع کردن آن قرارها متحمل شده است، بخشی از هزینه‌های دادرسی مشخص می‌باشد که دیوان در ادعای (الف) به نفع ایران حکم داد.<sup>۲۰۲</sup>

(۴) ادعای (ح)

۲۰۳- در پی حکم جزئی شماره ۵۹۰، ایالات متحده مسئول جبران خساراتی است که ایران در نتیجه برقرار ماندن احکام دادگاههای ایالات متحده علیه ایران پس از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] متحمل شد.<sup>۲۰۳</sup>

۲۰۴- دیوان نتیجه گرفته است که ایران در ارتباط با دو حکم از این احکام متحمل هزینه‌های حقوقی معقول شد.<sup>۲۰۴</sup> یافته دیوان این است که جمع این هزینه‌ها ۷،۱۵۲/۳۴ دلار آمریکا می‌باشد و این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

(۵) هزینه‌های ویژه دادرسی مربوط به شک اند کیمبال

۲۰۵- ایران برای خدمات ادعائی شک اند کیمبال در هفت پرونده مشخص در دادگاه ایالات متحده بین ژوئن ۱۹۸۲ و مارس ۱۹۸۳ مبلغ ۱۲۸،۰۷۱ دلار آمریکا مطالبه می‌کند. در تأیید موضع خود، ایران به

<sup>۱۹۹</sup> دیوان نتیجه گرفته است که ایران مجموعاً ۷،۳۱۲/۳۷ دلار آمریکا هزینه‌های دادرسی خاص قابل جبران در ارتباط

با پرونده سقیع متحمل شده است. این رقم در مبلغ حکم لحاظ شده است، بند ۱۹۶ بالا.

<sup>۲۰۰</sup> بنگرید به بند ۱۱۳، بالا و زیرنویس ۱۰۸.

<sup>۲۰۱</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۲۱۴ الف (ز)(۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸.

<sup>۲۰۲</sup> بنگرید به بند ۱۹۵، بالا. همچنین بنگرید به بندهای ۱۰۸ و ۱۱۱، بالا.

<sup>۲۰۳</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۲۱۴ الف (ح)(۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸.

<sup>۲۰۴</sup> *Dames & Moore v. Atomic Energy Organization of Iran et al.*, 79-4918 (C.D. Cal.); *Marriott*

*Corp. et al. v. Rogers & Wells v. Pahlavi Foundation of Iran & Alavi Foundation of Iran*, 79-21884 (Sup. Ct. N.Y.).

بنگرید به بندهای ۱۴۰-۱۲۵، بالا.

سرفصل‌هایی که در مصالحه نامه ۱۹۹۲ بین ایران و شک اند کیمبال<sup>۲۰۵</sup> ("مصالحه نامه") به چشم می‌خورد و به یک رشته از مدارک که در ارتباط با این هفت پرونده، در شناسه‌های پرونده، گنجانده شده است، استناد می‌کند.

۲۰۶- همانگونه که پیشتر اشاره شد، نبود مدارک اصلی، همانند سوابق حسابداری و تهیه صورتحسابها، از جمله خود صورتحسابها، که مصالحه نامه (و سایر مدارک شک اند کیمبال) - را پشتیبانی کند، مشکل‌زا می‌باشد.<sup>۲۰۶</sup> این مطلب بویژه در مورد تأیید هزینه‌های ویژه دادرسی مصداق دارد، که در مورد آن حکم جزئی ۵۹۰ ضابطه ادله سختگیرانه‌ای پیش بینی کرده است، و ایران را مکلف میداند نشان دهد "که در مورد هر پرونده خاصی چه هزینه‌هایی مصرف شده و دلایل توجیهی خاص در مورد مبالغ مشخصی که صرف کرده، چه بوده است."<sup>۲۰۷</sup>

۲۰۷- دیوان متقاعد است که شک اند کیمبال در رسیدگی‌هایی که ایالات متحده مطابق بیانیه‌های الجزایر باید آنرا مختومه یا متوقف میکرد<sup>۲۰۸</sup> به نمایندگی از ایران حضور یافته یا مدرک ثبت کرده است. اما در پرتو ضابطه سختگیرانه ادله فوق‌الاشعار در حکم شماره ۵۹۰، قصور ایران در تأمین ادله اساسی مهم که خود و شاهدش آقای شک<sup>۲۰۹</sup> در اختیار داشته‌اند، امکان گمانه زنی دیوان، برای [تعیین] هر گونه هزینه حضور در دادگاه و ثبت [مدارک] که ایران متحمل شده است را از میان برمیدارد. این ادله، چنانچه توسط ایران یا آقای شک عرضه می‌شد، در تعیین سرشت خدمات ارائه شده توسط شک اند کیمبال، پرونده‌هایی در دادگاه ایالات متحده که به آن مرتبط بودند، و مبالغ مربوط به صورتحساب مؤسسه حقوقی ارسال شده به ایران، به دیوان یاری می‌رساند.

۲۰۸- در پرتو مطالب پیشگفته، ادعای ایران بابت هزینه‌های ویژه دادرسی مربوط به شک اند کیمبال به لحاظ فقد دلیل مردود اعلام میشود.

#### (ج) هزینه‌های کلی دادرسی

۲۰۹- ایران برای هزینه‌های کلی دادرسی‌ها مبلغ ۱،۱۱۰،۸۵۷/۳۳ دلار آمریکا مطالبه می‌کند. این مبلغ شامل (یک) هزینه‌های حضور یافتن ایران در دادگاههای ایالات متحده است که قابل انتساب به پرونده‌های مشخص نیست ("مخارج دادرسی‌های غیر قابل انتساب")؛ (دو) هزینه‌هایی که ایران برای نظارت بر

<sup>۲۰۵</sup> بنگرید به بندهای ۱۵۶-۱۴۹، بالا.

<sup>۲۰۶</sup> بنگرید به بندهای ۱۵۶-۱۵۳، بالا.

<sup>۲۰۷</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰ بندهای ۱۰۲ و ۲۱۴ الف (الف)(۴)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ص ۱۳۸، ۱۶۶. همچنین بنگرید به بندهای ۱۳۳، ۱۷۷ و ۱۸۸، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ص ۱۴۷، ۱۵۶ و ۱۵۹.

<sup>۲۰۸</sup> به عنوان مثال در *Behring International Inc. v. Iran et al.*, 79-675 (D.N.J.)

<sup>۲۰۹</sup> بنگرید به بندهای ۱۵۶-۱۵۳، بالا.

پرونده‌های مفتوح در دادگاههای ایالت متحده متحمل شد ("هزینه‌های نظارت")؛ و (سه) هزینه‌های دیگر همانند حقوق وکلای داخل مؤسسه و هزینه‌های اداری دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ایران که درگیر سرپرستی و هدایت کار وکلای ایران در ایالات متحده بوده است ("هزینه‌های دفتر خدمات").

۲۱۰- در ادعاهای مربوط به مخارج دادرسی غیرقابل انتساب و هزینه‌های نظارت، ایران بدون تعیین مبلغ خواسته تحت هر یک از این عناوین، جمعاً ۸۵۷/۳۳، ۸۶۰ دلار آمریکا بابت جبران خسارت مطالبه می‌کند. در ارتباط با ادعای هزینه‌های دفتر خدمات خواسته ۲۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا است.

۲۱۱- دیوان ذیلاً به بررسی این سه ادعا می‌پردازد.

### (۱) مخارج دادرسی‌های غیرقابل انتساب

۲۱۲- بگونه‌ای که اشاره شد، حکم جزئی شماره ۵۹۰ در چارچوب ادعای (الف)، الزاماتی را که ایران، برای اثبات خسارات متحمل در ارتباط با دادرسی ذیربط در دادگاههای ایالات متحده، باید برآورده کند، مقرر کرده است. از جمله، حکم جزئی شماره ۵۹۰ ایران را ملزم می‌داند در ارتباط با هر پرونده مشخص اثبات کند چه هزینه‌هایی را متحمل شده است ("مشخص بودن پرونده").<sup>۲۱۰</sup> دیوان مقرر میدارد که [قاعده] مشخص بودن پرونده برای اثبات هزینه‌های دادرسی در چارچوب ادعای د نیز که ایران ادعا می‌کند در نتیجه ثبت دعاوی پس از ۲۸ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] متحمل شده، قابل اعمال است.<sup>۲۱۱</sup>

۲۱۳- پس، ضرورتاً، ادعای ایران برای مخارج دادرسی‌های غیرقابل انتساب، که مطابق قبول ایران بابت هزینه‌های وکیل مطالبه می‌شود اما "قابل انتساب به پرونده مشخصی نیست" الزاماتی را که ایران مطابق حکم جزئی ۵۹۰ برای اثبات خسارات خود بر عهده دارد، برآورده نمی‌کند. حکم جزئی شماره ۵۹۰ مقرر میدارد که فقط آن بخش از هزینه‌های دادرسی قابل جبران است که الزامات یاد شده را برآورده کند؛ مضافاً، حکم جزئی شماره ۵۹۰ قابلیت جبران هزینه‌های نظارت را منتفی نمی‌داند.<sup>۲۱۲</sup> آنچه را که [حکم

<sup>۲۱۰</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۱۰۲ و ۲۱۴ الف (الف)(۴)، گزارش آراء دیوان داور، جلد ۳۴، ص ۱۳۸، ۱۶۶ ("دیوان از ایران انتظار دارد که در مرحله دوم رسیدگی‌های حاضر نشان دهد که در ارتباط با هر پرونده خاصی متحمل چه هزینه‌هایی شده و توجیه خاص برای مبالغ مشخصی که پرداخته چه بوده است").

<sup>۲۱۱</sup> نیز بنگرید به همانجا، بند ۲۱۴ الف (د)(۲)، گزارش آراء دیوان داور، جلد ۳۴، ص ۱۶۷ ("از ایران انتظار می‌رود که ادله موضوعی مربوط به زیان‌هایی را ارائه نماید که در نتیجه حضور یا ثبت مدارک در دادگاه‌های ایالات متحده بعد از تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به منظور دفاع معقول از منافع خود در خصوص دعاوی تعلیق‌شده مرور زمان تسلیمی...") (تأکید افزوده شده است).

<sup>۲۱۲</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۱۰۲ و ۲۱۴ الف (الف)(۴)، گزارش آراء دیوان داور، جلد ۳۴، ص ۱۳۸، ۱۶۶ (ادعای (الف)) ("دیوان همچنین از ایران انتظار دارد که ادله موضوعی مربوط به زیان‌هایی را که در نتیجه نظارت بر ادعاهای تعلیق‌یافته متحمل گردیده ارائه نماید و از هر دو طرف دعوت می‌نماید که این مسأله را مورد بررسی قرار دهند که آیا بابت آن زیان‌ها باید به ایران غرامت پرداخت گردد یا خیر.")؛ بندهای ۱۳۳ و ۲۱۴ الف (د)(۲)

جزئی] مقرر نکرده، قابلیت جبران هزینه‌های دادرسی موارد خارج از آن دو گروه است، مانند هزینه دادرسی غیر قابل انتساب.

## (۲) هزینه‌های نظارت

۲۱۴- در ارتباط با "نظارت"، کار دیوان مطابق وظیفه‌ای که حکم جزئی شماره ۵۹۰ بر عهده‌اش گذاشته است بررسی "ادله موضوعی مربوط به زیانهائی را که [ایران] در نتیجه نظارت بر ادعاهای تعلیق یافته متحمل گردیده" و استماع استدلال‌های مربوط به "این مسئله ... که آیا بابت آن زیان‌ها باید به ایران غرامت پرداخت گردد یا خیر".<sup>۲۱۳</sup> این قاعده‌گذاری، باعث نمیشود که موضوع [مورد رسیدگی] در این چارچوب قرار گیرد که آیا نظارت بر دادرسی ذیربط توسط ایران نتیجه نقض بیانه‌های الجزایر توسط ایالات متحده بود یا خیر، بلکه بیشتر باعث طرح این سؤال میشود که آیا اصولاً خسارت مورد نظر قابل جبران می‌باشد، و ادله تسلیم شده مؤید آنست، یا خیر.

### (الف) قابلیت اصولی جبران خسارت

#### (یک) اظهارات طرفین

۲۱۵- ایران اظهار میدارد که نظارت، بعضاً باید با مراجعه به واژه‌نامه معنی شود. بدین‌قرار نظارت فراگیر "مراقبت [کردن]، ملاحظه [کردن]، و بازبینی [کردن]" میشود. ایران همچنین ادعا می‌کند که نظارت متضمن "اقداماتی که صرفاً به منظور مراقبت برای آگاه شدن در صورت بروز هر گونه نیاز به مشارکت در دادرسی‌ها در پرونده‌هایی که در ایالات متحده بجای مخومه شدن بحالت تعلیق درآمده بود" می‌باشد.

۲۱۶- اظهارات ایران در خصوص معنی و محتوای نظارت با ادله آقای توماس شک، مدیر مؤسسه حقوقی شک اند کیمبال تکمیل شده است. شک کیمبال به عنوان وکیل عمومی ایران در ایالات متحده<sup>۲۱۴</sup> مطابق ادعا بخش چشمگیری از اقدامات نظارتی ایران را عهده‌دار بود.<sup>۲۱۵</sup> آقای شک اظهار میدارد که بمنظور حصول اطمینان از یکدست و متحد الشکل بودن مواضع ایران در دادرسی‌ها، نظارت صورت

گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۴۷، ۱۶۷ (ادعای (د)) ("دیوان همچنین از ایران انتظار دارد که ادله موضوعی مربوط به زیانهایی را که در نتیجه نظارت بر دعوی تعلیق مرور زمان متحمل گردیده ارائه نماید و از هر دو طرف دعوت می‌کند که این مسأله را مورد بررسی قرار دهند که آیا بابت آن زیان‌ها باید به ایران غرامت پرداخت گردد یا خیر.")

<sup>۲۱۳</sup> این ضابطه صراحتاً در ارتباط با نظارت مربوط به ادعای (الف) و ادعای (د) ذکر شده بود (بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۱۰۲ و ۱۳۳، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۳۸، ۱۴۷-۱۴۶) اما در ارتباط با ادعای (ز) و ادعای (ح) ذکر نشده است.

<sup>۲۱۴</sup> بنگرید به بند ۱۴۹، بالا.

<sup>۲۱۵</sup> آقای شک، شهادتنامه کتبی تسلیم کرده، و نیز در جلسه استماع شهادت شفاهی، داده است.

می‌گرفت و [این اقدام] میتواند به عنوان وظیفه مدیریتی توصیف شود. آقای شک تو صیح داد که در مؤسسه وی روزانه نشست‌هایی با حضور همه اعضای مؤسسه برای بحث در خصوص وضعیت هر پرونده انجام میشد، و مؤسسه وی به عنوان "مرکز نگهداری اسناد و کنترل ثبت" عمل میکرد و مرکز هماهنگی ارتباط بین وکلای بود که برای نمایندگی ایران به خدمت درآمده بودند.

۲۱۷- ایالات متحده اظهار میدارد که ایران نتوانسته لزوم اعمال نظارت را اثبات کند. مضافاً، فعالیتی که مطابق ادعا نظارت توصیف میشود در واقع عمدتاً عبارت از واکاوی داخلی تصمیم ایران در تعویض وکلا و نظارت بر وکلای محلی بوده است. ایالات متحده ادعا می‌کند در برخی موارد "نظارت" ادعائی مربوط به دادرسی‌هایی بوده که در محدوده پرونده‌های حاضر قرار ندارد. در جلسه استماع ایالات متحده پذیرفت که نظارت میتواند "عبارت باشد از کنترل دفتر ثبت [دادگاه]". ایالات متحده قبول کرد که نظارت میتواند شامل "جریان مراقبت بمنظور آگاهی از تحولات، نیازها و شرایط یا وضعیت پرونده‌ای مفتوح، خواه فعال، متوقف یا معلق، باشد" اما اعتقاد دارد که حتی چنین اقدامی در اوضاع و احوال مورد نظر، ضروری نبود.

۲۱۸- ایران اظهار میدارد که کلیه اقدامات نظارتی [آن دولت]، هم قابل توجیه است و هم برای حفظ منافع ضروری بوده است. ایران اظهار می‌کند، که کاهش شمار دعاوی علیه ایران ضرورتاً به معنای کاهش لزوم نظارت نبود.

۲۱۹- ایالات متحده با قابل توجیه بودن نظارت چه از نظر گروه [دعاوی] یا شدت اعمال آن، موافق نیست، و استدلال می‌کند که آئین دادرسی مدنی ایالات متحده به دلیل وجود ضرورت ابلاغ، تأمین کافی به ایران اعطا میکرد. ایران ابلاغ اقدامات شکلی یا دیگر اقدامات دادرسی‌هایی که علیه آن [دولت] وجود داشت را دریافت می‌کرد، بدین معنی بررسی پیوسته دفتر ثبت دادگاه لازم نبود. به ادعای ایالات متحده ایران مدرکی ارائه نکرده تا نشان دهد اقدام نظارتی آن [دولت] را از مطلبی آگاه کرد که در غیر آنصورت وفق آئین دادرسی مدنی ایالات متحده از آن نا آگاه می‌ماند. ایالات متحده همچنین می‌افزاید که اقدامات نظارتی لازم میتواند بجای وکلا توسط کارکنان دفتری صورت پذیرد. در عوض ایران ترتیبی را اتخاذ کرد که "نظارت سه گانه را" در پی داشت که مطابق آن وکلای دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، مؤسسه شک کیمبال را نظارت می‌کردند، او وکلای محلی را و آنها پرونده‌ها را.

#### (دو) تصمیم دیوان

۲۲۰- یافته دیوان این است که اوضاع و احوالی که برای تعیین اینکه آیا ایران "به منظور دفاع محتاطانه از منافع خود... الزام معقول به حضور در جلسات استماع یا ثبت مدارکی در دادگاههای ایالات متحده" داشته یا خیر،<sup>۲۱۶</sup> عیناً در خصوص این مسئله که آیا اقدام ایران در نظارت بر پرونده‌های معلق که در دادگاههای

<sup>۲۱۶</sup> بنگرید به بندهای ۷۹-۷۴، بالا.

ایالات متحده علیه وی مفتوح بود قابل توجه می‌باشد یا خیر نیز ذیربط است. حتی در نبود تنش بین ایالات متحده و ایران، با وجود یک معاهده بین المللی که فیصله دادن دادرسی را الزام می‌کند، از هر خواننده‌ای در جایگاه ایران در آن زمان انتظار میرفت که در محدوده‌ای استعمال به عمل آورد که آیا امر مختومه کردن به سامان رسیده است یا خیر. بنابراین دیوان مقرر میدارد که به همان دلایلی که ایران بطور معقول ملزم بود برای دفاع احتیاطی از منافعش در دادگاه حضور یابد و مدرک به ثبت برساند،<sup>۲۱۷</sup> اقدامات نظارتی معقولی که به عمل آورده نیز قابل توجه است.

۲۲۱- ایالات متحده استدلال کرده است که ایران مکلف بود خسارات خود را تقلیل دهد. دیوان موافق است. مطابق حقوق بین الملل قصور دولت زیان‌دیده در محدود کردن معقول خساراتش می‌تواند به کاهش میزان خسارت قابل جبران معادل آنچه می‌توانسته از آن احتراز شود، بینجامد.<sup>۲۱۸</sup> به نظر دیوان، نظارت ایران بر دادرسی‌هایی که بحالت تعلیق درآمده بود اقدامی منطقی، جهت محدود کردن یا ممانعت از ورود خسارات احتمالی بود که می‌توانست از دعاوی خاتمه نیافته، که مطابق بیانیه‌های الجزایر باید خاتمه میافت (تعلیق می‌شد<sup>۲۱۹</sup>)، ناشی شود.

۲۲۲- دیوان پس از بازبینی ادله، به این نتیجه میرسد که اقدامات زیر در فعالیتهای نظارتی معقول به حساب می‌آید: مرور درخواستهای ثبت شده توسط طرف‌های مقابل؛ مرور اظهاریه ذینفع ثبت شده توسط ایالات متحده؛ مرور گزارش وضعیت؛ مرور تصمیمات قضات و دفتر ثبت دادگاه؛ مکاتبه با وکیل طرف مقابل؛ تصویربرداری از اوراق دفتر ثبت دادگاه؛ و مکاتبات مربوط به نظارت.

<sup>۲۱۷</sup> بنگرید به بند ۷۷، بالا.

<sup>۲۱۸</sup> بنگرید به (Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hung./Slovk.), 1997 I.C.J. 7, 55, ¶ 80 (25 Sept.)) ("یک [ک]

دولت زیان‌دیده که اقدامات لازم را برای محدود کردن خسارات متحمل، به عمل نیاورده است، استحقاق مطالبه

خساراتی که می‌توانست قابل احتراز باشد را، ندارد. ("Int'l Law Comm'n, Draft Articles on Responsibility of

States for Internationally Wrongful Acts, with Commentaries, Rep. of the Int'l Law Comm'n, 53<sup>rd</sup> sess., 23 Apr.-1 June, 2 July-10 Aug. 2001, art. 31, cmt. 11, U.N. Doc. A/56/10; GAOR, 56<sup>th</sup> Sess., Supp. No 10 (2001) ("حتی از قربانی، خالی از خطای رفتار زیانبار، انتظار می‌رود که در قبال زیان و ضرر، به گونه‌ای

معقول عمل کند. اگرچه اغلب [این امر] به عنوان "تکلیف تقلیل خسارت" عنوان شده است، اما این یک تکلیف

حقوقی نیست که موجب مسئولیت باشد. بلکه بیشتر به این معناست که قصور طرف زیان‌دیده در کاستن [خسارت]

می‌تواند مانع حق درخواست جبران تا آن حدود باشد")؛ U.N. Compensation Comm'n, Governing Council

decision 15, Compensation for Business Losses Resulting from Iraq's Unlawful Invasion and Occupation of Kuwait where the Trade Embargo and Related Measures Were also a Cause, 8<sup>th</sup> sess., 14-18 Dec. 1992, U.N. Doc. S/AC.26/1992/15 (1992), ¶ 9 (IV)

میزانی که قابل احتراز بوده کاهش خواهد یافت")؛ U.N. Compensation Comm'n, Governing Council, Report

and Recommendations Made by the Panel of Commissioners Appointed to Review the Well Blowout Control Claim (the "WBC Claim"), 15 Nov. 1996, U.N. Doc. S/AC.26/1996/5/Annex (18 Dec. 1996), ¶ 54 ("مطابق اصول کلی حقوق بین المللی مرتبط با تقلیل خسارات... خواهان نه تنها مجاز بلکه مکلف به اقداماتی...

برای تقلیل زیان خسارت یا لطمات وارده بود...").

<sup>۲۱۹</sup> بنگرید به بند ۴۴، بالا.

۲۲۳- نظر به جمیع ملاحظات پیشگفته، دیوان نتیجه می‌گیرد که هزینه‌هایی که ایران در انجام این قبیل نظارت‌ها یا امور مشابه آن در محدوده‌ای معقول متحمل شد اصولاً قابل جبران است.

(ب) ادله اثبات هزینه‌های نظارت

۲۲۴- همانگونه که گفته شد، ایران مشخص نکرده چه میزان از جمع خواسته ۸۶۰،۸۵۷/۳۳ دلار آمریکا بابت هزینه نظارت و مخارج دادرسی‌های غیرقابل انتساب، [صرفاً] مربوط به هزینه نظارت است.<sup>۲۲۰</sup> همچنین مشخص نکرده کدام بخش از ادله [ای که تقدیم کرده] مؤید ادعای وی برای هزینه‌های نظارت است.

۲۲۵- در عوض، ایران ادله هزینه نظارت و مخارج دادرسی‌های غیرقابل انتساب را (با هم) سامان داده و جمع ۸۶۰،۸۵۷/۳۳ دلار آمریکا مطالبه شده توسط مؤسسات حقوقی که خدمات مربوطه را ارائه کرده‌اند را خواسته است. از مبلغ فوق ۸۰۷،۷۰۵/۸۱ دلار آمریکا مربوط به خدمات حقوقی ادعائی ارائه شده توسط مؤسسه شک اند کیمبال است، و ۵۳،۱۵۱/۵۲ دلار آمریکا مربوط به خدمات حقوقی ادعائی ارائه شده توسط هفت مؤسسه حقوقی دیگر در ایالات متحده می‌باشد.<sup>۲۲۱</sup>

۲۲۶- مضافاً، دیوان خاطر نشان می‌سازد که مخارج ادعائی متحمل ایران بابت فعالیت حقوقی برای نظارت‌های مرسوم، از آن دست که دیوان فوقاً تشریح کرد، در دل مبلغ ۶۲۰،۳۵۲/۹۱ دلار آمریکا خواسته‌ای که ایران برای هزینه‌های ویژه دادرسی مطالبه کرده،<sup>۲۲۲</sup> نهفته است.<sup>۲۲۳</sup>

(یک) شک اند کیمبال

۲۲۷- به عنوان یک موضوع آغازین، حکم جزئی شماره ۵۹۰ بر خلاف [مورد] اثبات هزینه‌های ایران برای اثبات هزینه‌های ویژه دادرسی،<sup>۲۲۴</sup> ضابطه سختگیرانه برای اثبات هزینه‌های نظارت<sup>۲۲۵</sup> ایران مقرر نکرده است.

۲۲۸- ادله همزمان تسلیمی ایران نشان می‌دهد در دوره ذریبط، شک اند کیمبال، از جمله، خدماتی ارائه کرده‌اند که مرتبط است با: (یک) دادرسی‌های دادگاههای ایالات متحده که مشمول تکلیف خاتمه دادن

<sup>۲۲۰</sup> بنگرید به بند ۲۱۰، بالا.

<sup>۲۲۱</sup> مؤسسات حقوقی مزبور عبارتند از: Kaplan, Russin & Vecchi; Crosby Heafey, Roach & May; Gadsby & Hannah;

Nisen, Elliot & Meier; Bickel & Case; Rice, O'Dell & Goldman; and Shea & Gardner.

<sup>۲۲۲</sup> بنگرید به بند ۱۴۳، بالا.

<sup>۲۲۳</sup> بنگرید به بند ۲۲۲، بالا.

<sup>۲۲۴</sup> بنگرید به بندهای ۲۰۷-۲۰۶، بالا.

<sup>۲۲۵</sup> حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۱۰۲ و ۲۱۴ الف (الف) (۴)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ص ۱۳۸،

۱۶۶ ("دیوان ... از ایران انتظار دارد که ادله موضوعی مربوط به زیان‌هایی را که در نتیجه نظارت بر ادعاهای تعلیق یافته متحمل گردیده ارائه نماید...").

توسط ایالات متحده بود، (دو) دادرسی در دادگاه ایالات متحده، در مواردی که مشمول تکلیف خاتمه دادن ایالات متحده نبود، (سه) دادرسی در پیشگاه دیوان؛ و (چهار) استرداد اموال ایران که در ایالات متحده قرار داشت.<sup>۲۲۶</sup> مضافاً، بحثی نیست که ایران در قبال خدمات ارائه شده توسط شک اند کیمبال پرداخت‌هایی بعمل آورده است.

۲۲۹- اما، ایران هیچگونه مدرک همزمان یا ادله کافی دیگری ارائه نکرده تا به دیوان اجازه دهد میزان دقیق فعالیت‌های نظارتی شک اند کیمبال را تعیین کند، یا اینکه حداقل، [نشان دهد] ایران چقدر به شک اند کیمبال مشخصاً بابت فعالیت نظارتی به غیر از سایر فعالیت‌های مؤسسه حقوقی، پرداخته است. فی الواقع، ایران حتی اشاره‌ای هم به اینکه چقدر بابت فعالیت نظارتی شک اند کیمبال مطالبه می‌کند، نکرده است.<sup>۲۲۷</sup>

۲۳۰- اصل جا افتاده حقوق بین الملل حکم می‌کند که دشواری محاسبه خسارت نباید خواهانی را که به منافعش لطمه وارد شده از دریافت خسارت محروم کند. این اصل را تصمیمات اخیر دیوانهای بین‌المللی نیز تأیید کرده است.<sup>۲۲۸</sup> بدینقرار، مثلاً در ویوندی علیه آرژانتین، *Vivendi v. Argentina*، دیوان اظهار داشت: "این [قاعده‌ای] جا افتاده است که عدم امکان تعیین قطعی خسارت در مواردی که زیان وارد شده، دلیل عدم امکان صدور حکم به خسارت نمی‌تواند باشد."<sup>۲۲۹</sup> در *Tecmed v. Mexico* (تکمد علیه مکزیک) دیوان اظهار داشت که "در مواردی که وجود خسارت قطعی است، هر گونه دشواری در تعیین غرامت مانع

<sup>۲۲۶</sup> برای نمونه، در تلکسی که در ۱۳ آبانماه ۱۳۶۰ [چهارم نوامبر ۱۹۸۱] آقای شک ارسال کرد و طی آن عناوین "مبالغ قابل پرداخت به شک و کیمبال بابت خدمات حقوقی ارائه شده به جمهوری اسلامی ایران به عنوان وکالت کلی در موضوعات مربوط به ترافعات، استرداد اموال، و نیابت کلی" را اعلام کرد، نامبرده به ایران اطلاع داد که طی دوره ژوئیه تا نوامبر ۱۹۸۱ شک اند کیمبال بابت خدمات مربوط به وکالت کلی جمعاً مبلغ ۴۲۷،۳۹۷/۴۷ دلار آمریکا برای ایران صورت‌حساب فرستاده است. دیوان خاطر نشان می‌سازد که مفهوم "نظارت بر دعوی تعلیق شده" (بنگرید برای نمونه به حکم جزئی ۵۹۰، بندهای ۱۰۲ و ۲۱۴ الف (الف) (۴) گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۳۸، ۱۶۶) - یا، به سادگی [واژه] "نظارت" - بگونه‌ای که در این داوری به کار برده و درک شده، همانی نیست که طرفین بطور همزمان به کار بسته‌اند؛ بدینقرار، واژه "نظارت" بگونه‌ای که در حکم حاضر به کار گرفته و درک شده، مشخصاً در مدارک همزمان که دیوان مورد عنایت قرار داده، منعکس نیست، از جمله [اشاره به] تلکس مورخ ۱۳ آبانماه ۱۳۶۰ [چهارم نوامبر ۱۹۸۱] آقای شک به ایران [است] (که یکی از نظرات جداگانه آنرا کافی نمی‌پندارد، چرا که "هیچ در آن تلکس اشاره‌ای به خدمات نظارتی ندارد"). واژه‌های "نمایندگی کلی" که در تلکس ۱۳ آبانماه ۱۳۶۰ [چهارم نوامبر ۱۹۸۱] آقای شک به کار گرفته شده، را دیوان فراگیر فعالیت‌های نظارتی انجام شده توسط شک اند کیمبال تلقی کرده است.<sup>۲۲۷</sup> بنگرید به بندهای ۲۲۵-۲۲۴، بالا.

<sup>۲۲۸</sup> بنگرید، برای مثال، SERGEY RIPINSKY & KEVIN WILLIAMS, DAMAGES IN INTERNATIONAL LAW 121 (2008)

<sup>۲۲۹</sup> *Compañía de Aguas del Aconquija S.A. and Vivendi Universal S.A. v. Argentine Republic*, Award (ICSID Case No. ARB/97/3), para. 8.3.16 (20 Aug. 2007). See also *Southern Pacific Properties (Middle East) Ltd. v. Arab Republic of Egypt*, Award (ICSID Case No. ARB/84/3), para. 215 (20 May 1992)



برآورد [میزان] چنین گرامتی نمی‌باشد.<sup>۳۳۰</sup> به علاوه، رویه قضائی مربوط به سرمایه‌گذاری اختیار دیوان داوری در تعیین میزان خسارت بر اساس انصافی که در قانون نهفته است (یعنی *in equity intra legem*) – و فرآیند آن تقریب – در مواردی که اوضاع و احوال محاسبه دقیق را امکان‌پذیر نکند، را شناسائی کرده است.<sup>۳۳۱</sup>

۳۳۱- به همین منوال، رویه جا افتاده دیوان حاضر نیز این است که، وقتی احوال تعیین دقیق میزان خسارت را دشوار یا غیرممکن می‌کند، دیوان می‌تواند "با اعمال اختیار خود مبلغ مربوط را 'منصفانه تعیین نماید'".<sup>۳۳۲</sup> در این راستا، دیوان "دارای اختیار در حیطة وسیعی جهت تقریب معقول" می‌باشد.<sup>۳۳۳</sup> فزون بر استارت هوزینگ کورپ. و ایران، رویه قضائی دیوان فراگیر ایستمن کداک کو. و ایران؛ سیزموگراف سرویس کو. و شرکت ملی نفت ایران؛ ویلیام جی. لویت و ایران و اکونومی فورمز کورپ. و

*Técnicas Medioambientales TECMED S.A. v. United Mexican States*, Award (ICSID Case No. ARB ۳۳۰ (AF)/00/2), para. 190 (29 May 2003).  
 ۳۳۱ برای مثال، بنگرید *Compañía de Aguas del Aconquija S.A. and Vivendi Universal S.A. v. Argentine Republic*, Award (ICSID Case No. ARB/97/3), para. 8.3.16 (20 Aug. 2007) (که مقرر داشته است، در مواردی که امکان تعیین دقیق خسارت مقدور نباشد، "گمانه زنی ناگزیر است")؛ *Petrobart Ltd. v. Kyrgyz Republic*, Award (SCC Arb. No. 126/2003), at 83-84 (29 Mar. 2005) (نظر به اینکه اطلاعات مضبوط در پرونده "بیش از آن حدی نامطمئن است که به دیوان اجازه محاسبه ریاضی دقیق خسارت را بدهد" دیوان "به ارزیابی کلی" خسارت "بر اساس احتمالات و ارزشگذاری معقول")؛ *Técnicas Medioambientales TECMED S.A. v. United Mexican States*, Award (ICSID Case No. ARB (AF)/00/2), para. 190 (29 May 2003) (مقرر داشت که دیوان، "در تعیین گرامت قابل پرداخت به خواهان اصول منصفانه کلی را مدنظر قرار می‌دهد"). همچنین بنگرید به Ripinsky & Williams، مذکور در زیرنویس ۲۲۸، بالا ("در اوضاع و احوالی که محاسبه دقیق، دشوار یا غیرممکن باشد، فی‌المثل به دلیل عدم تکافوی ادله، دیوانها می‌توانند از اختیارات خود برای تثبیت به 'تقریب' بهره‌گیری. تقریب بر درک جمعی داوران از آنچه در اوضاع و احوال پرونده معقول و منصفانه به نظر میرسد، مبتنی می‌باشد." (زیرنویس‌ها حذف شده)).

در خصوص *equity intra legem* – یا انصاف ملحوظ در قانون – پروفیسور شرر می‌نویسد:

هر استاد به ملاحظات منصفانه به معنی تصمیم [حکم] بر مبنای انصاف *ex aequo et bono* نیست. یک دیوان [داوری] ممکن است از تشخیص خود در اعمال قواعد حقوقی بر مبنای عدالت و انصاف تا حدی بهره‌گیری. به دیگر زبان، تصمیم مبتنی بر انصاف *ex aequo et bono* باید از انصاف نهفته در حقوق تمیز داده شود.

CHRISTOPH SCHREUER, LORETTA MALINTOPPI, AUGUST REINISCH & ANTHONY SINCLAIR, THE ICSID CONVENTION – A COMMENTARY 636 (2009) (footnote omitted). See also *id.* at 636-37 (quoting *Amco Asia Corp. and others v. Republic of Indonesia*, Decision on Annulment (ICSID Case No. ARB/81/1), paras. 26 & 28 (16 May 1986); *Técnicas Medioambientales TECMED S.A. v. United Mexican States*, Award (ICSID Case No. ARB (AF)/00/2), para. 190 (29 May 2003); *MTD Equity Sdn. Bhd. and MTD Chile S.A. v. Republic of Chile*, Decision on Annulment (ICSID Case No. ARB /01/7), para. 48 (21 Mar. 2007)

<sup>۳۳۲</sup> استارت هوزینگ کورپ. و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۳۱۴-۲۴-۱، بند ۳۳۹ (۲۳)

مرداد ماه ۱۳۶۶ [۱۴ اوت ۱۹۸۷]، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۶، ص ۱۱۲ و ۲۲۱.

<sup>۳۳۳</sup> استارت هوزینگ کورپ.، حکم شماره ۳۱۴-۲۴-۱، بند ۳۳۹، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۶، ص ۲۲۲.

ایران، نیز می‌باشد.<sup>۲۳۴</sup> در هیچیک از این پرونده‌ها دیوان بر اساس انصاف *ex aequo et bono* یعنی انصاف خارج از قانون (*contra legem*) نه حکم صادر کرد و نه مفروض بود که بر چنین اساسی حکم صادر کند.<sup>۲۳۵</sup> اوضاع و احوال پرونده‌های حاضر نشان از همگونی‌هایی با ویلیام جی. لویت و ایران<sup>۲۳۶</sup> را دارد، که در آن دیوان مبلغ حکم برای ادعای حق الزحمه حقوقی متحمل بابت تهیه یک پروژه خانه سازی در ایران را تقریب کرد. در آن پرونده، ادله به دیوان اجازه نمی‌داد که کل رقم ادعائی را به پروژه خانه‌سازی منتسب کند. هر چند خواهان ادله پرداخت برای کل مبلغ هزینه حقوقی ادعا شده را ارائه کرده بود، اما "مدارکی حاوی جزئیات خدمات حقوقی که وجوه مزبور بابت آنها پرداخت شده، ارائه ننموده"؛ بخصوص از ارائه "... صورت‌حسابهای مربوط و یا ... توضیح راجع به اینکه بچه دلیل امکان تهیه آنها وجود نداشته" قصور

<sup>۲۳۴</sup> ایستمن کداک کو. و جمهوری اسلامی ایران؛ حکم شماره ۵۱۴-۲۲۷-۳، بند ۵۴ (۱۰ تیر ماه ۱۳۷۰) [اول ژوئیه ۱۹۹۱] چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۷، ص ۳، ۲۱ (مقرر داشته است که خسارت متحمل توسط خواهان فقط میتواند از طریق "تعدیل منصفانه و منطقی" نسبت به کل ارزش سفته‌ها تعیین شود تا بدان طریق برخی دولتی‌ها لحاظ شده باشد)؛ سیزموگراف سرویس کورپ. و دیگران و شرکت ملی نفت ایران و دیگران، حکم شماره ۴۲۰-۴۴۳-۳، بند ۳۰۶ (۱۱ فروردینماه ۱۳۶۸ [۳۱ مارس ۱۹۸۹])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۲، ص ۳، ۸۰ (مقرر میدارد که دیوان باید حکمی در خصوص خسارت بدهد که "با توجه به جمیع اوضاع و احوال پرونده ... منطقی و منصفانه باشد")؛ ویلیام جی لویت و جمهوری اسلامی ایران و دیگران؛ حکم شماره ۲۹۷-۲۰۹-۱، بند ۴۸ (دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۴، ص ۱۹۱، ۲۰۶ (نظر به قصور خواهان در ارائه ادله و مدارک مستندی برای اثبات هزینه مبالغ مورد ادعا و ارتباط آنها با پروژه ساختمانی مورد بحث، که در اختیار خواهان بودن آنها برای دیوان مفروض بود، دیوان مقرر داشت که "به طور منصفانه خسارات مورد حکم را تعیین نماید")؛ توماس ارل پاین و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲۴۵-۳۳۵-۲، بند ۳۷ (۱۷ مرداد ماه ۱۳۶۵ [هشتم اوت ۱۹۸۶]) چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۲، ص ۳، ۱۶-۱۵ (دیوان ارزش منافع خواهان در دو شرکت مصادره شده را با لحاظ جمیع اوضاع و احوال گمانه زد)؛ امریکن اینترنشنال گروپ، اینک. و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۹۳-۲-۳- (۲۸ آذر ماه ۱۳۶۲ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۳])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۴، ص ۹۶، ۱۰۹ (دیوان "ارزشیابی تقریبی" نسبت به شرکت مصادره شده تهیه کرد "و در این کار کلیه اوضاع و احوال ذیربط در پرونده را ملحوظ" داشت)؛ اکونومی فورمرز کورپ. و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۵۵-۱۶۵-۱ (۲۴ خردادماه ۱۳۶۲ [۱۴ ژوئن ۱۹۸۳])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳، ص ۴۲، ۵۲ (نظر به اینکه خواهان فقط شهادت کلی در خصوص عوامل ذیربط مربوط به ارزش کالای موضوع بحث را که "برای محاسبه دقیق خسارات کافی" نبود، دیوان خسارت مورد حکم را منصفانه تعیین کرد).

<sup>۲۳۵</sup> بنگرید به SCHREUER ET AL. زیرنویس ۲۳۱ بالا (هر استنادی به ملاحظات منصفانه تصمیم را بر انصاف *ex aequo et bono* مبتنی نمی‌کند).

<sup>۲۳۶</sup> ویلیام جی. لویت و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷ (دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷]) چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۴، ص ۱۹۱.

ورزید.<sup>۲۳۷</sup> در آن اوضاع و احوال، دیوان تقریباً یک سوم هزینه‌های حقوقی را به پروژه خانه سازی منتسب دانست و مبلغ مربوطه را به نفع خواهان حکم داد.<sup>۲۳۸</sup>

۲۳۲- بگونه‌ای که در پرونده‌های حاضر اشاره شد، با اینکه ایران و/تعیین ارائه خدمات نظارتی توسط شک اند کیمبال را به اثبات رسانده، دامنه و/ارزش دقیق این خدمات را اثبات نکرده است. فقد ادله قاطع در این موارد تعیین دقیق میزان خسارات متحمله توسط ایران را برای دیوان غیرممکن می‌کند. اما همسو با اصول پیشگفته،<sup>۲۳۹</sup> با عنایت به اینکه ایران نفس ورود خسارت را اثبات کرده است، قصور در اثبات میزان دقیق آن نباید کلاً به محروم شدن ایران از خسارت منجر شود. دریغ کردن هر گونه خسارت جبرانی در چنین اوضاع و احوالی به غایت غیرمنصفانه است. دیوان در مواردی که خواهان واقعیات ورود خسارت را به اثبات رسانده ولی ادله‌ای ارائه نکرده که به دیوان امکان دهد تا میزان دقیق خسارت را تعیین کند و علل قصور خود از ارائه ادله را نیز توضیح نداده است، برای حکم به خسارت به گمانه زنی روی آورده است.

۲۳۳- در نتیجه، دیوان با رعایت انصاف میزان خسارات متحمله ایران در نتیجه نظارت شک اند کیمبال بر دعاوی تعلیقی را تعیین خواهد کرد. بدین منظور، دیوان با در نظر گرفتن کلیه ادله ذیربط و مجموعه اوضاع و احوال، از جمله عملکرد ایران در داوری حاضر، بهترین برآورد خود از خسارات را خواهد داشت.

۲۳۴- در خصوص نکته اخیر، دیوان متذکر شده است که صورت‌حساب و مدارک صورت‌حساب شک اند کیمبال در دسترس ایران بوده و ایران می‌توانست آنها را ارائه کند؛ مضافاً، شاهد ایران، آقای شک مسلماً سوابق ذیربط حسابداری و تهیه صورت‌حساب را، که می‌توانست در تأیید شهادتنامه‌اش ارائه کند، در اختیار دارد (یا تا همین اواخر در اختیار داشت).<sup>۲۴۰</sup> چنانچه این مدارک توسط ایران یا آقای شک ارائه می‌شد، می‌توانست در تعیین دامنه خدمات نظارتی ارائه شده کیمبال اند شک و مبالغ مربوطه به خدماتی که مؤسسه حقوقی صورت‌حسابش را به ایران تسلیم کرد، دیوان را یاری کند؛ مضافاً، احتمالاً نیاز دیوان به تشبث به گمانه زنی را می‌کاست (یا شاید حتی مرتفع می‌کرد). بعلاوه، تأمین مدارک اصلی که آقای شک در اختیار داشت توسط نامبرده، می‌توانست وزن شهادتنامه و گواهی جلسه استماع وی را افزایش دهد. در اوضاع و احوال حاضر، با عنایت به قصور ایران و شاهدش در ارائه مدارک اصلی که در اختیار داشتند، اقدام دیوان، در گمانه زنی محافظه کارانه خسارات ایران، قابل توجیه است.

۲۳۵- شک اند کیمبال از فوریه ۱۹۷۹ تا اوایل سال ۱۹۸۳ به عنوان وکیل عمومی ایران در ایالات متحده عمل می‌کرد. دیوان متقاعد است که در چنین موقعیتی مؤسسه حقوقی ضمن ارائه خدمات حقوقی

<sup>۲۳۷</sup> همانجا. بند ۴۶ گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۴، ص ۲۰۵.

<sup>۲۳۸</sup> بنگرید به همانجا. بند ۴۸ گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۴، ص ۲۰۶.

<sup>۲۳۹</sup> بنگرید به بندهای ۲۳۱-۲۳۰، بالا.

<sup>۲۴۰</sup> بنگرید به بندهای ۱۵۶-۱۵۳، بالا.

گوناگون،<sup>۲۴۱</sup> بخش قابل توجهی از وقت خود را قبل و بعد از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] صرف نظارت بر دعاوی تعلیق شده کرد. بعلاوه، مدارک همزمان گویای آنست که در فاصله ژوئیه الی نوامبر ۱۹۸۱، شک اند کیمبال برای خدمات خود به عنوان وکیل عمومی، صورتحساب‌هایی معادل ۴۲۷،۳۹۷/۴۷ دلار آمریکا به ایران داده بود.<sup>۲۴۲</sup> شک اند کیمبال پس از آن تاریخ هم به ایران خدماتی ارائه کرد. مضافاً، اختلاف نظری نیست که ایران صورتحسابهای شک اند کیمبال بابت خدمات ارائه شده را پرداخته است.

۲۳۶- پس از منظور داشتن کلیه ملاحظات، دیوان در اوضاع و احوال حاضر، منصفانه و معقول میدانند که به عنوان خسارت خدمات نظارتی انجام شده توسط شک اند کیمبال ۷۰،۰۰۰ دلار آمریکا به نفع ایران حکم دهد.<sup>۲۴۳</sup> در تعیین این مبلغ، دیوان با قضاوتی محافظه کارانه، از جمله، توجه داشته است که مبلغ خواسته ایران بابت هزینه‌های کلی دادرسی، نه تنها هزینه‌های نظارت، بلکه هزینه‌های دادرسی غیر قابل انتساب را نیز پوشش می‌دهد.

۲۳۷- در یکی از نظرات جداگانه، اظهار شده است که با صدور حکم به "کمتر از ۱۰٪ خواسته" دیوان بکفایت "رویکردی واقعگرایانه و معنادار به تقریب خسارت" نداشته است. اما، همانگونه که پیشتر اشاره شد، ایران مبلغی را که بابت هزینه‌های نظارت مطالبه می‌کند، مشخص نکرده است؛ بلکه بسادگی جمع [مبلغی] را ارائه داده که توأمأ شامل کل خواسته ادعاهای هزینه نظارت و هزینه‌های دادرسی‌های غیرقابل انتساب - یعنی ۸۶۰،۸۵۷/۳۳ دلار آمریکا - می‌باشد، بی‌آنکه مبلغ خواسته هر یک از سرفصل‌ها را مشخص کند.<sup>۲۴۴</sup> از آنجا که ایران میزان ادعای خود بابت هزینه‌های نظارت را تعیین نکرده، اظهارات نقل شده در بالا از نظر جداگانه، ناکافی است.

<sup>۲۴۱</sup> بنگرید به بند ۲۲۸، بالا.

<sup>۲۴۲</sup> بنگرید به زیرنویس ۲۲۶، بالا.

<sup>۲۴۳</sup> نظر جداگانه یکی از اعضا، به نادرست، حکم ۷۰،۰۰۰ دلار بابت جبران خسارت خدمات نظارتی شک اند کیمبال را "بخشش" و "هدید" و تصمیمی "غیرمجاز بر اساس انصاف" ترسیم می‌کند (تصوری هم که از حکم ۵۰،۰۰۰ دلار دیوان برای ادعای ایران برای "سایر خسارات" در ارتباط با ماریوت کورپ و دیگران علیه راجرز اند ولز عیه بنیاد پهلوی ایران و غیره، بند ۲۷۹ زیر ارائه میدهد، همان است). دیوان در این حکم نهائی یا در جای دیگر قصد اعطای هدیه به طرفین بر اساس انصاف را ندارد. بر خلاف حکم بر مبنای انصاف، که بر ملاحظات غیرحقوقی که دیوان منصفانه تشخیص میدهد، مبتنی است، حکم حاضر دیوان برای ۷۰،۰۰۰ دلار در جبران هزینه‌های نظارت شک اند کیمبال بر ملاحظات حقوقی پایه‌گذاری شده که در جزئیات و تصریحاً در بندهای ۲۲۹ و ۲۳۰ بالا، بازگو شده است. در خصوص انصاف نهفته در قانون، بنگرید به

Schreuer et al., supra note 231, at 636-37. See also *Amco Asia Corp. and others v. Republic of Indonesia*, Decision on Annulment (ICSID Case No. ARB/81/1), paras. 26 & 28 (16 May 1986); *MTD Equity Sdn. Bhd. and MTD Chile S.A. v. Republic of Chile*, Decision on Annulment (ICSID Case No. ARB/01/7), para. 48 (21 Mar. 2007).

<sup>۲۴۴</sup> بنگرید به بندهای ۲۱۰، ۲۲۵-۲۲۴، بالا.

## (دو) هفت مؤسسه حقوقی دیگر در ایالات متحده

۲۳۸- برای اثبات نظارت و مخارج دادرسی‌های غیرقابل انتساب که مطابق ادعا در ارتباط با خدماتی که علی‌الظاهر هفت مؤسسه حقوقی ارائه کردند، ایران به یک رشته صورتحساب، مدارک حاکی از پرداخت، و شناسه پرونده، استناد می‌کند. بدین‌نقار بر خلاف هزینه‌های شک اند کیمبال، در اینجا ایران صورتحسابهای همزمان و مدارک حسابرسی ارائه کرده است. صورتحسابهای موجود در سوابق مؤسسه حقوقی واجد درجات متفاوتی از دقت است. این مدارک عموماً، به مؤسسه حقوقی صادر کننده، تاریخ صدور، شماره صورتحساب، و مبلغ صورتحساب اشاره دارد. هر چند برخی صورتحسابها حاوی شرح جزئیات خدمات ارائه شده نیز هست، برخی دیگر یا فاقد مشخصات است یا اشاره کوتاهی به خدمات ارائه شده دارد. عناوین این صورتحسابها که فعالیت‌های نظارتی ارائه شده را تشریح می‌کند بگونه‌ای یکسان شامل گروه "هزینه‌های دادرسی‌های کلی" نیز میباشد و بنابراین پرونده مشخصی ندارد.<sup>۲۴۵</sup> این امر برای جبران خسارات‌های نظارت مشکل‌زا نیست، چرا که هزینه‌های نظارت ضرورتاً مربوط به پرونده مشخص نمی‌باشد. نظارت می‌تواند یک روند فراگیر باشد. اما، نظر به لسان حکم جزئی شماره ۵۹۰،<sup>۲۴۶</sup> دیوان باید اطمینان معقول حاصل کند که نظارت مورد نظر در این عناوین با دادرسی‌هایی در دادگاههای ایالات، که در نتیجه تلاش ایالات متحده در مقام گردن نهادن بر اصل کلی ب بحالت تعلیق در آمده بود، مرتبط می‌باشد.<sup>۲۴۷</sup> از آنجا که صورتحسابهایی که در آن نظارت توصیف شده، به پرونده‌ها ارتباط داده نشده، دیوان این مخاطره را احتراز ناپذیر می‌داند که برخی از هزینه‌های فعالیت نظارت مربوط به پرونده‌هایی باشد که در محدوده تعهدات ایالات متحده ذیل اصل کلی ب نبوده و بحالت تعلیق در نیامده بود.<sup>۲۴۸</sup> دیوان نتیجه می‌گیرد که هزینه‌های نظارت را که در نبود چنین مخاطراتی قابل پرداخت می‌دانست، باید تعدیل کند.

۲۳۹- دیوان پس از ملاحظه مجموع ادله، بویژه صورتحسابهای مؤسسه حقوقی و مدارک پرداخت، نتیجه می‌گیرد که ایران اثبات کرده است که جمعاً پرداخت مبلغ ۱۱،۴۶۵/۸۲ دلار را به عنوان هزینه‌های نظارت متحمل شد. اما، همانگونه که گفته شد، دیوان بر این باور است که رقم یاد شده باید تعدیل شود. ایران در ارتباط با ادعاهایش در این پرونده‌ها ۱۷۹ مورد، شناسه پرونده تسلیم کرده است.<sup>۲۴۹</sup> دیوان مقرر

<sup>۲۴۵</sup> گهگاه، این سرفصل‌ها بخش مشخصی از دادرسی در دادگاههای ایالات متحده را ذکر می‌کند. در چنین مواردی، دیوان مشخص کرده است که آیا دادرسی متضمن نقض اصل کلی ب توسط ایالات متحده هست یا خیر. اگر چنین نبوده باشد، پس آن سرفصل را قابل جبران به حساب نیاورده است.

<sup>۲۴۶</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۱۰۲، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۳۸: "دیوان همچنین از ایران انتظار دارد که ادله موضوعی مربوط به خساراتی را که در نتیجه نظارت بر ادعاهای تعلیق یافته متحمل گردیده ارائه نماید" (تأکید افزوده شده).

<sup>۲۴۷</sup> بنگرید به همانجا.

<sup>۲۴۸</sup> برای مثال، ادعائی که در توصیف بند ۱۱ بیانیه عمومی می‌گنجد.

<sup>۲۴۹</sup> بنگرید به بند ۱۵۸ و زیرنویس ۱۰۲، بالا.

داشت که شماری از این ۱۷۹ مورد، در محدوده تعهد کلی ب قرار نمی‌گیرد. مشخصاً، ۱۱۵ مورد از ۱۷۹ مورد موضوع نقض اصلی کلی ب توسط ایالات متحده شناخته شد.<sup>۲۵۰</sup> بنابراین دیوان مناسب میدانند رقم ۱۱،۴۶۵/۸۲ دلار را در تناسب با تعداد مواردی که دیوان آن را موضوع نقض اصل کلی ب توسط ایالات متحده نمی‌شناسد، کاهش دهد.<sup>۲۵۱</sup> به نظر دیوان این گمانه زنی به کفایت مخاطراتی را که بیشتر گفته شد پوشش می‌دهد.<sup>۲۵۲</sup> بنابراین، دیوان مبلغ ۷،۳۳۸/۱۲ دلار آمریکا به نفع ایران حکم می‌دهد.

### (سه) فعالیت‌های نظارتی دیگر

۲۴۰- همانگونه که اشاره شد، ایران در ادعای هزینه دادرسی‌های مشخص، مخارج ادعائی متحمل ناشی از فعالیت مؤسسه حقوقی که فعالیت نظارتی معمولی ارائه می‌کرد ("فعالیت‌های نظارتی دیگر") را نیز گنجانده است.<sup>۲۵۳</sup> اگرچه ایران باید این مخارج را در زمره هزینه‌های نظارت بجای هزینه‌های ویژه دادرسی‌ها، دسته بندی می‌کرد، اما منصفانه نیست که دیوان ادعای ایران در ارتباط با چنین مخارجی را به این دلیل بیدرنگ رد کند. بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که، مخارج ادعائی ایران در ارتباط با فعالیت‌های نظارتی دیگر، به عنوان هزینه‌های نظارت قابل جبران است.

۲۴۱- پس از ملاحظه مجموع ادله، بویژه صورتحساب مؤسسه حقوقی و مدارک پرداخت، که ایران در تأیید ادعای هزینه‌های ویژه دادرسی ارائه کرد، دیوان نتیجه می‌گیرد که ایران خسارت مربوط به هزینه‌های متحمل ناشی از فعالیت‌های نظارتی دیگر را، جمعاً به مبلغ ۷،۴۵۶/۶۰ دلار به اثبات رسانده است. بنابراین دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

### (۳) هزینه‌های دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی (B.I.L.S.)

۲۴۲- ایران هزینه‌های دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی (دفتر خدمات) را به عنوان حقوق درون-سازمانی و کلا و مخارج اداری توصیف می‌کند. ایران برای اثبات هزینه‌های دفتر خدمات، دو شهادتنامه از آقای به آذین بیژنی، مدیر امور اداری دفتر خدمات را به ترتیب در ۱۳ بهمن ماه ۱۳۷۹ [اول فوریه ۲۰۰۱] و ۱۰ تیر ۱۳۸۳ [۳۰ ژوئن ۲۰۰۴] ارائه کرده است. آقای بیژنی اظهار می‌دارد که وکلای دفتر خدمات در ارتباط مستقیم با وکلای امریکائی بودند که نمایندگی ایران را در پرونده‌های ذیربط در ایالات متحده داشتند؛ وکلای دفتر خدمات، از جمله وظایف زیر را ایفا کردند: نظارت بر عملکرد وکلای ایران در ایالات متحده؛ دریافت گزارش و مکاتبه در ارتباط با پیشرفت پرونده‌ها؛ مطالعه پرونده؛ تهیه گزارش برای مقامات ذیربط ایران؛ ارسال دستورالعمل و مدارک لازم برای وکلای ایالات متحده؛ بررسی صورتحساب آنها در

<sup>۲۵۰</sup> بنگرید به ضمیمه‌های الف و ب.

<sup>۲۵۱</sup> برای مثال، ۱۷۹/۱۱۵ \* ۱۰۰ = ۶۴٪ بنابراین کاهش مناسب ۳۶٪ است.

<sup>۲۵۲</sup> بنگرید به بند ۲۳۸، بالا.

<sup>۲۵۳</sup> بنگرید به بند ۲۲۶، بالا.

ارتباط با خدمات ارائه شده و هزینه‌ها. در هزینه‌های درخواستی ایران بابت دفتر خدمات، آقای بیژنی مخارج "نگهداری و مدیریت دفاتر خدمات در واشنگتن و لاهه" را نیز منظور کرده است. در شهادتنامه ۱۳ بهمن ۱۳۷۹ [اول فوریه ۲۰۰۱] "پس از ملاحظه کلیه سوابق موجود و اطلاعات مربوطه"، آقای بیژنی هزینه‌های دفتر خدمات را ۲۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا برآورد کرده است.

۲۴۳- به دلایل آتی دیوان مقرر میدارد که مخارج دفتر خدمات مطابق حکم جزئی شماره ۵۹۰ قابل جبران نیست.

۲۴۴- به نظر دیوان، فعالیت‌های انجام شده توسط وکلای دفتر خدمات از آن دسته کارهاست، که نوعاً توسط وکلای درون سازمانی دولت در نظارت و راهنمایی وکلای مستقل در دعاوی‌ای، که دولت درگیر آنست، انجام میشود. هزینه‌های ناشی از این قبیل فعالیت‌ها بخشی از مخارج عملکرد داخلی دولت است، همانند هزینه‌های فعالیت و نگهداری تسهیلات ادارات دولتی. هزینه‌هایی از این دست مطابق حکم جزئی شماره ۵۹۰ قابل جبران نیست.

۲۴۵- به هر روی، مضافاً، دیوان نتیجه می‌گیرد که مدارک ارائه شده توسط ایران برای تأیید مبلغ ۲۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا ادعائی کافی نیست. به ویژه با اینکه آقای بیژنی اظهار میدارد که در برآورد مبلغ "کلیه سوابق موجود و اطلاعات ذیربط" ملاحظه کرده است، نه وی و نه ایران هیچیک از آن مدارک یا سایر ادله تأیید کننده را ارائه نکرده‌اند.

۲۴۶- به دلایل پیشگفته، ادعای ایران برای هزینه‌های دفتر خدمات رد میشود.

#### ح- نکات پایانی

۲۴۷- در تعیین مبالغ هزینه‌های قابل جبران که ایالات متحده به ایران<sup>۲۵۴</sup> مدیون است و در این ارتباط، از جمله، در تعیین اینکه آیا حضور [در دادگاه] و ثبت [مدارک]، و نظارت مربوطه انجام شد یا خیر، دیوان به دقت استدلال‌های طرفین را از نظر گذرانده و ارزیابی دقیق و عمیقی از مدارک، از جمله مدارک آتی، به عمل آورده است:

الف- تصاویر صورتحسابهای صادره توسط مؤسسات حقوقی ایالات متحده که نمایندگی ایران را داشتند؛

ب- ادله پرداخت صورتحسابها از جمله تصاویر چک‌ها، مدارک بانکی، مکاتبات بین ایران و وکلای امریکائی، مکاتبات داخلی ایران و رسید پرداخت‌ها؛

<sup>۲۵۴</sup> بنگرید به بندهای ۲۰۴-۱۹۴، ۲۳۶-۲۲۷، ۲۴۱-۲۳۸، بالا.

پ- تصاویر دفاتر ثبت دادگاه برای پرونده‌های ذریبط دادگاه ایالات متحده، تصمیمات دادگاه ایالات متحده، مدارک ثبت شده و مکاتبات با دادگاه ایالات متحده؛ مکاتبات با، و بین وکلا؛ و

ت- تصاویر تدارک‌های ذینفعی دولت ایالات متحده که در دادگاه‌های ایالات متحده ثبت شده است.

۲۴۸- مضافاً دیوان در اتخاذ تصمیمات خود، با باریک بینی تمام ضوابط بنا نهاده در حکم جزئی ۵۹۰ و حکم نهائی حاضر<sup>۲۵۵</sup> را اعمال کرد.<sup>۲۵۶</sup>

۲۴۹- با بهره‌گیری از صلاحدید موسع خود برای تعیین ابعاد و جزئیات احکام صادره،<sup>۲۵۷</sup> دیوان مناسب تشخیص نداد که کلیه ویژگیهای تحلیل خود از ۱۷۹ دادرسی دادگاه ایالات متحده که در این پرونده‌ها مطرح است و هزاران مدرک مربوط به آن را بازگو کند، و نکرد. بویژه گزینه دیوان این بود که در متن حکم نهائی یا پیوست‌های آن از ذکر قلم به قلم، هر جزء از هزینه‌هایی که قابل پرداخت، یا غیرقابل پرداخت شناخته، شرح جزئیات دلایل قابل جبران دانستن یا ندانستن آنها، ارائه تحلیل سطر سطر بسیاری از صورتحسابهای خدمات حقوقی که قابل پرداخت یافته، و مشخص کردن اینکه کدام قلم از چنین صورتحسابهایی قابل پرداخت است، و چرا (و اگر نیست، چرا نیست)<sup>۲۵۸</sup>، یا ارائه جزئیات محاسباتش، خودداری کند. دیوان بر این باور است که در احوال حاکم بر این پرونده‌ها، ارائه انبوهی از چنین جزئیاتی نکات اساسی تصمیم دیوان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. مضافاً، دیوان باور ندارد که در این حکم نهائی وظیفه باز کردن دقایق تصمیم خود را عهده‌دار است، چرا که خود طرفین، در لوایح بگونه‌ای جامع،

<sup>۲۵۵</sup> بنگرید، بویژه، حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۷۴-۸۳، ۸۷-۱۰۳، ۱۱۰-۱۱۵، ۱۳۰-۳۳، ۱۷۶-۷۷، ۱۸۴-۸۸، ۲۱۴ الف، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۳۸-۱۲۹، ۴۱-۱۴۰، ۴۷-۱۴۶، ۵۹-۱۵۶، ۶۷-۲۶۵.

<sup>۲۵۶</sup> بنگرید به بند ۳۱ به بعد، بالا.

<sup>۲۵۷</sup> در این ارتباط بنگرید برای نمونه به، *Compañía de Aguas del Aconquija S.A. and Vivendi Universal S.A. v. Argentine Republic, Decision on Annulment (ICSID Case No. ARB/97/3), para. 64 (3 July 2002)* ("دلایل می‌تواند مجوز یا مطول را کد شود، و سنت‌های حقوقی گوناگون در نحوه بیان استدلال [حکم] متفاوتند. دیوانها باید در روش بیان استدلال خود تا حدودی به بهره‌گیری از تشخیص خود مجاز باشند")؛ JASON FRY, SIMON GREENBERG, FRANCESCA MAZZA, THE SECRETARIAT'S GUIDE TO ICC ARBITRATION 321 (2012) ("داوران از اختیار و تشخیص در خصوص مناسب بودن طول و میزان جزئیات حکم خود بهره‌مند می‌باشند.")

<sup>۲۵۸</sup> اغلب صورتحسابهایی با مبالغ اندک مطرح بود و دیوان فقط بخشی از آن مبالغ را قابل جبران شناخت. برای مثال از مبلغ ۱/۴۰ دلار صورتحساب مؤسسه حقوقی کروسبی، هیفی، روچ اند می، به تاریخ هفتم خرداد ۱۳۶۶ [۲۸ مه ۱۹۸۷] در ارتباط با [پرونده] لاکهید کورپ علیه ایران، دیوان نتیجه گرفته است که ۷۳ سنت دلار آمریکا به عنوان هزینه دادرسی خاص قابل پرداخت است. یا از ۱۰/۵۰ دلار آمریکا که همان مؤسسه صورتحسابش را در ۲۴ تیر ماه ۱۳۶۲ [۱۵ ژوئیه ۱۹۸۳] در ارتباط با پرونده چکش کو علیه ایران ارسال کرده است، دیوان نتیجه گرفت فقط ۶/۳۰ دلار آمریکا به عنوان هزینه دادرسی خاص قابل جبران است.



جزئیات، و تحلیل سطر به سطر صورتحسابها و پرداخت‌هائی که در سوابق ضبط است را ارائه نکرده‌اند، بلکه آنرا به عهده دیوان گذاشتند.

۲۵۰- گزینه دیوان در عوض این بود که جزئیات منطق حقوقی نتیجه‌گیری‌های خود در قابل جبران شناختن خسارت و مجموع هزینه‌هائی را که قابل جبران شناخته و نیز ادله‌ای که در نتیجه‌گیری‌هایش به آنها متکی بوده را تشریح کند. امضافاً هر چند دیوان به عنوان یک موضوع کلی بر این باور است که باید از پیوست کردن مدرک به احکام خود احتراز کند، معهداً سه پیوست فشرده ضمیمه حکم نهائی حاضر کرده است که حاوی فهرستی است از (یک) دادرسی‌ها با ادعاهائی که احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت، یا فراگیر ادعاهائی که در دیوان به ثبت رسیده بود، و ایران عقلاً ناگزیر بود در دفاع محتاطانه از منافع خود پس از ۲۸ تیر ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱]<sup>۲۵۹</sup> در دادگاه حضور پیدا کند یا مدرک به ثبت رساند؛ (دو) دعاوی‌ای که پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در دادگاه‌های ایالات متحده به ثبت رسید و فراگیر ادعاهائی بود که احتمالاً در حوزه صلاحیت دیوان قرار داشت یا در پیشگاه دیوان به ثبت رسیده بود<sup>۲۶۰</sup>؛ و (سه) پرونده‌های ادعای (الف) که ایران اثبات کرده برای آنها هزینه‌های ویژه دادرسی، متحمل شده است.<sup>۲۶۱</sup>

۲۵۱- یکی از نظرات موافق و مخالف در تلاش برای اینکه نشان دهد چرا به نتیجه متفاوتی در ارتباط با مبالغ خاص موضوع حکم بابت هزینه‌های ویژه دادرسی و هزینه‌های مربوط به "فعالیت‌های نظارتی بیشتر"، رسیده است، "جدول تفاوتها" را ضمیمه کرده است. دیوان با عنایت به دلایل صریح یا ضمنی در بالا،<sup>۲۶۲</sup> بر این باور نیست که این کار [کاربرد این جدول] در تغییر یافته‌های دیوان در ارتباط با مبالغ مقرون به توفیق باشد. دیوان خاطر نشان می‌سازد که، در مجموع، نظرات جداگانه تسلیمی اعضای دیوان نشانگر میزان معتابیهی از اشتراک نظر موضوعی در خصوص مبالغ ادعا شده، و حکم صادر شده، در رابطه با هزینه‌های ویژه دادرسی بین اعضا می‌باشد، سه ستون نخستین که حاوی "جدول تفاوتها" ("نام پرونده شماره

<sup>۲۵۹</sup> پیوست الف.

<sup>۲۶۰</sup> پیوست ب.

<sup>۲۶۱</sup> پیوست پ.

<sup>۲۶۲</sup> در ارتباط با *Seyed M. Raji et al. v. Bank Sepah Iran et al.*, 20658/80 (Sup. Ct. N.Y.)، بنگرید به بندهای ۴۹-۵۴؛ در ارتباط با *Hoffman Export Corp. v. Iran*, 80-0524 (C.D. Cal.), 81-5432 (9<sup>th</sup> Cir)؛ ۸۷-۹۴؛ در ارتباط با *Kianoosh Jafari et al. v. Islamic Republic of Iran*, 81-4043 (N.D. Ill.)، بنگرید به بندهای ۱۰۶-۱۰۰؛ در ارتباط با *James Saghi et al. v. Islamic Republic of Iran et al.*, 83-2165 (D.D.C.)، بنگرید به بندهای ۲۰۱-۱۹۸. نیز بنگرید به بندهای ۱۹۶-۱۹۵، ۲۴۱-۲۴۰، ۲۵۰-۲۴۹. دیوان متذکر میشود "جدول تفاوتها" حاکی از آنست که دیوان در ارتباط با *Behring Int'l, Inc. v. Iran*, 79-675 (D.N.J. & 3<sup>rd</sup> Cir.)، بابت "مطالعه پرونده توسط وکیل جدید و مخارج مرتبط با آن" حکم به خسارت داده است. خسارتی که دیوان حکم داده شامل هزینه‌های "مطالعه پرونده توسط وکیل جدید و مخارج مربوط به آن" نمیشود.

(دادگاه)؛ "کل مبلغ ادعائی ایران"؛ "حکم صادره توسط دیوان بابت حضور یا ثبت"، خود مؤید این واقعیت است، و در عین حال نشانگر آنست که اکثریت با چه شدت و دقتی مجلدات حجیم مدارک را برای رسیدن به مبلغ حکم در هر پرونده واکاوی کرده است.

۲۵۲- هر چند بند ۳ ماده ۳۲ قواعد دادرسی دیوان مقرر میدارد که دیوان: "دلایلی را که مبنای صدور حکم بوده ذکر خواهد کرد"<sup>۲۶۳</sup> اما روشی را که مطابق آن دیوان باید این استدلال‌ها را عنوان کند مقرر نمیدارد. در این راستا دیوان نظر ابراز شده دیوان دادگستری بین‌المللی در نظریه مشورتی خود در درخواست تجدید نظر حکم شماره ۱۵۸ دیوان اداری سازمان ملل متحد را، بازگو می‌کند:

[ذکر دلایل] عموماً باید نشانگر استدلالاتی باشد که حکم بر آن بنا شده است؛ اما نیازی نیست که با دقت فراوان به کلیه ادعاها و اظهارات هر یک از طرفین ورود پیدا کند، اگرچه هر سازمان قضائی مکلف به واریسی کلیه مدارک رسمی که یکی از طرفین ارائه کرده می‌باشد، اما تکلیفی ندارد که در صورتبندی حکم، استدلال خود را به شکل و شیوه بررسی جزئیات هر یک از سرفصل‌های ادعای تسلیمی به پروراند، بهمین منوال هیچ شکل و صناعت الزامی هم برای تدوین احکام وجود ندارد. هر دیوانی میتواند روش استدلال مستقیم یا غیرمستقیم را بکار گیرد و نتیجه‌گیری‌های صریح یا ضمنی را درج کند، مشروط بر اینکه دلایلی که حکم بر آن مبتنی است، روشن باشد.<sup>۲۶۴</sup>

DAVID D. CARON, LEE M. CAPLAN, MATTI PELLONPÄÄ, THE UNCITRAL ARBITRATION RULES – A <sup>۲۶۳</sup>

COMMENTARY 813 (Oxford University Press, 2006). [قواعد داوری انسترال] رهنمودی در خصوص محتوا و شکل این

استدلال دیوان در حکم مقرر نمی‌دارد. ("

Application for Review of Judgement No. 158 of the United Nations Administrative Tribunal, Advisory Opinion, 1973 I.C.J. 165, <sup>۲۶۴</sup>

۲۰۱-۱۱، ۹۵ (12 July). کمیته موردی رسیدگی به درخواست‌های ابطال آراء صادر داوری سرمایه‌گذاری مطابق کنوانسیون حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولتی و اتباع دولت‌های دیگر (که در ۲۷ اسفند ماه ۱۳۴۳ [۱۸ مارس ۱۹۶۵] برای امضا عرضه شد و در ۲۲ مهر ماه ۱۳۴۵ [۱۴ اکتبر ۱۹۶۶] لازم‌الاجرا گردید) (کنوانسیون ایکسید) رویکرد مشابهی داشته است. برای مثال در [پرونده] ونا هتلز در تعیین اینکه آیا دیوان ایکسید از ذکر دلایلی که حکم بر آن استوار بود قصور ورزیده یا خیر (که مطابق ماده ۵۲(۱) کنوانسیون ایکسید از موارد ابطال حکم است) کمیته موردی اظهار داشت:

نه ماده ۴۸ (۳) [کنوانسیون ایکسید که مقرر میدارد "حکم به هر یک از موضوعاتی که به دیوان ارائه شده رسیدگی خواهد کرد، و دلایلی را که مبنای آن [رسیدگی] است را ذکر خواهد کرد.] و نه ماده ۵۲(۱)(ث) روشی را که مطابق آن باید استدلال دیوان بیان شود، مشخص نکرده است. این هدف مستلزم آن نیست که هر استدلالی صراحتاً ذکر شود. استدلال دیوان ممکن است در ملاحظات و نتیجه‌گیری مندرج در حکم مضمّن باشد، مشروط بر اینکه بتوان آنها را از کلمات بکار برده شده در تصمیم دریافت.

*Wena Hotels Limited v. Arab Republic of Egypt*, Decision on Annulment (ICSID Case No. ARB/98/4), para. 81 (5 Feb. 2002).

۲۵۳- دادگاه اروپائی حقوق بشر به نوبه خود، در سنجش رعایت انصاف در دادرسی‌های ملی وفق بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپائی حقوق بشر<sup>۲۶۵</sup>، مقرر داشت "بخش ۱ ماده ۶ دادگاه‌ها را مکلف می‌کند احکام مدلل صادر کنند، اما نمیتواند اینگونه تلقی شود که پاسخ مشروح به کلیه استدلال‌ها را لازم می‌شمارد؛ گستره تکلیف ارائه دلیل، بسته به سرشت تصمیم، تغییر پذیر است."<sup>۲۶۶</sup>

۲۵۴- حکم نهائی حاضر، به شیوه‌ای سازگار با اوضاع و احوال این پرونده‌ها، به کفایت موضوعات اصلی را که طرفین ارائه کرده‌اند مورد بحث قرار می‌دهد، فروض موضوعی و حکمی را که دیوان نتیجه‌گیری‌هایش را بر آن استوار کرده مشخص می‌کند، و منطبق تصمیم دیوان را عرضه میدارد.

#### ۵- سایر خسارات

۲۵۵- اگرچه بیشتر خساراتی که ایران مطالبه می‌کند ناشی از تأمین خدمات حقوقی است، دو مبلغ نسبتاً درشت به خدمات حقوقی مربوط نیست، که در نتیجه در این بخش جداگانه به آن رسیدگی میشود. این مبالغ ("سایر خسارات") مربوط به دو جریان دادرسی در ایالات متحده است که اظهار شده در چارچوب تعهد اصل کلی ب قرار می‌گیرد.

#### الف) بهرینگ اینترنشنال، اینک. علیه ایران و دیگران

۲۵۶- در ارتباط با بهرینگ اینترنشنال، اینک. علیه ایران و دیگران، ایران مبلغ ۱۴۶،۲۶۷/۸۶ دلار به عنوان "سایر خسارات"<sup>۲۶۷</sup> مطالبه می‌کند. رویدادهای مربوط به این ادعا پیچیده است و اینجا به گونه‌ای فشرده بازگو میشود.<sup>۲۶۸</sup>

<sup>۲۶۵</sup> بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپائی حقوق بشر، در بخش زیربط مقرر میدارد که "در تعیین حقوق و تکلیف مدنی‌اش ... هر کس مستحق... جلسه استماع منصفانه... توسط [یک] دیوان داوری است..." Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (European Convention on Human Rights, as amended) (ECHR), art. 6 (1).  
<sup>۲۶۶</sup> Voloshyn v. Ukraine, App. No. 15853/08, Judgment, para. 29 (10 Oct. 2013). See also Ivan Stoyanov Vasilev v. Bulgaria, App. No. 7963/05, Judgment, para. 33 (4 June 2013); Lăcătuș and others v. Romania, App. No. 1269/04, Judgment, paras. 97-100 (13 Nov. 2012); García Ruiz v. Spain, App. No. 30544/96, Judgment, para. 26 (21 Jan. 1999); Van de Hurk v. The Netherlands, App. No. 16034/90, Judgment, para. 61 (19 Apr. 1994).

<sup>۲۶۷</sup> *Behring International Inc. v. Iran et al.*, 79-675 (D.N.J.).

<sup>۲۶۸</sup> بنگرید، بهرینگ اینترنشنال اینک. و نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران و دیگران، دستور موقت و قرار اعدادی شماره آی.تی.آی.تی.ال ۵۲-۳۸۲-۳ (۳۱ خردادماه ۱۳۶۴ [۲۱ ژوئن ۱۹۸۵])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۸، ص ۲۳۸. تشریح کاملتر سوابق این پرونده را در همان، ص ص ۲۸-۱۶، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۸، ص ص ۲۵۷-۲۴۸ ملاحظه کنید.

۲۵۷- این ادعا حول محور اختلافی است که به ادعای ایران در اثر عدم پایبندی به قرارداد واسطه حمل و نقل کالا بین بهرینگ اینترنشنال، اینک. ("بهرینگ") و نیروی هوایی ایران و دولت ایران (از این پس "ایران") در اوایل سال ۱۹۷۹، بوجود آمد.

۲۵۸- در نتیجه این اختلاف، بهرینگ دعوائی در دادگاه فدرال ایالات متحده در ناحیه نیوجرسی طرح کرد. این اختلاف در نوامبر ۱۹۷۹ خارج از دادگاه حل و فصل شد، معهذا جریان رسیدگی حقوقی ادامه یافت. دادرسی بعدی مربوط به هزینه‌های انبارداری اموال ایران در انبار بهرینگ بود. دادگاه فدرال ایالات متحده در ناحیه نیوجرسی طی تصمیم ۱۴ آبانماه ۱۳۶۰ [پنجم نوامبر ۱۹۸۱]، مقرر داشت که هر گونه ادعای بهرینگ در ارتباط با مخارج انبارداری مربوط به قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] باید نزد دیوان مطرح شود. [مطابق نظر همان دادگاه] دعاوی مربوط به مخارج انبارداری بعد از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، بر عکس می‌توانست در دادگاههای ایالات متحده رسیدگی شود، و دادگاه فدرال بابت چنین مخارجی به نفع بهرینگ حکم داد. این تصمیمات متعاقباً در مرحله پژوهش تأیید شد.

۲۵۹- در ژانویه ۱۹۸۲ بهرینگ بابت مخارج انبارداری قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دعوائی علیه ایران نزد دیوان طرح کرد. در ژوئیه ۱۹۸۳، در عین اینکه رسیدگی در دیوان در جریان بود، بهرینگ بر مبنای ادعای حق حبس انبارداری بر اموال ایران، که در انبارهایش در تصرف خود داشت، اعلام کرد قصد دارد در مزایده عمومی مورخ ۲۴ مرداد ماه ۱۳۶۲ [۱۵ اوت ۱۹۸۳] آن کالاها را بفروش برساند تا هزینه انبارداری را که مطابق ادعا ایران بدهکار بوده است پوشش دهد. پاره‌ای از هزینه های انبارداری مورد مطالبه که بهرینگ می‌خواست از طریق فروش اموال پوشش دهد، مربوط به هزینه‌های قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بود.<sup>۲۶۹</sup> در ۱۳ مرداد ماه ۱۳۶۲ [چهارم اوت ۱۹۸۳] ایران با تسلیم درخواست قرار موقت از دیوان خواست تا به بهرینگ دستور دهد از حراج اموال ایران تا صدور حکم نهائی بهرینگ توسط دیوان، خودداری کند. در ۱۹ مرداد ماه ۱۳۶۲ [۱۰ اوت ۱۹۸۳] دیوان با صدور یک قرار اعدادی به بهرینگ دستور داد "کلیه اقدامات لازم جهت عدم فروش دارائی‌ها را که قرار [بود] در ۱۵ اوت ۱۹۸۳ (۲۴ مرداد ۱۳۶۲) صورت پذیرد، به عمل آورد" تا زمانی که به طرفین "فرصت داده [شده باشد] که در مورد ادعاهای خود به نحو کاملتری به استدلال بپردازند."<sup>۲۷۰</sup> بهرینگ، به دستور دیوان در قرار اعدادی اعتنائی نکرد و به ایران اطلاع داد که قصد انجام مزایده را دارد.<sup>۲۷۱</sup>

<sup>۲۶۹</sup> بنگرید. همانجا. گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۸، ص ۲۵۵.

<sup>۲۷۰</sup> بنگرید به بهرینگ اینترنشنال کو اینک. و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و دیگران؛ دستور موقت و قرار اعدادی شماره آی. تی. ام. آی. تی. ال. ۵۲-۳۸۲-۳ (۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۴ [۲۱ ژوئن ۱۹۸۴])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان، جلد ۸، ص ۲۳۸، ۲۵۵.

<sup>۲۷۱</sup> بنگرید به بهرینگ اینترنشنال، اینک.؛ دستور موقت و قرار اعدادی شماره آی. تی. ام. آی. تی. ال. ۵۲-۳۸۲-۳ (۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۴ [۲۱ ژوئن ۱۹۸۴])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۸، ص ۲۴۱.

۲۶۰- ایران، بی‌آنکه توفیقی یابد، تلاش کرد در چارچوب دعوائی که بهرینگ در دادگاه فدرال علیه وی طرح کرده بود از فروش پیشگیری کند. در ۱۴ مرداد ماه ۱۳۶۲ [پنجم اوت ۱۹۸۳] ایران از دادگاه فدرال تقاضای صدور دستور منع موقت و توقیف ابتدائی عملیات فروش پیشنهادی بهرینگ را کرد. در ۱۹ مرداد ماه ۱۳۶۲ [۱۰ اوت ۱۹۸۳] دادگاه فدرال درخواست ایران را رد کرد.

۲۶۱- در نتیجه این تلاشهای ناموفق و خطر قریب الوقوع فروش، در ۲۳ مرداد ماه ۱۳۶۲ [۱۴ اوت ۱۹۸۳] ایران یادداشت تفاهمی با بهرینگ برای توقف جریان فروش، از جمله با پرداخت ۸۰۰،۰۰۰ دلار امضا کرد.<sup>۲۷۲</sup> بهرینگ در جریان رسیدگی دیوان شرکت داشت، یادداشت تفاهم کل خواسته بهرینگ در ادعای مطروح نزد دیوان را برآورده کرد.<sup>۲۷۳</sup>

۲۶۲- ایران بر مبنای اینکه بهرینگ با ادامه ندادن مشارکتش در جریان رسیدگی در پیشگاه دیوان، "رفتار نامناسبی" داشته، از این دیوان حکمی به مبلغ ۱۴۶،۲۶۷/۸۶ دلار آمریکا بابت هزینه‌های حقوقی در ارتباط با دیوان و بازیافت حق الزحمه کارشناسی تحصیل کرد.<sup>۲۷۴</sup> ایران نتوانسته این حکم را اجرا کند و این خواسته را اکنون به عنوان "سایر خسارتها" مطالبه می‌کند.<sup>۲۷۵</sup>

#### (۱) اظهارات طرفین

۲۶۳- ایران ادعا می‌کند ناتوانی در اجرای حکم نهائی برای مبلغ ۱۴۶،۲۶۷/۸۶ دلار آمریکا بدلیل قصور در خاتمه دادن به جریان رسیدگی ادعای بهرینگ، به ایالات متحده قابل انتساب است. موضع ایران اینست که "اگر ایالات متحده دادرسی دادگاه را خاتمه داده بود، بهرینگ ناگزیر دعوای خود را در دیوان پیگیری می‌کرد، و در آنجا مبلغ حکم صادره به نفع ایران میتوانست با تهاوتر مورد استفاده قرار گیرد."

۲۶۴- ایالات متحده استدلال می‌کند که جریان رسیدگی بهرینگ در دادگاه فدرال، مطابق اصل کلی ب در زمره تعهدات خاتمه دادن دعوای توسط دولت قرار نمی‌گیرد، چرا که ادعای مطروح در دادگاه‌های ایالات متحده در صلاحیت دیوان قرار نداشت. ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که مبلغ ۱۴۶،۲۶۷/۸۶ دلار آمریکا به عنوان "سایر خسارات" به هیچ روی ارتباطی با حضور یا ثبت [مدرک] در

<sup>۲۷۲</sup> بنگرید به همانجا. گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۸، ص ص ۲۴۲-۲۴۱.

<sup>۲۷۳</sup> بنگرید به همانجا. گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۸، ص ص ۲۴۲.

<sup>۲۷۴</sup> بهرینگ اینترنشنال اینک. و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و دیگران؛ دستور موقت و قرار اعدادی شماره آی.تی.ام/آی.تی.ال. ۵۲-۳۸۲-۳ (۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۴ [۲۱ ژوئن ۱۹۸۴])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۷، ص ص ۲۱۸، ۲۴۵. این حکم را شعبه سه صادر کرد.

<sup>۲۷۵</sup> بهرینگ در ماه مه ۱۹۸۵ اعلام ورشکستگی کرد (بنگرید به بهرینگ اینترنشنال، اینک. و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و دیگران، دستور موقت و قرار اعدادی شماره آی تی ام/آی تی ال ۵۲-۳۸۲-۳، ص ص ۱۵ (۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۴ [۲۱ ژوئن ۱۹۸۵]) چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۸، ص ص ۲۳۸، ۲۴۷).

دادرسی، که حکم جزئی شماره ۵۹۰<sup>۲۷۶</sup> جزء الزامات بحساب آورده، ندارد. و از ایالات متحده نباید توقع داشت در جایگاه خواننده (بهرینگ) که حکم را اجرا نکرد، قرار گیرد.

## (۲) تصمیم دیوان

۲۶۵- دیوان نتیجه می‌گیرد که دادرسی در دادگاه فدرال تا حدی که هزینه انبارداری مربوط به قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] را شامل می‌شد، وفق اصل کلی ب موضوع تعهد خاتمه دادن دعوا توسط ایالات متحده بود. موضوع دعوا الزامات ذریبط مقدماتی صلاحیت دیوان را برآورده می‌کند، و پرونده در ارتباط با دعوا نزد دیوان مطرح شده بود. بدینقرار، دیوان مقرر میدارد که دادگاه فدرال با عنایت به جریان داشتن رسیدگی موازی دستور موقت نزد دیوان، مکلف بود که جریان رسیدگی به توقیف مقدماتی در پرونده بهرینگ را متوقف کند، و از فروش ممانعت نماید. با قصور از این اقدام دادگاه فدرال رعایت اولویت صلاحیت دیوان و قرار اعدادی مورخ ۱۹ مرداد ۱۳۶۲ [۱۰ اوت ۱۹۸۳] را نکرد.

۲۶۶- دیوان آگاه است که "سایر خسارتهای" مورد مطالبه ایران ضرورتاً در عداد مواردی نیست که دیوان در زمان صدور حکم جزئی شماره ۵۹۰ جزو خسارات قابل جبران بحساب آورده باشد.<sup>۲۷۷</sup> اما، این به تنهایی، مانع از قابل جبران شناختن این خسارات توسط دیوان تا حدی که حکم جزئی شماره ۵۹۰ آنرا صراحتاً منع نکرده است نمیتواند باشد، و این [خسارات] ضوابط حقوق بین الملل را که فوقاً<sup>۲۷۸</sup> بحث شد برآورده می‌کند.

۲۶۷- اما، دیوان پرداخت (مبلغ ۱۴۶،۲۶۷/۸۶ دلار) غرامت "بابت سایر خسارات" به ایران را خالی از اشکال نمی‌یابد. با صدور حکم به مبلغ ۱۴۶،۲۶۷/۸۶ دلار به نفع ایران شعبه سه اظهار داشت مبلغ یاد شده به دلیل "رفتار نامناسب" بهرینگ [به زیان وی] حکم داده شد (بخصوص خودداری بهرینگ از ادامه شرکت در جریان رسیدگی دیوان، با قصور مکرر در ثبت لوایح و مدارکی که شعبه سه دستور ثبت آنرا داده بود).<sup>۲۷۹</sup> بدینقرار این دیوان تا کنون ما به ازای رفتار نامناسب بهرینگ را به ایران داده است. دیوان مناسب تشخیص نمیدهد که با صدور حکم در دادرسی حاضر ما به ازای فوق را تقویت کند. وظیفه دیوان نیست به موضوعاتی پردازد که، در عین اینکه مایه تأسف است، اما مشخصاً مرتبط با شیوه اجرا (ی حکم) و جدا از جریان رسیدگی حاضر است.

<sup>۲۷۶</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۱۰۲، گزارش آراء دیوان، جلد ۳۴، ص ۱۳۸.

<sup>۲۷۷</sup> بنگرید به همانجا.

<sup>۲۷۸</sup> بنگرید به بند ۱۹۱، بالا.

<sup>۲۷۹</sup> بهرینگ اینترنشنال، اینک. و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۵۲۳-۳۸۲-۳ (هفتم

آبانماه ۱۳۶۴ [۲۹ اکتبر ۱۹۹۱])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان، جلد ۲۷، ص ۲۱۸، ۲۴۵.

۲۶۸- مضافاً، و اساساً، دیوان با ادعای ایران مبنی بر اینکه "اگر ایالات متحده دادرسی دادگاه را خاتمه داده بود، بهرینگ ناگزیر دعوای خود را در دیوان پیگیری می کرد، و در آنجا مبلغ حکم صادره به نفع ایران می توانست با تهاتر مورد استفاده قرار گیرد" موافق نیست. چنانچه بهرینگ دعوای خود را در پیشگاه دیوان پیگیری کرده بود، شعبه سه مبلغ ۱۴۶،۲۶۷/۸۶ دلار را در قبال رفتار مناسب بهرینگ به نفع ایران حکم نمی داد و تهاتری هم نمی توانست صورت بندد. در چنین اوضاع و احوالی، نمیتوان نتیجه گرفت که ناتوانی ایران از بازیافت آن مبلغ به قصور در متوقف کردن جریان رسیدگی نزد دادگاه فدرال و تجویز دادگاه به ادامه جریان فروش، به ایالات متحده قابل انتساب است.

۲۶۹- بنابراین دیوان نتیجه می گیرد که ایران اسحقاق دریافت "سایر خسارات" ادعائی در ارتباط با جریان رسیدگی بهرینگ را ندارد.

(ب) ماریوت کورپ و دیگران علیه راجرز اند ولز علیه بنیاد پهلوی ایران و بنیاد علوی ایران

۲۷۰- ایران در ارتباط با ماریوت کورپ و دیگران علیه راجرز اند ولز علیه بنیاد پهلوی ایران و بنیاد علوی ایران (پرونده ماریوت)،<sup>۲۸۰</sup> در چارچوب ادعای (ح) مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار بابت "خسارتهای دیگر" ادعا می کند و این مبلغی است که مؤسسه حقوقی راجرز اند ولز (راجرز اند ولز) پیرو قراردادی بین آن [مؤسسه] و ماریوت کورپوریشن و ماریوت هتل سرویرسز و منیجمنت کورپوریشن (مجموعاً "ماریوت") و بنیاد پهلوی ایران به عنوان امین در اختیار داشت. رویدادهای ذیربط مربوط به پرونده ماریوت فوقاً بازگو شد.<sup>۲۸۱</sup> همانگونه که گفته شد، دادگاه بدوی ایالت نیویورک ("دادگاه بدوی نیویورک") طی دستور مورخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] به راجرز اند ولز دستور داد مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار را به نفع ماریوت آزاد کند.

#### (۱) اظهارات طرفین

۲۷۱- ایران ادعا می کند، که ایالات متحده باید مسئول خسارات ناشی از قصور در خودداری از ابطال دستور مورخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] دادگاه بدوی ایالات نیویورک ("دستور پنجم مه ۱۹۸۱") شناخته شود، خسارتی که به نظر ایران، ایالات متحده با نقض مفاد بیانیه های الجزایر مستقیماً باعث آن شد. بویژه ایالات متحده، تعهد خود در اصل کلی ب دایر بر ابطال احکام اخذ شده توسط اتباع ایالات متحده علیه ایران در دادگاههای آن کشور را نقض کرد. ایران مدعیست که ۵۰،۰۰۰ دلاری که طی دستور مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] توسط راجرز اند ولز به نفع ماریوت آزاد شد خسارتی است که "علت مستقیم" ورود آن به ایران تخلف ایالات متحده بود. در جلسه استماع ایران استدلال کرد که،

<sup>۲۸۰</sup> *Marriott Corp. et al. v. Rogers & Wells v. Pahlavi Foundation of Iran & Alavi Foundation of Iran*,

21884/79 (Sup. Ct. N.Y.). بنگرید به بندهای بالا.

<sup>۲۸۱</sup> بنگرید به بندهای ۱۳۵-۱۳۲، بالا.

اگر دستور ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] باطل شده بود، ۵۰،۰۰۰ دلار به ماریوت پرداخت نمی‌شد، بلکه به راجرز اند ولز بازگردانده میشد و سرانجام وفق بندهای ۸-۶ بیانیه عمومی توسط ایالات متحده به ایران یا به حساب امانی مقرر در بیانیه عمومی انتقال می‌یافت. متعاقب آن، چنانچه ماریوت میخواست ادعای خود بابت ۵۰،۰۰۰ دلار را پیگیری کند، میتوانست ادعایش را در پیشگاه دیوان طرح کند.

۲۷۲- ایالات متحده استدلال می‌کند که ادعائی که منبای پرونده ماریوت بود در محدوده تعهدات ایالات متحده در اصل کلی ب قرار نمی‌گرفت زیرا ایران خوانده آن دادرسی نبود. ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که بهر تقدیر، ۵۰،۰۰۰ دلار ادعائی ایران در "سایر خسارتهای" به هیچ روی معیارهای جبران خسارت تعیین شده در حکم جزئی شماره ۵۹۰ را برآورده نمی‌کند زیرا این مبلغ با حضور و ثبت [مدارک] در طی جریان دادرسی ارتباطی ندارد.

### (۲) تصمیم دیوان

۲۷۳- طی موافقتنامه امانی مورخ ششم دیمه ۱۳۵۶ [۲۷ دسامبر ۱۹۷۷] بین راجرز اند ولز، ماریوت و بنیاد پهلوی ایران (که بنیاد علوی ایران جایگزین آن شد) ("بنیاد")، ماریوت و بنیاد این اختیار را به راجرز اند ولز اعطا کردند که وفق موافقتنامه ۲۲ آذر ماه ۱۳۵۶ [۱۳ دسامبر ۱۹۷۷] بین ماریوت و بنیاد، (موافقتنامه ۲۲ آذر ماه ۱۳۵۶ [۱۳ دسامبر ۱۹۷۷]) از جانب ماریوت مبلغ "۵۰،۰۰۰ دلار که بنیاد مطابق قرارداد متعهد پرداخت آن [بود]" را "دریافت" و به صورت امانت نزد خود نگهدارد. راجرز اند ولز این ۵۰،۰۰۰ دلار را در صورت ایفای برخی تعهدات توسط ماریوت وفق موافقتنامه ۲۲ آذر ماه ۱۳۵۶ [۱۳ دسامبر ۱۹۷۷] ("موافقتنامه ۲۲ آذر ماه ۱۳۵۶") با دریافت اعلامیه‌ای از ماریوت و بنیاد، به نفع ماریوت آزاد میکرد.<sup>۲۸۲</sup>

۲۷۴- در ۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۸ [۱۳ فوریه ۱۹۸۰] دادگاه بدوی ایالت نیویورک ("دادگاه بدوی") درخواست ماریوت را برای صدور حکم دادرسی اختصاری مبنی بر آزاد شدن مبلغ به نفع آن [شرکت] رد کرد ("تصمیم ۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۸ [۱۳ فوریه ۱۹۸۰]")<sup>۲۸۳</sup> چرا که هنوز اثبات نشده بود که آیا شرایط مندرج در موافقتنامه حساب امانی برای آزاد کردن وجه به نفع ماریوت برآورده شده است یا خیر (دیدگاهی که اساساً ایالات متحده در تذکاریه ذینفع ثبت شده در ۱۷ تیر ماه ۱۳۶۰ [هشتم ژوئیه ۱۹۸۱] در جریان رسیدگی پژوهش لاحق، با آن موافق بود)<sup>۲۸۴</sup>. در هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [۲۸ آوریل ۱۹۸۱] شعبه پژوهش دادگاه نیویورک ("شعبه پژوهش") تصمیم ۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۸ [۱۳ فوریه ۱۹۸۰] را شکست و مقرر داشت که مالکیت مبلغ امانی با موافقتنامه ۲۲ آذر ماه ۱۳۵۶ [۱۳ دسامبر ۱۹۷۷] به ماریوت انتقال یافته؛

<sup>۲۸۲</sup> بنگرید به زیرنویس ۱۳۸، بالا.

<sup>۲۸۳</sup> بنگرید به بند ۱۳۳، بالا.

<sup>۲۸۴</sup> ایالات متحده ادعا می‌کرد که ایران نفع چشمگیری در حساب امانی داشت و در نتیجه از دادگاه تقاضا کرد قرار ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] مرتفع کند و به ماریوت دستور دهد که مبلغ را به راجرز اند ولز مسترد دارد، و به راجرز اند ولز دستور داده شود که ۵۰،۰۰۰ دلار را تا صدور دستور وزارت خزانه‌داری نگهدارد. نیز بنگرید بند ۱۳۳ بالا.



و اینکه، در نتیجه، حکم دادرسی اختصاری توسط دادگاه بدوی باید به نفع ماریوت صادر شود.<sup>۲۸۵</sup> به بیان شعبه پژوهش:

به محض ایفای شروط [مندرج در موافقتنامه بین ماریوت و بنیاد] توسط ذینفع (ماریوت)، [شرکت] اخیر، به دریافت مال امانی که به نفع وی به امانت سپرده شده، استحقاق کامل پیدا می‌کند. ... در واقع مالکیت نسبت به مبلغ امانی زمانی که کل مبلغ به ماریوت قابل پرداخت شد، به [آن شرکت] انتقال یافته است. اگرچه وجه در حساب امانی بود ... حق مالکیت به ماریوت تعلق داشت مشروط به ایفای شروط فوق.<sup>۲۸۶</sup>

۲۷۵- در اجرای تصمیم مورخ هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [۲۸ آوریل ۱۹۸۱] شعبه پژوهش دستور مورخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] را صادر کرد و مقرر داشت که راجرز اند ولز ۵۰,۰۰۰ دلار آمریکا را آزاد کند و به ماریوت بپردازد. راجرز اند ولز در ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] به همین نحو عمل کرد. متعاقباً بنیاد درخواستی در دادگاه بدوی برای لغو قرار ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [۲۸ آوریل ۱۹۸۱] به ثبت رساند. در ۱۷ تیر ماه ۱۳۶۰ [هشتم ژوئیه ۱۹۸۱] ایالات متحده در حمایت از درخواست بنیاد مبنی بر لغو قرار، تذکاریه ذینفع به ثبت رساند.<sup>۲۸۷</sup> در ۲۶ آذر ماه ۱۳۶۰ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۱] دادگاه بدوی درخواست بنیاد را رد کرد.<sup>۲۸۸</sup> بنیاد پژوهشخواهی کرد. دادگاه تمیز ایالت نیویورک یعنی عالی‌ترین مرجع قضائی ایالت، در دسامبر ۱۹۸۳ درخواست پژوهش بنیاد را رد کرد.

۲۷۶- از آنجا که شالوده ادعای پرونده ماریوت [در ایالات متحده] در محدوده‌ای که به بنیاد به عنوان خواننده مربوط میشد، در صلاحیت دیوان قرار داشت<sup>۲۸۹</sup>، اصل کلی ب ایالات متحده را مکلف میکرد که تصمیم هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [۲۸ آوریل ۱۹۸۱] شعبه پژوهش و نیز دستور ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] دادگاه بدوی را ابطال کند؛ این تعهد در ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] [برای ایالات متحده] محقق شد.<sup>۲۹۰</sup> اما، چون آن دو تصمیم در تاریخ یاد شده اجرا شده بود، و بدین طریق مبلغ امانی به نفع ماریوت آزاد شده بود، بمنظور ایفای تعهد ابطال مندرج در اصل کلی ب، تا ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] ایالات متحده میبایست این دو تصمیم را شکسته باشد و دستور داده باشد که مبلغ امانی به راجرز اند

<sup>۲۸۵</sup> بنگرید به بند ۱۳۴، بالا.

<sup>۲۸۶</sup> *Marriott Corp. et al. v. Rogers & Wells*, 438 N.Y.S. 2d, 330, 332

<sup>۲۸۷</sup> بنگرید به بند ۱۳۴ و زیرنویس ۲۸۴، بالا.

<sup>۲۸۸</sup> بنگرید به بند ۱۳۴، بالا.

<sup>۲۸۹</sup> بنگرید به بند ۱۳۹، بالا.

<sup>۲۹۰</sup> بنگرید حکم جزئی شماره ۵۹۰، بندهای ۱۸۴، ۲۱۴ الف (ح)(۱)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ص

۱۵۸-۱۵۷، ۱۶۸ و بند ۱۳۹ بالا. دیوان همچنین خاطر نشان میشود که دستور اجرائی ۱۲۲۹۴ اجرای آن دو تصمیم را بحالت تعلیق در آورد و آنها را فاقد اثر حقوقی اعلام کرد. بنگرید بند ۱۲۴ بالا. اما دادگاه‌های نیویورک دستور اجرائی را در ارتباط با این دو تصمیم اجرا نکردند.

ولز مسترد شود. موضع همزمان دولت ایالات متحده در تذکاریه ذینفع ثبت شده در ژوئیه ۱۹۸۱ در دادگاه بدوی ایالت نیویورک در تأیید درخواست لغو [قرار] بنیاد، نیز همین بود، و از دادگاه خواست قرار ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] را ابطال و به ماریوت دستور دهد وجه را به راجرز اند ولز مسترد دارد<sup>۲۹۱</sup>؛ به نظر ایالات متحده، "در محدوده‌ای که [دستور اجرائی ۱۲۲۹۴] و [اجرای مقررات خزانه‌داری] دعاوی را بحالت تعلیق درمی‌آورد، [دستور پنجم مه ۱۹۸۱] نمی‌بایست صادر می‌شد."

۲۷۷- تصمیم ۲۶ آذر ماه ۱۳۶۰ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۱] دادگاه بدوی و تصمیم دسامبر ۱۹۸۳ شعبه پژوهش نیویورک، به سهم خود، تعهد ایالات متحده ذیل اصل کلی ب مبنی بر خاتمه دادن به دادرسی‌هایی که فراگیر ادعاهائی بود که احتمالاً در صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت را نقض کرد، و در نتیجه "از ابتدا باطل و کان لم یکن بود، در عرصه بین‌المللی فاقد اثر می‌باشد."<sup>۲۹۲</sup>

۲۷۸- در این ادعا، ایران خواهان خساراتی است که از قصور ایالات متحده در ابطال قرار مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] منتج شده است. آن دستور "پس از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] موجود بود"<sup>۲۹۳</sup> و دیوان مقرر میدارد که ایران برای رفع قرار و استرداد مبلغ امانی به راجرز اند ولز "بگونه‌ای معقول متحمل"<sup>۲۹۴</sup> هزینه‌های حقوقی شد. بدین‌قرار در اجرای ضابطه تحمل معقول [خسارت] که حکم جزئی شماره ۵۹۰ بنا نهاده است،<sup>۲۹۵</sup> دیوان مقرر میدارد که ایالات متحده تعهدات خود در بیانیه‌های الجزایر را در ارتباط با ابطال قرار مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] نقض کرد.<sup>۲۹۶</sup> این نتیجه‌گیری لاجرم به تصمیم هشتم اردیبهشت ۱۳۶۰ [۲۸ آوریل ۱۹۸۱] شعبه پژوهش که قرار ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [پنج مه ۱۹۸۱] را فعال کرد، قابل اعمال است. بنابراین بر عهده دیوان است که تعیین کند که "ماهیت و میزان خساراتی که ایران احیاناً در نتیجه آن احکام قضائی متحمل گردیده چه بوده است."<sup>۲۹۷</sup>

۲۷۹- اگر ایالات متحده تعهداتش را در خصوص ابطال تصمیم هشتم اردیبهشت ماه [۲۸ آوریل] شعبه پژوهش و مهم‌تر از آن قرار ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] ایفا کرده بود، مبلغ امانی را به راجرز

<sup>۲۹۱</sup> بنگرید به بند ۲۸۴، بالا.

<sup>۲۹۲</sup> IAN BROWNLIE, PRINCIPLES OF PUBLIC INTERNATIONAL LAW 509 (7th ed. 2008). ("اصولاً")

دادرسی‌های دادگاه‌های محلی متضمن صلاحیت نامتعادل و افراطی، از آغاز باطل و کان لم یکن است و فاقد اثر در عرصه بین‌المللی ("

(quoting Case Concerning the Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belg. v. (Spain), Judgment, 1970 I.C.J. 3, 106 (Separate Opinion of Judge Fitzmaurice) (5 Feb ۱۹۳۳ حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۲۱۴ الف (ح) (۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸.

<sup>۲۹۴</sup> همانجا.

<sup>۲۹۵</sup> بنگرید به بند ۱۲۳، بالا.

<sup>۲۹۶</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۲۱۴ الف (ح) (۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸ و بندهای

۱۴۰-۱۳۷، بالا.

<sup>۲۹۷</sup> بنگرید به حکم جزئی شماره ۵۹۰، بند ۲۱۴ الف (ح) (۲)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۶۸.

اند ولز مسترد میکرد، و فقط در صورتی به ماریوت پرداخت میشد که حکمی از دادگاه صالح در خصوص حل و فصل اختلاف با بنیاد اخذ میکرد، مبنی بر اینکه شرایط مندرج در موافقتنامه امانی جهت آزاد شدن مبلغ به نفع ماریوت برآورده شده است.<sup>۲۹۸</sup> از آنجا که ادعای مبنای اختلاف بین ماریوت و بنیاد در حوزه صلاحیت دیوان قرار داشت،<sup>۲۹۹</sup> وفق اصل کلی ب فقط دیوان صلاحیت تصمیم گیری در آن را داشت نه دادگاههای ایالات متحده. بگونه‌ای که رخ داد، تا ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] یعنی سررسید تعیین شده در بند ۳ ماده سه بیانیه‌های حل و فصل دعاوی، ماریوت بر پایه ادعائی که مبنای پرونده ماریوت [در ایالات متحده] باشد، نزد دیوان دعوائی به ثبت نرساند. احتمالاً به این علت که پیرو دستور ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] وجه امانی را از راجرز اند ولز دریافت کرده بود و انگیزه‌ای برای این اقدام نداشت. نتیجتاً هیچ دادگاه صالحی هرگز به استحقاق ماریوت به مبلغ امانی حکم نداد، و بنابراین مبلغ یاد شده باید در حساب امانی باقی می‌ماند. به دلایل پیشگفته، شعبه پژوهش مطابق بیانیه‌های الجزایر صلاحیت تعیین تکلیف در این خصوص را نداشت.<sup>۳۰۰</sup>

۲۸۰- مطابق قانون حاکم نیویورک، شخصی که مالی را به امانت می‌سپارد (امانتگذار) تا برآورده شدن شرایط قرارداد امانی کماکان از حق مالکیت خود، برخوردار است.<sup>۳۰۱</sup> در صورت وجود اختلاف، تا زمانی که مرجع رسیدگی با اثر قهرقراضی تعیین کند آیا شرایط قرارداد امانی حاصل شده است یا خیر، حق مالکیت به مال امانی باید برای امانتگذار مفروض باشد. اما در ارتباط با اختلاف بین ماریوت و بنیاد که مبنای پرونده ماریوت [در ایالات متحده] بود، در ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] دیوان یعنی تنها مرجعی که مطابق بیانیه‌های الجزایر میتوانست در باره آزاد شدن مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا و احراز شدن شروط قرارداد

<sup>۲۹۸</sup> همچنین بنگرید به تذکاریه ذینفع که دولت ایالات متحده در ژوئیه ۱۹۸۱ در دادگاه بدوی ایالت نیویورک در حمایت از درخواست بنیاد مبنی بر لغو قرار ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنج مه ۱۹۸۱]، ثبت کرد، بنگرید به بند ۲۷۴ و زیرنویس ۲۸۴، بالا.

<sup>۲۹۹</sup> بنگرید به بند ۱۳۹، بالا.

<sup>۳۰۰</sup> بنگرید به بند ۲۷۴، بالا.

<sup>۳۰۱</sup> Press v. Marvalan Industries, Inc. et al., 422 F.Supp. 346 (D.N.Y. 1976) (علقه مالکیت تا حصول شرایط

موافقتنامه امانی با شخصی که مال را به امانت سپرده باقی می‌ماند)؛ National Union Fire Insurance Co. Pittsburgh, Pennsylvania v. Proskauer Rose Goetz & Mendelsohn et al., 165 Misc.2d 539, 634 N.Y.S.2d 609 (N.Y.S.2d 1994) (منافع مالکانه تا برآورده شدن شروط موافقتنامه امانی از آن کسی است که مال را به امانت سپرده است)؛

Jofen v. Epoch Biosciences, Inc., 2002 WL 1461351 (S.D.N.Y. 2002) (به عنوان یک اصل کلی در حقوق

نیویورک، سپردن مال به امانت تا پیش شرط‌های آزاد شدن مالی حاصل نشده باشد، باعث انتقال مالکیت به ذینفع نمی‌شود)؛ همچنین بنگرید (Knoll et al. v. Butler et al., 675 A.2d 1308 (Pa. Commw. Ct. 1996) (اگر شرایط [قرارداد] امانی برآورده نشود، امین معمولاً مبلغ امانی را به سپارنده/ خریدار بازمیگرداند، مگر واقعیات مربوط به یک قرارداد امانی خاص غیرعادی باشد) (حقوق پنسیلوانیا)

امانی تصمیم بگیرد، دیگر در دسترس نبود.<sup>۳۰۲</sup> در چنین وضعیتی، اگر بخاطر تصمیم هشتم اردیبهشت ۱۳۶۰ [۲۸ آوریل ۱۹۸۱] شعبه پژوهش نبود، مبلغ امانی در مالکیت بنیاد که سپارنده اصلی بود باقی می ماند. تصمیم هشتم اردیبهشت ۱۳۶۰ شعبه پژوهش و قرار ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنج مه ۱۹۸۱] که به راجرز اند ولز دستور آزاد کردن مبلغ امانی به نفع ماریوت را داد، عملاً بنیاد را از پولی که در شرایط قبل از آن تصمیمات مالککش بود محروم کرد. دیوان بابت از دست رفتن مالکیت بنیاد بر مبلغ [امانی] که می توانست با ابطال تصمیم هشتم اردیبهشت ۱۳۶۰ [۲۸ آوریل ۱۹۸۱] شعبه پژوهش و قرار ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنج مه ۱۹۸۱] توسط ایالات متحده همچنان برقرار بماند، به ایران غرامت می پردازد.<sup>۳۰۳</sup>

۲۸۱- نظر به آنچه گفته شد، دیوان نتیجه می گیرد که در پی قصور ایالات متحده از پایبندی به تعهداتش وفق بیانیه های الجزایر در خصوص ابطال دستور ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] دادگاه بدوی نیویورک، ایران متحمل مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار خسارت شد. نتیجتاً، دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می دهد.

#### چهار- بهره

۲۸۲- دیوان وفق رویه خود،<sup>۳۰۴</sup> مقرر می دارد که برای جبران خسارات متحمل در اثر تأخیر تأدیه، ایران بابت مطالباتش از ایالات متحده مطابق حکم حاضر استحقاق دریافت بهره را دارد.

#### الف- نرخ بهره

۲۸۳- مطابق حقوق بین الملل عرفی، به گونه ای که در ماده ۳۸ از مواد مسئولیت دولت برای اقدامات زیانبار کمیسیون حقوق بین الملل بیان شده، نرخ بهره مبلغ قابل پرداخت توسط دولتی که از نظر بین المللی

<sup>۳۰۲</sup> دیوان استدلالی را که ایران می توانست ادعائی بر مبنای بند ۸ بیانیه عمومی در پیشگاه دیوان طرح کند، را مد نظر قرار داده است. هر چند، می تواند صحیح باشد، که ایران می توانست چنین کند، طریق فعلی پیگیری ادعای (ح) مطابق اصل کلی ب نیز به همان میزان طریق مشروع و قانونی است: نقض اصل کلی ب صورت گرفته و باعث ورود زیان شده است. در ارتباط با نظر جداگانه ای که در قبال انتخاب های شکلی ایران موضع دارد، می توان گفت که دیوان باز نیاز به قائل شدن تفکیک دارد، بین دادرسی مربوط به یک شرکت خصوصی ایالات متحده و یک واحد ایرانی که باید در پیشگاه دیوان مطرح میشد و تصمیم گیری دادگاه ایالات متحده در عدم مطاوعت از معاهده، باعث ورود زبانی به ایران شد که خواهان در صدد اخذ خسارت بابت آنست، از یکسو، و اختلاف بین دو دولت طرف، وفق بند ۸، از سوی دیگر. ماریوت باید به دیوان مراجعه می کرد، اما در واقع امر، دادگاه ایالات متحده وی را از این اقدام بی نیاز کرد. ایران در انتخاب سبب دعوی خود حق گزینش داشت [و راه فعلی را برگزید].

<sup>۳۰۳</sup> دیوان این نتیجه را نمی گیرد که بنیاد استحقاق دریافت مبلغ امانی را داشت.

<sup>۳۰۴</sup> بنگرید، برای نمونه، سازمان انرژی اتمی ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۲۴۶-ب/۷-۱ (۲۴ مرداد ماه

مسئول است، "به گونه‌ای تعیین خواهد شد که به [جبران کامل خسارت]<sup>۳۰۵</sup> بالغ گردد". با در ذهن داشتن این ضریب ثابت، دیوان نرخ‌ی را تعیین خواهد کرد که "با در نظر گرفتن کلیه اوضاع و احوال مربوط، معقول باشد و دیوان نیز حق دارد به موجب اختیاری که در این زمینه به وی تفویض گردیده، چنین اوضاع و احوالی را مد نظر قرار دهد."<sup>۳۰۶</sup> در بهره‌گیری از اختیار وسیع و استفاده از صلاحدید خویش، دیوان نرخ بهره‌ای را برخواهد گزید که نه فراتر و نه کمتر از خسارتی باشد که خواهان واقعاً متحمل شده است.

۲۸۴- ایران نرخ بهره ده درصد در سال از تاریخ انجام پرداخت‌ها تا زمان پرداخت مبلغ حکم را مطالبه می‌کند. در تأیید ادعای خود، ایران به شماری از تصمیماتی که شعب دیوان در دعاوی رسمی در میانه یا پایان دهه ۱۹۸۰<sup>۳۰۷</sup> بین ایران و ایالات متحده اتخاذ کرده‌اند، استناد می‌کند.<sup>۳۰۸</sup> یافته دیوان اینست که هر چند حکم به بهره ده درصدی در زمانی که آن تصمیمات اتخاذ شد می‌توانسته معقول باشد، امروزه به دلیل کاهش پیوسته‌ی نرخ بهره از سال ۱۹۹۰ و افت شدید بهره در اثر بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، معقول نیست.

۲۸۵- در حکم مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۷۷ [پنجم ژوئن ۱۹۹۸] در پرونده جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا (پرونده الف-۲۷)،<sup>۳۰۹</sup> در تعیین نرخ بهره دوره بعد از صدور حکم برای مبلغی که به نفع ایران حکم داده بود، دیوان روش شعبه یک در رأی سال ۱۹۸۵ در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینک. ("سیلوانیا")<sup>۳۱۰</sup> را راهنمای خود به حساب آورد، هر چند که صراحتاً متعرض این راهنمایی نشد.<sup>۳۱۱</sup> در سیلوانیا، شعبه یک مقرر داشت که، در نبود شرط قراردادی برای نرخ بهره،

<sup>۳۰۵</sup> Int'l Law Comm'n, *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*, with Commentaries, Rep. of the Int'l Law Comm'n, 53rd sess, 23 Apr.-1 June, 2 July-10 Aug. 2001, art. 38 (1), U.N. Doc. A/56/10; GAOR, 56th Sess., Supp. No 10 (2001)

<sup>۳۰۶</sup> میک کلوگ اندکو و وزارت پست و تلگراف و تلفن و دیگران، حکم شماره ۲۲۵-۸۹-۳، بند ۹۹ (نهم مرداد ماه ۱۳۶۵ [۲۲ آوریل ۱۹۸۶])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۱، ص ۳، ۲۹.

<sup>۳۰۷</sup> مطابق بند ۲ ماده ۲ بیانیه حل و فصل ادعاها، دیوان "همچنین درباره ادعاهای رسمی ایالات متحده و ایران علیه یکدیگر ناشی از قراردادهای فیما بین در خصوص خرید و فروش اجناس و خدمات، صلاحیت داوری خواهد داشت." بیانیه حل و فصل، ماده دو (۲) گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۹.

<sup>۳۰۸</sup> بنگرید برای نمونه، شرکت مخابرات ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۲۵۷-ب/۵۵-۱ (۲۸ آذرماه ۱۳۶۸ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۹]) گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۳، ص ۳۲۰؛ سازمان انرژی اتمی ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۲۴۶-ب/۷-۱ (۲۴ مرداد ماه ۱۳۶۵ [۱۵ اوت ۱۹۸۶])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۶، ص ۱۲؛ سازمان محیط زیست جمهوری اسلامی ایران، و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۱۰۷-ب/۵۳-۱ (پنجم دیماه ۱۳۶۲ [۲۵ ژانویه ۱۹۸۴])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۵، ص ۱۰۵.

<sup>۳۰۹</sup> جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۵۸۶-الف/۲۷-هیئت عمومی دیوان (۱۵ خرداد ماه ۱۳۷۷ [پنجم ژوئن ۱۹۹۸]) چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۳۹.

<sup>۳۱۰</sup> سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینک. و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱۸۰-۶۴-۱ (ششم تیر ماه ۱۳۶۴ [۲۷ ژوئن ۱۹۸۵])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۸، ص ۲۹۸.

نرخ بهره را بر مبنای مبلغی محاسبه می‌کند که محکوم له با دریافت بموقع محکوم به و نتیجتاً در اختیار داشتن آن، از طریق نوعی سرمایه‌گذاری متداول در کشور خود، می‌توانست به آن میزان منتفع شود. سپرده‌های شش ماهه در ایالات متحده نوعی سرمایه‌گذاری که متوسط نرخ بهره آنها را می‌توان از یک منبع رسمی و موثق به دست آورد.<sup>۳۱۲</sup>

بنابراین در سیلوانیا شعبه یک، به میانگین نرخ بهره شش ماهه گواهی سپرده ایالات متحده از تاریخ بوجود آمدن دین تا تاریخ پرداخت مبلغ حکم، به نفع خواهان حکم داد. ("میانگین شش ماهه نرخ گواهی سپرده").<sup>۳۱۳</sup>

۲۸۶- اعمال میانگین شش ماهه نرخ گواهی سپرده در تعیین بهره پس از صدور حکم توسط دیوان در پرونده شماره الف-۲۷ و اوضاع و احوال خاص آن پرونده شاید قابل توجیه بوده باشد، زیرا دیوان بهره ساده با نرخ ده درصد در سال برای تعیین بهره پس از صدور حکم را بر این مبنا که "چنانچه حوزه ۲ دادگاه پژوهش فدرال تصمیم به اجابت درخواست ایران برای اجرای حکم آوکو می‌گرفت محتملاً این بهره را اعطا می‌نمود" تعیین کرد.<sup>۳۱۴</sup> اما، دیوان اعمال نرخ میانگین شش ماهه گواهی سپرده را در پرونده حاضر معقول نمی‌داند. نخست اینکه، واقع‌گرایانه نیست که فرض شود طرف ایرانی، چنانچه پرداخت به او به موقع انجام می‌شد، وجه را در ایالات متحده به عنوان سرمایه‌گذاری تجاری مرسوم در آنجا، مانند گواهی‌های سپرده، سرمایه‌گذاری می‌کرد. دوم، بیشتر محتمل است فرض شود برای پوشش دادن دوره‌ای که از پرداخت وجه خودداری شده بود، شخصیت حقوقی عمومی مانند ایران می‌توانست به اخذ وام نیازمند باشد.

۲۸۷- دیوان خاطر نشان می‌کند که آخرین نرخ میانگین شش ماهه سپرده ثابت که توسط بانک فدرال رزرو نیویورک ("بانک فدرال رزرو") انتشار یافته مربوط به ماه ژوئن ۲۰۱۳ است.<sup>۳۱۵</sup> دیوان همچنین متذکر می‌شود که از دسامبر ۲۰۱۳، بانک فدرال رزرو انتشار نرخ‌های گواهی سپرده شش ماهه را متوقف

<sup>۳۱۱</sup> بنگرید جمهوری اسلامی ایران (پرونده شماره الف/۲۷)، بند ۷۸، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۶۱.

<sup>۳۱۲</sup> سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینک. گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۸، ص ۳۲۰ (زیرنویس حذف شده).

<sup>۳۱۳</sup> همانجا، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۸، ص ۳۲۲.

<sup>۳۱۴</sup> جمهوری اسلامی ایران (پرونده الف-۲۷)، بند ۷۶، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۶۰. دیوان در حکم پرونده الف-۲۷ مقرر داشت که، بخاطر امتناع دادگاه پژوهش ناحیه دو ایالات متحده از اجرای حکم دیوان در پرونده آوکو کورپ، و صنایع ایران و دیگران، حکم شماره ۳۷۷-۳۶۱-۳ (۲۷ تیر ماه ۱۳۶۷ [۱۸ ژوئیه ۱۹۸۸])، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۹، ص ۲۰۰ ("حکم آوکو")، ایالات متحده تعهد خود در بیانیه‌های الجزایر را دائر بر حصول اطمینان در اینکه حکم دیوان در حوزه صلاحیتی ایالات متحده نهائی و قطعی، معتبر و قابل اجرا تلقی شود، نقض کرده است. در نتیجه، دیوان مبلغ محکوم به رأی پرونده آوکو را به اضافه بهره به نفع ایران حکم داد (پرونده الف-۲۷)، بند ۸۳، چاپ شده در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۶۲.

<sup>۳۱۵</sup> مراجعه کنید به:

کرده است. از ۱۴ آذر ماه ۱۳۹۲ [پنجم دسامبر ۲۰۱۳] بانک فدرال رزرو نیویورک اطلاعیه زیر را انتشار داد:

### توقف نرخ‌های گواهی سپرده (بازار ثانویه)

پس از نشر مورخ ۲۵ آذر ماه ۱۳۹۲ [۱۶ دسامبر ۲۰۱۳]، H.15 انتشار نرخ‌های ۱ ماهه، ۳ ماهه، و ۶ ماهه سپرده ثابت را متوقف خواهد کرد. فرسایش اخیر، هم تعداد و هم انواع مؤسساتی را که مظنه را گزارش می‌کردند تا به عنوان مبنای چالشی در بدست دادن تخمینی از نظر آماری استوار از نرخ سپرده ثابت باشد، تقلیل یافته است، و [در نتیجه] ادامه انتشار عملی نیست. نرخ‌های پیشین در برنامه بارگیری داده‌های فدرال رزرو (DDP) در دسترس خواهد بود.<sup>۳۱۶</sup>

بنابراین، امکان بهره‌گیری از میانگین شش ماهه سپرده ثابت برای تمام دوره‌های ذیربط برای دیوان، حتی اگر اعمال آن در این پرونده‌ها معقول شناخته بود، دیوان وجود ندارد.

۲۸۸- بدین ترتیب، با لحاظ کلیه اوضاع و احوال ذیربط و لوایح تقدیمی در پرونده حاضر، دیوان منصفانه و معقول می‌یابد به کلیه مبالغی که به نفع ایران حکم داد، بهره ساده پیش از صدور حکم، با نرخ سالانه (بر اساس هر سال ۳۶۵ روز) معادل میانگین نرخ وام ترجیحی بانکهای تراز اول ایالات متحده در دوره‌ای که دیوان مقرر کرده آن مبالغ در آن تاریخ‌ها قابل پرداخت بوده، تا زمان صدور حکم، تعلق گیرد. در تعیین بهره وام بانکهای تراز اول ایالات متحده به عنوان نرخ بهره قابل اعمال در این پرونده‌ها، دیوان به ماده ۷-۴-۹ (۲) اصول ۲۰۱۰ انستیتوی بین‌المللی هماهنگی حقوق خصوصی (UNIDROIT) نیز وقوف داشته است، که مقرر میدارد:

نرخ بهره، میانگین نرخ بهره بانکی وام کوتاه مدت به مشتریان تراز اول و قابل اعمال بر نوع ارز پرداختی در محل پرداخت است، و در مواردی که در محل چنین نرخ و وجود نداشته باشد، همان نرخ در کشوری که با ارز آن [کشور] پرداخت صورت می‌گیرد، ملاک خواهد بود. در نبود چنین نرخ و هر دو محل [گفته شده فوق] نرخ بهره، عبارت خواهد بود از نرخ مناسبی که قانون کشور صاحب ارز تعیین کرده است.<sup>۳۱۷</sup>

<sup>۳۱۶</sup> مراجعه کنید به: <http://www.federalreserve.gov/feeds/h15.html> (last visited 27 June 2014)

<sup>۳۱۷</sup> International Institute for the Unification of Private Law, UNIDROIT Principles of International

.Commercial Contracts (2010) art. 7.4.9 (2)

## ب- محاسبه نرخ بهره پیش از صدور حکم

## ۱- هزینه های ویژه دادرسی

۲۸۹- دیوان مقرر میدارد بهره ساده تا زمان صدور حکم بر هزینه های ویژه دادرسی که دیوان قابل جبران شناخته<sup>۳۱۸</sup> از زمانی که مفروض است ایران پرداخت را انجام داده باشد، سالانه محاسبه میشود.<sup>۳۱۹</sup> با این حساب، بهره پیش از صدور حکم بر هر یک از اقلامی که دیوان به نفع ایران حکم داد<sup>۳۲۰</sup> و به روش پیشگفته محاسبه شده،<sup>۳۲۱</sup> بشرح زیر است:

سال پرداخت	مبلغ پرداخت شده به دلار	تاریخ پرداخت	بهره تا صدور حکم به دلار
۱۹۸۱	۲,۱۶۷/۰۱	۱۹ مهر ۱۳۶۰	۵,۲۵۹/۷۳
۱۹۸۲	۱,۲۵۴/۶۹	۱۰ تیر ۱۳۶۱	۲,۸۹۹/۶۶
۱۹۸۳	۲۸,۶۵۹/۱۶	۱۰ تیر ۱۳۶۲	۶۲,۵۵۸/۸۰
۱۹۸۴	۵۵,۸۵۸/۳۲	۱۰ تیر ۱۳۶۳	۱۱۵,۵۵۴/۴۱
۱۹۸۵	۵,۵۲۷/۳۷	۱۰ تیر ۱۳۶۴	۱۰,۸۲۷/۳۲
۱۹۸۶	۷,۵۷۹/۸۵	۱۰ تیر ۱۳۶۵	۱۴,۱۵۵/۷۹
۱۹۸۷	۶۲۰/۱۳	۱۰ تیر ۱۳۶۶	۱,۱۰۶/۸۴
۱۹۸۸	۸۰۴/۲۰	۱۰ تیر ۱۳۶۷	۱,۳۶۴/۸۹
۱۹۸۹	۱,۷۱۴/۵۶	۱۰ تیر ۱۳۶۸	۲,۷۳۶/۸۸
۱۹۹۱	۲۲,۳۷۷/۳۷	۱۰ تیر ۱۳۷۰	۳۱,۳۱۷/۲۵
۱۹۹۲	۵,۲۲۸/۰۴	۱۰ تیر ۱۳۷۱	۶,۹۳۲/۱۵
۱۹۹۳	۱,۵۷۶/۳۵	۱۰ تیر ۱۳۷۲	۱,۹۹۳/۶۲
جمع	۱۳۳,۳۶۷/۰۵		۲۵۶,۷۰۷/۳۴

## ۲- هزینه های نظارت

۲۹۰- به همین منوال، بهره ساده تا زمان صدور حکم بر هزینه های نظارت، که دیوان قابل پرداخت یافته است، از تاریخ هائی که دیوان پرداخت آن هزینه ها را توسط ایران مفروض دانسته، تعلق خواهد گرفت. برای تسهیل امر دیوان فرض می کند که: (یک) ۷۰,۰۰۰ دلار آمریکا برای هزینه های نظارت مربوط به شک اند کیمبال<sup>۳۲۲</sup> در ۱۰ تیر ماه ۱۳۶۱ [اول ژوئیه ۱۹۸۲] پرداخت شد؛ (دو) ۷,۳۳۸/۱۲ دلار آمریکا هزینه های نظارت هفت مؤسسه حقوقی دیگر<sup>۳۲۳</sup> در ۱۰ تیر ماه ۱۳۶۲ [اول ژوئیه ۱۹۸۳] پرداخت شد؛ و (سه)

<sup>۳۱۸</sup> بنگرید به بندهای ۲۰۴-۱۹۴، بالا.

<sup>۳۱۹</sup> برای سهولت امر، دیوان فرض را بر این می گذارد که کلیه هزینه های پرداخت شده در سال مورد نظر در تاریخ واحدی در میانه دوره ذیربط پرداخت، صورت گرفته است.

<sup>۳۲۰</sup> بنگرید به بندهای ۱۹۵، ۱۹۶ و ۲۰۴، بالا.

<sup>۳۲۱</sup> بنگرید به بند ۲۸۸، بالا.

<sup>۳۲۲</sup> بنگرید به بند ۲۳۶، بالا.

<sup>۳۲۳</sup> بنگرید به بند ۲۳۹، بالا.



۷,۴۵۶/۶۰ دلار آمریکا بابت سایر هزینه‌های نظارت<sup>۳۲۴</sup> در ۱۰ تیر ماه ۱۳۶۲ [اول ژوئیه ۱۹۸۳] پرداخت شده است. بدین‌قرار بهره تا زمان صدور حکم بابت آن مبالغ، که مطابق روش مذکور در فوق محاسبه شده،<sup>۳۲۵</sup> به شرح آتی می‌باشد:

مبلغ پرداختی به دلار	تاریخ پرداخت	بهره تا زمان صدور حکم به دلار
۷۰,۰۰۰	۱۰ تیر ۱۳۶۱	۱۶۱,۷۷۳/۸۸
۷,۳۳۸/۱۲	۱۰ تیر ۱۳۶۲	۱۶,۰۱۸/۰۶
۷,۴۵۶/۶۰	۱۰ تیر ۱۳۶۲	۱۶,۲۷۶/۶۸
<b>جمع</b>		۱۹۴,۰۶۸/۶۲

### ۳- ماریوت "سایر خسارتها"

۲۹۱- بهره ساده تا زمان صدور حکم بر مبلغ ۵۰,۰۰۰ دلار آمریکا که به عنوان "سایر خسارات" در ارتباط با پرونده ماریوت<sup>۳۲۶</sup> حکم داده شد، از ۲۹ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] یعنی تاریخی که تعهد ایالات متحده برای ابطال قرار ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] دادگاه بدوی ایالت نیویورک محقق شد، تعلق خواهد گرفت. بهره متعلقه پیش از صدور حکم، مطابق محاسبه به روش پیشگفته<sup>۳۲۷</sup> ۱۲۳,۵۳۰/۴۱ دلار آمریکا می‌باشد.

### ۴- جمع بهره تا زمان صدور حکم

۲۹۲- بنابراین، جمع بهره تا زمان صدور حکم برای مبالغی که در حکم حاضر به ایران قابل پرداخت شناخته شد ۵۷۴,۳۰۶/۳۷ دلار آمریکا می‌باشد.

### پنج- کل مبلغ حکم

۲۹۳- در پرتو موارد پیشگفته، دیوان در این پرونده‌ها کلاً ۸۴۲,۴۶۸/۱۴ دلار آمریکا به نفع ایران حکم می‌دهد. این مبلغ شامل ۲۶۸,۱۶۱/۷۷ دلار آمریکا، جمع مبالغی که مطابق حکم حاضر به ایران قابل پرداخت یافته شد، و ۵۷۴,۳۰۶/۳۷ دلار آمریکا، مجموع بهره متعلقه به آن مبالغ، تا زمان صدور حکم می‌باشد. مضافاً دیوان بهره ساده پس از صدور حکم نسبت به مبلغ ۸۴۲,۴۶۸/۱۴ دلار آمریکا بر مبنای نرخ‌های جاری

<sup>۳۲۴</sup> بنگرید به بند ۲۴۱، بالا.

<sup>۳۲۵</sup> بنگرید به بند ۲۸۸، بالا.

<sup>۳۲۶</sup> بنگرید به بند ۲۸۱، بالا.

<sup>۳۲۷</sup> بنگرید به بند ۲۸۸، بالا.

متواتر بهره وام بانکهای تراز اول ایالات متحده برای دوره‌ای که پرداخت مبلغ حکم صورت نگرفته، به نفع ایران حکم می‌دهد.

### شش - حکم

۲۹۴ - نظر به مطالب پیشگفته،

### دیوان بشرح آتی مقرر میدارد:

(الف) در ادعای (الف)، دیوان مقرر میدارد که ایران اثبات کرده است که در ۸۴ پرونده، فراگیر ادعاهائی که احتمالاً در صلاحیت دیوان بود یا دربرگیرنده ادعاهائی بود که نزد دیوان به ثبت رسیده بود، پس از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] برای دفاع محتاطانه از منافع خود بطور معقول ناگزیر از حضور یا ثبت مدرک در دادگاههای ایالات متحده بود. در این محدوده، ایالات متحده به تعهد خود ذیل اصل کلی ب بیانیه عمومی، یا بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل، بسته به مورد، عمل نکرده است. دیوان همچنین مقرر میدارد که، در ارتباط با ۴۴ فقره از این پرونده‌ها، ایران اثبات کرده است که مجموعاً به مبلغ ۷۰،۱۴۴/۳۹ دلار آمریکا هزینه‌های ویژه دادرسی متحمل شده است. نتیجتاً، دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

(ب) در ادعای (د)، دیوان مقرر میدارد که ایران اثبات کرده است که در نتیجه حضور یا ثبت مدارک در دادگاههای ایالات متحده پس از ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] برای دفاع محتاطانه از منافع خود در نه پرونده که بعد از ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ثبت شد و احتمالاً در صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت یا در برگیرنده ادعاهائی بود که نزد دیوان به ثبت رسیده بود، متحمل هزینه‌های ویژه دادرسی به مبلغ ۵۶،۰۷۰/۳۲ دلار آمریکا شده است. نتیجتاً دیوان مبلغ ۵۶،۰۷۰/۳۲ دلار آمریکا به نفع ایران حکم می‌دهد.

(پ) در ادعای (ز)، دیوان مقرر میدارد که شش قرار توقیف صادره پس از ۲۳ آبانماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] لازم الاجرا ماند و فی‌الواقع برای اموال ایران پس از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] محدودیت ایجاد کرد. با خودداری از ابطال این قرارهای توقیف، ایالات متحده به تعهداتش ذیل اصل کلی ب بیانیه عمومی، برای ابطال به موقع قرارهای توقیف پس از ۲۳ آبانماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] عمل نکرده است. هزینه‌های متحمل شده ایران در دعوی مربوط به رفع آن قرارهای توقیف، در هزینه‌های ویژه دادرسی که دیوان در ادعای (الف) به نفع ایران حکم داد منظور شده است.

(ت) در ادعای (ح) دیوان مقرر میدارد دو فقره از احکام دادگاههای ایالات متحده علیه ایران که پس از ۲۸ تیر ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] برقرار بود، موضوع تعهد ایالات متحده ذیل بیانیه‌های الجزایر دائر بر ابطال احکام صادره علیه ایران، بوده است، که در ارتباط با آن ایران به شیوه‌ای معقول مجموعاً به میزان ۷,۱۵۲/۳۴ دلار آمریکا هزینه‌های حقوقی متحمل شده است. تا حدودی که ایالات متحده به تعهدات خود در بیانیه‌های الجزایر عمل نکرده است، دیوان مبلغ ۷,۱۵۲/۳۴ دلار آمریکا به نفع ایران حکم میدهد.

(ث) دیوان مقرر میدارد که هزینه‌هایی که ایران، بگونه‌ای معقول برای نظارت بر دادرسی‌های تعلیقی که علیه وی در ایالات متحده طرح شده بود، متحمل شده است اصولاً قابل جبران می‌باشد. بنابراین دیوان (یک) مبلغ ۷۰,۰۰۰ دلار آمریکا بابت خدمات نظارتی ارائه شده توسط شک اند کیمبال؛ (دو) مبلغ ۷,۳۳۸/۱۲ دلار آمریکا بابت خدمات نظارتی ارائه شده توسط هفت مؤسسه حقوقی دیگر؛ و (سه) مبلغ ۷,۴۵۶/۶۰ دلار آمریکا بابت سایر خدمات نظارتی، به نفع ایران حکم میدهد.

(ج) سرانجام، دیوان مبلغ ۵۰,۰۰۰ دلار آمریکا بابت "سایر خسارات" در ارتباط با پروندهٔ ماریوت، به نفع ایران حکم می‌دهد.

(چ) سایر ادعاهای ایران رد می‌شود.

(ح) مضافاً، دیوان مجموعاً مبلغ ۵۷۴,۳۰۶/۳۷ دلار آمریکا به عنوان بهره تا زمان صدور حکم به نفع ایران حکم می‌دهد.

(خ) با این حساب، مطابق حکم حاضر، خوانده، ایالات متحده آمریکا، مکلف است به خواهان، جمهوری اسلامی ایران، مبلغ هشتصد و چهل و دو هزار و چهارصد و شصت و هشت دلار آمریکا و چهارده سنت (۸۴۲,۴۶۸/۱۴ دلار آمریکا)، به اضافه بهره ساده به نرخ متواتر رایج وام بانک تراز اول در ایالات متحده برای دوره‌ای که مبلغ حکم پرداخت نشده است،پردازد.

(د) هر يك از طرفين مخارج داوري خود را عهده‌دار خواهد بود.

لايه، بتاريخ ۱۱ تير ماه ۱۳۹۳ برابر با دوم ژوئيه ۲۰۱۴

H. Houtt

هانس فان هوتت  
رئيس ديوان

Herbert Kroonke

هربرت كرونكه

Beaumont Broms

بنگت برومس

به نامه خدا

M. H. Akbari

مير حسين عابدیان کلخوران  
با لحاظ "نظر جداگانه  
مشترک" پیوست

به نام خدا

Charles D. Draper

چارلز ان. دراوئر  
بنگرید به نظر  
موافق و مخالف

Hamid Reza Nikbakhsh

حمیدرضا نیکبخت فیینی  
با لحاظ "نظر جداگانه  
مشترک" پیوست

به نام خدا

Amir Jahan

او. تامس جانسن  
بنگرید به نظر جداگانه،  
موافق در یک بخش و  
مخالف در یک بخش

Syed Jamal Sifyi

سید جمال سیفی  
با لحاظ "نظر جداگانه  
مشترک" پیوست

Gerrit Kirk McDaniel

گبرییل کرک مکدانلد  
بنگرید به نظر جداگانه،  
موافق در یک بخش و  
مخالف در یک بخش

## پیوست الف

1. Advanced Computer Tech. Corp. v. Information Sys. Iran Org. et al., 80-31 (S.D.N.Y.)
2. Aeromaritime,, Inc. v. Iran, 80-0477 (D.D.C.)
3. Allis-Chalmers Corp. v. Iran, 80-7294 (S.D.N.Y.)
4. American Motors Corp. et al. v. Iran, 80-2140 (D.N.J.)
5. Atlantic Richfield Co. et al. v. Lavan Petroleum, 79-6714 (S.D.N.Y.)
6. Backer, N. et al. v. Uiterwyk Corp. et al. v. Iran et al., 80-1288 (M.D. Fla.)
7. Bank of America Nat'l Trust & Savings Ass'n v. Iran et al., 79-3646 (N.D. Cal.)
8. Behring Int'l, Inc. v. Iran, 79-675 (D.N.J. & 3<sup>rd</sup> Cir.)
9. Blount Bros. Corp. et al. v. Iran et al., 79-1442 (W.D. Wash.)
10. Blount Bros. Corp. v. Iran et al., 79-2608 (S.D. Tex.)
11. Blount Bros. Corp. v. Iran et al., 79-3376 (D.D.C.)
12. Blount Bros. Corp. v. Iran et al., 79-3892 (N.D. Cal.)
13. Blount Bros. Corp. v. Iran et al., 79-4987 (C.D. Cal.)
14. Blount Bros. Corp et al. v. Iran et al., 79-5431 (N.D. Ill.)
15. Brown & Root, Inc. et al. v. Iran, 80-2042 (S.D. Tex.)
16. Brown & Root S.A. et al. v. Iran, 80-2961 (D. Md.)
17. Brown & Williamson Tobacco Co. v. Iranian Tobacco Co. et al., 81-0283 (S.D.N.Y.)
18. Cabot Int'l Capital Corp. et al. v. Iran, 79-3448 (D.D.C.)
19. Cabot Int'l Capital Corp. v. Iran et al., 80-0098 (S.D.N.Y.)
20. Cabot Int'l Capital Corp. v. Iran et al., 80-0565 (N.D. Cal.)
21. Chicago Bridge & Iron Co. v. Nat'l Iranian Oil Co. et al., 79-5411 (N.D. Ill.), 80-2377 (7<sup>th</sup> Cir.)
22. Chicago Bridge & Iron Co. v. Iran et al., 80-2864 (N.D. Ill.), 80-8064 (7<sup>th</sup> Cir.)
23. Combustion Eng'g v. Iran et al., 80-4094 (N.D. Cal.)
24. Combustion Eng'g v. Iran et al., 80-5420 (S.D.N.Y.)
25. Computer Sciences Corp. v. Iran et al., 80-0570 (C.D. Cal.)
26. Continental Mech. of Mid-East v. Iran Elec. Indus. et al., 3-79-1534-D (N.D. Tex.)
27. Control Data Corp. et al. v. Iran et al., 4-80-574 (D. Minn.)
28. Cotco Leasing Co. v. Uiterwyk Corp. v. Iran Express Lines et al., 80-706 (E.D. Pa.)

29. CTI-Container Leasing Corp. v. Uiterwyk Corp. v. Iran, 82-1400; 80-0313 (M.D. Fla.)
30. Daniel, Mann, Johnson & Mendenhall v. Iran et al., 80-0277 (C.D. Cal.), 81-8076 (9<sup>th</sup> Cir.)
31. Dresser Indus. et al. v. Iran et al., 80-1535 (N.D. Tex.)
32. First Chicago Int'l Bank Corp. v. Bank Melli Iran et al., 79-1002 (E.D. Wisc.)
33. First Nat'l Bank of Chicago v. Agricultural Dev. Bank of Iran et al., 79-1010 (E.D. Wisc.)
34. First Nat'l Bank of Chicago v. Iran, 79-4750 (C.D. Cal.)
35. First Wisconsin Nat'l Bank of Milwaukee v. Iran et al., 79-1001 (E.D. Wisc.)
36. Gifted, Inc. v. Bank Markazi Iran, 80-1007 (C.D. Cal.)
37. Granger Assoc. v. Iran, 80-0169 (N.D. Cal.)
38. Gulf Ports, 80-375 (S.D. Tex.) 81-2298 (5<sup>th</sup> Cir.)
39. Harza Engineering Int'l v. Iran, 80-1032 (D.D.C.)
40. Harza Engineering Int'l v. Iran et. Al., 80-2971 (N.D. Cal.)
41. Herman Blum Consulting Eng'rs., Inc. v. Iran et al., 80-0025 (N.D. Tex.)
42. Hoffman Export Corp. v. Iran, 80-0524 (C.D. Cal.), 81-5432 (9<sup>th</sup> Cir.)
43. Int'l Harvester Co. et al. v. Iran et al., 80-1714 (S.D. Cal.), 81-5643 (9<sup>th</sup> Cir.)
44. Int'l Schools Services, Inc. v. Iran, 80-0277, 80-0278, 80-0279 (D.N.J.)
45. Itek Corp. v. Iran et al., 79-1492 (N.D. Tex.)
46. Itek Corp. v. Iran et al., 79-2383-MA (D. Mass.)
47. Itek Corp. v. Iran, 79-6468 (S.D.N.Y.)
48. Kollmorgen Corp. v. Brown & Root S.A. v. Iran, 80-276 (D. Mass)
49. Lockheed Corp. v. Iran et al., 79-4697 (C.D. Cal.)
50. Mackay, J. v. Iran et al., EC 80-171 WK-P (N.D. Miss.)
51. McCollough & Co. v. Iran, 80-0021 (W.D. Wash.)
52. Mellon Int'l Finance Corp. v. Iran et al., 80-0018 (N.D. Cal.)
53. Mellon Bank, N.A. v. Iran, 80-0019 (N.D. Cal.)
54. Mellon Bank, N.A. v. Iran et al., 80-2092 (C.D. Cal.)
55. Mohajer-Shojaee, R. et al. v. Iran, 80-4097 (E.D. Mich.)
56. Mohtadi, J. et al. v. Iran, 80-4501 (E.D. Mich.)
57. Movsessian, M. v. Iran et al., 80-4478 (N.D. Cal.)
58. National Airmotive Corp. v. Iran et al., 79-3920 (N.D. Cal.)
59. Pan Am World Airways, Inc. et al. v. Bank Melli Iran et al., 79-1190 (S.D.N.Y.)

60. Pfizer, Inc. et al. v. Iran et al., 80-2791 (D.D.C.), 80-2541 (D.C. Cir.)
61. Philadelphia Nat'l Bank et al. v. Iran et al., 79-12686 (191<sup>st</sup> Jud. Dist. Tex.), 3-80-279-C (N.D. Tex.)
62. Philadelphia National Bank et al. v. Iran et al., 79-12687 (191<sup>st</sup> Jud. Dist. Tex.), 79-1509 (N.D. Tex.)
63. Philip Morris, Inc. v. Iran et al., 81-0238 (S.D.N.Y.)
64. Pullman Swindell et al. v. National Iranian Steel Co. et al., 81-0081 (S.D.N.Y.)
65. Raji, S. et al. v. Bank Sepah Iran et al., 20658/80 (Sup. Ct. N.Y.)
66. S.A. Enterprises Jan De Nul & Dragomar S.P.A. v. Brown & Root S.A. et al., 80-131 (S.D. Tex.)
67. Santa Fe Int'l Corp. v. Nat'l Iranian Oil Co. et al., 79-4780 (C.D. Cal.)
68. Sea-Land Services, Inc. v. Iran et al., 80-1097 (S.D.N.Y.)
69. Security Pacific Nat'l Bank v. Iran et al., 79-1047 (E.D. Wis.)
70. Security Pacific Nat'l Bank v. Iran et al., 79-4661 (C.D. Cal.)
71. Security Pacific Nat'l Bank v. Iran et al., 79-5206 (N.D. Ill.)
72. Security Pacific Nat'l Bank v. Iran et al., 79-6461 (S.D.N.Y.)
73. Smith Int'l, Inc. v. Iran et al., 80-4743-WMB (C. D. Cal.)
74. Starrett Housing Corp. et al. v. Iran et al., 79-1011 (E.D. Wis.)
75. Tchacosh Co. Inc. et al. v. Iran et al., 79-4932 (C.D. Cal.)
76. Touche Ross & Co. v. Iran, 80-0128 (C.D. Cal.)
77. Uiterwyk Corp. v. Iran et al., 80-2-0823-8 (Super. Ct., Clark County, Wash.)
78. Unidyne Corp. v. Iran et al., 80-1029 (E.D. Va.)
79. VSI Corp. v. Iran et al., 80-0591 (C.D. Cal.)
80. Watkins-Johnson Co. et al. v. Iran et al., 79-3963 (N.D. Cal.)
81. Wells Fargo Bank, N.A. v. Polyacryl Iran Corp. et al., 79-3554 & 79-3555 (N.D. Cal.)
82. Westinghouse Electric Corp. v. Iran et al., 80-6210 (S.D.N.Y.)
83. Xerox Corp. et al. v. Iran et al., 80-6080 (S.D.N.Y.)
84. Xtra, Inc. v. Uiterwyk Corp. et al., 79-1021 (M.D. Fla.)

## پیوست ب

1. Aeronutronic Overseas Services, Inc. v. Telecommunication Co. of Iran, C-82-6910 (N.D. Cal.)
2. American Hospital Supply Co. v. Iran et al., 81-1489 (N.D. Ill.)
3. Amir Carpet Corp. v. Iran Air et al., 2080-81 (Super. Ct. N.Y.)
4. Amoco Iran Oil Co. v. Iran et al., 82-0639 (D.D.C.)
5. Arco Exploration, Inc. et al. v. Iran et al., 82-1892 (D.D.C.)
6. Areyh Vera et al. v. Iran et al., 81-0995 (S.D.N.Y.)
7. Cross Co. v. Iran Tractor Manufacturing, 81-0166 (D.D.C.)
8. Flexi Van Leasing v. Iran et al., 82-0463 (D.D.C.)
9. Foremost McKesson, Inc. et al. v. Iran et al., 82-0220 (D.D.C.)
10. General Tire & Rubber Co. et al. v. Iran et al., 82-0114 (D.D.C.)
11. The President and Directors of Georgetown College v. Ferdowski University & Iran, 82-0262 (D.D.C.)
12. Gillette Co. et al. v. Iran, 81-3196 (D.D.C.)
13. Inbucon Int'l Ltd. v. Oil Services Co. of Iran et al., 81-0886 (D.D.C.)
14. Intercontinental Hotels Corp. v. Iran, 82-0408 (D.D.C.)
15. Interpool Ltd. v. Uiterwyk Corp. et al. v. Iran, 82-6716 (S.D.N.Y.)
16. Jafari, K. et al. v. Iran, 81-4043 (N.D. Ill.)
17. Moody Int'l (Middle East) Ltd. v. Nat'l Iranian Oil Co., 81-0885 (D.D.C.)
18. NIC Leasing, Inc. v. Uiterwyk Corp. v. Iran Express et al., 81-3866 (S.D.N.Y.)
19. Oil Field of Texas, Inc. v. Iran et al., 81-1287 (D.D.C.)
20. Otis Elevator Co. v. Iran et al., 82-3523 (D.D.C.)
21. Overseas Private Investment Corp. v. Iran et al., 82-0410 (D.D.C.)
22. Owens-Corning Fiberglass Corp. v. Iran et al., 82-0733 (D.D.C.)
23. Phelps Dodge Corp. et al. v. Iran et al., 82-0113 (D.D.C.)
24. Phillips Petroleum Co. v. Iran, 82-2226 (D.D.C.)
25. R.L. Pritchard & Co. v. Oregon Rainbow et al., 81-0886 (S.D.N.Y.)
26. Raygo Wagner Inc. v. Iran Express Terminal Corp. et al., 81-7241 (Hillsborough County Cir. Ct. Fla.)
27. Saghi, J. et al. v. Iran et al., 83-2165 (D.D.C.)
28. Seaco, Inc. v. Uiterwyk Corp. et al. v. Iran 82-3080 (S.D.N.Y.)



29. Uiterwyk Corp. v. Iran Express Lines et al., 81-0107 (M.D. Fla.)
30. Uiterwyk Corp. v. Iran Express Lines et al., 81-0108 (M.D. Fla.)
31. Westinghouse Electric Corp. v. Iran et al., 83-3837 (D. Md.)

## پیوست پ

1. American Motors Corp et al. v. Iran, 80-2140 (D.N.J.)
2. Backer, N. et al. v. Uiterwyk Corp. et al. v. Iran et al., 80-1288 (M.D. Fla)
3. Behring Int'l, Inc. v. Iran, 79-675 (D.N.J. & 3<sup>rd</sup> Cir.)
4. Blount Bros. Corp. v. Iran et al., 79-4987 (C.D. Cal.)
5. Blount Bros. Corp. v. Iran et al., 79-5431(N.D. Ill.)
6. Brown & Root S.A. et al. v. Iran, 80-2961 (D. Md.)
7. Cabot Int'l Capital Corp. et al. v. Iran, 79-3448 (D.D.C.)
8. Cabot Int'l Capital Corp. et al. v. Iran, 80-0565 (N.D. Cal.)
9. Chicago Bridge & Iron Co. v. Nat'l Iranian Oil Co. et al., 79-5411 (N.D. Ill.), 80-2377 (7<sup>th</sup> Cir.)
10. Chicago Bridge & Iron B, 80-2864, 80-8064 (N.D. Ill.)
11. Combustion Eng'g v. Iran et al., 80-4094 (N.D. Cal.)
12. Computer Sciences Corp. v. Iran et al., 80-0570 (C.D. Cal.)
13. Continental Mech. of Mid-East v. Iran Elec. Indus. et al., 3-79-1534-D (N.D. Tex.)
14. Cotco Leasing Co. v. Uiterwyk Corp. v. Iran Express Lines et al., 80-706 (E.D. Pa.)
15. Dresser Indus. et al. v. Iran et al., 80-1535 (N.D. Tex.)
16. First Chicago Int'l Bank Corp. v. Bank Melli Iran et al., 79-1002 (E.D. Wisc.)
17. First Nat'l Bank of Chicago v. Agricultural Dev. Bank of Iran et al., 79-1010 (E.D. Wisc.)
18. Gifted, Inc. v. Bank Markazi Iran, 80-1007 (C.D. Cal.)
19. Herman Blum Consulting Eng'rs., Inc. v. Iran et al., 80-0025 (N.D. Tex.)
20. Hoffman Export Corp. v. Iran, 80-0524 (C.D. Cal.) 81-5432 (9<sup>th</sup> Cir.)
21. Int'l Harvester Co. et al. v. Iran et al., 80-1714 (S.D. Cal.), 81-5643 (9<sup>th</sup> Cir.)
22. Int'l Schools Services, Inc. v. Iran, 80-0277, 80-0278, 80-0279 (D.N.J.)
23. Itek Corp. v. Iran et al., 79-1492 (N.D. Tex.)
24. Itek Corp. v. Iran et al., 79-2383-MA (D. Mass.)
25. Itek Corp. v. Iran et al., 79-6468 (S.D.N.Y.)
26. Kollmorgen Corp. v. Brown & Root S.A. v. Iran, 80-276 (D. Mass)
27. Lockheed Corp. v. Iran et al., 79-4697 (C.D. Cal.)
28. Mackay, J. v. Iran et al., EC 80-0171 WK-P (N.D. Miss.)
29. Mohajer-Shojaee, R. et al. v. Iran, 80-4097 (E.D. Mich.)

30. Mohtadi, J. et al. v. Iran, 80-4501 (E.D. Mich.)
31. National Airmotive Corp. v. Iran et al., 79-3920 (N.D. Cal.)
32. Pfizer, Inc. et al. v. Iran et al., 80-2791 (D.D.C.), 80-2541 (D.C. Cir.)
33. Raji, S. et al. v. Bank Sepah Iran et al., 20658/80 (Sup. Ct. N.Y.)
34. Santa Fe Int'l Corp. v. Nat'l Iranian Oil Co. et al., 79-4780 (C.D. Cal.)
35. Security Pacific Nat'l Bank v. Iran et al., 79-1047 (E.D. Wis.)
36. Smith Int'l, Inc. v. Iran et al., 80-4743-WMB (C. D. Cal.)
37. Starrett Housing Corp. et al. v. Iran et al., 79-1011 (E.D. Wis.)
38. Tchacossh Co. Inc. et al. v. Iran et al., 79-4932 (C.D. Cal.)
39. Touche Ross & Co. v. Iran, 80-0128 (C.D. Cal.)
40. Uiterwyk Corp. v. Iran et al., 80-2-0823-8 (Super. Ct., Clark County, Wash.)
41. VSI Corp. v. Iran et al., 80-0591 (C.D. Cal.)
42. Watkins-Johnson Co. et al. v. Iran et al., 79-3963 (N.D. Cal.)
43. Wells Fargo Bank, N.A. v. Polyacryl Iran Corp. et al., 79-3554 & 79-3555 (N.D. Cal.)
44. Xtra, Inc. v. Uiterwyk Corp. et al., 79-1021 (M.D. Fla.)